

کیمھان

۴۲۶

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۳ تا ۹ شهریور ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهلیم - شماره ۱۸۹۲

جمهوری اسلامی در گرداب



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۹۲ (۴۲۶)

جمعه ۳ تا ۹ شهریور ماه ۱۴۰۲

۲۵ تا ۳۱ اوت ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴	سر مقاله - تعادل و توازن ضرورت همزیستی / الاهی بقراط
۴-۵	جمهوری اسلامی در گرداب... / روشنگ آسترکی
۶-۷	تداوم موج بازداشت هادر آستانه سالگرد اعتراضات به «خانواده‌های»
۷	موج انتقادات از دولت بایدن برای باج دادن به ملاحا... /
۸-۱۰	چالش‌های بزرگ آمریکادر انتخابات آینده... / نادر صدیقی
۱۰	حضور اسماعیل قآنی در کربلا همزمان با عملیات نظامی آمریکا... /
۱۱	شاهزاده کری!... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۴	آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۷)... / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴	هشدار وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی: مهم‌ترین نقشه دشمن بی‌ثبات‌سازی و... /
۱۵	«بخت» یار پناهجویان ایرانی در آلمان... /
۱۶	بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران، نوستالژی به یادگار مانده از... / فرزاد یوشانلو
۱۶-۱۷	تعداد بیشتری از دادخواهان بازداشت شدند... /
۱۸	افزایش آمار تلفات در بین پرسنل نیروی انتظامی... /
۱۹	«یکدست‌سازی» دانشگاه‌ها با اخراج اساتید مرده‌می و جذب ۱۵۰۰۰... /
۲۰-۲۱	فرار نیروی متخصص از ایران؛ احتمال واردات پزشک و دندانپزشک از... /
۲۱-۲۲	بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل... /
۲۲-۲۳	پایان بررسی لایحه حجاب و عفاف در پستوی کمیسیون قضایی مجلس... /
۲۴-۲۵	فاکس نیوز: انتقاد از باج‌دهی دولت بایدن به جمهوری اسلامی بارها کردن سه... /
۲۵-۲۶	رد پای شکست سیاست فیلتر بنگ در گزارش صنایع و معادن مجلس... /
۲۶-۲۷	روزنامه تایمز: درباره فعالیت‌های «کانون توحید لندن» وابسته به... /
۲۸-۲۹	واکنش گسترده به محکومیت سازنده و تهیه‌کننده فیلم «پرادران لیلا»... /
۲۹	برگزاری «مجمع عالی فرماندهان سپاه»: هشدار در مورد اقدامات دشمن... /
۳۰	آغاز نشست کشورهای «بریکس» و تقاضای عضویت جمهوری اسلامی... / احمدرأف
۳۱	اختلاف نظر در «بریکس» برای پذیرفتن اعضای جدید... / احمدرأف
۳۲-۳۳	دفاع رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی از سانسور و عدم انتشار... /
۳۳-۳۴	مجتبی واحدی: سناریوهای ناشیانه رژیم در توجیه بمب‌گذاری در... / احمدرأف
۳۴-۳۵	افزایش ۴۰ درصدی آمار خودکشی بر بستر بحران‌های اقتصادی و معیشتی... /
۳۶-۳۷	وزارت اطلاعات مدعی شد: بازداشت «آخرین» مظنون حمله مسلحانه شاهچراغ... /
۳۷	رسانه‌های کره جنوبی: شش میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران به سوئیس... /
۳۸	به خواست علی خامنه‌ای کرانه باختری، اردوگاه ترور بست‌ها علیه اسرائیل شده... /
۳۹	همایش «مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» در جمهوری اسلامی!... /
۴۰-۴۱	مصدق، اسطوره دموکراسی یا نخست‌وزیری قابل نقد؟... / امیر رت
۴۲	تخلیه شماری از مدارس تهران و اصفهان به دلیل «فرونشست زمین»... /
۴۳	مساجد، هیأت‌های مذهبی و کفن پوشان... /
۴۴	باج ۴۰۰ میلیون دلاری او با ما به ملاحا قیمت‌گر و گناه‌ها را ۱۵۱ برابر کرد!... /
۴۵	تأیید احکام هشت بازداشت‌شده پرونده معروف به «اتوبان کرج»... /
۴۶-۴۷	هشدار وحشت‌زده‌ی قوه قضاییه به شهر و ندان: به اعتراضات خیابانی نروید!... /
۴۷	ابراهیم گلستان نویسنده و فیلمساز ایرانی درگذشت... /
۴۸	مهر داد فرید آهنگساز و رهبر ارکستر: تعهد سیاسی و اجتماعی هنرمند... /
۴۹	۲۷۵ میلیون یورو هز بنه‌لیک فوتبال عربستان... /
۵۰	«بمب در جعبه شراب هواپیمای حامل پریگوژین؟!»... /
۵۰-۵۱	نظر سنجی دیگری از «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی»: مدافع چه هستیم؟!... /
۵۱	وعده فرمانده نیروی زمینی ارتش روسیه برای ارتقاء همکاری با ارتش... /
۵۲	پشت جلد - عکس هفته / ماشاالله کر می پدر محمد مهدی کر می

بازنشر
بازنشر



جمهوری اسلامی در گرداب

سرمقاله

تعال و توازن ضرورت همزیستی

تکامل جوامع بشری همواره با فراز و نشیبی روبرو بوده که جنگ و درگیری یکی از ویژگی‌های ناگزیر آن به شمار می‌رفت. قرن‌ها این جوامع از نظر سیاسی و اقتصادی روندی را از سر می‌گذراندند که بدون جنگ، یکنواخت و راکد به نظر می‌رسید. تمامی نقش‌ها در آن از بالا به پایین تعریف شده بود و هر کسی جایگاه طبقه‌بندی شده‌ی خود را ازلی و ابدی و تغییرناپذیر می‌دانست. با تحولات علمی و فنی دو قرن نوزده و بیست بر بستر دوران روشنگری و خرد، ناگزیر نظم قرون گذشته نیز بهم ریخت. همه اینها خودآگاهی فردی و اجتماعی و مفهوم آزادی و حق را در



کنار گسترش آموزش، به امری همگانی تبدیل کرد.

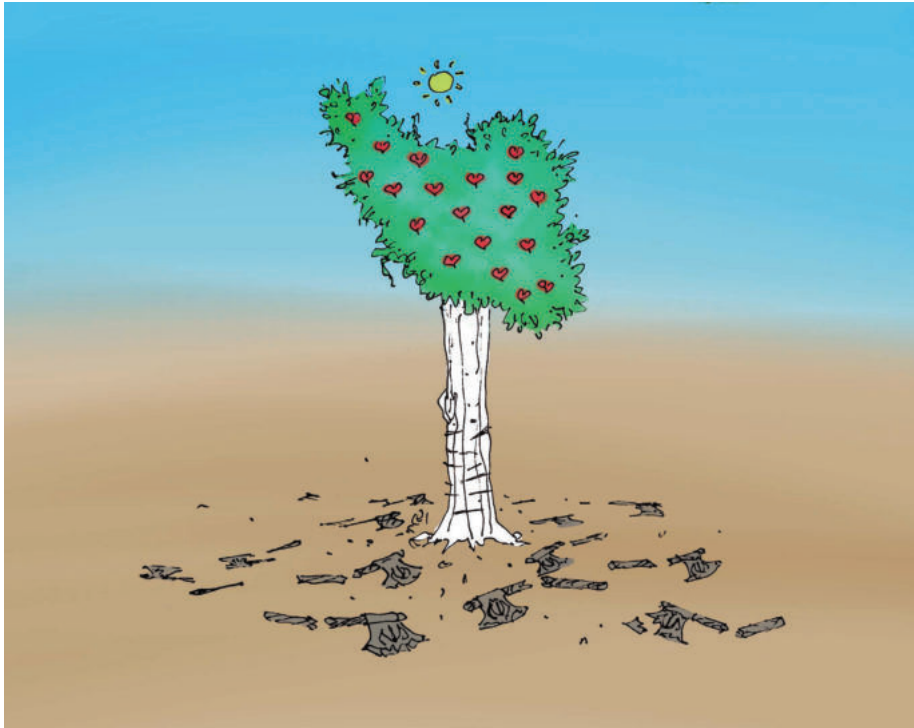
قرن بیست و یکم با توجه به گسترش پلتفرم‌های اجتماعی و ارتباطات جهانی، دوران گفتگو، تبادل و تقابل نظرات، گفت و شنید و همزمان بروز افراطیون و متعصبانی است که قانون آنها را مهار کرده است. اسلامگرایان هیچ زمان به اندازه بیست سال گذشته مخاطب پیدا نکردند. همین به نوبه‌ی خود منجر به افزایش مخاطبان مخالفان آنها از جمله در میان راست‌های افراطی شد بدون آنکه بسیاری از این مخالفان هیچ همخوانی با افراطیون راست داشته باشند.

در این میان، در برخی کشورهای غربی، افراطیون به اصطلاح سبز و چپ و آنهایی که اهل حرف و رؤیاپروری هستند ولی در عمل کابوس تحویل می‌دهند، پس از آنکه موضوع محیط زیست ظاهراً دیگر از مد افتاده، البته بدون آنکه آنها مشکلی از محیط زیست را حل کرده باشند، به سراغ انواع هویت‌ها از جمله جنسیتی (جندر Gender) رفته و به اسم آموزش و ترویج بردباری، کودکان را هدف گرفته‌اند. حال باید دید دموکراسی‌ها و دولت‌های این کشورها تا چه اندازه می‌توانند از کودکان که آنها را آینده‌ی خود می‌دانند، در برابر این فناتیک‌های افراطی که از سوی تعادل‌گرایان سبز و چپ و ال‌جی‌بی‌تی نیز رد می‌شوند، محافظت کنند.

افراطیون سبز و سرخ در این کشورها در تناقضی عجیب در حالی یک دست به سوی مذکرهای مسلمان و دست دیگر به سوی افراطیون جنسیتی دراز کرده و با آغوش باز از اولی در کشورهای خود استقبال می‌کنند که آنها خنجر خود را دیر یا زود برای سر بریدن دومی بیرون خواهند کشید!

تمام موضوع بر سر اینست که تقابل افراطیون متضاد که یکدیگر را تقویت می‌کنند، به جامعه و شهروندانی که سر و کاری با آنها ندارند ضربه می‌زند و بطور خزنده ریشه‌های دموکراسی را می‌جوید چرا که جامعه بطور طبیعی شروع می‌کند در برابر افراطیون از خود محافظت کند و این معمولاً به قربانی شدن آزادی در برابر امنیت منجر می‌شود! همزیستی آزادی و امنیت فقط با مهار و انزوای افراطیون ممکن است و نه زمانی که آنها جولان می‌دهند!

یکی از جلوه‌های دموکراسی یعنی همزیستی در تعادل و توازن. افراطیون از هر عقیده و جنسی که باشند، ویروس این همزیستی هستند. برای ایرانیان که افراطیگری اسلامی زندگی آنها را بیش از چهار دهه تباه کرده و چشم‌انداز رهایی از آن بیش از همیشه روشن است، خطر در اینست که برخی بخواهند افراطیگری تازه‌ای را بطور تصنعی به جامعه و فضای سیاسی تزریق کنند!



● افزایش تنش‌های درون حکومتی وجه دیگری از هراس «خودی»‌ها را درباره بروز اعتراضاتی که اینبار قابل «جمع کردن» نباشد، به نمایش گذاشته است.

تنها سه هفته مانده به سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۲ جمهوری اسلامی با شرایط پیچیده‌ای روبرو شده است. از یکسو مقامات نظام به شدت نگران بروز اعتراضاتی

گسترده و سراسری از سوی مردم در سالگرد اعتراضات هستند و همین موضوع تنش‌های درون حکومتی را افزایش داده، و از سوی دیگر ناکارآمدی حکومت بر میزان نارضایتی‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی افزوده است. جمهوری اسلامی طی هفته‌های گذشته با سرعت بخشیدن به ماشین سرکوب فعالان صنفی و سیاسی و مدنی، و خانواده‌های دادخواه، تلاش دارد هرگونه ابزار و پتانسیل هماهنگی برگزاری اعتراضات را محدود کند.

اظهارات مقامات جمهوری اسلامی درباره اعتراضات ۱۴۰۲ در هفته‌های منتهی به ۲۵ شهریور و سالگرد اعتراضاتی که در پی قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، بازتاب نگرانی و وحشت حکومت از اعتراضات سراسری در هفته آخر شهریورماه است. اظهارات مقامات جمهوری اسلامی هرچند با تکرار توهم «دشمن» و خط و نشان کشیدن و تهدید شهروندان همراه است اما در عمل بیانگر وحشت اتاق‌های فکر نظام است.

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی هفته گذشته با هشدار نسبت به «برنامه‌های دشمن» در سالگرد اعتراضات، خواستار «انسجام بیشتر جامعه اطلاعاتی حامی حکومت» و «تقویت مضاعف تلاش رسانه‌ای و سایبری نهادهای حکومتی» شد.

همچنین مجمع عالی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز یک ماه مانده به سالگرد اعتراضات و پس از چهار سال وقفه با علی خامنه‌ای دیدار کرد. رهبر جمهوری اسلامی در این دیدار درباره احتمال وقوع «بحران‌های متعدد» هشدار داد و گفت که دشمن «یک روز به بهانه انتخابات، یک روز به بهانه بنزین و یک روز به بهانه زن» در ایران بحران ایجاد می‌کند. حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز دهم امرداد درباره احتمال آغاز موج جدیدی از اعتراضات در سالگرد اعتراضات سال گذشته هشدار داد و گفت: «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او ادعای دست داشتن دیگر کشورها در اعتراضات مردمی سال گذشته را تکرار کرد و آمریکا و غرب را عامل اعتراضات ضدحکومتی در ایران دانست و گفت که اعتراضات سال گذشته، «قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین» بود. مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها هم آخر تیرماه در جمع معاونین بسیج اساتید کشور هشدار داده بود که آغاز مجدد اعتراضات مردمی می‌تواند از دانشگاه‌ها باشد. او تأکید کرده بود که «دشمن اگر نتواند در سالگرد اغتشاشات کاری کند شکست می‌خورد و آنها [دشمن] اعلام کرده‌اند دانشگاه اولین جایی است که باید اغتشاشات جدید راه‌اندازی شود.» جدا از هشدارها و نگرانی‌های مقامات ارشد حکومت، افزایش تنش‌های درون حکومت نیز وجه دیگری از هراس «خودی»‌ها درباره بروز اعتراضاتی را که اینبار ممکن است قابل «جمع کردن» نباشد به نمایش گذاشته است. برای نمونه نمایندگان «انقلابی» مجلس یازدهم که از حامیان سرسخت دولت ابراهیم رئیسی بودند، دولت را هدف انتقادهای خود قرار داده و بی‌پرده از ناکارآمدی و ناتوانی مدیریتی دولت رئیسی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی،

شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند. در یک نمونه در روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۳ خرداد ۱۳ فعال مدنی و حقوق زنان در استان گیلان بطور همزمان و در چندین شهر مختلف این استان بازداشت شدند. وزارت اطلاعات ساعاتی پس از این بازداشت فلهای با صدور بیانیهای از اتهامات سنگینی از جمله دیدن دوره براندازی نرم در خارج کشور خبر داد.

دانشگاهها از دیگر اهداف سرکوب حکومت هستند و تنها در هفته گذشته ۴۰ دانشجو در دانشگاههای مختلف با احضار به کمیته انضباطی مورد بازجویی و احضار قرار گرفتند. بخشی از «یکدستسازی» فضای دانشگاهها با اخراج اساتید مردمی که سال گذشته از جنبش دانشجویی و اعتراضات حمایت کرده بودند، و جذب ۱۵۰۰۰ استاد «خودی» در حال انجام است.

همچنین طرحی با عنوان «طرح حامیم دو» (توانمندسازی دانشجویان فعال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) با هدف «شبهسازی» و «سازماندهی» دانشجویان حامی حکومت در دانشگاههای سراسر کشور در حال اجراست. تلاش برای محدود ساختن دانشجویان تا آنجا پیش رفته که پیشنهاد آنلاین شدن کلاسها تا دهم مهرماه نیز با تلاش شهرداری تهران در حال پیگیری است.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» نیز گزارش داده که در حال حاضر دهها فعال صنفی کارگری و آموزگار زندانی محکوم به حبس هستند و دههای فعال صنفی نیز احضار شده و یا پروندههای قضایی باز داشته و اصطلاحاً «زیر حکم» هستند.

فعالان سیاسی زیادی نیز در شهرهای مختلف کشور بازداشت یا به دادرسی فراخوانده شدهاند و بخشی از فعالان سیاسی و شهروندانی که در اعتراضات سال گذشته بازداشت شدند نیز از سوی نهادهای امنیتی تهدید شدهاند که اقدامی برای برگزاری اعتراضات یا شرکت در تجمعات احتمالی نداشته باشند.

همچنین در روزهای گذشته ماشین سرکوب نظام علیه خانوادههای دادخواه فعال شده است. در روزهای منتهی به سالگرد اعتراضات صدها فعال با پروندههای باز قضایی درگیر، یا بازداشت هستند. خانواده جانباختگان اعتراضات سال گذشته زیر شدیدترین موج فشارهای امنیتی قرار گرفتهاند بطوری که بسیاری از آنها بازداشت یا به زندان محکوم شده، و برخی دیگر زیر فشارهای امنیتی مجبور به توقف فعالیت در شبکههای اجتماعی شدهاند.

فشارهای گسترده امنیتی و قضایی بر خانوادههای دادخواه نشان از هراس و استیصال حکومتی دارد که حتی افراد داغدار و سوگوار را که از عزیزانشان یک سنگ مزار باقی مانده نیز تهدیدی علیه خود ارزیابی می‌کند.

از سوی دیگر در قالب مبارزه با «بی‌حجابی» و طرح عفاف و حجاب تمام نیروهای سرکوبگر «آتش به اختیاری» و لباس‌شخصی، به کمک بخش‌های مختلف نیروی انتظامی در سطح شهرها جامه‌هایی شده‌اند تا کوچکترین تحرکات مردم را زیر نظر بگیرد و بسیج نیروهایش را برای سرکوب نخستین حلقه‌های اعتراضی مردم را آماده داشته باشد.

اینهمه بیانگر این واقعیت است که حتی اگر در سالگرد جنبش ملی، اعتراضات و تجمعاتی شکل نگیرد اما جمهوری اسلامی خود را در ایستگاه آخر ارزیابی کرده و چنان از قدرت مردم متحد و یکپارچه هراس دارد که از همه ابزارها و توان خود برای مسدود کردن فضای اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کند تا فقط فروپاشی خود را عقب بیاورد بدون آنکه بداند آن موج سنگین نهایی کی خیز برداشته و آن را غرق خواهد کرد.

روشنگ آسترکی

منتشرشده از روند آزاد شدن پول‌های بلوکه شده نشان می‌دهد قرار نیست وجهی در اختیار جمهوری اسلامی قرار بگیرد و هزینه کردن این منابع همچنان تحت نظر



ایالات متحده و تنها برای واردات برخی کالاهای اساسی و دارو خواهد بود. با اینهمه دولت نمایشی از گشایش ویژه اقتصادی و باز شدن قفل رکود تورمی به راه انداخته تا بتواند مردم را در امیدواری به نتایج معامله جدید حکومت با دولت بایدن منتظر نگه دارد و برای مدتی کوتاه هم که شده زمان بخرد!

در آنسو نیز دستکاری و سانسور آمار در دستور کار دولت و رسانه‌های حامی‌اش قرار دارد تا به این شکل «صورت مسئله پاک شود» و مقامات دولتی با تکیه بر آمارهای مخدوش، لاف «دستاوردی» اقتصادی از جمله کاهش تورم بزنند.

صحنه نمایشی که دولت رئیسی آرایش داده اما نمی‌تواند مردمی را که با رنج و دشواری روزگار سپری می‌کنند و پنجه در پنجه فقر و فلاکت هستند تحت تأثیر قرار دهد. بی‌خاصیت بودن صحنه‌گردانی دولت چنان عیان شده که حتی رسانه‌های حکومتی و مقامات و تحلیلگرانی که به نوعی به ساختار حکومت متصل هستند نیز زبان به انتقاد گشوده و به دولت هشدار می‌دهند. بازی دولت برای مدیریت افکار عمومی با شعارها و ادعاهای نخبه‌ها شده، چنان توهین‌آمیز و علیه شعور مردم است که نتیجه معکوس داده و بر ظرفیت‌های اعتراضی افزوده است.

سرکوب، همچنان کارآمدترین نسخه حکومت در بُعدی دیگر، جمهوری اسلامی نسخه همیشگی سرکوب عریان و بی‌پروا را از هفته‌ها پیش در دستور کار قرار داده تا هر روزنه‌ای را که ممکن است اعتراضات از آنجا جرقه خورده یا سرریز شود مسدود کند.

پرونده‌سازی، بازداشت، احضار، تهدید، و صدور احکام قضایی علیه فعالان سیاسی و مدنی و صنفی شدت گرفته است. مرکز حقوق بشر ایران در گزارشی اعلام کرده که در حدود سه هفته گذشته ۲۲ فعال مدنی و حقوق‌بشر در

اجتماعی و محیط زیست می‌گویند. همچنین جناح اصلاح‌طلب نیز با حملات پی در پی به دولت رئیسی، نه تنها با جناح رقیب تسویه حساب می‌کند، بلکه به دنبال کسب

حداقل پایگاه اجتماعی نزد مردمی است که ممکن است در هفته‌های آینده بار دیگر با شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه نمومه ماجرا» به خیابان بیایند و کلیت نظام و جناحین آن را زیر ضرب بگیرند.

تقویت پتانسیل ناراضی‌ها توسط حکومت آن روی سکه‌ی هراس مقامات از آغاز موج جدید اعتراضات، عواملی است که بر ناراضی‌های عمومی افزوده و پتانسیل‌های اعتراضاتی را در میان اقشار مختلف تقویت می‌کند.

وضعیت اقتصادی که سال‌هاست از سوی بسیاری از تحلیلگران پاشنه آشیل جمهوری اسلامی به شمار می‌رود در ماه‌های گذشته رو به وخامت گذاشته است. در حالی که رکود تورمی و گرانی سبب افزایش فقر و فلاکت شده و بیش از نیمی از خانوارهای کشور برای تأمین نیازهای روزمره و ضروری با مشکلات متعدد روبرو هستند. آثار ناشی از فقر، از جمله خودکشی و یا پدیده‌هایی چون بی‌خانمانی و مهاجرت گسترده شهروندان از کشور نیز به اوج خود رسیده است.

دولت ابراهیم رئیسی طی دو سال گذشته با «خبردرمانی» و «وعده و وعید» تلاش داشت از ناراضی‌های عمومی بکاهد اما با بی‌اثر شدن چنین ترفندهایی و در آستانه سالگرد اعتراضات، تلاش دارد با راضی کردن اصناف مختلف دست‌کم از پیوستن صنوف و بازاریان به اعتراضات احتمالی مردم جلوگیری کند. از جمله می‌توان به خبرهایی درباره فاصله گرفتن از قیمت‌گذاری دستوری و اجازه آزادسازی قیمت‌ها در برخی اصناف و صنایع مانند صنف لوازم صوتی و تصویری اشاره کرد.

همچنین خبر آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران در ازای آزادی گروگان‌های دوتابعیتی نیز از دیگر ابزارهای دولت برای مدیریت افکار عمومی در کشور است. اطلاعات

تداوم موج بازداشت‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات به «خانواده‌های دادخواه» رسید



جانباختگان میهن در سال ۱۴۰۱

آخرین استوری من تا بعد از سالگرد حدیث است و از شما تقاضا دارم که برای سالگرد حدیث کسی سر خاک حدیث نیاید چون مراسم نمی‌گیریم.»

همزمان متن مشابهی نیز در صفحه اینستاگرام علی روحی پدر حمیدرضا روحی از جانباختگان جنبش ملی نیز منتشر شد که در آن نوشته شده بود: «این آخرین استوری بنده تا سالگرد حمیدرضا است.»

در ادامه متن منتشر شده در صفحه اینستاگرام علی روحی آمده بود که «بابت تمامی زحماتی که برای زنده نگهداشتن نام و یاد پسرمان می‌کشید از همه شما ممنونم و دست بوستان هستم. نام و یاد تمامی شهدای وطن جاوید و ماندگار.»

پوریا روحی برادر حمیدرضا روحی نیز در متن مشابهی نوشته که از قطع فعالیت‌ها در صفحه اینستاگرامش خبر داده و از کسانی که طی ۹ ماه گذشته «به هر نحوی سعی در زنده نگهداشتن یاد و خاطره حمیدرضا روحی» داشته‌اند تشکر شده بود.

پوریا روحی در این متن با هشتگ «علیه فراموشی» تأکید کرده بود که «به اطلاع می‌رسانم که تا سالگرد برادرم از ادامه فعالیت در این صفحه معذورم.»

نهادهای امنیتی پرونده‌سازی علیه خانواده‌های دادخواه را از چند ماه پیش آغاز و تلاش کرده‌اند که با زیر فشار قرار دادن خانواده‌ها حتی مانع برگزاری مراسم سالگرد عزیزانشان شوند. سالگرد جانباختگان اعتراضات سال گذشته از ۲۵ شهریورماه و با سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی آغاز و در روزهای بعد و به مدت چند ماه ادامه خواهد یافت.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیز صدور احکام قضایی علیه فعالان صنفی و سیاسی و مدنی، و معترضان سال گذشته را سرعت بخشیده است. برای نمونه صادق محمودنژاد از آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات ۱۴۰۱ در پیرانشهر از سوی دادگاه کیفری این شهر با اتهام «تحریک مردم از

در نزدیکی مثل قو در استان مازندران جان باخت. وبسایت «هرانا» ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران نیز گزارش داده که روز پنجشنبه ۲۶ مرداد مهسا بصیر توانا خواهر دادخواه مهران بصیر توانا از جانباختگان اعتراضات سال گذشته در فومن بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

مهران بصیر توانا جوان اهل شهر فومن روز ۲۵ آبان ۱۴۰۱ همزمان با سالگرد کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸، در اعتراضات شهر صومعه‌سرا با اصابت گلوله جنگی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی زخمی و سه روز بعد در بیمارستان درگذشت. همچنین روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ نیز حسن درافتاده و هاجر برزنجی، پدر و مادر کومار درافتاده از نوجوانان جانباخته در اعتراضات سال گذشته بازداشت شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. همزمان دیگر فرزندان خانواده، ماردین، ژکاف، میدیا و افسانه درافتاده نیز برای ساعاتی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. ژکاف کوچکترین عضو این خانواده تنها شش سال دارد!

نهادهای امنیتی همچنین در آستانه سالگرد اعتراضات خانواده‌های دادخواه را برای عدم فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و برگزاری مراسم سالگرد جانباختگان زیر فشار قرار داده‌اند.

روز شنبه ۲۱ مرداد متن در صفحه اینستاگرام شیرین نجفی خواهر دادخواه حدیث نجفی از جانباختگان اعتراضات سال گذشته منتشر شد که آن تأکید شده بود «این آخرین استوری من تا بعد از سالگرد حدیث» است.

در این متن از قول شیرین نجفی آمده بود «با سلام و عرض ادب خدمت تمام کسانی که در این چند ماه در کنار ما بودند، با ما همدردی کردند و ما را تنها نگذاشتند و یاد و نام حدیث را زنده نگه داشتند از تک تک تان ممنونم. این

بازداشت، احضار، تهدید، تشکیل پرونده قضایی و محکومیت به زندان و دیگر مجازات‌ها از جمله ابزارهای سرکوب فعالان مدنی و سیاسی و دادخواهان است.

کوروش وزیر همسر دادخواه شیرین عزیززاده، مهسا بصیرتوانا خواهر دادخواه مهران بصیر توانا و اعضای خانواده کومار درافتاده در روزهای گذشته بازداشت شدند.

برخی از اعضای خانواده دادخواهان با انتشار متنی در شبکه‌های اجتماعی از توقف فعالیت مجازی تا پس از سالگرد عزیزانشان خبر داده‌اند که نشان از فشار نهادهای امنیتی دارد.

سرکوب شهروندان توسط نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی به خانواده‌های دادخواه رسیده و طی روزهای گذشته چند عضو این خانواده‌ها بازداشت شده و آنها برای برگزار نکردن مراسم سالگرد عزیزانشان زیر فشار قرار گرفته‌اند.

موج سرکوب شهروندان توسط جمهوری اسلامی در آستانه سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ افزایش یافته است. بازداشت، احضار، تهدید، تشکیل پرونده قضایی و محکومیت به زندان و دیگر مجازات‌ها از جمله ابزارهای سرکوب فعالان مدنی و سیاسی و دادخواهان است. نهادهای امنیتی حکومت تلاش دارند با چنین اقداماتی از تشکیل اعتراضات خیابانی در

سالگرد اعتراضات سال گذشته جلوگیری کنند.

کوروش (محمد) وزیر همسر دادخواه شیرین عزیززاده از جانباختگان اعتراضات سال گذشته روز پنجشنبه ۲۶ مرداد توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد.

بنابر گزارش منابع حقوق بشری، وی پس از برگزاری مراسم زادروز همسرش بر مزار او در آرامستان باغ رضوان اصفهان، مقابل چشم فرزند خردسالش بازداشت شده است.

شیرین عزیززاده مادر ۳۶ ساله‌ی اهل اصفهان ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ در جریان خیزش ملی ایران در حالی که در کنار همسر و فرزندش در اتومبیل، در حال فیلمبرداری از

اعتراضات بود با شلیک مستقیم مأموران جمهوری اسلامی



موج انتقادات از دولت بایدن برای باج دادن به ملاها شاهزاده رضا پهلوی: این معامله توهین به ملت ایران است

بگذار محروم هستند. متأسفانه میلیاردها دلاری که دولت بایدن به عنوان باج برای پنج گروگان در اختیار رژیم قرار خواهد داد، از رنج هموطنان من کم نخواهد کرد. این درآمد بادآورده در خدمت تأمین مالی فعالیت‌های جنایتکارانه رژیم و تشویق بیشتر گروگانگیری و باج‌خواهی توسط آن است، درست مانند اخاذی‌های قبلی. اینکه در آستانه سالگرد قتل #مهسا امینی و صدها ایرانی شجاع دیگر این طناب نجات مالی در اختیار رژیم قرار می‌گیرد، یک توهین اضافی و دردناک دیگر است.»

همچنین دونالد ترامپ رئیس جمهوری پیشین آمریکا، معامله و مبادله گروگان‌های آمریکایی با رژیم ایران را «شرم‌آور» توصیف کرده است. وی در ویدئویی گفته «این تصمیم، تحقیر بیشتر ایالات متحده آمریکا در صحنه جهانی و بلکه بدتر از آن، بسیار مهلک است. بایدن شش میلیارد دلار به اصلی‌ترین حکومت حامی تروریسم در جهان می‌دهد.»

به گزارش «واشنگتن گزیت» ران دیسانتیس نزدیکترین رقیب ترامپ در حزب جمهوریخواه نیز گفته «شرم‌آور است که بایدن در برابر باج‌گیری و اخاذی رژیم ایران تسلیم می‌شود. پاداش دادن به رژیم برای گروگان‌گیری آمریکایی‌ها باعث گروگانگیری بیشتر می‌شود. پرداخت شش میلیارد دلار باج به ساخت سلاح هسته‌ای، حمایت از تروریسم، سرکوب مردم ایران و پشتیبانی از روسیه کمک خواهد کرد.»

با وجود این انتقادات، شماری از دموکرات‌ها و رسانه‌های نزدیک به دولت بایدن شروع به توجیه دلایل وی برای تسلیم در برابر اخاذی‌های جمهوری اسلامی شده‌اند. اما مسئله فقط پرداخت این شش میلیارد دلار که نه از جیب آمریکا بلکه از اموال مردم ایران به رژیم داده می‌شود نیست.

برآورد مؤسسه اطلاعاتی «کپلر» نشان می‌دهد واردات نفت تحریم‌شده ایران از چین به بالاترین سطح در ۱۰ سال اخیر رسیده است. سطح واردات نفت چین از ایران به حدود ۵/۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. نکته قبل توجه اینکه داده‌های گمرک چین هیچ وارداتی از ایران را از اواسط سال ۲۰۲۲ به بعد نشان نمی‌دهد.

پایگاه خبری بلومبرگ در گزارشی با اشاره به افزایش فروش نفت ایران به چین و معامله جمهوری اسلامی با دولت بایدن برای آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده می‌نویسد: «اینکه ایران در حال حاضر بیشتر از یک دهه اخیر به چین نفت می‌فروشد، تا حدی به این دلیل است که ایالات متحده در تلاش برای پایین نگه داشتن قیمت نفت در میانه‌ی تهاجم روسیه به اوکراین و تلاش‌های عربستان سعودی برای محدود کردن عرضه نفت، تمرکز خود را بر اجرای تحریم‌ها کاهش داده است.»

● گروهی از سناتورهای آمریکایی در نامه به آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جنت یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا با انتقاد از معامله دولت بایدن با جمهوری اسلامی پرسیده‌اند «چگونه وزارتخانه‌های شما می‌توانند تضمین کنند که شش میلیارد دلار پول که به رژیم پرداخت شده فقط برای اهداف بشردوستانه استفاده می‌شود؟»

● شاهزاده رضا پهلوی می‌گوید میلیاردها دلاری که بایدن به جمهوری اسلامی پرداخت کرده برای آنها «درآمد باد آورده» است و در خدمت تأمین مالی فعالیت‌های جنایتکارانه و تشویق بیشتر گروگانگیری و اخاذی و توهین دردناک به ملت ایران است.

طیف گسترده‌ای از جمهوریخواهان در آمریکا و همچنین مخالفان جمهوری اسلامی از دولت بایدن به دلیل تسلیم شدن در برابر باج‌خواهی‌های رژیم ایران در ازای آزاد کردن پنج گروگان انتقاد کرده‌اند.

گروهی از سناتورهای آمریکایی در نامه به آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جنت یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا معامله دولت بایدن با جمهوری اسلامی برای آزادی پنج گروگان آمریکایی-ایرانی در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران را «باج‌دهی» خوانده و هشدار داده‌اند «این تصمیم بدعتی فوق‌العاده خطرناک را بنا می‌گذارد و رژیم ایران را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های مخرب خود در سراسر خاورمیانه را افزایش دهد.»

سناتورها که تعداد امضاء آنها زیر این نامه ۲۶ نفر است خواستار یک جلسه توجیهی حضوری و پاسخ‌های کتبی به مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره احتمال استفاده جمهوری اسلامی از این پول‌ها برای مصارف غیربشردوستانه شدند. آنها در این نامه گفته‌اند که با دسترسی تهران به این پول جمهوری اسلامی فرصت تقویت برنامه‌های هسته‌ای یا تقویت قوای نظامی خود را پیدا می‌کند.

سناتورها نوشته‌اند: «داریایی‌های مالی قابل‌تعویض هستند. چگونه وزارتخانه‌های شما می‌توانند تضمین کنند که این پول فقط برای اهداف بشردوستانه استفاده می‌شود؟»

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی با انتقاد از باج دادن دولت بایدن به جمهوری اسلامی تأکید کرده این درآمد بادآورده صرف تأمین مالی برای اقدامات جنایتکارانه می‌شود و توهین دردناک به مردم ایران است.

وی در توییتی می‌نویسد: «مردم ایران از بی‌کفایتی فاسد و جنایتکارانه جمهوری اسلامی رنج می‌برند و از ثروت و رفاهی که منابع طبیعی فراوان کشورمان باید در اختیارشان

→ طریق فضای مجازی و حضور در اعتراضات»، به سه ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد. این شهروند شامگاه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱، در جریان اعتراضات پیرانشهر با گلوله‌های ساچمه‌ای از ناحیه چشم مجروح شد. گزارش شده که پس از ماه‌ها درمان در شهرهای مختلف، میزان بینایی چشم چپ او حدود ۲۰ درصد است. صادق محمودنژاد که ۲۳ ساله و پدر یک فرزند است، پیش‌تر در ۱۲ تیر بازداشت و در اوایل مرداد با وثیقه از زندان آزاد شده بود. مریم عباسی نیکو مادر نوجوان معترض به مسمومیت دانش‌آموزان نیز با اتهام «سب‌النبی» روبرو شده است. حساب کاربری «دادبان» که خبرهای مربوط به بازداشت‌شدگان اعتراضات در ایران را گزارش می‌دهد به نقل از یک منبع آگاه خبر داده است که مریم عباسی نیکو اهل شاهین‌شهر اصفهان با اتهام «سب‌النبی» به دلیل «فعالیت‌هایش در فضای مجازی» روبرو شده است.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی هر کسی به مقدسات اسلام، پیامبر اسلامی، امامان شیعه یا دختر پیامبر اسلام توهین کند متهم به «سب‌النبی» شده و حداقل به یک تا پنج تا سال زندان و یا به اشد مجازات که «اعدام» است محکوم خواهد شد.

مریم عباسی نیکو شامگاه پنجم تیر ۱۴۰۲ با حمله نیروهای رژیم به خانه آنها بجای دخترش بازداشت و پس از آن به زندان دولت‌آباد اصفهان منتقل شد. به گزارش «دادبان» این شهروند تا کنون از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و دادسرا برای او وکیل تسخیری تعیین کرده است. مریم عباسی نیکو متولد سال ۱۳۶۰ مادر بی‌تاشیعی نوجوانی است که انگشت او پیش‌تر در اعتراض به مسمومیت دانش‌آموزان توسط مأموران حکومتی شکسته شد.

اینهمه در حالیست که جریان‌های سیاسی و شهروندان ساکن ایران با انتشار ویدئو، نصب بنر و کاغذنوشته و دیوارنویسی در حال یادآوری سالگرد اعتراضات هستند و برای آغاز اعتراضاتی در ۲۵ شهریور فراخوان می‌دهند. مقامات مختلف در جمهوری اسلامی در هفته‌های گذشته نگرانی خود از آغاز اعتراضاتی جدید در سالگرد اعتراضات سال گذشته را مطرح کرده‌اند.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی دهم امرداد درباره احتمال آغاز موج جدیدی از اعتراضات در سالگرد اعتراضات سال گذشته هشدار داد و گفت: «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیش‌گیری است.

او ادعای دست داشتن دیگر کشورها در اعتراضات مردمی سال گذشته را تکرار کرد و آمریکا و غرب را عامل اعتراضات ضدحکومتی در ایران دانست و گفت که اعتراضات سال گذشته، «قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین» بود. مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها روز جمعه ۳۰ تیرماه در جمع معاونین بسیج اساتید کشور هشدار داده بود که آغاز مجدد اعتراضات مردمی می‌تواند از دانشگاه‌ها باشد.

مصطفی رستمی گفته بود که «دشمن منصرف نشده و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر نتوانند در سالگرد اغتشاشات گذشته کاری کنند بطور کامل شکست می‌خورند، آنها اعلام کرده‌اند دانشگاه اولین جایی است که باید اغتشاشات جدید راه‌اندازی شود.»

او افزوده بود که «طراحی‌های زیادی برای حوادث سال گذشته اتفاق افتاده بود و این حجم از هماهنگی بین دشمنان خارجی و داخلی بی‌سابقه بود، ولی آنچه را که روی آن حساب نمی‌کردند باطل‌السحر نقشه‌هایشان شد.»

چالش‌های بزرگ آمریکا در انتخابات آینده

● مردم آمریکا با انتخابات جنجالی تازه‌ای روبرو هستند که در کنار کمپین کاندیدها و اعلام برنامه‌های آنها، تهیدات حقوقی گوناگون و تبلیغات مسموم رسانه‌ای علیه دونالد ترامپ محبوب‌ترین کاندیدای جمهوریخواهان مطرح می‌شود. هم‌اینک رئیس جمهور پیشین آمریکا با ده‌ها پیگرد قانونی، از ناهنجاری‌های مالی و ادعای نقش او در حوادث ششم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی گرفته تا نادرست خواندن و تقلبی نامیدن انتخابات در ایالت جورجیا دست به گریبان است.

● انتظار کمک آمریکا به مبارزه ملت ایران برای برداشتن حکومتی که کارنامه‌اش سرشار از جنایت، نقض آشکار تمام موارد مندرج در حقوق جهانشمول بشر و چپاول بی‌وقفه دارائی‌های ملت است، رویائی بیش نیست که باید از جانب ایرانیان کنار گذاشته شود.

نادر صدیقی - دموکراسی به باور بسیاری از دولتمردان و متفکران، به عنوان مطلوب‌ترین روش حکومت صرف نظر از نوع آن است و کشور آمریکا با پیشینه تاریخی اندک و جوان خود از بدو استقلال و به ویژه در قرن بیستم میلادی الگوی موردعلاقه و آرزوی بسیاری از کشورها بوده است. در سال‌های اخیر اما، و به عبارت درست تر از انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی، دموکراسی آمریکا با چالش‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی روبرو شده است. در آن سال اعتراض جرج دبلیو بوش، کاندیدای حزب جمهوریخواه نسبت به نتایج شمارش آراء در ایالت فلوریدا، نتیجه انتخابات را به رای دادگاه عالی موکول کرد که در نهایت، داور قضا دادگاه به سود بوش (پسر) و به ضرر رقیب او «ال‌گور» معاون پیشین ریاست جمهوری انجامید.

البته پایان ماجرا با آسیب‌های عمیق در برداشت‌های افکار عمومی همراه شد و تا تجدید دور جدید انتخابات و پیروزی بوش پسر رسانه‌های طرفدار جناح چپ آمریکا او را رئیس جمهور دادگاهی می‌نامیدند!

این زخم عمیق بار دیگر در انتخابات ۲۰۱۶ میلادی سر باز کرد و هیلاری کلینتون نخستین زنی که انبوه بزرگی از رای‌دهندگان را به دنبال خود داشت پیروزی غیرمنتظره دونالد ترامپ رقیب جمهوریخواه را نپذیرفت تا سرانجام باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین، او را به قبول نتیجه انتخابات راضی کرد!

داستان غم‌انگیز دموکراسی در آمریکا همچنان ترمیم نیافته باقی ماند و تلاش‌های بیهوده حزب دموکرات برای بی‌اعتبارکردن دونالد ترامپ و دو بار استیضاح بی‌پایه او با شکست روبرو شد و دشمنی عمیق بین سردمداران دو حزب ادامه یافت و در انتخابات دیگری در سال ۲۰۲۰ میلادی عمیق‌تر شد که بسیاری از آن با واژه «مفتضحانه» یاد کردند. با چنین پیشینه‌ای، مردم آمریکا با انتخابات جنجالی تازه‌ای روبرو هستند که در کنار کمپین کاندیدها و اعلام برنامه‌های آنها، تهیدات حقوقی گوناگون و تبلیغات مسموم رسانه‌ای علیه دونالد ترامپ محبوب‌ترین کاندیدای جمهوریخواهان مطرح می‌شود. هم‌اینک رئیس جمهور پیشین آمریکا با ده‌ها پیگرد قانونی، از ناهنجاری‌های مالی و ادعای نقش او در حوادث ششم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی گرفته تا نادرست خواندن و تقلبی نامیدن انتخابات در ایالت جورجیا دست به گریبان است. پیامد هریک از این پیگردها و به ویژه دو مورد آخری ممکن است ددرساز و برای



جو بایدن، دونالد ترامپ / اوت ۲۰۲۳

بروند. با اینهمه اعضای ارشد حزب و رسانه‌های قدرتمند لیبرال آمریکا همچنان از بایدن پشتیبانی می‌کنند.

جو بایدن از نخستین سال ورود به کاخ سفید در مقام ریاست جمهوری، با گزارش‌های متعدد از نبود توازن روانی و رفتارهای ناهمگون او که قاعدتا باید نماد کردار نیک و درخور عالی‌ترین مقام اجرائی یک ابرقدرت باشد، مورد انتقاد و گاهی تمسخر بوده که البته در ماه‌های اخیر، تعداد آنها بیشتر و بیشتر شده و حتا برخی رسانه‌های طرفدار دولت دموکرات را به واکنش واداشته است. این رسانه‌ها می‌گویند که بایدن با عدم کنترل بر رشته افکار خود در بسیاری از سخنرانی‌ها به گونه نامنسجم و اغلب با لکنت زبان، کلماتی را بیان می‌کند که حتا از حیث یک جمله‌بندی ساده به نتیجه نمی‌رسند. یا در سفرهای رسمی خارجی اعمالی از او سر می‌زند که شایسته هیچ مقام عالی‌رتبه نیست چه رسد به رئیس جمهوری ایالات متحده!

انستیتو «گیت استون» از اندیشکده‌های معتبر آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۱ مقاله تحلیلی بلندبالائی به قلم کریس فارل مدیر بخش پژوهش در «اندیشکده دیده‌بان قضایی» منتشر کرد که بیش از مطالب دیگر در ارتباط با پرزیدنت بایدن جلب توجه کرد. عنوان مقاله نیز بسیار دوپهلوی و معنی‌دار بود: «چه کسی ریاست جمهوری بایدن را کنترل می‌کند؟» کریس فارل در این مقاله نوشته بود: «برای پاسخ به این پرسش، باید تصمیمات و سیاست‌های فاجعه‌بار دولت بایدن را در نظر بگیریم و اینکه چه کسی از این سیاست‌ها سود می‌برد؟» او سپس در جای دیگری اضافه می‌کند که این پرسش و سوال‌های دیگر، بسته به سوال کننده و موضوع خط مشی عمومی، به ده‌ها روش مختلف مطرح شده و آن اینکه در کاخ سفید، چه کسی ریاست جمهوری بایدن را کنترل می‌کند؟! در پاسخ به این پرسش، کریس فارل نام چند تن از نزدیک‌ترین همکاران رئیس جمهوری آمریکا را برمی‌شمرد و بر این عبارت تاکید دارد که به گفته‌ی یکی از این نزدیکان، مسائل اندکی وجود دارد که می‌بایست در سطح رئیس جمهوری تصمیم‌گیری شود.

مدتی پس از این مقاله، روزنامه معروف «نیویورک پست» هم تحلیل مشابهی منتشر کرد با این مضمون که: در

دموکراسی آمریکا بسیار زیانبارتر از موارد قبلی باشد.

کارزار انتخاباتی احزاب

در این شرایط تنش‌آلود، مبارزات مدعیان سکونت در کاخ سفید شروع شده است.

این مرحله از کمپین‌ها برای ورود به انتخابات مقدماتی حزبی است که در نزد اعضای حزب، آزمایشی برای میزان مقبولیت هریک از کاندیدها به شمار می‌رود. پیروز رقابت در این مرحله، با نامزد حزب دموکرات روبرو خواهد شد. در اردوگاه دموکرات‌ها که با در دست داشتن کاخ ریاست جمهوری و سنا، حزب حاکم محسوب می‌شود، وضعیت چندان مشخص نیست چرا که جو بایدن رئیس جمهوری پیشاپیش نامزدی خود را برای دور دوم ریاست بر سازمان اجرائی کشور اعلام کرده و معمولا در چنین حالتی، سایر مدعیان این عالی‌ترین پست دولتی وارد رقابت با رئیس جمهور نمی‌شوند. ولی همزمان گزارش‌های مکرری درباره نامساعد بودن وضعیت جسمی و روانی بایدن بر قطعی بودن نامزدی او سایه تردید افکنده است.

موقعیت پرسش‌برانگیز جو بایدن

در انتخابات پیش رو، هیچکس جرات به چالش کشیدن رئیس جمهور دموکرات کنونی را ندارد مگر رابرت اف کندی جونیور بردارزاده جسور جان اف کندی فقید. او که از لکنت زبان رنج می‌برد، تقریبا تمام سیاست‌های جو بایدن را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و بطورکلی خط مشی سیاسی فعلی حزب و رهبری او را به چالش می‌گیرد.

البته پرزیدنت بایدن ممکن است از سوی یکی دیگر از اعضای حزب خود نیز با چالشی بالقوه برای نامزدی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده روبرو شود. دین فیلیپس عضو دموکرات مجلس نمایندگان از ایالت مینه‌سوتا اعلام کرده که از جانب دوستانش در حزب تشویق شده است تا به رقابت با پرزیدنت بپردازد و او بطور جدی مشغول مقدمات کاندیداتوری خود است. فیلیپس که از اعضای کادر رهبری حزب در مجلس نمایندگان آمریکاست می‌گوید که رهبران پیر و فرتوت حزب باید کنار



→ کاخ سفید، واقعا چه کسی مسئول است؟

این روزها از اینگونه مطالب که در انتقاد از دولت بایدن و روش حکومتی اوست، اینجا و آنجا دیده می‌شود. انتقادهایی که معاون رئیس جمهوری، کامالا هریس را نیز دربر می‌گیرد.

بسیاری را عقیده بر این است که بادامه این انتقاداتها و نیز افزایش جنجالها پیرامون هانتز بایدن، پسر رئیس جمهوری، برخی از اعضای نگران حزب دموکرات، در صدد آماده کردن افکار وفاداران حزب برای واداشتن جو بایدن به انصراف از شرکت در انتخابات دومین دوره ریاست جمهوری وی و تلاش برای ورود چهره‌های جوان و مستعدی چون فرماندار جوان کالیفرنیا هستند.

در همین حال عده‌ای از نمایندگان جمهوریخواه در کنگره آمریکا طرح استیضاح جو بایدن را کلید زده‌اند که تکلیف‌اش هنوز روشن نیست ولی حمله‌ها علیه بایدن و اعضای خانواده او که به دریافت پول‌های غیرقانونی و سوء استفاده از موقعیت سیاسی متهم شده‌اند، ادامه دارد. از جمله کوین مک کارتی، رئیس جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا اخیرا در ایکس (توییتر) نوشت:

«آنچه در مورد بایدن می‌دانیم:
- آنها ۲۰ شرکت صوری برپا کردند که بیشترشان در دوران معاونت ریاست جمهوری بایدن انجام شد.

- جو بایدن وقتی گفت که در امور تجاری خانواده دخالتی ندارد، دروغ گفت.

- بایدن وقتی گفت خانواده‌اش از چین پول می‌گیرند، دروغ گفت. مجلس نمایندگان سرانجام از حقایق آگاه خواهد شد.»

عرصه دیگر منازعات دو حزب، حوزه اقتصاد و تورمی است که قدرت خرید مردم را به طرز رنج‌آوری کاهش داده و چشم‌انداز هم چندان روشن نیست.

در چنین فضائی شایعات عجیب و غریبی در مورد توطئه‌های «الیت» حکومتگر بر زبان‌ها جاری است ولی صرف نظر از این شایعات، بسیاری از گروه‌های اجتماعی و به ویژه جوانانی که از آینده خود بیمناکند، خشم خود را آشکار می‌سازند.

حساب کاربری «جوانان آمریکایی برای آزادی» نوشته است که در سهام تقلب شده، در نرخ تورم تقلب شده؛ همه اینها دستکاری شده‌اند و کسانی که در بالا هستند همیشه از سیستم سود می‌برند زیرا آنها هستند که دستور تهیه و پخت کیک را می‌دهند. اگر وزیر خزانه‌داری می‌گوید که قیمت‌ها پائین می‌آید، ما می‌دانیم که تورم نوعی دزدی است و دزدها هرگز پول دزدی را پس نمی‌دهند.

موقعیت نه چندان روشن دونالد ترامپ

در اردوگاه جمهوریخواهان نیز، با وجود پیشتازی دونالد ترامپ در میان رای‌دهندگان این حزب، نشانه‌های نگرانی در کادرهای بالای حزبی و مخالفت با پشتیبانی همه‌جانبه از رئیس جمهور پیشین به چشم می‌خورد. با توجه به محبوبیت آشکار ترامپ در میان آمریکائیان این مخالفت‌ها چندان مهم به نظر نمی‌رسند ولی هنگامی که محاکمات او در دادگاه‌های فدرال اوج بگیرد، تاثیر آنها بر سرنوشت سیاسی این کاندیدای میهن‌دوست می‌تواند منفی باشد. مخالفان سرسخت ترامپ در میان دموکرات‌ها نیز درست بر همین مبنا اتهامات علیه او را به گونه‌ای ردیف کرده‌اند که صرف نظر از پیروزی یا ناکامی در دادگاه، او از گزند این روند، در امان نباشد.

از طرفی مایک پنس معاون پیشین ترامپ در کاخ سفید و نیز کریس کریستی فرماندار پیشین نیوجرسی و

از کاندیداهای شکست‌خورده انتخابات مقدماتی حزب جمهوریخواه برای کسب مقام ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۵ میلادی، اخیرا حمله‌های شدیدی را متوجه دونالد ترامپ کرده‌اند. برخی طرفداران ترامپ به کریس کریستی لقب «کریس دموکرات» داده‌اند. کریستی معتقد است که ترامپ در مواردی مانند مدارک محرمانه دولتی به «اف بی آی» پلیس فدرال آمریکا دروغ گفته و این امر ممکن است به بهای از دست دادن شانس حزب جمهوریخواه برای بازپس گرفتن قدرت دولتی از دموکرات‌ها تمام شود. او در مورد ادعای خود هیچ‌گونه مدرکی ارائه نداده است. تعدادی از جمهوریخواهان در نگرانی فرماندار پیشین ایالت نیوجرسی شریکند ولی نظرسنجی‌های پی در پی درباره میزان محبوبیت کاندیدها در هر دو حزب نشان می‌دهد که مقبولیت و محبوبیت چهل و پنجمین رئیس جمهوری (پیشین) آمریکا، از همه رقبای انتخاباتی در حزب جمهوریخواه و نیز در مقایسه با جو بایدن بسیار بیشتر است.

نزدیکترین رقیب حزبی ترامپ، ران دو سانتیس فرماندار محبوب ایالت فلوریدا است که برای پیروزی بر دونالد ترامپ، در انتخابات مقدماتی، راهی بسیار دشوار و ناهموار در پیش دارد.

سایر نامزدها از جمله نیکی هیلی نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل متحد، حتا شانس بسیار کمتری دارند.

یک نظرسنجی که در ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۳ به تقاضای «مرکز مطالعات سیاسی آمریکا در دانشگاه هاروارد» توسط سازمان آمارگیری معتبر «هریس» انجام شد، نشان می‌دهد که میزان محبوبیت دونالد ترامپ در برابر پزیدنت جو بایدن، ۴۷٪ به ۳۸٪ است.

سیاست‌های خارجی دو حزب

در حال حاضر سیاست خارجی دو حزب، نخست بر محور جنگ اوکراین متمرکز است. مسائل حاد دیگر مانند بحران در روابط با چین بر سر جزیره تایوان، چالش‌ها با جمهوری اسلامی در خلیج فارس، بحران‌های موضعی مانند آفریقای مرکزی و از جمله کودتای نیجر و موضوعی مانند تلاش برخی دولت‌های عضو «کلوپ جنوب» برای حذف دلار آمریکا از داد و ستدهای بین‌المللی در زمره بحث‌های ثانویه مربوط به سیاست خارجی هستند. در ارتباط با ایران نیز دو حزب همچنان دو سیاست متفاوت و در موارد اندکی متضاد را پی می‌گیرند؛ نکته‌ای که از دید ایرانیان نیز پنهان نبوده است.

الف - حزب دموکرات و ایران

دولت جو بایدن هنگام استقرار در کاخ سفید پرداختن به تجدید ارتباط با جمهوری اسلامی را از جمله اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داد و همان تیمی از دیپلمات‌ها را به کار گمارد که پیشتر در دوران زمامداری باراک اوباما معمار توافق موسوم به برجام بودند. این تیم بی‌درنگ مقدمات گفتگوهای غیرمستقیم با نمایندگان جمهوری اسلامی را در وین پایتخت اتریش فراهم آورد. البته این بار کار اعضای تیم دشوارتر از پیش بود چرا که دونالد ترامپ رئیس جمهوری پیشین، در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ (۸ ماه مه ۲۰۱۸) بطور رسمی از برجام خارج شده و آن را بدترین توافق دولت در تاریخ آمریکا نامیده بود.

برای جبران این نقض عهد، جو بایدن در چند مورد امتیازهایی برای حکومت اسلامی قائل شد که نخستین آنها صرف نظر کردن از پرداختن به نقش جمهوری اسلامی در تروریسم خاورمیانه در گفتگوهای وین بود.

دومین امتیاز بایدن برای جمهوری اسلامی، خارج کردن موضوع فعالیت‌های موشکی تهران از دستور گفتگوها بود؛ امری که موجب ناراحتی و گلایه متحدان عرب آمریکا در جنوب خلیج فارس شد به ویژه آنکه با کمک به حوثی‌های یمن، جمهوری اسلامی امنیت صنایع نفتی و شهرهای عربستان را بطور جدی به مخاطره می‌افکند.

امتیازهای دیگری نیز داده شد به این بهانه که ربطی به برنامه اتمی ایران ندارند و از اهمیت فوری برخوردار نیستند!

سرانجام گفتگوهای تجدید برجام با بن‌بست برخورد کرد و رابرت مالی مسئول ارشد گفتگوها در دولت بایدن به درز اطلاعات محرمانه دولتی متهم و از کادر دیپلماتیک و مسئولیت امور ایران کنار گذاشته شد ولی این تغییر و تحول موجب گسست ارتباطات مدام پنهان و آشکار دولت دموکرات آمریکا با دولت انقلابی تهران نشد. تازه‌ترین دستاورد ملموس این ارتباطات توافق بر سر مبادله زندانیان دو کشور و نیز آزادسازی دست‌کم شش (۶) میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی است که با انتقاد شدید ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور و رقبای جمهوریخواه دموکرات‌ها در کنگره آمریکا همراه شده و «باج‌دهی به تروریست‌ها» عنوان گرفت.

بطور خلاصه دولت بایدن طی کمتر از سه سال حکومت، نشان داد که سیاست مداخلات دولت سلف خود به رهبری باراک حسین اوباما را پی گرفته است. دولت‌های اروپا نیز به تبعیت از آمریکا، سیاست مشابهی در مداخلات با جمهوری اسلامی را پیشه کرده‌اند.

ب - حزب جمهوریخواه و ایران

در بررسی سیاست جمهوریخواهان در قبال جمهوری اسلامی هم تغییر عمده‌ای دیده نمی‌شود. این حزب قدرتمند راستگرا در آمریکا، اگرچه با رژیم مذهبی- نظامی حاکم بر ایران در همه زمینه‌ها مخالفت می‌کند ولی این مخالفت‌ها از مرحله حرف و شعار فراتر نمی‌رود.

بیشترین انتقادات از حکومت ایران و سیاست‌های دولت دموکرات در قبال آن، آشکارا از سوی دونالد ترامپ بانفوذترین فرد حزب صورت می‌گیرد ولی او هم با وجود سیاست آشتی‌ناپذیر با آنچه وی آن را «رژیم تروریستی» می‌نامد، به دنبال گفتگو با جمهوری اسلامی با هدف واداشتن تهران به دست شست‌کامل از برنامه‌های اتمی است؛ امری که در شرایط جاری غیرممکن جلوه می‌کند.

به این ترتیب، انتظار کمک آمریکا به مبارزه ملت ایران برای برداشتن حکومتی که کارنامه‌اش سرشار از جنایت، نقض آشکار تمام موارد مندرج در حقوق جهانشمول بشر و چپاول بی‌وقفه دارائی‌های ملت است، رویائی بیش نیست که باید از جانب ایرانیان کنار گذاشته شود.

محمدرضا شاه فقید گفته پرنغزی دارد مبنی براینکه: **ملتی که متکی به خود نباشد، محکوم به شکست است.**

رفراندوم برای سرنوشت پیکار فرهنگی چپ و راست

بطور کلی موقعیت حزبی جمهوریخواهان در حال حاضر بهتر از دموکرات‌هاست و احتمال پیروزی آنها در انتخابات سراسری سال ۲۰۲۴ بیشتر است مگر آنکه رویدادهای غیرمنتظره صحنه شطرنج سیاسی در ایالات متحده را به سود دموکرات‌ها دگرگون کند.

ولی صرف نظر از مواضع دو حزب قدرتمند در آمریکا آنچه بیشتر می‌تواند تعیین‌کننده نتیجه انتخابات سراسری آینده آمریکا باشد، پیکار فرهنگی است که در بطن جامعه این کشور جریان دارد: برخورد دو ایدئولوژی ←

حضور اسماعیل قآنی در کربلا همزمان با عملیات نظامی آمریکا در خاک عراق



اسماعیل قآنی در کربلا

حال انجام یک عملیات در عراق است. روزنامه «الشرق الاوسط» گزارش داده از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه خواسته شده از اقداماتی که به تنش‌ها در عراق دامن می‌زند خودداری کنند. هرچند تصاویر زیادی از جابجایی نیروهای آمریکایی در عراق منتشر شده اما سرلشکر یحیی رسول سخنگوی فرماندهی کل قوای عراق در بیانیه‌ای تلویزیونی هرگونه تحرکات نظامی آمریکا را در این کشور تکذیب کرد.

یک مقام دولتی عراق به «الشرق الاوسط» گفت که تحرکات ادعا شده محدود به مکان‌هایی خارج از مرز این کشور است.

اما سه شخصیت عراقی از جمله یکی از رهبران یک گروه مسلح مستقر در شمال غرب عراق به الشرق الاوسط گفتند که ایالات متحده در حال جابجایی نیروهای خود در منطقه است تا برای عملیات نظامی در خارج از عراق آماده شود. وی گفت که جناح‌های مسلح معتقدند که هدف استراتژیک این عملیات «تغییر قوانین تعامل با روس‌ها در سوریه» است.

این فرد خاطرنشان کرد: «آنچه ما اکنون داریم فقط حدس و گمان است، بر اساس اطلاعات محدود، زیرا آمریکایی‌ها چیز زیادی در مورد عملیات خود با بغداد در میان نمی‌گذارند.»

بر اساس اطلاعات منابع عراقی، «آمریکایی‌ها همچنین تلاش خواهند کرد تا مسیر تدارکاتی رژیم ایران به سمت سوریه و لبنان را از طریق خاک عراق قطع کنند.» آنها می‌گویند «این تنها چیزیست که تا کنون می‌دانیم.»

اینهمه در حالیست که این گروه‌های مسلح که به مواضع خود علیه حضور آمریکا در عراق معروف هستند، اکنون به به طرز غیرمعمول نسبت به تحرکات اخیر آمریکا آرامش نشان می‌دهند.

یکی از رهبران «چارچوب هماهنگی» (متشکل از گروه‌های شیعه) گفت: «سران گروه‌ها اخیراً درباره اطلاعاتی از اقدامات آمریکا صحبت کردند و در همین ارتباط پیام جمهوری اسلامی ایران را دریافت کردند که آنچه آمریکایی‌ها انجام می‌دهند- هرچه که باشد- جای نگرانی نیست.»

● اسماعیل قآنی ساعتی پس از رجزخوانی برای اسرائیل در مجمع فرماندهان سپاه پاسداران راهی کربلا شد.

● بر اساس اطلاعات منابع عراقی، «آمریکایی‌ها همچنین تلاش خواهند کرد تا مسیر تدارکاتی رژیم ایران به سمت سوریه و لبنان را از طریق خاک عراق قطع کنند.» آنها می‌گویند: «این تنها چیزیست که تا کنون می‌دانیم.»

همزمان با اعزام چند یگان پیاده و زرهی ارتش آمریکا به چند نقطه در عراق گزارش شد که اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای «زیارت» به کربلا رفته است.

روز شنبه ۲۸ مرداد ویدئویی کوتاه از حضور قآنی در کربلا منتشر شد. وی پیراهن مشکی بر تن داشت و چند محافظ او را احاطه کرده بودند.

یک هفته پیش از این گزارش شده بود که قآنی در بیروت با حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان دیدار کرده است. فرمانده «سپاه قدس» اخیراً به سوریه نیز سفر کرده بود و گفته شد که از چند پایگاه متعلق به سپاه پاسداران در جنوب شرقی سوریه و همچنین اطراف دمشق بازدید کرده است.

اسماعیل قآنی در حالی به کربلا رفته است که ساعاتی پیش از آن در مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در دانشگاه تربیت پاسداری «امام حسین» برگزار شد سخنرانی کرد.

وی مدعی شد قاسم سلیمانی «مرد اول ضد تروریست منطقه و جهان بود» اما دشمن تحمل وی را نداشت.

در همین سخنرانی قآنی ادعا کرد اسرائیل روبه افول است و «محور مقاومت دست بالا را نسبت به رژیم صهیونیستی در اختیار دارد.»

فرمانده سپاه قدس همچنین گفت در مدت اخیر روزانه ۱۵ تا ۳۰ حمله در کرانه باختری توسط نیروهای مقاومت علیه رژیم صهیونیستی انجام می‌شود. اشاره وی به مپ‌گذاری‌های انتحاری و حملات مسلحانه به شهروندان اسرائیل است.

در آستانه برگزاری مراسم «اربعین» در شرایطی که هزاران نفر از شیعیان از مرز ایران وارد خاک عراق شده‌اند برخی منابع عربی گزارش دادند که آمریکا بدون اعلام قبلی در

➔ ناسیونالیسم «نیمه افراطی» طرفداران دونالد ترامپ و چپگرایی «افراطی» هواداران حزب دموکرات! با نزدیک شدن تاریخ برگزاری انتخابات سراسری، حمله‌های دموکرات‌ها علیه دونالد ترامپ، هوادارانش و حزب جمهوریخواه هر روز افزون‌تر می‌شود. در موارد بسیاری این حمله‌های تبلیغاتی حالت زشت و زنده‌ای به خود می‌گیرد که موجب خشم رقیبان می‌شود. مانند تصاویری از ترامپ در زندان با یونیفرم زندانیان و حالتی آشفته. به قول یکی از کاربران شبکه ایکس (توییتر) هرچند که امروزه تبلیغات سیاسی به صورت یک بازی کودکانه جلوه می‌کند ولی این یک بازی مجازی نیست، بلکه عادی‌نمایی اسلحه قانونی برای منافع سیاسی و حکم اعدام برای هر کشور متمدن است. در این میان، تنها دموکرات نامداری که شیوه برخورد با دونالد ترامپ را مورد نکوهش قرار داده، جیمی کارتر سی و نهمین رئیس جمهوری سابق آمریکاست و سه تن از رؤسای جمهوری پیشین که در قید حیات هستند در این زمینه سکوت کرده‌اند. ولی بسیاری از شخصیت‌های محبوب آمریکائی از جمله چندین تن از خوانندگان موسیقی «کانتری» به پشتیبانی از چهل و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا برخاسته و برای او ترانه‌هایی ساخته‌اند.

ترنس ویلیامز کم‌دین سایه‌بوست و معروف آمریکائی در واکنشی خشم‌آلود به توهین‌های دموکرات‌ها اعلام کرد که: اکنون وقت آن رسیده که مانند طرف مقابل، کثیف بازی کنیم!

چنین برخورد و چالش فرهنگی از مرزهای گسترده ایالات متحده فراتر رفته و در کانادا، اروپا و آسیا و حتا در قاره آفریقا طرفداران متفاوتی یافته است.

اروپا که همواره و از زمان استقلال آمریکا، از دگرگونی‌های سیاسی- فرهنگی در این کشور تاثیر گرفته، اکنون دچار اختلاف آشکار در سیاست‌های مهم اتحادیه خود شده است. برخی از کشورهای عضو، حتا لیبرال‌ترین آنها به «راستگرایی» جهت‌گیری کرده‌اند.

در روسیه، پوتین جنگ با اوکراین را در قالب «دفاع از سرزمین مادری» شروع کرد و سرسختانه آن را پی می‌گیرد.

در آسیا دو کشور پرجمعیت هند و چین دولت‌هایی را در راس امور دارند که بر دفاع از منافع ملی متکی هستند و هر دو مواضع ناسیونالیستی اتخاذ کرده‌اند.

در آفریقا نیز برخی از دولت‌ها مواضع کنونی ایالات متحده را در زمینه دگرگونی‌های فرهنگی به تمسخر می‌گیرند و به عنوان نمونه ترویج همجنسگرایی، حقوق دوجنسیتی‌ها و مسائلی از این قبیل را در برابر نیازهای اولیه بسیاری از آفریقائیان مانند آب آشامیدنی سالم، تامین خوراک و نیازهای پروتئینی کودکان و مادران و سایر مسائل مهم اجتماعی، امری غیرقابل درک می‌دانند.

به هر روی، پیکار فرهنگی کنونی در آمریکا و انتخابات آینده این کشور صرف نظر از چگونگی بازتاب آن در سرزمین‌های دیگر، نوعی رفراندوم بر سرنوشت پیکار فرهنگی چپ و راست را نیز رقم خواهد زد. به قول ماتيو والاس از مشاوران حقوقی ایلان ماسک میلیاردر کارآفرین آمریکایی در پلتفرم «x» (توییتر): هم‌اکنون یکی از مخرب‌ترین وقایع تاریخ آمریکا در حال وقوع است و میلیون‌ها افرادی که شستشوی مغزی شده‌اند، دستگیری و زندانی شدن دونالد ترامپ را تشویق می‌کنند!

در هیچ دوره‌ای، چنین پیکار مخربی در عرصه فرهنگ و دموکراسی آمریکائی سابقه نداشته است. آینده نامعلومی در برابر ماست.

*نادر صدیقی روزنامه‌نگار پیشکسوت ساکن آمریکاست.



جان کری در جبهه جنگ ساختگی نیست. کاخ سفید هم بر صحت اسناد صحنه گذاشت. منتها با چند روز معطلی که حالا همان را طرفداران کری پیراهن عثمان کرده‌اند علیه بوش و می‌گویند از روی ناچاری اسناد را تأیید کرد نه از روی جواهرمدی.

و اما برای راه یافتن به کاخ سفید تنها داشتن مدال افتخار و ثروت خانوادگی و حامیان دست و دلباز کافی نیست، ظاهراً باید چیزهای دیگری هم داشت از جمله کروموزوم شاهزادگی.

روزنامه هرالد تریبیون بین‌المللی در شماره روز سه‌شنبه ۱۷ ماه اوت خبر داد:

«به‌موجب پیش‌بینی پژوهشگران انگلیسی، سناتور جان کری روز دوم ماه نوامبر پرزیدنت بوش را شکست داده پیروزمندانه در کاخ سفید اقامت خواهد گزید. دلیلش این که خون سلاطین در رگهای او جاریست!»

بلی، خون سلاطین آنهم سلاطین ایران باستان و روم شرقی و تزارهای روسیه!

روزنامه کاملاً جدی هرالد تریبیون (نیویورک تایمز چاپ اروپا) در توضیح خبر می‌نویسد:

«بعد از ماهها تحقیق، پژوهشگران نسب‌یابی برک (Burke's Peerag) گزارش داده‌اند که کری با اغلب خاندانهای پادشاهی اروپا قرابت نسبی دارد و حتی می‌تواند مدعی شود که از ایوان مخوف تزار روس و یکی از امپراتوران بیزانتین و همچنین پادشاهان ایران (Persia) نسب می‌برد.» و بر آن می‌افزاید:

«هر کاندیدای ریاست جمهوری که دارای بیشترین ژن‌ها و کروموزوم‌های ملوکانه بوده در ادوار گذشته برنده شده است. نتیجه این تحقیق را آقای هارولد برکس در لندن اعلام کرد.»

بشتابید برای شرط بندی بر روی اسب برنده!

میز قمار ایستاده است و می‌خواهد روی دست یکی از طرفین بازی سرمایه‌گذاری کند، دست می‌کند به جیبش و یک میلیارد دلار می‌گذارد روی میز!

خوب، با یک میلیارد دلار چه کارها که نمی‌شود کرد. بعضی اوقات، همین یک میلیارد دلار را می‌توان با یک سطل لجن بی اثر کرد. مثلاً برگی از پرونده زندگی خصوصی فلان نامزد انتخاباتی بیرون کشید و فاش کرد که آنجناب در فلان تاریخ با فلان مخدره روابط نامشروع داشته و به عیال مربوطه خیانت کرده است. پس اگر پایش بیفتد می‌تواند به ایالات متحده هم خیانت کند.

سابقه دارد که برخی کاندیداهای ریاست جمهوری باین قبیل افشاگرها شکست را پیش‌بینی کرده و از میدان گریخته‌اند. یکی از ورقهای برنده جان کری، کاندیدای حزب دموکرات در انتخابات کنونی، پرونده نظامی اوست. به‌موجب این پرونده، او نه تنها به جبهه رفته و زیر پرچم آمریکا جنگیده بلکه برای نجات جان افراد زیر دستش جان خود را به خطر انداخته و به پاداش چنین رشادتی مدال قهرمانی گرفته است. مدال قهرمانی در جنگ برای یک کاندیدا، در برابر کاندیدای دیگری که مخالفانش می‌گویند واسطه و وسیله تراشیده تا به جنگ نرود البته «پوئن» مثبتی است. گروهی از تبلیغاتی‌های حزب رقیب برای بی اعتبار کردن این امتیاز تنی چند از سربازانی را که در جبهه جنگ ویتنام خدمت کرده‌اند آوردند و جلو دوربین نشانند تا بگویند همه ادعاها کسک است و سرخوخه کری برای دست یافتن به مدال درباره قهرمانی‌هایش دروغ گفته است.

اگر راست می‌گفتند و جان کری دروغ گفته بود دیگر بخت برنده شدن نداشت ولی دموکراتها بیکار ننشستند. رفتند و پرونده خدمت کاندیدای خود را از بایگانی راکد وزارت دفاع بیرون کشیدند و گذاشتند جلو مدعیان و به‌استناد اسناد رسمی دولتی ثابت کردند که داستان قهرمانی

«کیهان» برای مقاله ناصر اعتمادی در معرفی «انسان استعمار زوده» اثر آلبر ممی، متفکر فرانسوی، تیت زده بود: «کتابی که نوشتنش جرأت می‌خواست.»

بعضی حرفها هست که گفتن یا نوشتنش واقعاً جرأت می‌خواهد. مثلاً درباره دموکراسی. انسان باید به‌اندازه افلاطون معتقد باشد که بر دموکراسی عیب بگیرد.

افلاطون معتقد بود برابر گرفتن منافع خصوصی و منافع عمومی و سرنوشت حیات سیاسی را بر مبنای این محاسبه رقم زدن توهمی بیش نیست و هر زمان ممکن است یک حزب منافع خود را بر منافع کشور ترجیح دهد.

طرفداران دموکراسی می‌گفتند افلاطون چون اشرافزاده آتنی است به آریستوکراسی ارجحیت می‌دهد. اما ارسطو چی؟ او که نه اشرافزاده بود و نه اهل آتن و با استادش افلاطون نیز در بسیاری موارد اختلاف نظر داشت، به همان اندازه از دموکراسی انتقاد کرده است که افلاطون.

نگارنده این سطور نه افلاطون است نه ارسطو، نه مخالف دموکراسی و نه دارای چنان جرأتی که حتی با استناد به اقوال و افکار افلاطون و ارسطو از دموکراسی انتقاد کند. به‌قول چرچیل، دموکراسی هزار عیب دارد ولی با همه معایبش بین نظامهای موجود حکومتی، بهترین آنهاست.

خودمانیم حالا، نظام حکومتی آمریکا نمونه واقعی دموکراسی است و انتخابات آن نمونه انتخابات دموکراتیک. این انتخابات دموکراتیک که گذشته از سیاست آمریکا سرنوشت سیاسی جهان نیز بدان وابسته است گهگاه به یک رقاص بازی عجیب می‌ماند. مثلاً در بحبوحه مبارزات و جرّ و بحثهای سیاسی و اقتصادی، در حالی که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد دو حریف دوش به دوش پیش می‌روند و هر عاملی می‌تواند بر سرنوشت انتخابات اثر بگذارد، ناگهان یکی از آن خرپولهای آمریکایی قد علم می‌کند و می‌گوید من روی پیروزی جرج یا جان شرط می‌بندم. بعد، چنانکه گویی پای

در گوادالوپ، ژیسکار دستن بیش از همه با شاه دشمنی می‌کرد

اردشیر زاهدی گفت: «ژنرال هویزر را دستگیر و علناً از ایران بیرونش کنید»

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۷)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

تظاهرات در تهران همچنان ادامه داشت. به فرمان شاه، نیروهای انتظامی بیش از پیش خود را از معرکه دور نگه می‌داشتند. پایتخت در دست انقلابیون رها شده بود. از آنجا که هیچ جنازه‌ای برای به‌مایش درآوردن در برابر دوربین تلویزیونهای غربی به‌نشانه سرکوبگری نیروهای شاه وجود نداشت، جنازه‌های جعلی درست می‌کردند. سوگواریها و خاکسپاریها با تابوتهای بی جنازه، که در آن هر چیزی جز جسد می‌گذاشتند و درش را محکم می‌بستند، به‌راه بود. برای نمایش در برابر دوربینها، لباسهایی را با لکه‌هایی از مواد رنگی فراهم کرده بودند که بگویند غرقه به خون قربانیهاست. چندی بعد، خود انقلابیون اعتراف کردند که این شگردی انقلابی بوده است. ولی در آن زمان، چه کسی در راستین بودن آن نمایشها شک می‌کرد؟ دستگاه تبلیغاتی جهانی به‌راه افتاده بود و بر سر راه خود، همه چیز را جارو می‌کرد.

همین که انتخاب بختیار به نخست وزیر اعلام شد، شاه بیش از پیش به رویدادهایی که کشورش را به مخاطره انداخته بود، بی‌اعتنایی نشان داد و از همه چیز کناره گرفت. ملتش که قدرناشناسی وی داشت او را از میان می‌برد، خواستار رفتن او شده بود. همپیمانان خارجی او که از بلندپروازیهایش در مورد ایران نگران بودند، آشکارا او را متزلزل کرده بودند. خسته و ازپا افتاده بود. با این حال، پیش از آن که همه چیز را رها کند، آخرین کوشش خود را نیز پنهانی انجام می‌داد، اما واشنگتن که خمینی را برگزیده بود، کوشش او را بی اثر کرد.

دو هفته آخر در ایران، برای محمدرضا شاه بسیار دشوار بود. تصمیم داشت برود و می‌پنداشت که جز این، چاره دیگری نیست. ولی برای انجام وظیفه و حفظ وقار می‌کوشید ظاهر را نگهدارد. منظمأً به دفتر خود می‌رفت، شرفیابان را می‌پذیرفت و برنامه‌ها را اجرا می‌کرد. دختر بزرگش فرحناز، نزد برادر خود، رضا، به آمریکا رفت. خانم دیا، مادر شهبانو، دو فرزند کوچکتر علیرضا و لیل را در رفتن به فرانسه همراهی کرد. بقیه اعضای خاندان، یکسره رفته بودند. برای اطمینان بیشتر، اجساد پدر و برادر شاه

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشت‌های روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

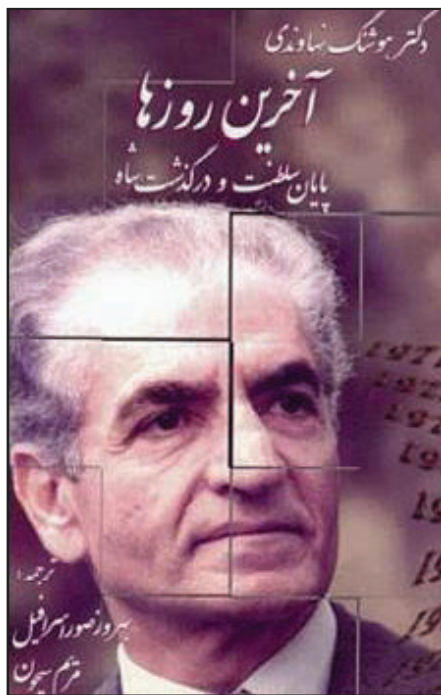
اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

می‌کرد. او در میان اسباب زندگی، وسایل شخصی خود و خانواده، لباسها، یادگاریها، جواهرات شخصی و چند اثر هنری را بسته‌بندی کرد و به اروپا فرستاد. شاه، به‌کلی به این کارها بی‌اعتنا بود و حتی به‌سختی پاسخ می‌داد کدام یک از وسایل شخصی خود را می‌خواهد. او از همان زمان در دوردستها به‌سر می‌برد.

تقریباً دیگر غذا نمی‌خورد و هنگامی که وادارش می‌کردند بخورد، در تنهایی به این کار می‌پرداخت. بیرون از دفترش و هنگام انجام وظیفه، در سکوتی شگفت‌انگیز فرو می‌رفت. زوج سلطنتی، گرچه نمی‌توانستند رفتن خود را از وطن، که واشنگتن اعلام کرده بود، پنهان کنند، اما تاریخش را پنهان نگه‌داشته بودند. نه از نظر امنیتی، بلکه از بیم آن که مخالفان رفتن شاه به تظاهرات بپردازند. بسنده بود که چند صد تنی به فرودگاه بیاند تا برنامه ترک کشور به‌هم ریزد. و نمی‌شد گارد شاهنشاهی را به سرکوب وفاداران به شاه وادار کرد!

در گوادولوپ

در «گوادولوپ» به دعوت ژیسکارستن، سران چهار کشور بزرگ غربی، از شامگاه پیش از ژانویه ۱۹۷۹، پیرامون بحران ایران گفتگو می‌کردند. جیمی کارتر و هلموت شمیت و جیمز کالاهان پیرامون رئیس‌جمهوری فرانسه گردآمده بودند. بیش از همه، رئیس‌جمهوری فرانسه با شاه دشمنی می‌ورزید. البته سالها بعد، ژیسکار این سخنان به‌سوی جنگ داخلی و یک حمام خون بزرگ خواهد رفت، و کمونیستها نیرومند و نیرومندتر خواهند شد. پای افسران آمریکایی که در ایران هستند، به این بحران کشیده خواهد شد، و این، به روسها موقعیت دخالت را خواهد داد... واشنگتن باید اندیشه دگرگونی در ایران را بپذیرد...
پس از آن که فاجعه انقلاب روی داد، هر یک از آنان که در کنفرانس گوادولوپ شرکت داشتند، طبیعتاً کوشید گناه مسؤولیت را به گردن دیگری بیندازد. به‌گفته رئیس‌جمهوری فرانسه، جیمی کارتر نخستین کسی بود که گفت:



را که در آرامگاهی در جنوب تهران بود، به جایی دیگر منتقل کردند.

دستور داد همه بایگانیهای محرمانه و پرونده‌های پر اهمیت دفتر مخصوص شاهنشاهی با هواپیماهای ارتشی به خارج فرستاده شود، که اکنون بخشی از آنها در سوئیس و بخش دیگر در آمریکا است. این منبعی بسیار ارزشمند برای تاریخنگاران است. نظامی که از انقلاب زاده شد، حتی نکوشید آنها را باز پس گیرد. بی تردید پرونده‌های بسیار نگران‌کننده‌ای برای سران آن، در میانشان است.

شهبانو که عامل اصلی برگزیدن بختیار بود، همچنان افراد را می‌پذیرفت و با آنان گردهماییهای کار برگزار

«می‌شود شاه بماند. مردم ایران او را نمی‌خواهند... اما جای نگرانی نیست.»

شاید روزی، بایگانیها حقیقت را در این مورد آشکار سازند. همه شواهد درز کرده، هم‌قول هستند که در میان آن چهار تن، هلموت شمیت کمترین تمایل را به بر سر کار آوردن خمینی داشت.

به ژنرال «هويزر» آمريكايي، معاون فرمانده نيروهاي ناتو مأموريت اضطرابي داده شد که رفتن شاه را شتاب بخشد. هنگامی که او به تهران رسید، بنا بر اصطلاحی که «دومرانش» به‌کار برده است: «در همه جا پرسه زد» تا ارتش ایران را از دخالت در بحران بازدارد. در دیدارهای طولانی به گفتگو با رهبران انقلاب پرداخت و به‌اتفاق سفیر آمریکا به حضور شاه نیز بار یافت. آن شرفیابی، گویا کوتاه و نسبتاً مؤدبانه بود. شاه، بعدها گفت: «تنها دلشغولی آن دو، این بود که بداندن من چه روزی و در چه ساعتی خواهم رفت.» ظاهراً حتی خبر ورود او به تهران را هم به شاه نداده بودند. با آن که هويزر بارها به تهران سفر کرده و چهره‌ای آشنا بود، و در حالی که همه جا از حضورش در پایتخت سخن می‌گفتند، شاه هنگامی از سفر ژنرال آگاهی یافت که او خواستار دیدارش شد. از دشیر زاهدی که در آن هنگام، هم برای تهیه مقدمات رفتن شاه به آمریکا، و هم برای یافتن محل تبعید دیگری - اگر او نمی‌توانست به آمریکا برود - در تهران به‌سر می‌برد، در مورد آن شرفیابی نظرخواهی شد. زاهدی کاملاً مخالف بود: «این آقا، بدون دعوت و اجازه بلند شده و آمده اینجا، در صورتی که هیچ کاری در اینجا ندارد. او را به اتهام ورود غیر قانونی به پایتخت دستگیر، و علناً بیرونش کنید. البته در صورتی که نظم را برقرار کنیم تا دوباره بتوانیم با واشنگتن از موضع قدرت وارد گفتگو شویم. اخراج هويزر اقدامی از سر نیرومندی بسیار به‌حساب خواهد آمد.» پیشنهاد او دلبرانه بود، ولی شاه آن را رد کرد. چند تن از افسران پیشنهاد کردند سوء قصدی به جان هويزر ترتیب دهند (که آسان بود) و گناه را به گردن مخالفان بیندازند! شاه این فکر را هم با خشم بسیار رد کرد.

نقش هويزر در انقلاب

هويزر دست کم سه بار، همه رهبران انقلابی را گرد هم آورد. يك بار گردهمایی آنان ده ساعت به درازا انجامید. من به قره‌باغی که تازه رئیس ستاد بزرگ ارتش‌تاران، پس از استعفای دولت نظامی شده بود، تلفن کردم و پیرامون شایعاتی که درباره هويزر و کارهایی که می‌کرد بر سر زبانها بود، پرسیدم. او گفت: «نگران نباشید، هويزر مشاور سیاسی من است!»

امروز، از همه شواهدی که وجود دارد آشکار شده که هويزر به‌نام آمریکا و دولتهای بزرگ غربی، تشکیل دولت «خمینی - بازرگان» با رنگ اسلامی، و با برخورداری از پشتیبانی ارتش را پیشنهاد می‌کرد. به‌موجب آن پیشنهاد، پس از رفتن شاه، جمهوری اسلامی اعلام می‌شد که البته دموکراسی را برقرار می‌کرد!

هويزر، پس از رفتن شاه چند روز در ایران ماند. مأموران سفارت آمریکا پس از عزیمت شاه، در گردهماییهایی که برای تدارک ورود خمینی و استقبال از او تشکیل می‌شد، شرکت جستند.

در آن شرایط، استعفای ژنرال «الکساندر هیگ»، فرمانده مافوق هويزر، برای ابراز اعتراض خود به مأموریت محول شده به معاونش، تقریباً هیچ توجهی را جلب نکرد. وزیر خارجه آینده «ریگان» رئیس جمهوری بعدی آمریکا، با هر گونه پشتیبانی دولتهای غربی و آمریکا از انقلاب ایران مخالف بود.

یادداشت دکتر سبروس آموزگار برای تاریخ

در قسمتی از خاطرات جناب آقای دکتر نهلوندی که در شماره ۱۰۵۸ کیهان چاپ شده بود، ایشان نوشته‌اند که دکتر بختیار به وزیران خود گفته بود که در مراسم معرفی به حضور شاهنشاه، مقابل وی سر فرود نیاروند و همچنین بعد از استقرار در دفتر خوشی دستور داده بود تا عکس‌ها را از دیوار بگریزند و به انبار بفرستند. تردید نیست شخص جناب دکتر نهلوندی که در آنجا حضور نداشته‌اند این دو مطلب را کسی برایشان تعریف کرده است که خود را ملزم به راست گویی نمی‌دانسته‌اند.

اینک که دست وزیران دکتر بختیار برای دفاع از خوشی از این جهان گوناگون است، وظیفه خود می‌دانم که شهادت بدهم که هیچ یک از این دو مطلب صحیح نیست.

درست قبل از آنکه وزرای بختیار از منزل وی مازم کاخ نیاروان شوند تا مراسم معرفی به عمل آید، آقای بختیار به آنان گفت که اعلیحضرت رئیس مملکت هستند و باید با ایشان در نهایت ادب روپروا شد. یکی از وزرا، احتمالاً آقای مهندس صمیمی پرسید که آیا باید دست ایشان را نیز بوسید و آقای دکتر بختیار جواب داد: «آن دیگر بسته به میل خودتان است. من شخصاً دست شاهنشاه را نبوسیدم چون به این کار اعتقادی نداشتم. ولی به چشم دیدم که آقای عباسقلی بختیار و شادروان احمد میرفکرده سکی و منوچهر کانلمی دست شاهنشاه را بوسیدند. در مورد دیگران متوجه نشدم ولی دیدم که آقای جواد خادم و آقای دکتر منوچهر رزم‌آرا دست شاهنشاه را نبوسیدند. منظور اینکه هر کسی به هر نحو که می‌خواست رفتار کرد و کوچک‌ترین عمل بی‌ادبانه‌ای کسی سر نزد. اما در مورد دکتر اعلیحضرت، تا روز پنجشنبه قبل از ۲۲ بهمن که من برای آخرین بار در دفتر ایشان بودم، عکس شاهنشاه سر جایش بود و در تصویرهایی که بعد از ۲۲ بهمن در تلویزیون نشان دادند نیز عکس با عرض ارادت- سبروس آموزگار

را به نمایندگی خود فرستادند که به شاه التماس کنند نرود. برخی از آنان که چیزی از آداب و تشریفات نمی‌دانستند، کلاهشان را از سر برداشتند. هنگامی که مأمور کشیک تشریفات خواست به آنان گوشزد کند که کلاه از سر بردارند، شاه گفت: دل‌آزرده‌شان نکنید.

بسیاری از آنان، اشک‌ریزان به پای شاه افتادند و می‌گفتند: «نروید. ما را ترک نکنید. ما یتیم خواهیم شد.» شاه آنان را با مهربانی بسیار بلند می‌کرد و او نیز تقریباً با اشک در چشمان، می‌گفت: «هنوز تصمیمی گرفته نشده. اگر هم برویم، بازمی‌گردیم. وفاداری شما مرا دلگرم می‌کند.» گروهی از نمایندگان مجلس آمدند: «اعلیحضرتا، اگر به ما قول ماندن ندهید، به بختیار رأی اعتماد نمی‌دهیم» شاه پاسخ داد: «این کار را نکنید. باید فوراً يك دولت قانونی تشکیل شود.»

به‌هنگام ترك كاخ، یکی از نمایندگان دست شاه را گرفت، گریست و گفت: «بی‌شما، چه بر سر ایران خواهد آمد؟ ما را رها نکنید.» و شاه با وقار و دچار احساسات، به او اطمینان داد.

يك استاد سالخورده حقوق که برای نخستین بار به کاخ می‌آمد، به شاه گفت: «اعلیحضرت، اگر به گارد خود اعتماد ندارید، من و گروهی از دوستانم می‌آئیم و از شما محافظت می‌کنیم، در آستانه اتفاق‌تان می‌خواهیم. دشمنان‌تان باید از روی جنازه‌های ما بگذرند. در خارج کمتر در امنیت خواهید بود تا در اینجا.»

او در قاهره، چندی پیش از مرگش، با هیجان این گفتگو را بازگو کرد و گفت: «شاید آن پیر مرد حق داشت. پس از همه آنچه که بر سرمان آوردند...» بنا برین، کسانی بودند که او را دوست می‌داشتند!



تاریخ رفتن تعیین شده و همه چیز آماده بود. شهبانو بر آن شد که در شکارگاه خاندان سلطنتی، با دوستان نزدیکش گرد هم‌آیی بدرود تشکیل دهد. آنجا، دور از پایتخت، و بنا براین آرام بود. هنگامی که ابوالفتح آتابای - میراخور سلطنتی و رئیس شکارگاه که قبلاً در خدمت سلسله قاجار و سپس رضاشاه نیز بود - از خواست شهبانو آگاه شد، فریاد ناخشنودی برآورد که اکنون هنگام میهمانی نیست، چگونه امنیت شهبانو و دوستانش را تأمین کنیم؟ روستائیان آن پیرامون ممکن است بیابند و تظاهرات کنند. از شاه پرسیدند. گفت: بگذارید میهمانی داده شود، گارد، حفاظت آن را برعهده می‌گیرد. آن گروه، تقریباً سی و شش ساعت در «خجیر» بود. به‌گفته يك افسر گارد، فضای میهمانی رنگ دل‌تنگی داشت، ولی غمزده نبود. پیرامون رویدادهای مملکت گفتگویی نشد، ولی میهمانان و آمود می‌کردند که بختیار اوضاع را نظم خواهد داد و دست کم شهبانو خواهد توانست به‌زودی بازگردد. آنان، یا از حضور «هويزر» در ایران، و تحریکاتش آگاه نبودند و یا این گونه وانمود می‌کردند. بی‌گمان نمی‌دانستند که بختیار، گفتگوهایی را با خمینی برقرار کرده تا در رژیم آینده، مقامی برای خود به‌دست آورد. فقط افسران و مأموران گارد خشمگین بودند. حال و هوای کلی آن اندازه به‌هم ریخته بود که برخی از آنان، در لفافه می‌گفتند شگفت‌زده‌اند که شاه بیچاره را تنها، رها کرده‌اند. با این حال، همه چیز بی آن که رویداد نامنتظری پیش آید، گذشت. و محمدرضا پهلوی، باز هم ساعات بسیاری را در تنهایی، و اسیر اندوه و ناامیدی گذراند.

شهبانو، بامداد روز ۱۴ ژانویه به تهران بازگشت. (ادامه دارد)

«فرانسوا شارلورو»، سفیر پیشین فرانسه در ایران، که این کشور را خوب می‌شناخت، مورد ریزنی کاخ الیزه قرار گرفت. نظر رضایت‌آمیز رئیس جمهوری فرانسه پس از بازگشتش از گوادولوپ او را حیرت‌زده کرد: «با خمینی، بالاخره ما شاهد ثبات ایران خواهیم بود!» خود او بعداً این مطلب را برایم نوشت.

دیرترها، «جین کرک پاتریک» سفیر و چهره دانشگاهی آمریکایی پیرامون رویه جهان غرب نوشت: «نظریه‌ای بد بود که نتایج بد نیز به‌بار آورد.»

شاه گذشته از ساعتی که در دفتر خود می‌گذرانید، هیچ کار رسمی و یا پرونده‌ای برای رسیدگی نداشت. روزنامه‌های بین‌المللی را نمی‌خواند، زیرا گویا به او نمی‌دادند، و به‌گفته پروفیسور صفویان که گهگاه صبحها او را می‌دید، فقط روزنامه دست چپی لیبراسیون را در اختیارش می‌گذاشتند. گاه، تنها در کاخ قدم می‌زد. یکی از افسران گارد که چند بار مأمور انتظامات درونی کاخ سلطنتی بود به من گفت: «با دیدن او می‌خواستیم گریه کنیم، او به ما می‌نگریست، اما گویی ما را نمی‌دید. انگار غایب بود، جای دیگری بود.»



شرفیابیها دیگر از «مقامات» و «شخصیتها» تهی شده بود و به‌جای آنها، بیشتر مردم عادی می‌آمدند که گاهی دیدارهاشان دلخراش می‌شد: قصابهای پایتخت، گروه بزرگی

هشدار وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی: مهم‌ترین نقشه دشمن بی‌ثبات‌سازی و کاهش مشارکت در انتخابات است!



اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در مجمع عالی مسئولان سپاه پاسداران

صحنه‌سازی‌های رژیم، کمترین حد مشارکت در انتخابات فرمایشی حکومت ثبت شد بطوری که شمار آرای باطله در جایگاه دوم پس از ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» قرار گرفت! با اینهمه حکومت انتظار دارد با استقبال جامعه در یک انتخابات فرمایشی که قرار است اسفندماه ۱۴۰۲ برای مجلس شورای اسلامی برگزار شود روبرو گردد! وی تأکید کرد «حضور فعال سپاه و بسیج در مشارکت و در خدمت به مردم» می‌تواند نقش امیدبخش و شوق‌آفرینی ایجاد کند!

مجمع عالی فرماندهان سپاه پاسداران بعد از دیدار سپاهی‌ها با علی خامنه‌ای از روز ۲۶ مرداد در تهران آغاز شد. در این چهار روز علاوه بر حسین سلامی فرمانده سپاه و عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، ابراهیم رئیسی، محمدباقر قالیباف، فرماندهان ارشد سپاه و زینب سلیمانی سخنرانی کردند.

محور بیست و چهارمین مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری «امام حسین» برگزار شد راهکارهای مقابله با «تهدیدات داخلی» و جنبش آزادیخواهی مردم بود که حکومت با آن روبروست.

هرچه نخستین سالگرد خیزش ملی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی بیشتر نزدیک می‌شود، تحرکات نمایشی و سخن‌پراکنی‌های مقامات رژیم نیز افزایش می‌یابد. آنها از یکسو به خودشان روحیه می‌دهند و همزمان می‌خواهند اقلیت طرفدار نظام را قانع کنند که حکومت محکم و مقتدر پابرجاست و از سوی دیگر فکر می‌کنند می‌توانند ترس و وحشت را بر مردم حاکم کنند تا دوباره به خیابان‌ها نیایند. غافل از آنکه گذشته از انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی که جان شهروندان را به لب رسانده، انقلابی را که در ذهن جامعه علیه جمهوری اسلامی روی داده نمی‌توان محو کرد و زمان را به پیش از آن برگرداند.

اجرا شد.»
حجت‌الاسلام اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۹ مرداد در چهارمین روز از نشست «مجمع عالی فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به تشریح همکاری‌های این وزارتخانه با سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) پرداخت و از «مقابله با براندازی» به عنوان یکی از موارد همکاری نام برد.

بخشی از سخنرانی خطیب اشاره به بحران‌های داخلی اسرائیل بود. وی گفت: «شرایطی که هرروزه رژیم صهیونیستی با آن مواجه است نتیجه سرمایه‌مقاومتی است که با تلاش شهید سلیمانی پایه‌گذاری شده است. رژیم صهیونیستی که روزی ادعا می‌کرد چهارمین قدرت دنیاست، امروز از اضمحلال درونی خودش سخن می‌گوید، از رئیس‌جمهور تا مسئولین دیگرش، همه سخن از این می‌گویند که این رژیم در حال فروپاشی است.»

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی با اشاره اعتراضات سال ۱۴۰۱ هشدار داد: «در شرایط جدید دشمن تلاش می‌کند با استفاده از بهائیت، نارضایتی‌ها، حرکت‌های صنفی و جریان‌های سیاسی که جهت‌گیری فتنه و تغییر را زمره می‌کنند، به مسیری برود که اثرگذاری اجتماعی و بحران‌سازی‌ها به نحوی شکل گیرد که در بدنه جامعه گسترش پیدا کند.»

خطیب همچنین توضیح داد که «مهم‌ترین نقشه دشمن بی‌ثبات‌سازی و کاهش مشارکت در انتخابات است... برای سالگرد اغتشاشات هم برنامه‌هایی دارند، اما هدف اصلی آنها امسال انتخابات است و باید سعی و تلاش همه مجموعه‌ها در جهتی باشد که بتواند اقتدار و پیروزی بزرگ را فراهم کند.»

گفتنی است که انتخابات نمایشی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ که پیش از خیزش ملی اخیر برگزار شد، با وجود تقلب و

هرچه نخستین سالگرد خیزش ملی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی بیشتر نزدیک می‌شود، تحرکات نمایشی و سخن‌پراکنی‌های مقامات رژیم نیز افزایش می‌یابد.

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در چهارمین روز از نشست «مجمع عالی فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به تشریح همکاری‌های این وزارتخانه با سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) پرداخت و از «مقابله با براندازی» به عنوان یکی از موارد همکاری نام برد.

حجت‌الاسلام خطیب گفته «امروز قدرت دستگاه‌های اطلاعاتی به نحوی است که جاسوس‌هایی از فرانسه، سوئد، انگلیس و کشورهای متعدد دیگری را در اختیار دارند و حتا بعضی از آنها علی‌رغم فشارهایی که آوردند، به اعدام محکوم شدند و حکم آنها اجرا شد.»

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی با اشاره به اعتراضات سال ۱۴۰۱ هشدار داد: «در شرایط جدید دشمن تلاش می‌کند با استفاده از بهائیت، نارضایتی‌ها، حرکت‌های صنفی و جریان‌های سیاسی که جهت‌گیری فتنه و تغییر را زمره می‌کنند، به مسیری برود که اثرگذاری اجتماعی و بحران‌سازی‌ها به نحوی شکل گیرد که در بدنه جامعه گسترش پیدا کند.»

محور اصلی سخنرانی‌ها در چهارمین روز نشست مقامات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در «مجمع عالی فرماندهان سپاه» نیز بحث درباره مقابله با «براندازی نظام» و ضرورت آمادگی برای برخورد با موج جدید خیزش‌های ضدحکومتی مردم بود.

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در این نشست گفت: «امروز قدرت دستگاه‌های اطلاعاتی به نحوی است که جاسوس‌هایی از فرانسه، سوئد، انگلیس و کشورهای متعدد دیگری را در اختیار دارند و حتا بعضی از آنها علی‌رغم فشارهایی که آوردند، به اعدام محکوم شدند و حکم آنها

«بخت» یار پناهجویان ایرانی در آلمان



عکس آرشیوی

● ایرانیان متقاضی پناهندگی فعلا می‌توانند با خیال راحت به زندگی در آن کشور ادامه دهند.

در شش ماه نخست سال جاری میلادی بیش از هفت هزار و ۸۰۰ پناهجو که تقاضای آنها در آلمان رد شده بود، به کشورشان بازگردانده شدند. اغلب این افراد شهروندان گرجستان، مقدونیه شمالی، آلبانی، مولداوی و صربستان بوده‌اند.

روند اخراج پناهجویانی که تقاضای پناهندگی آنها در آلمان رد شده در نیمه اول سال ۲۰۲۳ به نسبت دوره مشابه در سال پیش بیش از یک چهارم افزایش یافته است.

روزنامه «نوی اوزنابروکر» روز شنبه ۱۹ اوت به نقل از پاسخ وزارت کشور دولت فدرال آلمان به حزب چپ‌های این کشور نوشت: در شش ماه نخست امسال هفت هزار و ۸۶۱ متقاضی پناهندگی از این کشور اخراج شده‌اند. اما در این میان بخت یار پناهجویان ایرانی بوده که از سرکوب بی‌رحمانه رژیم خونخوار جمهوری اسلامی به لطف دولت آلمان جان سالم به در برده‌اند.

تعداد اخراج‌شدگان در قیاس با شش ماه اول سال گذشته، نزدیک به ۲۷ درصد افزایش داشته است. اغلب پناهجویان اخراجی شهروندان کشورهایی بوده‌اند که در طبقه‌بندی ممالک «امن» قرار دارند.

به گفته وزارت کشور آلمان، بیشتر پناهجویان اخراجی از این کشور در سال جاری شهروندان گرجستان، مقدونیه شمالی، آلبانی، صربستان و مولداوی بوده‌اند.

چندست که پس فرستادن پناهجویان ایرانی به دلیل تعقیب، بازداشت، شکنجه و حبس معترضان و دگراندیشان در ایران، از سوی دولت فدرال مستقر در برلین متوقف شده است.

پس از آغاز جنبش اعتراضی و ادامه سرکوب وحشیانه و خونین معترضان، دولت فدرال و وزیران داخلی ایالت‌های آن کشور توافق کردند اخراج پناهجویان ایرانی که با تقاضای آنها موافقت نشده متوقف گردد.

در ابتدای ماه ژوئیه و با خامه دوره این توافق، وزارت کشور دولت فدرال در نامه‌ای به دولت‌های ایالتی با توجه به ادامه نقض فاحش حقوق منتقدان و معترضان ایرانی از آنها خواست برای تمدید توافق یادشده رویه‌ای یکسان در پیش گیرند.

جنبش اعتراضی بی‌سابقه در ایران در روزهای پایانی شهریور ماه سال گذشته ابتدا در واکنش به کشته شدن مهسا ژینا امینی پس از بازداشت توسط گشت ارشاد آغاز و خیلی سریع به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل گشت.

چهل روز پس از کشته شدن مهسا امینی، مراسم چهل‌م او به نقطه اوج دیگری در جنبش اعتراضی تبدیل شد و این سنت در چهل‌مین روز کشته شدن دیگر جانباختگان این جنبش ادامه یافته است.

در جریان سرکوب معترضان صدها نفر کشته و مجروح گشته و به اعتراف کارگزاران حکومت متحجر ده‌ها هزار نفر بازداشت شده‌اند.

هرانا، ارگان خبری سازمان فعالان حقوق بشر ایران، شمار

دستگیرشدگان در سال گذشته را ۲۹ هزار نفر برآورد کرده است.

در آستانه نخستین سالروز حرکت‌های اعتراضی در ایران با شعار «زن، زندگی، آزادی» نیروهای رژیم در حال آماده شدن برای مقابله با شهروندان معترض هستند.

در حالی که در آلمان پس فرستادن متقاضیان پناهندگی به ایران و برخی دیگر از کشورها در عمل تقریبا متوقف شده، این روند در مورد شهروندان کشورهای دیگر از جمله در حوزه بالکان متفاوت است.

با این حال مطابق پاسخ وزارت کشور به حزب چپ‌ها خطر اخراج فوری متوجه بخش بزرگی از کسانی که با تقاضای آنها موافقت نشده و مجبور به ترک آلمان هستند، نمی‌شود.

بر پایه آمار این وزارتخانه تا پایان ماه ژوئن ۲۷۹ هزار و ۸۹ نفر به دلیل رد تقاضای پناهندگی مجبور به ترک آلمان بوده‌اند اما ۲۲۴ هزار و ۷۶۸ نفر آنها فعلا «تحمل» می‌شوند و اجازه دارند در این کشور بمانند.

به این ترتیب تعداد شهروندان خارجی که در نوبت اخراج از آلمان قرار دارند پس از سال‌ها به شدت کاهش یافته است. چند ماه پیش اعلام شد که تنها در شمال آلمان حدود هزار ایرانی در لیست اخراج قرار دارند. به نظر می‌آید، اغلب این افراد جزو «تحمل»‌شدگانند و تا کنون درباره اخراج احتمالی

آنها گزارشی منتشر نشده است. گفتنی است پس فرستادن افرادی که حکم اخراج آنها صادر شده نیز همیشه به راحتی انجام نمی‌شود. وزارت کشور دولت فدرال می‌گوید، در نیمه اول امسال اخراج ۵۲۰ نفر به علت‌های مختلف، از جمله مقاومت آنها، عدم همکاری پلیس و شرکت‌های هواپیمایی انجام نشده است. دولت ائتلافی آلمان متشکل از سه حزب سوسیال‌دموکرات، سبزها و دمکرات‌های لیبرال، در قرارداد ائتلاف خود بر سر جدیت در برخورد با مهاجران غیرقانونی و قاطعیت در پس فرستادن متقاضیان پناهندگی که تقاضای آنها رد می‌شود موافقت کرده است.

نانسی فریزر وزیر کشور آلمان طرفدار سخت‌تر و قاطعانه‌تر شدن قوانین مربوط به اخراج اینگونه افراد است تا برگرداندن آنها به کشورشان به شکل موثرتری اجرا گردد. یکی از تدابیر مورد نظر در این زمینه بازگرداندن اشخاص در گذرگاه‌های مرزی است که بدون داشتن ویزا قصد ورود به آلمان را دارند. در شش ماه نخست امسال تعداد این افراد ۲ هزار و ۱۸۶ نفر گزارش شده است.

کلارا بونگر سخنگوی حزب چپ‌های آلمان در امور سیاست‌های پناهندگی با انتقاد از افزایش تعداد اخراج‌شدگان در نیمه اول امسال گفته: «این شهروندان مجبور به بازگشت به ممالکی شده‌اند که در آنجا با تهدید جنگ،

بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران، نوستالژی به یادگار مانده از دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی



بازگشایی هفتمین دوره بازی‌های آسیایی / ۱ سپتامبر ۱۹۷۴ / ورزشگاه آرپامهر تهران

تعداد بیشتری
از دادخواهان
بازداشت
شدند؛
هراس شدید
جمهوری
اسلامی از
مردم

● مهسا یزدانی مادر محمد جواد زاهدی، نسرین علیزاده خواهر شیرین علیزاده، فرامرز براهویی برادر ۱۵ ساله اسماعیل آبیبل و ماشالله کرمی پدر محمدمهدی کرمی بازداشت شدند.

● جمهوری اسلامی چنان خود را در لبه پرتگاه احساس می‌کند که حتی از پدران و مادران سوگوار و داغدار جانبختگان نیز هراس دارد.

● نهادهای امنیتی همچنین در آستانه سالگرد اعتراضات خانواده‌های دادخواه را برای عدم فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و برگزار نکردن مراسم سالگرد جانبختگان زیر فشار قرار داده‌اند.

با نزدیک شدن به سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز اعتراضات جنبش ملی در ایران، موج گسترده فشار امنیتی و قضایی بر خانواده‌های دادخواه افزایش پیدا کرده و در روزهای گذشته چند تن از اعضای خانواده جانبختگان اعتراضات سال گذشته بازداشت شدند.

جمهوری اسلامی همه توان امنیتی و قضایی خود را برای محدود ساختن و در بند نگاه داشتن شهروندان در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی به کار گرفته تا از بروز هر تجمعی در روزهای آخر شهریورماه جلوگیری کند. بخشی از سرکوب‌ها متوجه خانواده‌های دادخواه است و طی روزهای گذشته تعداد زیادی از دادخواهان بازداشت شدند.

روز گذشته مهسا یزدانی، مادر محمد جواد زاهدی از کشته‌شدگان اعتراضات در ساری بازداشت شد. محمدجواد زاهدی، جوان ۲۰ ساله اهل ساری در شامگاه ۳۰ شهریور با شلیک ماموران زخمی شد و به دلیل عدم همکاری اورژانس، بر اثر خونریزی جانش را از دست داد.

همزمان در روز چهارشنبه اول شهریورماه نسرین علیزاده خواهر شیرین علیزاده از جانبختگان اصفهان نیز بازداشت شد. خبرنگاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با اعلام این خبر به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «خانم علیزاده توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شده» و از دلایل بازداشت، محل نگهداری و اتهامات مطرحه علیه این شهروند اطلاعی در دست نیست. ←

می‌بردند. نیروهای نظامی ایالات متحده یکسالی می‌شد که از ویتنام خارج شده بودند و کشورهای شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس در آستانه تکوین قرار داشتند. اثرات جنگ دو کره هنوز ملموس بود و چین کمونیست همچنان در شرایط انقلابی بسر می‌برد. با این حال رییس جمهور وقت اسرائیل افرائیم کاتزیر، پادشاه تایلند بومیپول آدولیاده و رییس جمهور کره جنوبی پارک چونگ هی از جمله دعوت‌شدگان حاضر در این بازی‌ها بودند که در آن حضور یافتند.

در این دوره از بازی‌ها ۳۰۱۰ ورزشکار از ۲۵ کشور آسیایی شرکت داشتند. دو کشور مغولستان و کره شمالی برای نخستین بار بود که در بازی‌های آسیایی شرکت می‌کردند. در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۰ بانکوک ۲۴۰۰ ورزشکار، ۱۹۶۶ بانکوک ۱۹۴۵ ورزشکار، ۱۹۶۲ جاکارتا ۱۹۶۰ ورزشکار و در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ که در توکیو برگزار شد ۱۸۲۰ ورزشکار از شانزده کشور حضور داشتند.

علاوه بر شانزده رشته ورزشی معمول، سه رشته شمشیربازی، ژیمناستیک و بسکتبال زنان نیز توانسته بودند به بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران راه پیدا کنند. گفته می‌شود غلامرضا پهلوی رییس وقت کمیته ملی المپیک ایران و امیرعباس هویدا نخست وزیر وقت دولت شاهنشاهی که مدیریت کمیته اجرایی این بازی‌ها را نیز بر عهده گرفته بود، نقش بسزایی در پذیرش ورزش بسکتبال زنان در بازی‌های آسیایی ایفا کردند.

در افتتاحیه این بازی‌ها فضای استادیوم آرپامهر با رها شدن پنج هزار کبوتر سفید به نشانه صلح و صدها بادکنک رنگی به نشانه شادی و سرور جلوه‌ای خاص گرفته بود. علی باغبان‌باشی دونده سرشناس مارتن ایران مشعل زیبای بازی‌ها را روشن کرد و سرود زیبای این بازی‌ها که شاهکاری بود از حشمت سنجری، حاضران در ورزشگاه را به وجد آورد.

بازی‌های آسیایی تهران تبلوری بود از روزهای طلایی ایران که از آن پس تا کنون دیگر تکرار نشد.

● یکم تا شانزدهم سپتامبر ۱۹۷۴، نخستین میزبانی بازی‌های آسیایی خاورمیانه در تهران به ثبت رسید و اسرائیل که سه سالی از پیروزی در جنگ شش روزه اعراب می‌گذشت آخرین حضور را در المپیک آسیایی داشت. با وجود اینکه عربستان سعودی و فلسطین به علت حضور اسرائیل از شرکت در این بازی‌ها امتناع کرده بودند اما بازتاب استقبال صدهزار نفری زنان و مردان برای تماشای فینال دو تیم ملی فوتبال ایران و اسرائیل در استادیوم آرپامهر به حدی تأثیر گذار شد که اخبار مرتبط با تحریم سعودی‌ها به حاشیه رانده شد.

فرزاد پوشانلو - اهمیت مرور بازی‌های آسیایی تهران نه فقط به لحاظ اینکه بزرگترین رخدادهای ورزشی تاریخ ایران به شمار می‌آید و ورزشکاران ایرانی توانسته بودند با کسب ۳۶ مدال طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز پایین‌تر از ژاپن و بالاتر از چین رتبه دوم این بازی‌ها را به خود اختصاص بدهند، بلکه اگر اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای آسیایی را در دهه هفتاد میلادی و حتی همزمان با برگزاری این بازی‌ها مورد توجه قرار بدهیم، در می‌یابیم که رشد اقتصادی و ثبات امنیت در ایران تا چه حد توانسته بود ضامن صلح و دوستی ملت‌ها باشد.

یکم تا شانزدهم سپتامبر ۱۹۷۴، نخستین میزبانی بازی‌های آسیایی خاورمیانه در تهران به ثبت رسید و اسرائیل که سه سالی از پیروزی در جنگ شش روزه اعراب می‌گذشت آخرین حضور را در المپیک آسیایی داشت. با وجود اینکه عربستان سعودی و فلسطین به علت حضور اسرائیل از شرکت در این بازی‌ها امتناع کرده بودند اما بازتاب استقبال صدهزار نفری زنان و مردان برای تماشای فینال دو تیم ملی فوتبال ایران و اسرائیل در استادیوم آرپامهر به حدی تأثیر گذار شد که اخبار مرتبط با تحریم سعودی‌ها به حاشیه رانده شد. در شرق آسیا، جز ژاپن، بسیاری از کشورها در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و در نتیجه اقتصادی بسر



تصویر تعدادی از کودکان جانبخته در انقلاب ۱۴۰۱

اشاره به آزار و اذیت خانواده‌های جانبختگان اعتراضات و اقداماتی چون تخریب مزار جانبختگان، بازداشت خودسرانه و آزار و شکنجه روانی خانواده‌های قربانیان، خواستار اقدام جامعه جهانی برای «پاسخگو کردن» مسئولان جمهوری اسلامی شد.

این گزارش با اشاره به «آزار و اذیت خانواده‌ها از جمله دستگیری‌های خودسرانه، بازداشت‌ها، شلاق و اعتراف‌های اجباری» از جمهوری اسلامی خواسته به چنین رفتارهایی در برابر خانواده‌های دادخواه پایان داده و با به رسمیت شناختن «حقوق انسانی» این خانواده‌ها اجازه برگزاری مراسم سالگرد جانبختگان را به خانواده‌ها بدهد.

این گزارش با بررسی ۳۵ خانواده‌ی جانبختگان در ۱۰ استان ایران نوشته همه این خانوارها با «ترفندهای شوم جمهوری اسلامی» مورد نقض حقوق بشر قرار گرفته‌اند.

در ادامه آمده که نهادهای امنیتی حتی خانواده قربانیان را از برگزاری مراسم از جمله مراسم زادروز جانبختگان بر سر مزار عزیزانشان منع کردند و آندسته از خانواده‌هایی که با وجود فشارهای امنیتی اقدام به برگزاری مراسم بر مزار قربانیان کرده‌اند با حضور گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی، تصویربرداری و تهدید و بازداشت روبرو شدند.

بخشی از این گزارش نیز به «تخریب» مزار جانبختگان از سوی مقامات حکومتی با پاشیدن قیر و رنگ، آتش زدن مزارها و شکستن سنگ قبرها اشاره دارد.

در این گزارش با تأکید بر اینکه «ظلم مقامات جمهوری اسلامی حد و مرزی ندارد» آمده که مقامات جمهوری اسلامی در تلاشی شوم برای سرپوش گذاشتن بر جنایاتشان، با جلوگیری از دنبال کردن حق دادخواهی و عدالت و یا حتی کاشت گل بر مزار جانبختگان از سوی خانواده بر درد و رنج خانواده قربانیان افزوده‌اند.

این سازمان در پایان با اشاره به «مسئولیت کیفری» برای عاملان و آمران، این جنایات، خواستار «پاسخگو کردن» مسئولان جمهوری اسلامی در برابر جنایاتش در جریان اعتراضات سال گذشته تا کنون شده است.

شد که در آن نوشته شده بود: «این آخرین استوری بنده تا سالگرد حمیدرضااست.»

در ادامه متن منتشر شده در صفحه اینستاگرام علی روحی آمده بود که «بابت تمامی زحماتی که برای زنده نگهداشتن نام و یاد پسرمان می‌کشید از همه شما ممنوم و دست بویستان هستم. نام و یاد تمامی شهدای وطن جاوید و ماندگار.»

پوریا روحی برادر حمیدرضا روحی نیز در متن مشابهی نوشته که از قطع فعالیت‌ها در صفحه اینستاگرامش خبر داده و از کسانی که طی ۹ ماه گذشته «به هر نحوی سعی در زنده نگهداشتن یاد و خاطره حمیدرضا روحی» داشته‌اند تشکر شده بود.

پوریا روحی در این متن با هشتگ «علیه فراموشی» تأکید کرده بود که «به اطلاع می‌رسانم که تا سالگرد برادرم از ادامه فعالیت در این صفحه معذورم.»

چنین اقداماتی از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی نشاندهنده هراس حکومت از برگزاری تجمعات است. جمهوری اسلامی چنان خود را در لبه پرتگاه احساس می‌کند که حتی از پدران و مادران سوگوار و داغدار جانبختگان نیز هراس دارد.

بازداشت ماشالله کرمی، پیرمرد دستفروشی که پس از اعدام تنها پسرش تلاش کرده نام و یاد فرزندش را با اقداماتی چون پخش غذا زنده بدارد، با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است.

حسین شنبه‌زاده ویراستار در توئیتر نوشته که «خیلی برایمان عادی شده کسی را که به سوگ فرزندش نشسته، بگیرند ببندازند انفرادی، نه؟ چون توی کره شمالی هم این مورد وجود ندارد. جرم؟ بچه‌اش را کشتیم ناراحت است.»

حسین جنتی شاعر نیز با انتشار یک بیت نوشت: «ما زیسته‌ایم از همه سو عصر حجر را/ کشتند پسر را و گرفتند پدر را...»

مهرداد آقاقلی پدر یلدا آقاقلی از جانبختگان جنبش ملی هم با انتشار پستی اینستاگرامی نوشت: «با گرفتن خانواده‌های داغ‌دیده چه چیزی را می‌خواهید ثابت کنید؟» هفته گذشته نیز سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی با

پیش از این در ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ نیز محمد (کوروش) وزیر همسر شیرین عزیززاده در اصفهان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد.

شیرین عزیززاده شهروند ساکن اصفهان در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱ در حالیکه به همراه همسر و فرزند خردسالش در سفر به شمال کشور به سر می‌برد در جریان اعتراضات سراسری در چالوس بر اثر اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی جان باخت.

در ادامه موج بازداشت و تهدید خانواده‌های دادخواه صبح روز سه‌شنبه ۳۱ مرداد فرامرز براهویی برادر ۱۵ ساله اسماعیل آیل (براهویی) از جانبختگان جمعه خونین زاهدان بازداشت شد.

به گزارش وبسایت «حالش» که خبرهای مربوط به سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد این نوجوان چند روز پیش به زاهدان رفته و بر مزار برادرش حاضر شده بود اما پس از بازگشت به تربت حیدریه بازداشت شد. هنوز از نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری این کودک اطلاعی در دست نیست.

اسماعیل آیل ۲۳ ساله، یکی از دست‌کم ۱۰۰ شهروندی است که روز هشتم مهر ۱۴۰۱ در «جمعه خونین زاهدان» با تیراندازی مستقیم نیروهای حکومتی کشته شد.

همزمان در روز سه‌شنبه ۳۱ مرداد ماشالله کرمی پدر محمدمهدی کرمی از اعدام‌شدگان جنبش ملی در تهران بازداشت شد. بر اساس گزارش‌ها بازداشت ماشالله کرمی با هجوم عوامل امنیتی به خانه‌اش انجام شده و نیروهای امنیتی «وسایل الکترونیکی مانند لپ‌تاپ و تلفن همراه خانواده کرمی را با خود برده‌اند».

برخی گزارش‌ها نیز حاکی از آنست که نیروهای حکومتی لوح‌ها و مدال‌های قهرمانی محمدمهدی کرمی را نیز شکسته‌اند. ساعتی بعد از بازداشت ماشالله کرمی، امیرحسین کوهکن، وکیل این خانواده نیز بازداشت شد.

برخی دیگر از خانواده‌های دادخواه نیز از سوی نهادهای امنیتی زیر فشار شدید و تهدید قرار دارند. برای نمونه خانواده عرفان رضایی نوایی نوجوان کشته‌شده در اعتراضات مشهد روز گذشته از تماس‌های مشکوک با تلفن‌های همراه خود خبر دادند. خانواده آقای رضایی نوایی با انتشار عکسی از تماس‌های یک خط ناشناس با آن‌ها، این گونه فشارها را با نزدیک شدن زادروز این نوجوان کشته‌شده در اعتراضات مرتبط دانستند.

نهادهای امنیتی همچنین در آستانه سالگرد اعتراضات خانواده‌های دادخواه را برای عدم فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و برگزار نکردن مراسم سالگرد جانبختگان زیر فشار قرار داده‌اند.

روز شنبه ۲۱ مرداد متنی در صفحه اینستاگرام شیرین نجفی خواهر دادخواه حدیث نجفی از جانبختگان اعتراضات سال گذشته منتشر شد که آن تأکید شده بود «این آخرین استوری‌اش تا بعد از سالگرد حدیث» است.

در این متن از قول شیرین نجفی آمده بود «با سلام و عرض ادب خدمت تمام کسانی که در این چند ماه در کنار ما بودند، با ما همدردی کردند و ما را تنها نگذاشتند و یاد و نام حدیث را زنده نگه داشتند از تک تک تان ممنوم. این آخرین استوری من تا بعد از سالگرد حدیث است و از شما تقاضا دارم که برای سالگرد حدیث کسی سر خاک حدیث نیاید چون مراسم نمی‌گیریم.»

همزمان متن مشابهی نیز در صفحه اینستاگرام علی روحی پدر حمیدرضا روحی از جانبختگان جنبش ملی نیز منتشر

افزایش آمار تلفات در بین پرسنل نیروی انتظامی مأمورانی که قربانی بالادستی‌ها می‌شوند!



تشییع جنازه سرگرد شهرام حیدری در کرمانشاه که در تعقیب و گریز قاچاقچیان کشته شد / ۱۷ بهمن ۱۴۰۱

اعتراض به وضعیت زندگی خود تجمع کرده‌اند یا شعار می‌دهند و نیروهای امنیتی به خشن‌ترین شکل ممکن آنها را سرکوب می‌کند بر ذهن و روان جامعه تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب سارقان و متخلفان نیز در برخورد با نیروی انتظامی دست به سلاح می‌برند.

در جمهوری اسلامی، پرسنل نیروی انتظامی به عنوان شهروندانی که شغل و مسئولیت آنها حفاظت از دیگر شهروندان است، قربانی قدرت‌طلبی فرماندهان بالادستی و فراتر از آن قربانی سیاست‌های حکومت می‌شوند. اغلب مردم نیز به دلیل سوء استفاده رژیم از این نیروها، آنها را به چشم سرکوبگر و دشمن نگاه می‌کنند و وقتی تصویر عمومی نسبت به یک ارگان انتظامی تا این اندازه منفی باشد، پیامدهای ناگوار علیه بدنه و پرسنل عادی آن خواهد داشت.

حجت‌الاسلام احمدحسین فلاحي نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ در جلسه علنی مجلس با اشاره به افزایش تلفات بین مأموران امنیتی گفت «انتظار است که امنیت نیروهای امنیتی و انتظامی جدی‌تر گرفته شود و اقتدار به آنها بازگردد!» این درخواست و «انتظار» در حالیست که «نیروهای امنیتی و انتظامی» هستند که می‌بایست «امنیت» شهروندان و جامعه را تأمین کنند!

فلاحي در تذکری با یک ادعای بیجا هشدار داد «برای نظام جمهوری اسلامی که امنیت را در منطقه و آب‌های بین‌المللی برقرار کرده، زینده نیست که نیروهای انتظامی و امنیتی در کف خیابان‌ها به دست اوباش به شهادت برسند!» در حالی که جمهوری اسلامی یکی از عوامل جدی اختلال و تنش در «منطقه و آب‌های بین‌الملل» به شمار می‌رود و سوء استفاده رژیم از نیروهای انتظامی و «امنیتی» در سرکوب، آنها را در برابر مردم قرار داده و جنایتکاران و متخلفان نیز از این وضعیت به سود خود استفاده می‌کنند و به پرسنل عادی نیروهای انتظامی و یا سربازان وظیفه آسیب رسانده و آنها را به قتل می‌رسانند.

درباره اینکه چرا آمار تلفات در نیروی انتظامی و زیرمجموعه آن تا این حد بالا رفته است نظرات مختلفی بیان می‌شود. یک منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید «بعد از برکناری حسین اشتری از فرماندهی فراجا و آمدن رادان می‌شد حدس زد که این اتفاق خواهد افتاد زیرا او سختگیرانه‌تر به فرماندهان زیرمجموعه خود برای کاهش تخلفات امر و نهی می‌کند و کمتر در نظر می‌گیرد که در تمام زیرمجموعه پلیس اعم از شهری و مرزبانی و غیره کمبود نیرو و کمبود امکانات وجود دارد.»

کمبود نیرو و امکانات یکی از ضعف‌های اساسی نیروی انتظامی است. سردار مهدی معصومی‌بیگی رئیس پلیس پیشگیری انتظامی می‌گوید دو هزار کلانتری و پاسگاه در کشور کم است. کمبود نیرو یعنی خستگی پرسنل در شیفت‌های طولانی‌تر. وقتی کلانتری و پاسگاه در یک منطقه کم باشد برای اعزام نیرو به مأموریت باید از پاسگاه‌ها و کلانتری‌های مجاور یا نزدیک‌ترین آنها کمک گرفت. وقتی مأمور اعزامی خسته به محل مربوطه می‌رسد و آشنایی زیادی نیز به جغرافیا و خُلق و خوی مردم آن منطقه ندارد ریسک مأموریت‌های انتظامی بیشتر می‌شود.

همین منبع در ادامه می‌گوید: «بر اساس اعلام مقامات پلیس متخلفان جری شده‌اند. میزان استفاده آنها از اسلحه در سرقت‌های معمولی زیاد شده است. حتا در دعوای خانگی و محلی قبلاً این تعداد قتل و تیراندازی نبود. درواقع این نشان می‌دهد هم جامعه خشن‌تر شده و هم جرم بیشتر شده است. ریشه اغلب این مسائل هم اقتصادی است. بسیاری از کسانی که وارد باندهای مواد مخدر می‌شوند از ناچاری است.»

کارشناسان بر این باورند که افزایش تلفات بین پرسنل نیروی انتظامی تحت تأثیر خشونت‌های ارگان‌های نظامی حکومت از جمله نیروی انتظامی در قبال مردم است. استدلال آنها این است وقتی مردم عادی در خیابان به خاطر

● در سه حادثه تیراندازی در اصفهان، مسجد سلیمان و شهرستان بیضا (استان فارس) طی کمتر از ۴۸ ساعت چهار مأمور نیروی انتظامی و یک سرباز وظیفه کشته شده‌اند.

● یک منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید «بعد از برکناری حسین اشتری از فرماندهی فراجا و آمدن رادان می‌شد حدس زد که این اتفاق خواهد افتاد زیرا او سختگیرانه‌تر به فرماندهان زیرمجموعه خود برای کاهش تخلفات امر و نهی می‌کند و کمتر در نظر می‌گیرد که در تمام زیرمجموعه پلیس اعم از شهری و مرزبانی و غیره کمبود نیرو و کمبود امکانات وجود دارد.»

● کارشناسان بر این باورند که افزایش تلفات بین پرسنل نیروی انتظامی تحت تأثیر خشونت‌های ارگان‌های نظامی حکومت از جمله نیروی انتظامی در قبال مردم است.

آمار مرگ و میر پرسنل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ناشی از درگیری مسلحانه در حین مأموریت‌های شهری و عملیاتی به شکل غیرعادی بالا رفته است.

در سه حادثه تیراندازی در اصفهان، مسجد سلیمان و شهرستان بیضا (استان فارس) طی کمتر از ۴۸ ساعت چهار مأمور نیروی انتظامی و یک سرباز وظیفه کشته شدند.

یکی از این درگیری‌ها در خیابان «صدوقی» اصفهان روی داد. فردی با انگیزه‌های نامشخص عصر جمعه ۲۷ مرداد با اسلحه فرد دیگری را می‌کشد. مردم با پلیس تماس می‌گیرند. دو نفر از مأموران کلانتری ۱۶ اصفهان استوار امیرحسین زاده احمدی و گروهبان یکم محمداحسان شفیعی به محل قتل اعزام می‌شوند. ولی قاتل به سمت آنها نیز تیراندازی می‌کند. در نهایت پس از تبادل آتش، فرد تیرانداز نیز توسط سایر مأموران کشته می‌شود.

در مسجد سلیمان استوار یکم سعید پویان جهت اجرای حکم قضایی برای دستگیری یک سارق مسلح به محل اختفای او اعزام می‌شود. سارق به محض مشاهده مأمور به سمت وی تیراندازی می‌کند.

در شهرستان بیضا واقع در استان فارس دو سرباز وظیفه در حال انتقال یک سارق زندانی از دادرها به زندان مورد حمله قرار می‌گیرند که طی آن سرباز وظیفه، رامین جوکار، کشته و سرباز دیگری زخمی می‌شود.

دادستان استان فارس درباره این حادثه گفت: «قصور سرباز وظیفه و کوتاهی در نگهداری از اسلحه سازمانی و همچنین عدم مراقبت مناسب از متهمان در حال انتقال به بازداشتگاه باعث مسلح شدن یکی از متهمان و وقوع حادثه شد.» با این توضیح معلوم می‌شود که سارق زندانی توانسته اسلحه یکی از سربازان وظیفه را گرفته و به آنها شلیک کند. دو سه روز قبل از کشته شدن این مأموران، سردار پاسدار احمدرضا رادان (۲۵ مرداد) فرمانده نیروی انتظامی گفته بود «در سال جاری ۴۰ شهید در مأموریت‌های مرزبانی، مبارزه با قاچاقچیان کالا، مواد مخدر و راهنمایی و رانندگی تقدیم انقلاب اسلامی» شد! رادان این حرف درباره بذر و بخش جان و زندگی نیروهای نهادهای مختلف انتظامی را

را در جریان دیدار با خانواده حسن وحیدی از پرسنل پلیس راهور (راهنمایی و رانندگی) بیان کرد. وحیدی سه هفته پیش از این در جریان حمله مسلحانه به ماشین پلیس راهور در جاده خاش به زاهدان کشته شده

«یکدست سازی» دانشگاه‌ها با اخراج اساتید مردمی و جذب ۱۵۰۰۰ استاد «خودی»!

مهدی خوبی افتاد.

مهدی خوبی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه «علامه» نیز در حساب توئیتری خود نوشته که «من مهدی خوبی، معلم جامعه‌شناسی در دانشگاه علامه که به کسی باجی نداد و خدایش می‌داند که خود را تنها و فقط به مردم و دانشجو متعهد می‌دید، بعد از ۷ سال تدریس نامه قطع همکاری (اخراج) گرفته‌ام و از خانه‌ام یعنی دانشگاه در حال رانده شدن هستم و مستاصلم از این ظلم شکایت به کجا برم.»

پیش از این نیز در دانشگاه «باهنر» کرمان، دکتر بهارک اختردانش و دکتر محمد مهدی علومی از اساتید گروه دامپزشکی این دانشگاه به دلیل حمایت از دانشجویان در صفحات مجازی، حکم انفصال و اخراج دریافت کردند.

همچنین در دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) دکتر رهام افغانی خراسکانی عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی این دانشگاه به مصاحبه‌ی عقیدتی-سیاسی احضار شده و زمزمه‌ی اخراج و قطع همکاری با وی به گوش می‌رسد. چندی پیش دکتر فرهاد شریعت راد از دیگر اساتید این دانشکده نیز در آستانه‌ی قطع همکاری قرار گرفته بود. در دانشگاه تهران، ناصر مقدم کوهی استاد گروه ارتباط تصویری در صفحه‌ی مجازی خود از احتمال قطع همکاری به دلیل حمایت از اعتراضات دانشجویان خبر داد.

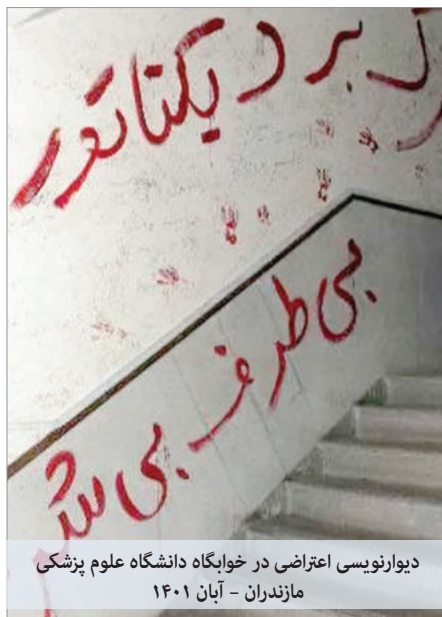
دکتر مهدی مطیع و دکتر محمد سلطانی استادان دانشکده الهیات و معارف دانشگاه اصفهان نیز با دریافت «ابلاغ اتهام» تا اطلاع بعدی از تدریس در این دانشگاه تعلیق شده‌اند. در دانشگاه‌ها فشار بر دانشجویان نیز در آستانه سالگرد اعتراضات افزایش یافته است. این فشارها به اشکال مختلفی از جمله صدور حکم قضایی، اخراج از دانشگاه، تعلیق و تبعید به واحدهای دیگر دانشگاهی در جریان است. شمار زیادی از دانشجویان نیز توسط نهادهای امنیتی یا حراست دانشگاه‌ها تهدید شده‌اند که در سالگرد اعتراضات فعالیت نداشته باشند.

همچنین مقامات حکومت در حال پیگیری طرح «مجازی شدن دانشگاه‌ها» در ۱۰ روز نخست مهرماه هستند تا با تعطیلی دانشگاه‌ها از شکل‌گیری احتمالی اعتراضات دانشجویان جلوگیری کنند.

مهدی گلشنی مدیرکل حمل و نقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران از مکاتبه با آموزش عالی برای مجازی شدن دانشگاه‌ها در ۱۰ روز نخست مهرماه خبر داده است. بهانه آنلاین شدن دانشگاه‌ها در دهه نخست مهرماه «کنترل ترافیک» عنوان شده است!

مهدی گلشنی با اشاره به افزایش ترافیک از اول مهرماه نسبت به تابستان گفته که «بر اساس مطالعات سال‌هایتمادی با آغاز مهر ماه ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش ترافیک در سطح شهر خواهیم داشت که امیدواریم بتوانیم با اتخاذ تمهیداتی علاوه بر شناور سازی ساعت کار حجم ترافیک را کاهش دهیم.»

او در ادامه گفته که «در حال رایزنی، مکاتبه و طی فرآیند کارشناسی هستیم که از آموزش عالی بخواهیم در راستای کاهش ترافیک پایتخت ۱۰ روز اول مهر ماه فعالیت دانشگاه‌ها مجازی باشد که این پیشنهاد ما در حال مکاتبه است و البته تا پایان شهریور ماه مدت زمانی باقی است که امیدواریم بتوانیم این تمهیدات را اجرایی کنیم.»



دانشگاه در ایران را در حال «احتضار» خوانده است. در این گزارش آمده که «در دولت سیزدهم که به تازگی وارد سال سوم فعالیت خود شده است تا کنون اساتید جوانی چون آرش ابادری و محمد فاضلی و حسین مصباحیان و رضا امیدی و امیر مازیار و محمد راعب و امیر نیک‌پی و اساتید دیگری به بهانه‌های «عمل نکردن به تعهدات علمی»، «کسب نکردن امتیازات قانونی ادامه خدمت» و دیگر بهانه‌های مختلف نامه «قطع همکاری» از دانشگاه دریافت کرده‌اند. اخیراً هم مهدی خوبی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی خبر از «قطع همکاری» این دانشگاه با او داده است و این خبر نشان از وضعیت مخاطره‌آمیز دانشگاه و علوم اجتماعی می‌دهد.»

در ادامه این مطلب آمده که «امروز دانشکده‌های علوم انسانی، کرسی‌های درس خالی بسیاری دارند که به آسانی نمی‌توان آنها را پر کرد. این نکته زمانی مهم می‌شود که به آمارهای رصدخانه مهاجرت بنگریم که از موج مهاجرت گسترده در کشور خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد موج اخراج و مهاجرت در تلاقی باهم باعث افزایش میل به مهاجرت در میان اهل دانشگاه شده است. در این شرایط اخراج تک‌دهایی در دانشگاه که به کار علمی و نظری خود مشغول‌اند و ایران برای‌شان مسئله است در وهله نخست کاری ناروا در حق این افراد و در وهله دیگر، نتیجه‌ای جز تهی کردن نهاد علم و دانشگاه و تنگ‌تر شدن دایره ندارد.»

وبسایت «خبر آنلاین» نیز امروز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲ اخراج گسترده اساتید دانشگاه را بازتاب داده و نوشته که سربال قطع همکاری یا همان اخراج استادان دانشگاه قبل‌تر به نام‌هایی مانند محمد فاضلی جامعه‌شناس دانشگاه شهید بهشتی، رضا امیدی جامعه‌شناس دانشگاه تهران، محسن برهانی استاد حقوق دانشگاه تهران، بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه آزاد، علی سرزعیم استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، سوده حامد توسلی استاد حقوق دانشگاه آزاد و تنی دیگر گره خورده بود و حالا این قرعه به نام

● یک استاد دانشگاه در ایران خبر داده که دولت ابراهیم رئیسی فرایند «جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیئت علمی همسو» را بطور «مخفیانه» آغاز کرده است.

● موج فشار و «پاکسازی» فضای دانشگاه‌ها از اساتید همسو با مردم که از دانشجویان حمایت کرده‌اند در هفته‌های گذشته افزایش یافته است. شوراهای صنفی دانشجویان کشور نیز فشارهای شدید بر شماری از اساتید دانشگاه‌های کرمان، «بهشتی»، «طباطبایی»، تهران، اصفهان و مشهد را تأیید کرده و آن را در راستای «تصفیه اساتید همراه با دانشجویان» ارزیابی کرده است.

● مقامات حکومت در حال پیگیری طرح «مجازی شدن دانشگاه‌ها» در ۱۰ روز نخست مهرماه هستند تا با تعطیلی دانشگاه‌ها از شکل‌گیری احتمالی اعتراضات دانشجویان جلوگیری کنند.

تلاش جمهوری اسلامی برای «پاکسازی» دانشگاه‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات به «یکدست‌سازی» اساتید رسیده و فرایند جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیئت علمی «خودی» با چراغ خاموش آغاز شده است.

یک استاد دانشگاه در ایران خبر داده که دولت ابراهیم رئیسی فرایند «جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیئت علمی همسو» را بطور «مخفیانه» آغاز کرده است.

علی شریفی زارچی عضو هیئت علمی بیوانفورماتیک و هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) روز جمعه در توئیتری نوشت: «در گروه‌های دانشگاهی سندی منتشر شد که نشان می‌دهد دولت رئیسی مخفیانه فرایند جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیات علمی همسو را به صورت سهمیه‌ای، فوری و خارج از چارچوب علمی موجود دانشگاه‌ها آغاز کرده.»

او افزوده که «این فاجعه یعنی مثلاً تزریق ۱۰۰ نفر به هر دانشگاه علوم پزشکی. سکوت جامعه علمی خیانت به ایران است.»

علی شریفی زارچی از جمله استادان دانشگاه است که پس از اعتراضات جنبش ملی در سال گذشته و به دلیل حمایت از دانشجویان معترض، از سوی ماموران امنیتی احضار شد.

موج فشار و «پاکسازی» فضای دانشگاه‌ها از اساتید همسو با مردم که از دانشجویان حمایت کرده‌اند در هفته‌های گذشته افزایش یافته است. شوراهای صنفی دانشجویان کشور نیز فشارهای شدید بر شماری از اساتید دانشگاه‌های کرمان، «بهشتی»، «طباطبایی»، تهران، اصفهان و مشهد را تأیید کرده و آن را در راستای «تصفیه اساتید همراه با دانشجویان» ارزیابی کرده است.

این شورای صنفی روز گذشته، جمعه ۲۷ مرداد، در تازه‌ترین نمونه از «سرکوب» اساتید، از اخراج مهدی خوبی، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه «علامه»، خبر داده است.

انجمن علمی- دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه «علامه» نیز در بیانیه‌ای با اشاره به اخراج مهدی خوبی از «تسخیر» صندلی‌های هیئت علمی دانشگاه‌ها به وسیله اساتید «رانتی و بی‌سواد» انتقاد کرده است.

روند اخراج و علق کردن اساتید دانشگاه آتقدر گسترده است که روزنامه «اعتماد» روز گذشته در گزارشی با انتقاد از اخراج گسترده اساتید منتقد جمهوری اسلامی از دانشگاه‌ها،

فرار نیروی متخصص از ایران؛ احتمال واردات پزشک و دندانپزشک از افغانستان و پاکستان



کشور از سوی جامعه پزشکی، خالی شدن کشور از پزشکان را جدی خواند.

محمد رئیس زاده با هشدار نسبت به آینده سلامت در کشور گفته که پزشکان از حرفه‌ای که برای آن تربیت شده‌اند دست می‌کشند تا در «خارج از حوزه پزشکی» یا در بخشی دیگر از این حوزه فعالیت کنند. وی همچنین افزوده «بعضی‌ها شوخی شوخی با جامعه پزشکی کشتی می‌گیرند ولی جدی جدی کشور از حضور پزشکان خالی می‌شود.» او حفظ نشدن حرمت جامعه پزشکی و مشکلات معیشتی و شیوه تعرفه‌بندی درآمد نادرست برای این قشر را از عوامل تشدید مهاجرت پزشکان در سال‌های گذشته عنوان کرده است.

حسین‌علی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی خردادماه امسال از دریافت گواهی لازم برای مهاجرت کاری توسط حدود ۱۰ هزار متخصص و فوق تخصص ایرانی تنها طی دو سال گذشته خبر داد و گفت که کشورهای عربی به مقصد اصلی مهاجرت پزشکان ایرانی تبدیل شده است.

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی علت مهاجرت گسترده پزشکان را عدم رضایت از درآمد و مشکلات معیشتی عنوان کرده و گفته بود که «بسیاری از این افراد به علت امکان دریافت حقوق‌های بسیار بالا در کشورهای حوزه خلیج فارس حتی فکر مهاجرت به کشورهای اروپایی را هم نمی‌کنند و به کشورهایی مثل عمان و امارات مهاجرت می‌کنند به گونه‌ای که کشورهای عربی به مقصد اصلی مهاجرت پزشکان ایرانی تبدیل شده است.»

یحیی ابراهیمی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی دی‌ماه گذشته با اشاره به مهاجرت گسترده پزشکان از کشور گفته بود درصد بالایی از پزشکان در حال

دندانپزشکی گفته که «این روزها ما شاهد بی‌انگیزگی شدید دندانپزشکان مخصوصاً قشر جوان هستیم چون دندانپزشک جوان جایگاهی را برای خودش در نظر نمی‌گیرد. قشر جوان دندانپزشک پس از فراغت از تحصیل وارد دوره طرح می‌شود. ما همه این عزیزان را در مراکز استان نگه نمی‌داریم بلکه در مناطق محروم که نیاز به دندانپزشک باشد نیز می‌فرستیم. حقوق دندانپزشکان جوان ماهانه حدود ۱۲ میلیون تومان است که انگیزه کار را از آنها می‌گیرد. او تأکید کرده که دندانپزشک حداقل باید ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان داشته باشد که بتواند خانه و مطب اجاره کند و امرار معاش کند.

این عضو شورای عالی نظام پزشکی افزوده که یک دندانپزشک جوان برای راه‌اندازی مطب حداقل به یک میلیارد تومان پول نیاز دارد و برای وام این یک میلیارد تومان باید حداقل ماهانه ۲۶ میلیون تومان قسط دهد. در حالی که پرداخت این هزینه‌ها با این تعرفه‌های بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست.

بهنام عباسیان افزوده است: «کسانی که فکر می‌کنند سلامت مردم در حال فروپاشی است بدانند اگر سیاستمداران عرصه سلامت تصمیمات کارساز نگیرند متأسفانه در آینده نه چندان دور باید شاهد این باشیم: دست و چشم ما به سوی کشورهای دیگر و همسایه باشد و پزشکان افغانستانی و پاکستانی بیایند و در ایران کار کنند. این پزشکان و دندانپزشکان حداقل ۲ هزار دلار حقوق می‌خواهند اما ما حاضر نیستیم حداقل با ۵۰ میلیون تومان از دندانپزشک خرید خدمت و در آنها ایجاد انگیزه کنیم.»

محمد رئیس زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور، شنبه گذشته در کنگره سالیانه جراحان عمومی، ضمن هشدار نسبت به مهاجرت شغلی و مهاجرت به خارج از

● عضو شورای عالی نظام پزشکی ایران گفته با ادامه روند کنونی ایران ناچار به واردات پزشک و دندانپزشک از کشورهای اطراف می‌شود اما پزشکان و دندانپزشکان خارجی «حداقل دو هزار دلار» حقوق می‌خواهند.

● یک دندانپزشک جوان برای راه‌اندازی مطب حداقل به یک میلیارد تومان پول نیاز دارد و برای وام این یک میلیارد تومان باید حداقل ماهانه ۲۶ میلیون تومان قسط دهد.

● رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور هفته گذشته در کنگره سالیانه جراحان عمومی، با هشدار نسبت به مهاجرت شغلی و مهاجرت به خارج کشور از سوی جامعه پزشکی، خالی شدن کشور از پزشکان را جدی خواند.

یک عضو شورای عالی نظام پزشکی هشدار داد که اگر سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت در ایران تغییر نکنند، ممکن است در آینده نزدیک نیاز شود پزشکان و دندانپزشکانی از کشورهای همسایه از جمله افغانستان و پاکستان استخدام کنیم.

بهنام عباسیان عضو شورای عالی نظام پزشکی ایران با انتقاد از سیاست‌های دولت ابراهیم رئیسی در بخش سلامت و درمان گفته با ادامه روند کنونی ایران ناچار به واردات پزشک و دندانپزشک از کشورهای اطراف می‌شود اما پزشکان و دندانپزشکان خارجی «حداقل دو هزار دلار» حقوق می‌خواهند.

به گفته این عضو شورای عالی نظام پزشکی، اکنون حقوقی که یک دندانپزشک فعال در مناطق محروم دریافت می‌کند «ماهانه حدود ۱۲ میلیون تومان است»، اما «دندانپزشک حداقل باید ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان داشته باشد که بتواند خانه و مطب اجاره کند و امرار معاش کند.»

بهنام عباسیان درباره شرایط فارغ‌التحصیلان رشته

بازماندن ۱۶۰ هزار دانش آموز دبستانی از تحصیل؛ آمار بالای مردودی در میان کودکان دبستانی روستاها



به روستاها داشته باشیم.»

منظور از «تکرار پایه» همان مردودی یا رفوزگی است که به گفته این مقام وزارت آموزش و پرورش، بیشترین رفوزگی را دانش آموزان روستایی و به ویژه کلاس اولی‌ها تشکیل می‌دهند!

روزنامه «خراسان» روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در گزارشی با عنوان «هولناک مثل آمار ترک تحصیل» با اشاره به آمار اعلام شده از سوی معاون آموزش و پرورش نوشته که «روی دیگر آمار جاماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی، آمارهای دیگری است که در این زمینه وجود دارد؛ آمارهایی با اعداد و ارقامی هولناک که به معنای واقعی کلمه، لرزه به اندام هر ایرانی دلسوز می‌اندازد.»

در این مطلب با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که آخر سال گذشته منتشر شد آمده که «۷۰ درصد تارکان تحصیل مربوط به دهک‌های درآمدی پایین یک تا ۵ هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی دارای بیشترین فراوانی مطلق بازماندگان از تحصیل‌اند. همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان غربی و کرمان نیز به ترتیب دارای بیشترین آمار تارکان از تحصیل در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بوده‌اند.»

روزنامه «جام جم» نیز روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در مطلبی دانش آموزان روستایی را «مردودی عدالت آموزشی» خوانده و با اشاره به ضعف آموزشی در مدارس روستایی نوشته که «هر سال تحصیلی که به آخر می‌رسد یک پرونده جدید که مربوط است به دانش آموزان مردودی باز می‌شود. حالا دیگر به این دانش آموزان «رفوزه» گفته نمی‌شود،

● معاون وزیر آموزش و پرورش: در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند.

● مدارس روستایی، ۷۱ درصد از افرادی که شامل تکرار پایه یا همان مردودی شدند را تشکیل می‌دهند.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اسفند سال گذشته در گزارشی از ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ دانش آموز بازمانده از تحصیل و ۲۷۹ هزار دانش آموز ترک تحصیل کرده در ایران خبر داد.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته بخش زیادی از دانش آموزان مردودی، دانش آموزان مقطع دبستان در روستاها هستند. یک عضو هیئت علمی دانشگاه تهران معتقد است حمایت از تحصیل کودکان هرچند در قوانین گنجانده شده اما ضمانت اجرایی ندارد.

معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته که «در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند؛ پس لازم است که برای سایر دانش آموزان نیز نسبت به کیفیت آموزشی، دقت ویژه شود.»

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش همچنین از تفاوت کیفیت آموزشی در مناطق شهری و روستایی خبر داده و گفته بود که «نرخ تکرار پایه در حوزه معاونت آموزش ابتدایی را پایه اول تمام مدارس به خصوص مدارس روستایی است. مدارس روستایی، ۷۱ درصد از افرادی که شامل تکرار پایه شدند را تشکیل می‌دهند، پس اگر بخواهیم فرصت یادگیری عادلانه ایجاد کنیم، لازم است تا توجه ویژه

→ مهاجرت به کشورهای حوزه خلیج فارس هستند. به گفته یحیی ابراهیمی پلکانی کردن کارانه و گرفتن مالیات سنگین سبب شده که حقوق ماهیانه یک پزشک در کشور بیش از سی میلیون تومان نشود.

مهاجرت نیروی متخصص از ایران در همه رسته‌های شغلی و تحصیلی، آمارهای عجیب برجای گذاشته و در این میان آمار رو به افزایش مهاجرت پزشکان و پرستاران هشدارهای زیادی درباره آینده وضعیت درمان و سلامت در ایران به همراه داشته است.

بخش پزشکی که امکان مهاجرت کاری به دیگر کشورها دارند، بخش زیادی از پزشکان نیز در کشور شغل پزشکی را رها کرده و به مشاغل دیگری روی آورده‌اند. در همین رابطه ایرج خسرونیا رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران خردادماه امسال اعلام کرد که تعدادی از پزشکان شغل طبابت را رها کرده و به مشاغل دیگر روی آورده و حتی برخی از آنان به مسافركشی یا دلارفروشی می‌پردازند.

او گفته بود که وضعیت مالی پزشکان به قدری ناگوار است که برخی پزشکان به این نتیجه رسیده‌اند که مطب خود را تعطیل و بجای آن کافی شاپ یا آرایشگاه تأسیس کنند. برخی بساز و بفروش شده‌اند، حتی برخی از آنان به مسافركشی یا دلارفروشی رو آورده‌اند.

ایرج خسرونیا درباره هزینه‌های پزشکان و عدم تناسب دخل و خرج آنها گفته که «هر پزشک برای اداره یک مطب ماهانه باید ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان برای اجاره مطب، هزینه آب و برق، مالیات، بیمه و حقوق منشی و مستخدم پرداخت کند، در حالی که چنین درآمدی ندارد. در چنین شرایطی اغلب پزشکان مجبور هستند، در کنار طبابت شغل دوم یا سوم هم داشته باشند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. متأسفانه بسیاری از پزشکان عمومی، داخلی، عفونی و اطفال بطور جدی با مشکلات مالی مواجه شده‌اند و درآمدهای آنها برای ادامه زندگی کافی نیست.»

همچنین بسیاری از ظرفیت‌های دانشگاهی تخصص پزشکی نیز خالی شده و کارشناسان نسبت به کمبود پزشک به ویژه در تخصص‌هایی مانند «جراحی قلب» و «جراحی کودکان» هشدار می‌دهند. برخی دیگر از کارشناسان نیز نسبت به اینکه ایران در سال‌های آینده ناچار به وارد کردن پزشک خواهد شد هشدار می‌دهند.

با وجود همه هشدارها طی سال‌های گذشته هنوز هیچ اقدام موثری از سوی وزارت بهداشت برای ساماندهی وضعیت پزشکان و دندانپزشکان، و سیاست‌گذاری برای ایجاد انگیزه میان دانشجویان رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی و تازه فارغ‌التحصیلان صورت نگرفته است.

رضا لاری‌پور سخنگوی سازمان نظام پزشکی فروردین امسال در توییتی نوشت: «از همین الان یادتون باشه تعداد انصرافی‌های امسال رزیدنتی را بشمریم، فقط سال یکی و تازه وارد! می‌خوام بفهمانم که وقتی می‌گوییم سه سال دیگه باید گدایی پزشک بکنید، حرف بی‌ربطی نزدیم. با حرف عمه و تعریف خاله نمی‌شه، مردم‌داری و مملکت‌داری کرد.» محمدرضا اسدی نایب رئیس سازمان نظام پزشکی کشور نیز گفته که «امروز بسیاری از ظرفیت‌های پذیرش رزیدنت‌ها در رشته‌های مختلف خالی است و برخی از آنها نیز بعد از پذیرش رزیدنت با انصراف پذیرفته‌شدگان مواجه می‌شوند. همه این موارد زنگ خطری برای سلامت کشور هستند و ما عمیقاً نگران فروپاشی نظام سلامت کشور هستیم.»

بخشی از رزیدنت‌های پزشکی نیز در میانه تحصیل و در آستانه اخذ مدرک دکترای تخصصی در رشته‌های مختلف پزشکی از ادامه تحصیل انصراف می‌دهند.

حتی عنوان «مردودی» هم برای شان به کار نمی‌رود، چراکه در نظام جدید ارزشیابی تحصیلی، اینها دانش‌آموزان «نیازمند تکرار پایه» هستند اما چه رفوزگی، چه مردودی و چه نیازمند تکرار پایه، واقعیت این است که دانش‌آموزان ضعیف که بنیه علمی برای ارتقا به پایه بالاتر را ندارند، در کشور ما پر تعدادند.»

این مطلب افزوده که «بخش بزرگی از این دانش‌آموزان نیز متعلق به مقطع ابتدایی و به‌ویژه کلاس اولند که طبق آمار معاونت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش نرخ تکرار پایه در آنها ۱۰ درصد است. اینکه از هر صد دانش‌آموز کلاس اولی در کشور، ۱۰ نفرشان نیازمند تکرار پایه هستند آمار هولناکی است. هولناک‌تر اینکه ۷۱ درصد دانش‌آموزانی که موفق به عبور از پایه اول ابتدایی نمی‌شوند به گفته معاون ابتدایی وزیر، بچه‌های مدارس روستایی هستند.»

در مطلب «جام جم» تأکید شده که این روند «به معنی ناکامی تحصیلی حدود ۱۵۰ هزار کلاس اولی در هر سال است که دو نفر از هر سه نفرشان در روستاها تحصیل می‌کنند. بنابراین مدارس روستایی را باید محل تولید دانش‌آموزان کم‌توان علمی که آموزش‌شان سخت مخدوش است دانست.»

رضوان حکیم‌زاده معاون سابق وزارت آموزش و پرورش و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رابطه با علل بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی به روزنامه «جوان» گفته که «در مناطق کم‌برخوردار مرزی عمدتاً بازماندگی از تحصیل به دلیل فقر فرهنگی اتفاق می‌افتد، چراکه به دلیل برخی از باورهای غلط، خانواده‌ها مانع از تحصیل دختران خود می‌شوند. حتی اگر تحصیل کنند هم بعد از یک مدت کوتاهی از تحصیل صرف نظر می‌کنند، اما در برخی دیگر از مناطق، بازماندگی از تحصیل پسران بیشتر از دختران اتفاق می‌افتد که عمدتاً دلایل اقتصادی دارد، چراکه بسیاری از این کودکان ناچارند به عنوان نان‌آور برای خانواده‌هایشان کار کنند. بعضاً دیده‌شده که آن‌ها وارد چرخه استثمار می‌شوند و بعد از ترک تحصیل، تبدیل به محل درآمد سودجویان می‌شوند.»

رضوان حکیم‌زاده با اشاره به اینکه قانون حمایت از تحصیل کودکان ضمانت اجرایی ندارد گفته که «کشور ما جزو کشورهایی است که قانون آموزش اجباری را دارد و بحث جرم‌انگاری عدم حضور کودکان در مدرسه توسط والدینشان در لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان طی سال‌های اخیر تصویب شده‌است، اما این قانون مهم، ضمانت اجرایی ندارد. در صورتی که ضمانت اجرایی این قانون باید دقیق و مشخص شود و سازمان‌هایی که در این زمینه باید نقش‌آفرینی کنند نیز باید پای کار بیایند.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اسفند سال گذشته در گزارشی از ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ دانش‌آموز بازمانده از تحصیل و ۲۷۹ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده در ایران خبر داد. این گزارش هولناک نشان می‌دهد طی ۶ سال تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور بیشتر از ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده که اصلی‌ترین دلیل آن «فقر» است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده که «علیرغم سیاست‌گذاری مکرر در قیل و بعد از انقلاب در خصوص پوشش کامل تحصیلی و جذب همه کودکان بازمانده از تحصیل، این اهداف تحقق نیافته و تعداد ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک لازم‌التعلیم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ از تحصیل بازمانده‌اند و تعداد ۲۷۹ هزار و ۱۹ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ ترک تحصیل کرده‌اند.»

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مربوط به ترک‌تحصیلی‌ها طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ نشان می‌داد که «تعداد دانش‌آموزان ترک‌تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ برابر با ۳۴۷ هزار و ۲۰۳ نفر بوده که با کاهش ۲۲ درصدی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به عدد ۲۷۰ هزار و ۵۵۵ نفر رسیده است. این کاهش ۲۲ درصدی مربوط به دوره دوم متوسطه است که در همین بازه زمانی مذکور، از ۱۹۹ هزار نفر به ۴۵ هزار نفر کاهش یافته است.»

در ادامه آمده که «آمار دانش‌آموزان ترک‌تحصیل کرده دوره ابتدایی و متوسطه اول در بازه زمانی پیش‌گفته رو به رشد بوده، به نحوی که در دوره ابتدایی شاخص مذکور از ۷۸ هزار نفر به ۹۹ هزار نفر و دو دوره متوسطه اول از ۶۰ هزار نفر به ۱۲۴ هزار نفر افزایش یافته است. در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ نیز آمار تارکان تحصیل با رشد ۳ درصدی به ۲۷۹ هزار و ۱۹ نفر رسید.»

این آمارها نشان می‌دهد سال تحصیلی گذشته از هر ۱۶ دانش‌آموز در ایران، یک نفر امکان مدرسه رفتن را از دست داده و نسبت «ترک تحصیل» در مقطع دبیرستان به یک نفر از هر پنج نفر رسیده بود.

سالانه گزارش‌های مختلفی از ترک تحصیل دانش‌آموزان و بازماندگان از تحصیل منتشر می‌شود که به دلایلی چون فقر، اعتیاد و طلاق والدین، بدسرپرستی یا نداشتن سرپرست مؤثر، ازدواج زودهنگام، مشکلات جسمی، فقر فرهنگی، مهاجرت و... امکان آغاز یا ادامه تحصیل را از دست می‌دهند. «پایگاه داده‌های باز ایران» اسفند ۱۴۰۱ در گزارشی اعلام کرده بود که «متوسط جمعیت کودکان بازمانده از تحصیل در ایران، معادل شش درصد جمعیت کل دانش‌آموزان کشور است.»

بر اساس تعاریف، کودکان بازمانده از تحصیل کودکانی هستند که به دلیل تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی، فقر فرهنگی و سایر محدودیت‌ها و محرومیت‌ها از تحصیل بازمانده‌اند؛ کودکانی با گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال که با وجود اینکه نیازمند رفتن به مدرسه هستند، اما به‌دلایل مختلفی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی مشغول به تحصیل نیستند. افزایش فقر، بیکاری و گرانی ازمهمترین دلایل افزایش شمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است و بسیاری از آنها برای کمک به تأمین هزینه‌های زندگی مجبور به ترک مدرسه و پایان دادن به ادامه تحصیل شده‌اند. از سوی دیگر شیوع کرونا و عدم دسترسی دانش‌آموزان تنگدست به ابزارهای آموزش آنلاین، مانند موبایل و تبلت و اینترنت، سبب موجی دیگر از ترک تحصیل در ایران شد.

از سوی دیگر در مناطق کم‌برخوردار کشور مانند سیستان و بلوچستان و کهگلویه و بویر احمد عدم دسترسی دانش‌آموزان ساکن روستاها به مدرسه، و همچنین کمبود فضای آموزشی برخی دانش‌آموزان را از تحصیل محروم می‌کند.

سرانه فضاهای آموزشی کشور نیز در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ از ۵/۱۷ مترمربع به ۵/۲۲ مترمربع رسیده است. سرانه فضای آموزشی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در همین بازه زمانی سهم بیشتری بین مقاطع تحصیلی داشته‌اند. در همین سال تحصیلی گذشته سهم مقاطع تحصیلی ابتدایی از این سرانه ۵۷/۲، متوسطه اول ۱۸/۸ و متوسطه دوم ۲۴/۰ درصد بوده است.

حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور به تازگی با ارائه آماری درباره وضعیت کلاس‌های درس گفته ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

پایان بررسی لایحه حجاب و عفاف در پستوی کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی؛ اجرای آزمایشی لایحه به زودی!

● رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی گفته این لایحه برای «تعیین زمان اجرای آزمایشی» در دستور کار علنی مجلس قرار می‌گیرد.

● حسن نوروزی می‌گوید این مصوبه‌ی کمیسیون قضایی و حقوقی برای اعلام نظر به شورای نگهبان ارسال شد. محسن پیرهادی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اما این خبر را تکذیب کرده است.

● غلامرضا نوری‌قرنجه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با انتقاد از جرم‌انگاری این لایحه علیه نوجوانان زیر ۱۸ سال گفته که برخی از مواد این لایحه قابلیت اجرا ندارد و در برخی دیگر مجازات‌ها هیچ تناسبی با جرم‌هایی که مشخص کردند، ندارد.

● لایحه حجاب و عفاف پشت درهای بسته و توسط ۱۰ عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی علیه زندگی عادی و اجتماعی شهروندان تنظیم شده است.

در حالی که رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی از پایان بررسی لایحه حجاب و عفاف در این کمیسیون و ارسال آن به شورای نگهبان خبر داده، عضو هیئت رئیسه مجلس این خبر را تکذیب کرده است.

یک هفته پس از موافقت نمایندگان مجلس با بررسی لایحه «عفاف و حجاب» طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۲۹ مرداد از اتمام بررسی این لایحه در کمیسیون خبر داد.

موسی غضنفرآبادی همچنین گفته بود که این لایحه برای «تعیین زمان اجرای آزمایشی» در دستور کار علنی مجلس قرار می‌گیرد.

خبرگزاری «فارس» نیز امروز دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ به نقل از حسن نوروزی نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی خبر داده که این لایحه برای اعلام نظر به شورای نگهبان ارسال شد.

حسن نوروزی گفته که «لایحه عفاف و حجاب پس از بررسی و تصویب در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی که به عنوان کمیسیون تخصصی با موافقت نمایندگان در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی قرار گرفت. این مصوبه کمیسیون قضایی و حقوقی برای اعلام نظر به شورای نگهبان ارسال شد.»

محسن پیرهادی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای



می‌رسد اهداف اصلی همین لایحه است. از جمله غلامرضا حسن‌پور رئیس بسیج اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی از راه‌اندازی مراکزی به عنوان «شهر حجاب» در تهران و اصفهان در آینده نزدیک خبر داده است.

اینهمه در حالیست که لایحه حجاب و عفاف مخالفان زیادی، حتی در میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دارد. جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «در شرایطی که در کشور مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی داریم؛ تورم و نداشتن شغل و مسکن مردم را تحت فشار قرار داده و نیاز به اقدام جدی مجلس و دولت دارد، پرداختن به لایحه عفاف و حجاب اولویت کشور نیست، چراکه این کار، امری فرهنگی است و با چکشی و قهری برخورد کردن نتیجه عکس می‌دهد.»

غلامرضا نوری‌قرنجه از نمایندگانی که به شدت مخالف تصویب چنین لایحه‌ای بوده با اشاره به برخی جزئیات لایحه گفته که «در مجازات‌های لایحه عفاف و حجاب آمده مجازات کسب‌وکاری که مشتری در آن کشف حجاب کند ۲ تا ۶ ماه درآمد آن مجموعه است. یعنی تصور کنید در مغازه‌ای که سالی دو بار یک مشتری خلاف قانون عفاف و حجاب را انجام دهد، درآمد سالانه آن مغازه صفر می‌شود.»

او افزود که اجرای این لایحه هزینه‌هایی را نیز به بخش خصوصی تحمیل می‌کند. بر اساس گزارش کمیسیون حقوقی و قضایی در ۷۰ ماده لایحه حجاب و عفاف تمام فروشگاه‌ها و اماکن عمومی دولتی و بخش خصوصی باید مجهز به دوربین شوند. آنچه از متن مواد لایحه عفاف و حجاب می‌آید و مجازات‌هایی که آوردند عطف به آن می‌شود؛ باید تاکسی، اسنپ، اتوبوس و هواپیما دوربین داشته باشد.

غلامرضا نوری‌قرنجه همچنین با انتقاد از جرم‌انگاری این لایحه علیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال گفته که «برخی از مواد این لایحه قابلیت اجرا ندارد و در برخی دیگر مجازات‌ها هیچ تناسبی با جرم‌هایی که مشخص کردند، ندارد. برای مثال در مورد دانش‌آموزان گفته دختر ۱۰ ساله‌ای در مدرسه این قانون را زیر پا بگذارد مدیر مدرسه باید آن فرد را تحویل کلانتری بدهد! یعنی دختر ۱۰ ساله‌ات را به مدرسه می‌بری و شب باید او را از کلانتری بیاوری! این چه قانونی است و پشتوانه این قانون چیست و این قانون محصول فکری چه کسانی است؟»

آموزش و پرورش اعم از اداری و آموزشی الزامی و کاشت ناخن و مژه برای آنان ممنوع می‌باشد؛ اضافه شود! این گزارش «طبق شنیده‌ها» نوشته که پیشنهاد شده بندی به ماده ۱۲ اضافه شود به این شرح: «وزارت آموزش و پرورش به منظور گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و خانواده اسلامی موظف است با همکاری مدیریت حوزه‌های علمیه طرح به کار گرفتن طلاب (خواهر و برادر) در تمام مدارس کشور (طرح امین) را پس از تصویب هیات وزیران به جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

همچنین شنیده شده پیشنهادی نیز برای الحاق بند دیگری به این ماده ارائه شده بود که طبق آن، کاشت ناخن ممنوع خواهد شد: «ایجاد ساز و کار لازم به منظور نظارت بر کار آرایشگران بانوان و اعمال ممنوعیت در کاشت ناخن و مژه.»

در این گزارش با اشاره به ماده ۳۲ که سازمان بسیج را مخاطب قرار داده آمده است: «شنیده شده برای این ماده نیز پیشنهادی مطرح بوده که در بند یک، موضوع اعطای مجوز شوکر و اسپری به بسیجیان؛ طبق این پیشنهاد پس از «آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر لسانی»، «اعطای مجوز شناسایی و سامانه ثبت تخلفات و تجهیزات دفاع شخصی مانند شوکر و افشانه» به بسیجیان اضافه شود.»

ممنوعیت سگ‌گردانی، ممنوعیت فیلمبرداری و تصویربرداری از آمران به معروف، استفاده از گزارش لباس شخصی‌ها و بسیجیان به عنوان «مستندات» در دادگاه، از دیگر موارد پیشنهاد شده در این لایحه است.

همچنین حسن نوروزی عضو کمیسیون قضایی مجلس بازگشت گشت‌های امنیت اخلاقی فراجا معروف به «گشت ارشاد» بر اساس این لایحه را تکذیب کرده و گفته که «برخورد با ناهنجاری به سبک گذشته که در آن گشت ارشاد اقدام به بازداشت متخلفان می‌کرد، نخواهد بود.»

حسن نوروزی در حالی تأکید کرده با افرادی که «به صورت سازمان‌یافته دست به ولنگاری و مقابله با حرکات نظام اسلامی بزنند»، برخورد انتظامی خواهد شد، توضیح نداده این «برخورد انتظامی» توسط کدام زیرمجموعه نیروی انتظامی صورت خواهد گرفت.

هر چند حتی تا کنون اجرای آزمایشی لایحه ضداجتماعی «حجاب و عفاف» زمانبندی و آغاز نشده اما نیروهای تندرو در حال اقدامات و اجرای طرح‌هایی هستند که به نظر

اسلامی اما ظهر امروز دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ ارسال لایحه به شورای نگهبان را تکذیب کرده و گفته که «هنوز مصوبات کمیسیون حقوقی و قضایی درباره لایحه عفاف و حجاب به شورای نگهبان ارسال نشده است.»

محسن پیرهادی توضیح داده که «روال بررسی طرح‌ها و لوایح طبق اصل ۸۵ قانون اساسی بدین گونه است که بعد از اتمام رسیدگی در کمیسیون، گزارش به صحن علنی برای تعیین مهلت اجرای آزمایشی ارجاع می‌شود و بعد از آن گزارش به شورای نگهبان فرستاده خواهد شد لذا صحن علنی درباره محتوای گزارش ورود نخواهد داشت و تنها مهلت اجرای آزمایشی را تعیین می‌کند؛ این روال در مورد لایحه حجاب و عفاف هم مطرح است.»

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته «تا کنون کمیسیون حقوقی و قضایی گزارشی خود درباره پیشنهاد مهلت اجرای آزمایشی لایحه عفاف و حجاب را به صحن علنی نداده است لذا هنوز مصوبات کمیسیون به شورا ارجاع نشده است چون ارجاع مصوبات درباره لایحه عفاف و حجاب به شورای نگهبان بعد از تصویب مدت اجرای آزمایشی آن در صحن علنی صورت می‌گیرد.»

پیشنهاد رفتن لایحه حجاب و عفاف زیر اصل ۸۵ قانون اساسی دو هفته پیش از سوی اکثریت اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب شد. اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در نشست علنی روز یکشنبه ۲۲ مرداد، با بررسی لایحه بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کردند بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود.

اکنون لایحه حجاب و عفاف در حالی پشت درهای بسته و توسط ۱۰ عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی علیه زندگی اجتماعی و عادی شهروندان تنظیم شده که فقط مدت زمان اجرای آزمایشی آن به تصویب صحن علنی خواهد رسید اما نمایندگان درباره مفاد لایحه که همچنان مبهم است و مخفیانه تنظیم شده، نظری نخواهند داد.

روزنامه «اعتماد» روز یکشنبه ۲۹ مرداد در گزارشی جزئیات و پیشنهادات مطرح در لایحه حجاب را منتشر کرد؛ از جمله آنکه «مجازات‌های این قانون نسبت به دختران دارای ۹ سال تمام قمری و پسران با ۱۵ سال تمام قمری اعمال می‌شود.»

در بخشی از این گزارش آمده که «... هر رفتاری که به ترویج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی از جمله مزاحمت برای نوامیس، پخش کردن محصولات صوتی و چندرسانه‌ای ضد خانواده در اماکن عمومی، ورود آقایان به کلیه مکان‌های ویژه بانوان (باشگاه‌ها، ورزشگاه، آرایشگاه، مترو و سایر وسایل نقلیه عمومی، پارک‌ها) و بالعکس، رقص، اختلاط زن و مرد و ابراز یا حمایت از گروه‌های منحرف جنسی که منجر به برهم زدن آرامش زن و مرد در خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و زودن ارزش خانواده می‌شود، نقض بندهای (۱) و (۷) اصول سوم و دهم قانون اساسی است و مطابق احکام این قانون و سایر قوانین ممنوع می‌باشد.»

بر اساس این گزارش در ماده ۱۲ لایحه درباره وظایف وزارت آموزش و پرورش شنیده شده پیشنهادی مطرح بوده که در پایان این بند، «همچنین استفاده از چادر به عنوان حجاب برتر برای کلیه دانشجو، معلمین و بانوان شاغل در

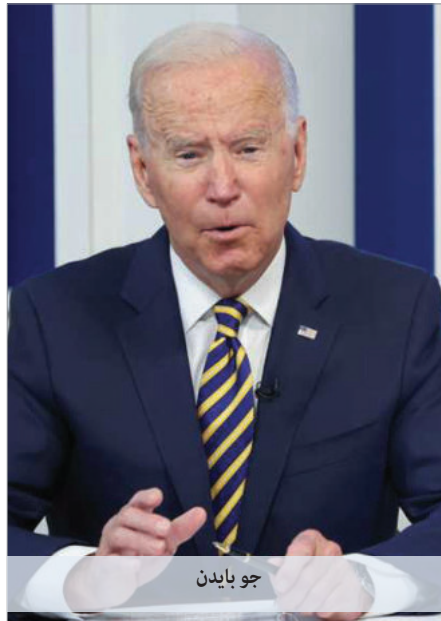
فاکس نیوز: انتقاد از باج‌دهی دولت بایدن به جمهوری اسلامی با رها کردن سه گروگان ایرانی مقیم آمریکا در دست رژیم

غیرقانونی احتمالی بررسی می‌کنیم و قصد ندارم وارد این فرآیند شوم. نه فقط در ارتباط با ایران بلکه در مورد همه کشورهای جهان این ارزیابی‌ها و بررسی‌ها در حال انجام است و نمی‌خواهم وارد جزئیات بیشتر شوم.»

کارشناسان ضد تروریسم مدت‌هاست که تأکید می‌کنند رژیم ایران از اتهامات ساختگی علیه شهروندان خارجی و ایرانیان دوتابعیتی به عنوان بخشی از سیاست اخاذی خود برای گرفتن امتیاز از غرب استفاده می‌کند. روزنامه «نیویورک سان» برای نخستین بار در گزارشی به اعتراض داریان دلیلی و وضعیت اسفناک پدرش پرداخت. او به «نیویورک سان» گفت که «پدرم هرگز یک فرد سیاسی نبوده؛ هرگز فعالیت سیاسی نکرده و تنها به دلیل تابعیت آمریکایی‌اش دستگیر شده است.»

از سوی دیگر، تلاش‌های فاکس نیوز برای ارتباط با خانواده افشین شیخ‌الاسلامی وطنی تا زمان انتشار این گزارش بی‌نتیجه ماند. وطنی یک فعال محیط زیست است که نخستین بار در سال ۲۰۱۹ در ایران به اتهام «تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران» دستگیر شد. وی سپس در سال ۲۰۲۰ توسط وزارت اطلاعات بدون هیچ توضیحی دوباره بازداشت شد و از آن زمان در زندان بسر می‌برد.

وزارت امور خارجه ایالات متحده درباره وضعیت سه ایرانی مقیم آمریکا که در ایران تحت بازداشت هستند، فاکس نیوز را به جلسه توجیهی هفته گذشته ارجاع داد. یکی دیگر از اسیرانی که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند ولی شامل معامله دولت بایدن با رژیم ایران نشده، جمشید شارمهد است. شارمهد پیش از



جو بایدن

اعلام نشده و تنها چند ماه در آنجا بوده‌اند در معامله گنجانده‌اند اما پدرم را که هفت سال است که گروگان است حذف کرده‌اند و مدام می‌گویند که هنوز در ارتباط با در نظر گرفتن موارد خلاف و غیرقانونی تصمیم نگرفته‌اند. مگر می‌شود چنین موضوعی هفت سال طول بکشد؟ آنها هرگز به ما جواب ندادند که روند تصمیم‌گیری چرا باید اینقدر



رابرت لوینسون

بازداشت از یک سوء قصد در کالیفرنیا جان سالم به در برده بود. در پرونده‌ی مربوط به آن سوء قصد، یک مأمور جمهوری اسلامی به اتهام برنامه‌ریزی برای ارتکاب قتل محکوم شد. شارمهد در سال ۲۰۲۰ طی پروژه‌ای به عنوان یک سفر شغلی توسط رژیم ایران در دبی رپوده شد. غزاله شارمهد به فاکس نیوز می‌گوید: «پدرم ایالات متحده را به عنوان خانه خود انتخاب کرد، سخت کار کرد، همه قوانین را رعایت کرد، به خانواده‌ای متشکل از چهار نسل تعلق داشت که همگی تابعیت ایالات متحده ←

● دولت بایدن از سوی خانواده‌های ایرانی-آمریکایی که عزیزان آنها توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند اما بخشی از معامله بحث‌برانگیز شش میلیارد دلاری با تهران نیستند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

● کارشناسان حقوقی می‌گویند شهاب دلیلی، جمشید شارمهد و افشین شیخ‌الاسلامی وطنی طبق «قانون لوینسون» به عنوان اتباع ایالات متحده شناخته می‌شوند اما بخشی از معامله بایدن نیستند.

● ایالات متحده اسامی زندانیان ایرانی در ایالات متحده را فاش نکرده و همین امر باعث شده است تا منتقدان توجه داشته باشند که دولت در مورد محتوا و دامنه‌ی معامله با رژیم ایران طفره می‌رود. قانونگذاران جمهوریخواه نیز این توافق را «معامله وحشتناک» توصیف کرده‌اند.

دولت بایدن از سوی خانواده‌های آمریکایی که عزیزان آنها توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند اما بخشی از معامله بحث‌برانگیز شش میلیارد دلاری با تهران نیستند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

فاکس نیوز روز دوشنبه ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) در گزارشی به نقل از کارشناسان حقوقی نوشت، شهاب دلیلی، جمشید شارمهد و افشین شیخ‌الاسلامی وطنی به عنوان اتباع ایالات متحده مشمول «قانون لوینسون» می‌شوند اما بخشی از معامله بایدن نیستند.

«قانون رابرت لوینسون برای پس گرفتن گروگان‌ها و پاسخگو کردن گروگانگیرها» خرداد ۱۳۹۹ در سنای آمریکا تصویب شد. بر اساس این قانون، برای شهروندانی که اقامت آمریکا دارند نیز می‌توان به آن استناد کرد.

طبق این قانون اختیارات زیادی به رئیس‌جمهور از جمله وضع تحریم و اجرای اقدامات تنبیهی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در گروگانگیری داده شده است. این قانون شامل شهروندان غیرآمریکایی که تابعیت این کشور را دارند نیز می‌شود.

رابرت لوینسون از مأمورین سابق اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در افس‌بی‌آی بود که اسفند ۱۳۸۵ در جزیره کیش ناپدید شد و دیگر هیچ اثری از وی دیده نشد. آمریکا سال‌ها از جمهوری اسلامی خواستار اطلاعاتی درباره وضعیت وی بود اما هرگز پاسخ روشنی نگرفت. در دوران ریاست جمهوری ترامپ خانواده وی اعلام کردند که او درگذشته است. دادگاهی در آمریکا جمهوری اسلامی را محکوم به پرداخت ۴/۱ میلیارد دلار به خانواده لوینسون کرد.

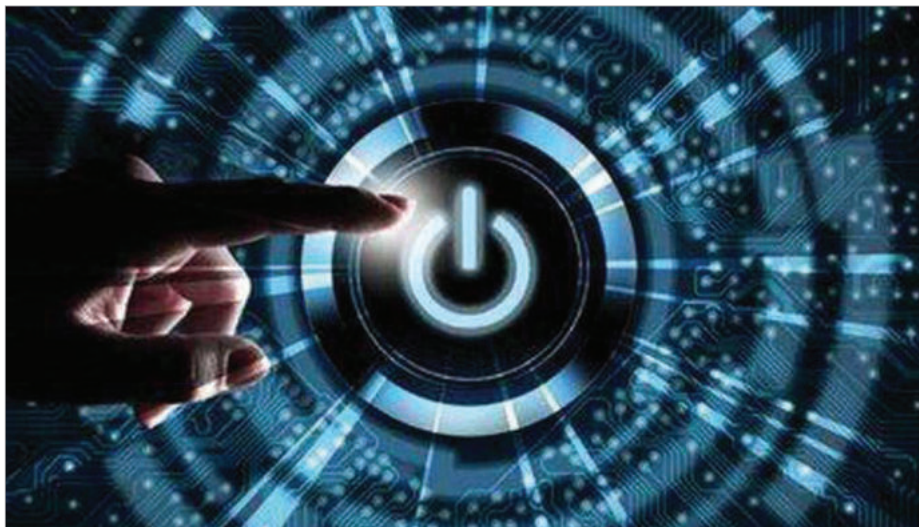
داریان دلیلی فرزند شهاب دلیلی که در ویرجینیا زندگی می‌کند، هفته گذشته به فاکس نیوز گفت: «من و پدرم هر دو از ظهر شنبه تا دیشب به مدت چهار روز در اعتصاب غذا بودیم. او قصد نداشت به آن پایان دهد مگر اینکه من اعتصاب غذا را تمام کنم. به دلیل نگرانی برای سلامتی او و تماس‌های اعضای خانواده و جامعه ایرانی-آمریکایی، اعتصاب را شکستم.» داریان دلیلی از بایدن خواسته پدرش را نجات دهد.

وی در پیامی به فاکس نیوز نوشت که دولت بایدن پدرش را رها کرده است و افزوده: «آنها دو زندانی را که نام‌شان

طول بکشد. ما به تکرار پرسیدیم و پاسخی نگرفتیم.»

به گزارش فاکس نیوز، جمهوری اسلامی دلیلی ۶۰ ساله را در سال ۲۰۱۶ پس از شرکت در مراسم ختم پدرش در ایران دستگیر و او را به «ارتباط با کشور متخاصم» متهم کرد. ودانت پاتل سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که حاضر نیست در مورد پرونده دلیلی صحبت کند به خبرنگاران گفته است: «نکته مهمی که باید به خاطر داشت اینست که در مواردی که بازداشت غیرقانونی نبوده، ما بطور منظم و فعالانه پرونده‌های افراد را برای نشانه‌های بازداشت

رد پای شکست سیاست فیلترینگ در گزارش صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی



سختی‌های کمیسیون صنایع و معادن با اشاره به کندی دسترسی کاربران به وبسایت‌ها تأکید کرد که علت این موضوع کاهش پهنای باند یا افزایش ترافیک ناشی از مصرف فیلترشکن است و افزود که جایگاه ایران در برخی شاخص‌های کیفیت اینترنت دو رتبه تنزل یافته است. در گزارش کمیسیون صنایع و معادن آمده که علاوه بر کاهش سرعت، اثرات منفی دیگری در استفاده از VPN بر شبکه وجود دارد که شامل «بازشدن نشت فعال»، «پایین آمدن پهنای باند»، «مخاطرات امنیتی برای خود کاربر و شبکه ارتباطی» و «قرار گرفتن اطلاعات کاربر در معرض دسترسی غیر مجاز هکرها» می‌شود.

بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که «عدم پاسخگویی شفاف، اتخاذ رویکردهای بعضاً مبهم، تشمت حکمرانی در سطح ملی و وجود متولیان متعدد باعث افزایش نارضایتی کاربران و به ویژه اختلال در بازار کسب و کارهای اینترنتی شده است.»

این گزارش همچنین افزوده که «نظام پالایش و مدیریت محتوای فضای مجازی با عارضه تعدد مراجع تصمیم‌گیر مواجه است، و این تصمیمات گاهی بدون توجه به مسایل و پیچیدگی‌های فنی و آثاری که بر کاربران و شبکه می‌گذارد اتخاذ می‌شود لازم است در این خصوص اقدام کارگشا در جهت یکپارچه‌سازی این نظام مدیریتی انجام گیرد.»

کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی همچنین با انتقاد از وزارت ارتباطات نوشته که «تاکنون گزارش دقیقی برای شفاف سازی آمار استفاده از فیلترشکن‌ها، ارقام قابل ملاحظه هزینه‌های فیلترشکن و تحمیل آن بر سبد هزینه‌های خانوارها و در نهایت ارائه راهبردهای موثر برای کاهش استفاده از فیلترشکن‌ها توسط مشترکین، از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ارائه نشده است.»

عزت‌الله اکبری تالار پشتری رئیس کمیسیون صنایع و معادن نیز در سخنانی با انتقاد از تعداد مراجع تصمیم‌گیر در حوزه نظام پالایش و مدیریت محتوای فضای مجازی گفت که «در حوزه فضای مجازی در یک طرف وزیر ارتباطات قرار دارد که پاسخگویی مجلس است اما از طرف دیگر حداقل ۷ مرجع دیگر وجود دارد که در حال تصمیم‌گیری ←

● گزارش کمیسیون صنایع و معادن نشان می‌دهد ۶۴ درصد کاربران ایرانی از فیلترشکن استفاده می‌کنند و سهم پهنای باند ناشناس به ۲۵ درصد رسیده است.

● «عدم پاسخگویی شفاف، اتخاذ رویکردهای بعضاً مبهم، تشمت حکمرانی در سطح ملی و وجود متولیان متعدد باعث افزایش نارضایتی کاربران و به ویژه اختلال در بازار کسب و کارهای اینترنتی شده است.»

● فیلترینگ تنها هزینه اینترنت مردم را به دلیل استفاده حدود سه چهارم جمعیت کشور از فیلترشکن افزایش داده و مافیای فروش فیلترشکن را به دیگر مافیاهای فعال در ساختار نظام افزوده است.

کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گزارشی با محور بررسی کیفیت اینترنت در صحن علنی مجلس ارائه کرده که نشان از استفاده ۶۴ درصد کاربران ایرانی از فیلترشکن و شکست طرح فیلترینگ از سوی جمهوری اسلامی دارد.

در نشست علنی روز سه‌شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی گزارشی کمیسیون صنایع و معادن درباره بررسی کیفیت اینترنت و شاخص‌های مرتبط با آن ارائه شد. این گزارش نشان داد پروژه فیلترینگ در ایران توانسته اهداف مورد نظر مقامات جمهوری اسلامی را تحقق بخشد. فیلترینگ تنها هزینه اینترنت مردم را به دلیل استفاده حدود سه چهارم جمعیت کشور از فیلترشکن افزایش داده و مافیای فروش فیلترشکن را به دیگر مافیاهای فعال در ساختار نظام افزوده است.

روح‌الله عباسپور سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با قرائت این گزارش گفت بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده ۶۴ درصد کاربران ایرانی از فیلترشکن استفاده می‌کنند و سهم پهنای باند ناشناس به ۲۵ درصد رسیده است.

وی با استناد به گزارش‌ها گفته تعداد قابل توجهی از وبسایت‌های مورد نیاز شهروندان با اعمال تحریم و عدم دسترسی مواجه است و باید اقدامات لازم برای رفع این مشکل صورت گیرد.

→ دارند؛ ۲۰ سال در اینجا زندگی کرد. سال‌ها به عنوان کسی که مقیم آمریکا است مالیات داد و قانونمند بود و اگر تروریست‌ها نبودند شهروندی خود را داشت و طبق قانون لوینسون واجد شرایط شهروندی ایالات متحده بود. چطور می‌توان او را بی‌رحمانه در دست آدم‌دزدها رها کرد و گفت: او! خوب، بگذارید آلمان به آن رسیدگی کند!»

ودانت پاتل سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به پرسش غزاله شارمهد درباره پدرش چنین پاسخ داده است: «آقای شارمهد یک شهروند آلمانی است و من این را به شرکای خود در آلمان می‌سپارم که در مورد وضعیت او صحبت کنند. آنچه می‌توانم بگویم اینست که رفتار رژیم ایران با آقای شارمهد مذموم است. او به اعدام محکوم شده. آنهم در یک روند حقوقی که به عنوان یک دادگاه ساختگی بطور گسترده مورد انتقاد قرار گرفته و ما این رفتار را با شدیدترین عبارات محکوم می‌کنیم.»

غزاله شارمهد می‌گوید: «این منجرکننده، غیرانسانی و غیرقانونی است. وزارت امور خارجه نه تنها وظیفه اخلاقی بلکه قانونی برای نجات پدرم به ویژه در وضعیتی دارد که اگر به حال خودش رهاش کنند ممکن است اعدام شود.» سخنگوی وزارت خارجه آلمان به فاکس نیوز گفته «پرونده جمشید شارمهد اولویت اصلی ما است. ما با نهایت تلاش و در بالاترین سطوح از طریق همه کانال‌های موجود و در هر فرصتی فعالانه برای نجات شارمهد تلاش می‌کنیم. جمهوری اسلامی می‌داند که اجرای احکام اعدام پیامدهای جدی خواهد داشت. جلوگیری از اجرای این حکم برای ما بسیار مهم است.»

سخنگوی وزارت خارجه آلمان به این پرسش که آیا دولت آلمان سفیر خود را از تهران فرا می‌خواند و سفیر جمهوری اسلامی را از برلین اخراج می‌کند و به روابط تجاری بیش از یک میلیارد دلاری خود با این کشور پایان می‌دهد تا بر رژیم برای آزادی شارمهد فشار بیاورد، پاسخی نداد.

در این میان، ایالات متحده اسامی زندانیان ایرانی در ایالات متحده را فاش نکرده و همین امر باعث شده است تا منتقدان توجه داشته باشند که دولت در مورد محتوا و دامنه‌ی معامله با رژیم ایران طرفه می‌رود. قانونگذاران جمهوریخواه نیز این توافق را «معامله وحشتناک» توصیف کرده‌اند.

تا کنون نام سه گروگان آمریکایی از پنج گروگان که قرار است آزاد شوند مشخص شده است: سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز. طبق گزارش‌ها، دو آمریکایی دیگر که نام آنها فاش نشده، یک دانشمند و یک تاجر هستند.

اینهمه در حالیست که هفته گذشته ۲۶ سناتور جمهوریخواه در نامه‌ای به آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه و جانت یلن وزیر خزانه‌داری خاطرنشان کردند: «دولت کنونی حداقل پانزده برابر این مبلغ را به بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان پرداخت می‌کند.»

در همین ارتباط، علیرضا نادر محقق و پژوهشگر سیاسی نیز می‌گوید: «سیاست دولت بایدن در مورد ایران یک طنز استراتژیک و اخلاقی است. بایدن به رژیم ایران نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار باج برای ۵ گروگان می‌دهد. حالا در حالی که رژیم با اعتراضات مردمی و سقوط احتمالی روبروست، یک تقویت مالی بزرگ دریافت می‌کند.»

وی ادامه داد: «بایدن در آستانه سالگرد خیزش ضدحکومتی با رژیم مداخلات می‌کند، اما این همه ماجرا نیست، بایدن حتا برای بازگرداندن همه گروگان‌های ایرانی-آمریکایی از جمله جمشید شارمهد تلاش می‌کند. شارمهد و شهاب دلیلی هر دو مشمول قانون لوینسون می‌شوند و باید بخشی از مذاکرات باشند.»

باز و مسدود کردن هستند که نشان‌دهنده آشفته‌گی در صحنه تصمیم‌گیری است که موجب نگرانی مردم شده است.»

رئیس کمیسیون صنایع و معادن با اشاره به سهم اقتصاد دیجیتال در حوزه تولید ناخالص داخلی کشور گفت: در حوزه تولید ناخالص داخلی سهم کسب و کار اینترنتی الان در مرز ۸ درصد است در حالی که سهم میانگین در دنیا ۱۵ درصد است و بسیاری از کشورها از ۳۵ درصد عبور کردند و ما باید در برنامه هفتم توسعه هدف‌گذاری را بالای ۱۵ درصد قرار دهیم.

توسعه‌نیافتگی اینترنت در ایران نیز مورد اشاره رئیس کمیسیون صنایع و معادن قرار گرفت: «۲۰ میلیون خانوار را باید از تکنولوژی‌های روز دنیا نظیر فیبر نوری برخوردار کنیم در حالی که الان در مرز ۵/۳ میلیون هستیم.» عزت‌الله اکبری تالار پشته‌ای البته گفته «فضای مجازی محل تمرکز دشمنان است» و تأکید کرده که «باید دقت لازم و برنامه‌های درست و حسابی برای این حوزه داشته باشیم و رضایت و اعتماد مردم را به شبکه‌های داخلی جلب کنیم.» محمداقربالقیاب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز پس از قرائت گزارش کمیسیون صنایع و معادن در سخنانی شعاری گفت که «آقای وزیر به یاد دارند که در آغاز کار بر موضوعات مهمی مانند شبکه ملی اطلاعات که مجلس و دولت و همه عزم کردیم که در همین دولت در دوره ۴ ساله اول به پایان برسد، تأکید شد.»

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش گفت که «مردم یک جاهایی از اینترنت مانند قطعی و عدم پوشش به حق دلخور هستند، ما در حال تلاش در این زمینه هستیم اما باید به این نکته نیز توجه کرد که از این باب و به دلیل این اشکالات در شبکه خسارت و هزینه‌های مالی به مردم وارد می‌شود و مردم نکاتی درباره بسته‌هایی که خریداری می‌کنند، دارند. باید برای این صدمه‌ای که به مردم وارد می‌شود و هزینه بیشتری پرداخت می‌کنند، چاره‌ای اندیشید تا دچار مشکل نشویم.»

جواد آذری جهرمی وزیر پیشین ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز که نقش زیادی در قطع و محدودیت‌های اینترنت در هشت سال فعالیت دولت حسن روحانی داشت، اکنون در واکنش به گزارش کمیسیون صنایع و معادن در این رابطه در کانال تلگرامی خود نوشت که «گزارش مجلس درباره کیفیت اینترنت حاوی گزاره مهمی است چرا که میزان ترافیک ناشناس یعنی ترافیکی که سیستم فیلترینگ قادر به تشخیص پروتکل آن نیست؛ از ۵ درصد به ۲۵ درصد رسیده است.» محمدجواد آذری جهرمی افزوده که این یعنی ناکارآمدی و «شکست برای فیلترینگ» و تأکید کرده که «این یعنی ناآگاهی حکمران از حتی نوع بخش بزرگی از ارتباطات بین‌الملل و افزایش تهدیدات سایبری علیه منافع ملی.»

گزارش جدید «اسپیدتست» از وضعیت سرعت اینترنت ثابت و موبایل در ماه ژوئیه برابر با تیرماه که به تازگی منتشر شده نشان می‌دهد که سرعت اینترنت ثابت در ایران به صورت جزئی افزایش یافته اما سرعت اینترنت موبایل کاهش پیدا کرده است.

این گزارش افزوده که سرعت اینترنت ثابت در ایران از ۸۰/۱۱ مگابیت بر ثانیه در گزارش قبلی که تیرماه منتشر شده بود، به ۱۱/۱۲ مگابیت بر ثانیه افزایش یافته است. اینهمه در حالیست که رتبه ایران در زمینه سرعت اینترنت ثابت با سه رتبه کاهش روبرو و در انتهای جدول در رده ۱۴۸ جهان قرار دارد.

سرعت اینترنت موبایل در ایران نیز از ۶۵/۳۴ مگابیت بر ثانیه در خردادماه به ۴۴/۳۳ مگابیت بر ثانیه در تیرماه

کاهش یافته که کشور را در رتبه ۶۷ جهان قرار داده است. ابراهیم رئیسی هفتم تیر ۱۴۰۲ دستور داده بود برای حل مشکل کندی اینترنت، کارگروهی متشکل از مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایجاد شود و حداکثر تا یک ماه بعد از تشکیل راهکار بدهد.

با گذشت بیش از یک ماه و نیم همچنان اختلال و کاهش سرعت اینترنت در ایران ادامه دارد و شهروندان از «اینترنت افتضاح» شکایت دارند.

جدا از کندی سرعت اینترنت در ایران، فیلترینگ نیز یکی دیگر از ابزارهای سرکوب شهروندان است که از سوی جمهوری اسلامی سال‌هاست انجام شده است. فیلترینگ و کاهش سرعت مشکلات زیادی برای کسب و کارها ایجاد کرده و زیان گسترده‌ای را به استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهایی بر پایه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وارد کرده است. جمهوری اسلامی در طرحی به عنوان «طرح صیانت» محدودسازی اینترنت را بیش از پیش و بطور گسترده در دستور کار قرار داده است.

شرکت «Top1۰Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد اوایل سال میلادی کنونی گزارشی از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

بر اساس رده‌بندی شرکت «Top1۰Vpn» محدودیت‌های اینترنتی در روسیه همزمان با آغاز حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، خسارتی بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار را برای اقتصاد این کشور در پی داشته است. پس از ایران که با خسارت ۷۷۳ میلیون دلاری در رتبه دوم قرار دارد، کشورهای قزاقستان با خسارت ۴۱۰ میلیون دلاری، میانمار با خسارت ۲۴۱ میلیون دلاری و ازبکستان با خسارت ۲۲۰ میلیون دلاری در رتبه سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند.

محدود ساختن اینترنت در ایران در سال جدید میلادی با وجود آرام شدن اعتراضات خیابانی شدت پیدا کرد. مؤسسه Surfshark تجزیه و تحلیلی ۶ ماهه از اختلال و قطع اینترنت بر اساس Internet Shutdown Tracker (ردیابی قطع اینترنت) انجام داده که بر این اساس در نیمه اول سال ۲۰۲۳ در ایران نسبت به سال قبل با ۱۱ مورد ثبت شده، محدودیت اینترنت بیشتری وجود داشته است.

نام ایران در نیمه اول سال ۲۰۲۳ به عنوان کانون جهانی محدودیت‌های اینترنت مطرح شده است بطوری که مسئول ۱۴ محدودیت از ۴۲ محدودیت جدید ثبت شده در سراسر جهان بوده است.

انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز تیرماه امسال گزارش تحلیلی از اختلالات، محدودیت‌ها و سرعت اینترنت در ایران منتشر کرده است. در این گزارش آمده بود که رکود گسترده و تعطیلی چشمگیر شرکت‌های فناوری و مهاجرت متخصصان فناوری و انتقال استارت‌آپ‌ها به کشورهای همسایه به خاطر کیفیت اینترنت رخ داده است. این انجمن معتقد است وضعیت رو به افول اینترنت در ایران علاوه بر ایجاد مشکلات فنی، باعث ناامیدی گسترده متخصصان فناوری شده است.

کیفیت اینترنت در ایران در وضعیت «بحرانی» گزارش شده و آمده بود که اینترنت ایران در بین ۱۰۰ کشور با بیشترین تولید ناخالص ملی، ایران پس از میانمار دومین اینترنت پراختلال و پس از چین، دومین اینترنت محدود دنیا را دارد. این گزارش همچنین تأکید کرده که اینترنت ایران جزو ۵ اینترنت کند جهان است.

روزنامه تایمز:

درباره

فعالیت‌های

«کانون توحید

لندن» وابسته به

جمهوری اسلامی

تحقیق می‌شود

● سازمان دیده‌بان «کمیسیون خیریه بریتانیا» در مورد فعالیت «مؤسسه خیریه التوحید» (کانون توحید لندن) مرتبط با جمهوری اسلامی تحقیق خواهد کرد.

● البته این تحقیقات هنوز به معنی بررسی‌های قانونی نیست که می‌تواند به برکناری اجباری متولیان منصوب‌شده از سوی جمهوری اسلامی و تعیین یک مدیر موقت از سوی «کمیسیون خیریه بریتانیا منجر شود. اما پیش‌درآمد تحقیقات قانونی به حساب می‌آید که ممکن است به صدور حکم تعطیلی این مرکز نیز بیانجامد.

● در اسناد ملکی این کانون ابتدا چهار نفر به عنوان متولیان جدید آن ذکر شده بودند: سیدهاشم موسوی، احمد واعظی و علی اکبر دورانی؛ یعنی همین معتمدان فعلی «کانون توحید» و آخرسر سیدمهدی حسینی متین‌کاردار جمهوری اسلامی در لندن. نام او اما خط خورده است.

● نزدیک به دو دهه تا تابستان گذشته، متولی آن غلامرضا انصاری دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی بود که در اواخر دهه نود میلادی به عنوان سفیر رژیم ایران در بریتانیا منصوب شده بود. به گفته وزارت خارجه جمهوری اسلامی، انصاری در سال ۲۰۰۱ بریتانیا را ترک کرد و اگرچه در این مدت در تهران و مسکو و دهلی در این وزارتخانه فعالیت داشت اما بر اساس اسناد ملکی، نام وی همچنان تا ماه اوت گذشته در ارتباط با «کانون توحید» ثبت بود و وی آدرس خود را محلی در همان خیابانی در لندن ذکر کرده است که سفارت جمهوری اسلامی در آن قرار دارد. زمانی که یک سال پیش این مرکز به ارزش ۲ میلیون و یکصد هزار پوند به متولیان تازه منصوب‌شده واگذار شد، غلامرضا انصاری اسناد مربوطه را در حضور شاهدهی در تهران امضا کرد.

روزنامه «تایمز» روز یکشنبه ۲۰ اوت (۲۹ مرداد) گزارش داد که سازمان دیده‌بان «کمیسیون خیریه بریتانیا» در مورد فعالیت «مؤسسه خیریه التوحید» (کانون توحید لندن) مرتبط با جمهوری اسلامی تحقیق خواهد کرد.

«کانون توحید» مدعی است که به فقرا، بیماران و نیازمندان مسلمان کمک می‌کند و بطور رسمی وابسته به جمهوری اسلامی ایران است.

این کانون پنجم ژانویه ۲۰۲۰ یعنی دو روز پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهبادی آمریکا در حوالی فرودگاه بغداد میزبان مراسمی بود که در آن از وی ←



مراسم عزاداری شیعیان مقیم انگلیس در کانون توحید

«کانون توحید» به درخواست‌های مکرر این رسانه برای اظهار نظر پاسخ نداده‌اند.

از سوی دیگر، پایگاه خبری «جویش کرونیکل» نیز اخیراً در همین ارتباط در گزارشی نوشت «کانون توحید» لندن که خانه «انجمن دانشجویان علوم اسلامی» بریتانیا است به جدیدترین جبهه نبرد رژیم ایران برای گسترش نفوذ در بریتانیا تبدیل شده است. همین گزارش یکی از منابع تحقیق «کمسیون خیریه بریتانیا» قرار گرفته تا بررسی پرونده «کانون توحید» را در دستور کار خود قرار دهد. پرونده‌ای که اگر به تحقیقات قانونی برسد، می‌تواند تا تعطیلی این مرکز پیش برود.

«جویش کرونیکل» در ارتباط با نفوذ جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در بریتانیا نوشته بود این در شرایطی است که اختلاف در بالاترین رده‌های دولت انگلیس برای قراردادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بریتانیا باعث شده که تصمیم‌گیری در مورد این موضوع همچنان معلق بماند.

این نشریه می‌نویسد که انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه‌های بردفورد، منچستر، لیورپول، لیدز، گلاسکو، ادینبرو، ابردین و کمبریج شاخه‌های فعال دارد و میزبان دست‌کم هشت مقام و فرمانده ارشد سپاه پاسداران بوده است از جمله چند نفر که نام آنان در فهرست رسمی بریتانیا در ارتباط با ناقضان حقوق بشر قرار دارد.

نشریه «جویش کرونیکل» با اشاره به این نکته که نماینده علی خامنه‌ای در انگلیس نفوذ مستقیم روی برنامه‌ها و سیاست‌های «کانون توحید» دارد و فرماندهان سپاه پاسداران در این مرکز حضور و سخنرانی داشته‌اند، نوشت که این مؤسسه نه تنها علیه «شهروندان بریتانیا» توپخانه‌های «تروریستی» طراحی می‌کند، بلکه «بطور علنی» و با روش‌های خاص «داعش و القاعده» به دنبال «شستشوی مغزی» جوانان و پرورش «افراطی‌گری و تروریسم» در خاک بریتانیا است.

این نشریه همچنین میزبانی یک نهاد در لندن از «خشن‌ترین و تندترین فرماندهان سپاه پاسداران» را «حیرت‌انگیز» توصیف کرده و نوشت که این رویداد باید آخرین دلیل بریتانیا برای قرار دادن بی‌چون و چرای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی باشد.

حالا «تایمز» در گزارش اخیر خود که یکشنبه ۲۰ اوت منتشر کرده، به روابط «کانون توحید لندن» پرداخته و می‌نویسد، درباره این کانون از زمان ثبت در سال ۱۹۹۴ اطلاعات زیادی در دست نیست و هیچ وبسایتی نیز نداشته است. این مؤسسه یکبار در سال ۲۰۱۸ حساب خود را در «کمسیون خیریه بریتانیا» ثبت کرده اما از آن زمان به نظر می‌رسد کمتر از منابع مالی مورد نیاز آن اطلاعاتی وجود دارد.

نزدیک به دو دهه تا تابستان گذشته، متولی آن غلامرضا انصاری دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی بود که در اواخر دهه نود میلادی به عنوان سفیر رژیم ایران در بریتانیا منصوب شده بود. او در سال ۱۹۹۹ به عنوان بخشی از توافق برای عادی شدن روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس پس از فتوای قتل خمینی علیه سلمان رشدی، به سمت کاردار ارتقاء یافته بود.

به گفته وزارت خارجه جمهوری اسلامی، انصاری در سال ۲۰۰۱ بریتانیا را ترک کرد و اگرچه در این مدت در تهران و مسکو و دهلی در این وزارتخانه فعالیت داشت اما بر اساس اسناد ملکی، نام وی همچنان تا ماه اوت گذشته در ارتباط با «کانون توحید» ثبت بود و وی آدرس خود را محلی در همان خیابانی در لندن ذکر کرده است که سفارت جمهوری اسلامی در آن قرار دارد.

«تایمز» در ادامه می‌نویسد، زمانی که یک سال پیش این مرکز به ارزش ۲ میلیون و یکصد هزار پوند به متولیان تازه منصوب شده واگذار شد، غلامرضا انصاری اسناد مربوطه را در حضور شاهدهی در تهران امضا کرد. جواد اژه‌ای همکار معتمد انصاری نیز مجوز این انتقال را از پایتخت ایران صادر کرد.

در این اسناد ابتدا چهار نفر به عنوان متولیان جدید این ملک ذکر شده بودند: سیدهاشم موسوی، احمد واعظی و علی اکبر دورانی؛ یعنی همین معتمدان فعلی «کانون توحید» و آخرسر سیدمهدی حسینی متین کاردار جمهوری اسلامی در لندن. نام او اما خط خورده است.

به گفته «کمسیون خیریه بریتانیا» انتصاب شخصی که خارج از بریتانیا زندگی می‌کند به عنوان متولی یک موسسه خیریه بریتانیایی قابل قبول است و هیچ منعی برای نمایندگان یک کشور خارجی وجود ندارد.

«تایمز» در پایان گزارش خود می‌افزاید که مسئولان

به عنوان «شهید کبیر» و «شهید محور مقاومت» و «بزرگترین دشمن صهیونیسم» تجلیل به عمل آمد. سیدهاشم موسوی امام جماعت و مسئول این خیریه که نماینده ولی فقیه در انگلیس از سوی علی خامنه‌ای است، در این مراسم سخنرانی کرد. یکی از همکاران وی احمد واعظی نماینده خامنه‌ای در ارتباط با دانشجویان مسلمان در اروپاست و یک عضو دیگر هیئت مدیره این انجمن علی اکبر دورانی ساکن شمال لندن است.

ساختمان «کانون توحید» یک کلیسای قدیمی واقع در محله «هامراسمیت» غرب لندن است که در واقع از کلیسا به یک مرکز اسلامی تغییر کاربری داده و اکنون با تصویری از روح‌الله خمینی و پرچم جمهوری اسلامی به تبلیغات مشغول است. این کانون در پست‌های خود داعش را «عوامل تکفیری صهیونیست‌ها» معرفی می‌کند.

«کانون توحید» همچنین یکی از ظرفیت‌های خود را «فراهم نمودن فضای مناسب برای ابراز آزاد عقاید و ارائه نقطه نظرات مختلف در زمینه مسائل متنوع» دانسته و مدعی است برای سربلندی «ایران» و «اسلام» گام برمی‌دارد. سخنگوی «کمسیون خیریه بریتانیا» به «تایمز» می‌گوید: «ما می‌توانیم تأیید کنیم که یک پرونده تحقیقاتی درباره موسسه خیریه التوحید (TUCF) در رابطه با نگرانی‌های جدی که در مورد رویدادهایی که در محل آن برگزار می‌شود، در دست داریم.»

تحقیقی که در دست «کمسیون خیریه بریتانیا» است مربوط به بزرگداشت قاسم سلیمانی با عنوان «شهید کبیر» و شستشوی مغزی و تبلیغات سوء است که توسط «سندی تایمز» و همچنین «جویش کرونیکل» فاش شد.

البته این تحقیقات هنوز به معنی بررسی‌های قانونی نیست که می‌تواند به برکناری اجباری متولیان منصوب شده از سوی جمهوری اسلامی و تعیین یک مدیر موقت از سوی «کمسیون خیریه بریتانیا» منجر شود. اما پیش‌درآمد تحقیقات قانونی به حساب می‌آید که ممکن است به صدور حکم تعطیلی این مرکز نیز بیانجامد.

اشاره «تایمز» به فاش شدن بزرگداشت سلیمانی در گزارشی است که همین روزنامه در ۶ اوت منتشر کرده بود. «تایمز» در آن گزارش از جمله به نفوذ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فعالیت‌های «کانون توحید» پرداخته و نوشته بود که وزیر کشور بریتانیا معتقد است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بزرگترین تهدید برای امنیت ملی انگلیس به شمار می‌رود زیرا شواهد تازه‌ای از نفوذ این نهاد نظامی غیرمتعارف در این کشور مشاهده شده است.

منظور از این شواهد به دست آمدن جزئیاتی از رابطه نزدیک بین جمهوری اسلامی ایران و یک سازمان دانشجویی مستقر در یک کلیسای «متدیست» سابق در محله «هامراسمیت» در غرب لندن بود.

«تایمز» در ارتباط با سازمان یادشده نوشته بود که این انجمن اسلامی برای دفاع از نظرات سیاسی و دینی روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد و اکنون میزبان روحانیون افراطی و مقامات دولتی رژیم ایران است آنهم در حالی که انتخابات داخلی آن توسط نمایندگان مذهبی علی خامنه‌ای رهبر رژیم نظارت می‌شود.

در ماه ژانویه، رئیس سابق انجمن، محمد حسین عطایی، دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه بردفورد، به کنفرانسی در تهران رفت و در آنجا با خامنه‌ای دیدار کرد. تصویری عطایی را نشان می‌دهد که بطور رسمی در برابر خامنه‌ای ۸۴ ساله زانو زده و سپس یک «چقیه» به عنوان هدیه دریافت کرده است. این انجمن اما می‌گوید که «عطایی از اکتبر سال گذشته در سمت رئیس آن نبوده است.»

واکنش گسترده به محکومیت سازنده و تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا»؛ مارتین اسکورسیزی و فرانسیس فورد کاپولا به کارزار جهانی پیوستند



سعید روستایی، جواد نوروزی‌بیگی

«عجیب‌ترین» حکم قضایی در تاریخ سینمای ایران و «تلاش بیهوده در جهت تحقیر» این سینماگر جوان خواند. محسن برهانی وکیل پایه یک دادگستری و استاد حقوق دانشگاه تهران نیز در واکنش به حکم صادر شده برای سعید روستایی نوشته که «با موسع‌ترین تفاسیر هم نمی‌توان فیلم برادران لیلا را مصداق جرم تبلیغ علیه نظام دانست. ای کاش وکلای سعید روستایی اعلام جرم، کیفرخواست و متی رأی دادگاه را عیناً منتشر کنند تا بتوان آن را تحلیل نمود. بارها عرض شد انتشار کیفرخواست و دادنامه توسط محکوم، هیچ منع قانونی ندارد.»

کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز صدور این احکام را نشانه دیگری از تباهی جاری در ایران و سرکوب شهروندان توسط جمهوری اسلامی ارزیابی کرده‌اند.

«برادران لیلا» سومین فیلم بلند سعید روستایی، در جشنواره فیلم کن سال ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و نخستین فیلم ایرانی در تاریخ این جشنواره بود که در بخش رقابت اصلی، جایزه فیپرشی (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) را از آن خود کرد.

این فیلم خردادماه سال گذشته از سوی سازمان سینمایی و به علت «تخلفات و سرپیچی تهیه‌کننده و کارگردان این اثر از مقررات» توقیف شد.

«برادران لیلا» اما بطور غیرقانونی منتشر و با استقبال گسترده مخاطبان و منتقدان روبرو شد. سعید روستایی فروردین ۱۴۰۲ پس از استقبال گسترده از نسخه غیرقانونی فیلم‌اش در اینستاگرام نوشت: «ما در حیرتیم از این حجم از واکنش مثبت و دلنشین. از صمیم قلب‌مان از شما ممنون و سپاسگزاریم و قدردان زمانی که می‌گذارید تا فیلم ما را تماشا کنید هستیم. امیدوارم به زودی شرایطی فراهم شود تا نسخه کامل‌تر فیلم را در دسترس شما عزیزان قرار دهیم.»

این فیلم اما با انتقادهای گسترده رسانه‌های حکومتی روبرو شد. وبسایت روزنامه «ایران» در یادداشتی با عنوان

اسلامی شوند.

فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان برجسته هالیوود و سازنده سه‌گانه «پدرخوانده» نیز به کمپین حمایت از این فیلمساز ایرانی محکوم به زندان پیوست. کاپولا، روز جمعه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲، در پست اینستاگرامی با اشاره به حکم صادره برای سعید روستایی، نامه کارزار اینترنتی برای لغو حکم او را به اشتراک گذاشت.

مدیران جشنواره فیلم «کن» در فرانسه با صدور بیانیه‌ای حکم صادر شده علیه سازنده و تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا» را «حمله جدی علیه آزادی بیان» دانسته و محکوم کردند. در این بیانیه آمده که حکم قضایی علیه سعید روستایی ۳۴ ساله و جواد نوروزی‌بیگی، «یک بار دیگر هجمه جدی به آزادی بیان هنرمندان، سینماگران و تهیه‌کنندگان ایرانی را نشان داد.»

انجمن قلم آمریکا نیز در بیانیه‌ای ضمن انتقاد از حکم صادر شده علیه سعید روستایی نوشته که جمهوری اسلامی اصطلاح «تبلیغ» را به طور استراتژیک به عنوان ابزاری برای سرکوب به کار می‌گیرد و از آن به طرز ماهرانه‌ای برای «خفه کردن تبادل پویای افکار در جامعه» استفاده می‌کند.

این بیانیه افزوده که «استفاده رژیم ایران از این ابزار فضای جامعه هنری ایران را به فضای ترس و خویش‌داری تبدیل کرده و سایه‌های فراگیر بر صدهای خلاق می‌افکند.»

انجمن قلم آمریکا افزوده که «هدف تاکتیک‌های رژیم نه تنها خاموش کردن چند صدای مخالف، بلکه سرکوب ذهن‌های خلاق است که مشتاق بیان دیدگاه‌های خود هستند.»

کانون کارگردانان سینمای ایران صدور حکم زندان، پنج سال ممنوعیت از ملاقات با اهالی سینما و آموزش اجباری در دانشکده صداوسیما قم برای سعید روستایی را محکوم کرد.

این کانون حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را

● فرانچسکا اسکورسیزی بازیگر سینما کارزاری جهانی برای حمایت از این دو سینماگر راه‌اندازی کرده و با حمایت گسترده سینماگران در کشورهای مختلف از جمله مارتین اسکورسیزی و فرانسیس فورد کاپولا همراه شده است.

● مدیران جشنواره فیلم «کن» در فرانسه با صدور بیانیه‌ای حکم صادر شده علیه سازنده و تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا» را «حمله جدی علیه آزادی بیان» دانسته و محکوم کردند.

● انجمن قلم آمریکا نیز در بیانیه‌ای نوشت جمهوری اسلامی اصطلاح «تبلیغ» را به طور استراتژیک به عنوان ابزاری برای سرکوب به کار می‌گیرد و از آن به طرز ماهرانه‌ای برای «خفه کردن تبادل پویای افکار در جامعه» استفاده می‌کند.

واکنش‌ها به صدور حکم زندان و احکام «تعلیق مراقبتی» علیه سعید روستایی، کارگردان فیلم «برادران لیلا» و جواد نوروزی‌بیگی، تهیه‌کننده این فیلم ادامه دارد. کارزاری جهانی از سوی فرانچسکا اسکورسیزی بازیگر سینما برای حمایت از این دو سینماگر راه‌اندازی شده که با حمایت گسترده سینماگران در کشورهای مختلف همراه شده است.

هفته گذشته سعید روستایی، کارگردان فیلم «برادران لیلا» و جواد نوروزی‌بیگی، تهیه‌کننده این فیلم به زندان محکوم شدند. سعید روستایی همچنین در احکامی با عنوان «تعلیق مراقبتی» به مدت پنج سال به «خودداری از فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل موثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص فعال در عرصه فیلمسازی و گذراندن دوره فیلمسازی با حفظ منافع ملی و اخلاقی در دانشکده صداوسیما قم به میزان ۲۴ ساعت» محکوم شد.

جواد نوروزی‌بیگی، تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا» نیز در حکمی مشابه با کارگردان این فیلم به زندان محکوم شده است. جواد نوروزی‌بیگی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری و به‌دلیل ساخت و پخش فیلم «برادران لیلا» و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده که یک بیستم آن قابل اجراست و ادامه آن به مدت پنج سال به حالت تعلیق در آمده است.

قاضی پرونده، این احکام را به خاطر نمایش فیلم «برادران لیلا» در جشنواره کن سال گذشته صادر کرده و نوشته که متهمین «فیلمی را با محتوای خلاف منافع ملی تهیه و منتشر ساختند و این فیلم را علیرغم فقدان مجوز اکران در جشنواره کن و شبکه اجتماعی منتشر» کردند.

صدور این احکام برای کارگران و تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا» با واکنش گسترده داخلی و بین‌المللی روبرو شد. از فرانچسکا اسکورسیزی بازیگر سینما کارزاری جهانی برای حمایت از این دو سینماگر راه‌اندازی کرده و با حمایت گسترده سینماگران در کشورهای مختلف همراه شده است. مارتین اسکورسیزی کارگردان شناخته شده سینما روز چهارشنبه ۲۵ مرداد از مخاطبان خود دعوت کرد که با امضای این کارزار در حمایت از سعید روستایی و جواد نوروزی‌بیگی، سازنده و تهیه‌کننده فیلم «برادران لیلا»، خواستار لغو محکومیت آنها در دستگاه قضایی جمهوری



مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران

برگزاری «مجمع عالی فرماندهان سپاه» هشدار در مورد اقدامات دشمن برای «تحریک اغتشاشات» علیه نظام

فرمانده ارتش جمهوری اسلامی سپس توضیح داده این وضعیت «جنگ ترکیبی» است و دشمن به موازات برقراری تهدیدات نظامی سنتی، به جنگ سایبری، اطلاعاتی، اقتصادی و تحریک به اغتشاش و ناآرامی از طریق ضربه زدن به همبستگی و امید در جامعه روی آورده است.

وی توضیح داد برای مقابله با «تهدیدات در سطح داخلی» اقداماتی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، تثبیت نرخ ارز و مانع‌زدایی نسبی از تولید» انجام شده و در سیاست داخلی تحولاتی مثل «توافقات راهبردی با روسیه و چین» و «عضویت در شانگهای» و توسعه روابط با همسایگان و دریانوردی دور کره زمین ایجاد شده که امنیت‌ساز است.

موسوی همچنین ادعا کرد «ارتش و سپاه سدی محکم در برابر دشمنان هستند» و «رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی» گام‌هایی را ترسیم کرده که نتیجه آن ساخت تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور منجی عالم بشریت است.

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران نیز در سخنانی خطاب به دشمنان جمهوری اسلامی تأکید کرد: «سپاه، انتقام خون شهیدانش را خواهد گرفت و قطعاً آمریکا را از منطقه اخراج خواهد کرد». این در حالیست که در هفته‌های اخیر سه هزار تفنگدار دریایی آمریکا به منطقه آمدند. همچنین گزارش شد از روز جمعه ۲۷ مرداد نظامیان آمریکایی علاوه بر فرودگاه بغداد در نزدیکی پایگاه‌های خود در غرب استان الانبار و در نزدیکی مرزهای مشترک با سوریه و همچنین نواحی مرزی با ایران مستقر شده‌اند.

سلامی پیش از این (دهم مرداد) نسبت به از سر گرفتن اعتراضاتی مشابه پاییز ۱۴۰۱ در سالگرد آن ابراز نگرانی کرد و گفت که آن اعتراضات، «قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین پیکار جهانی ضد نظام جمهوری اسلامی بود».

کارامازوف» از فنودور داستایفسکی نویسنده روس می‌داند که نقش «برادر» (دیمیتری) به خواهر (لیلا) داده شده است.

سعید روستایی فارغ‌التحصیل کارشناسی سینما از دانشگاه «سوره» است و فعالیت سینمایی را از اوایل دهه ۱۳۹۰ با ساختن فیلم‌های کوتاه آغاز کرد. نخستین فیلم بلند او «ابد و یک روز» در سال ۱۳۹۴ و دومین فیلم بلند او «متری شش و نیم» بود. فیلم «متری شش و نیم» در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم «فجر»، سیمرغ بلورین بهترین فیلم از دید تماشاگران را از آن خود کرد. این فیلم همچنین در فرانسه نامزد جایزه «سزار» برای بهترین فیلم خارجی شد.

توسعه‌طلبی ناتو ایستاده و چین هم به دنبال تقویت توان نظامی خود برای مقابله با آمریکا است.» راهکار وی برای مقابله با جنگ ترکیبی، برگزاری «اردوهای راهیان پیشرفت» برای نسل جوان است تا «با واقعیت» آشنا شوند.

ابراهیم رئیسی در این نشست ادعا کرد «اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه حضور نداشت و مقابل داعش دست‌ساخته آمریکایی‌ها می‌ایستاد، امروز تروریسم تکفیری کل اروپا را فرا گرفته بود.» وی گفت غربی‌ها از «اغتشاشات و اغتشاشگران» در ایران حمایت می‌کنند.

حاجی‌صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه هشدار داد «دشمن تلاش می‌کند تا فُج گناه را در جامعه بشکند و امروز اهتمام به ترویج مبانی دینی و اخلاقی یک جهاد است. ترویج سبک زندگی غربی و نفوذ در سرزمین‌های فکری جوانان نقشه دیگر دشمنان است که باید برای مقابله با آن دارای برنامه بود.»

عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی نیز روز ۲۸ مرداد در مجمع عالی فرماندهان سپاه سخنرانی کرد. وی با اشاره به اینکه «وضعیت امنیتی جدیدی در منطقه ایجاد شده» گفته «شاهد شکل جدیدی از رویارویی قدرت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر هستیم.»

او توضیح داد راهبردهای مقابله دشمنان با جمهوری اسلامی، بر «تضعیف حاکمیت»، «چالش مشروعیت» و اختلال در «نظم اجتماعی» از طریق رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی متمرکز شده است. موسوی در مورد این تهدید برای نظام گفته «تقابلی است که جایی برای مرزبندی بین جنگ و صلح، منازعه و دیپلماسی و جبهه و پشت جبهه باقی نگذاشته است و بر بعد روانشناختی مخاطبان متمرکز دارد.»

ترانه علیدوستی، پیمان معادی، فرهاد اصلانی، محمد علی‌محمدی، نیره فراهانی، مهدی حسینی نیا تهیه شده است. این فیلم روایت رنج و ناکامی و مشکلات اقتصادی لیلا و برادرانش است. پدر لیلا فردی متوهم و بی‌عرضه است که برای «بزرگ خاندان» شدن حاضر است تنها فرصت خروج فرزندانش از فلاکت را هم قربانی کند. بسیاری از ناظران فیلم «برادران لیلا» را تصویری از شرایط کنونی جامعه ایران ارزیابی کرده و هر یک از فرزندان را نماد بخشی از جامعه می‌دانند و پدر خانواده جمهوری اسلامی است که با توهمات و حماقت‌هایش ملت ایران را به فلاکت و فقر و بدبختی زنجیر کرده است. برخی نیز داستان این فیلم را تقلیدی از داستان معروف «برادران

● در این نشست سه روزه افرادی مثل محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، ابراهیم رئیسی رئیس دولت، حسین سلامی فرمانده کل سپاه، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، عبدالله حاجی‌صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه و زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی سخنرانی کردند.

● حاجی‌صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه هشدار داد «دشمن تلاش می‌کند تا فُج گناه را در جامعه بشکند و امروز اهتمام به ترویج مبانی دینی و اخلاقی یک جهاد است. ترویج سبک زندگی غربی و نفوذ در سرزمین‌های فکری جوانان نقشه دیگر دشمنان است که باید برای مقابله با آن دارای برنامه بود.»

در آستانه سالگرد خیزش ضدحکومتی در ایران فرماندهان نیروی‌های مسلح جمهوری اسلامی در مورد افزایش تهدیدات داخلی علیه نظام هشدار می‌دهند هرچند مدعی‌اند که «نظام اسلامی در برابر توطئه‌ها قوی و استوار است.»

محور بیست و چهارمین مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری «امام حسین» برگزار شد راهکارهای مقابله با تهدیدات داخلی بود که حکومت با آن روبروست.

در این نشست سه روزه افرادی مثل محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، ابراهیم رئیسی رئیس دولت، حسین سلامی فرمانده کل سپاه، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، عبدالله حاجی‌صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه و زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی سخنرانی کردند.

محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ۲۷ مرداد (روز دوم نشست) در سخنانی با تأکید بر ضرورت مقابله با «استکبار» گفته «امروز روسیه در مقابل

→ «چند نکته درباره برادران لیلا» نوشت: «فیلم، تصویری کینه‌توزانه و زشت از سنت‌ها به نمایش می‌گذارد. اگر مناسبات، روابط و سنت‌های جهان‌ایرانی اینقدر نامعقول و دروغین بود باید تا به حال فرو می‌ریخت.»

وبسایت «تیبیان» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی هم نوشت: «بیان دردهای اجتماعی، همذات‌پنداری، مثالی از وضعیت کشور و سیاسی بودن از عواملی است که برخی مخاطبان به فیلم برادران لیلا نگاهی مثبت داشته‌اند.»

این وبسایت از سوی دیگر این فیلم را به توهین به خانواده ایرانی، سیاه‌نمایی، ضد فرهنگی بودن و حمایت از سازمان «منافقین» متهم کرد.

فیلم «برادران لیلا» با ژانر درام و با بازی سعید پورصمیمی،

آغاز نشست کشورهای «بریکس» و تقاضای عضویت جمهوری اسلامی



نشست «بریکس» در ژوهانسبورگ/ آفریقای جنوبی/ ۱۹ اوت ۲۰۲۳/ رویترز

دعوت شده بود، ابراهیم رئیسی گفت «بحران‌های نوظهور از جمله کرونا، تغییرات اقلیمی و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی»، بر شدت بحران‌های جهانی مثل «توسعه منهای عدالت، گرسنگی، گسترش شکاف فقیر و غنی و به حاشیه راندن تنوع فرهنگی» افزوده است. به گفته ابراهیم رئیسی در این شرایط نیاز به «نهادهای مستقل چندملیتی در کنار سازمان ملل» هرچه بیشتر دیده می‌شود. رئیس جمهوری اسلامی در خاتمه صحبت‌هایش در این نشست مجازی وعده داد که «برای نیل به این اهداف ایران آماده است «توانمندی و ظرفیت‌های خود را به اشتراک بگذارد.»

هدف چین و روسیه از گسترش «بریکس» تبدیل این ائتلاف به وزنه‌ای در مقابل گروه هفت کشور صنعتی دنیا است، زیرا نگران تسلط آمریکا و کشورهای غربی بر اقتصاد آنها هستند.

هدف جمهوری اسلامی از عضویت در «بریکس» با توجه به پیوستن اخیرش به «پیمان شانگهای» و تلاش برای گسترش روابط با برخی از کشورهای آسیای میانه چون تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان و یا کشورهای آمریکای لاتین چون بولیوی، نیکاراگوئه، برزیل و ونزوئلا، خروج از انزوای بین‌المللی وتوسعه سیاست «نگاه به شرق» است.

تحریم‌های گسترده آمریکا و کشورهای غربی، جمهوری اسلامی را در شرایط بحرانی قرار داده و ایجاد روابطی بدیل در دستور کار دولت ابراهیم رئیسی قرار گرفته است. عضویت جمهوری اسلامی در گروه «بریکس» از حمایت روسیه، چین و برزیل برخوردار است، اگرچه به نظر می‌رسد هند و آفریقای جنوبی نظر مثبتی به این عضویت ندارند.

مجمع عالی سازمان ملل متحد مطرح شد و «بریکس» در اجلاس در سال ۲۰۰۹ در مسکو اعلام موجودیت کرد. آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ به این ائتلاف پیوست. «بریکس» ۴۰ درصد از جمعیت و ۲۵ درصد از اقتصاد یک سوم از مساحت جهان را نمایندگی می‌کند. سه ارتش بزرگ جهان از نظر تعداد نیز از جمله بنیانگذاران این ائتلاف هستند. دو کشور از اعضای این ائتلاف یعنی هند و چین هر کدام بیش از یک میلیارد جمعیت دارند. کشورهای «بریکس» از مهم‌ترین تولیدکنندگان کالا، خدمات و مواد خام در دنیا هستند.

بریکس در سال ۲۰۱۵ میلادی «بانک توسعه نوین» را برای ایجاد تغییراتی در سیستم جهانی بازرگانی و اقتصاد تاسیس کرد. هدف اصلی از تشکیل این نهاد مالی یافتن جانشینی برای دلار در روابط بازرگانی بین کشورهای عضو است. امری که اگرچه تا کنون موفق نبوده است ولی می‌تواند چالش بسیار مهمی برای آمریکا و کشورهای غربی باشد. روسیه و جمهوری اسلامی که تحت تحریم‌های بسیار جدی جهانی قرار دارند امیدوارند که «بانک توسعه نوین» بتواند در جریان این نشست موفقیتی را در زمینه تحریم‌ها به ثبت برساند. روسیه پیشنهاد کرده است که در این نشست کنار گذاشتن دلار آمریکا به عنوان ارز معیار تجارت بین‌المللی به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد و در این راستا از لزوم تشکیل صندوق «ذخیره ارزی بین‌المللی» بر اساس ارز کشورهای عضو صحبت می‌کند.

در نشستی مجازی که چندی پیش به دعوت چین در رابطه با این اجلاس برگزار شد و جمهوری اسلامی نیز به آن

● پانزدهمین اجلاس گروه موسوم به «بریکس» که در حال حاضر روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی را در بر می‌گیرد، صبح روز سه‌شنبه در ژوهانسبورگ آغاز به کار کرد.

● ولادیمیر پوتین به علت حکم بازداشت از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی پس از حمله به اوکراین به پایتخت آفریقای جنوبی سفر نخواهد کرد.

● بیست کشور دیگر، تقاضای عضویت در این گروه را ارائه داده‌اند که جمهوری اسلامی یکی از آنهاست. از دیگر کشورهایی که می‌خواهند به «بریکس» بپیوندند می‌توان به پادشاهی سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اندونزی و آرژانتین اشاره کرد.

● «بریکس» ۴۰ درصد از جمعیت و ۲۵ درصد از اقتصاد و یک سوم از مساحت جهان را نمایندگی می‌کند. سه ارتش بزرگ جهان از نظر تعداد نیز از جمله بنیانگذاران این ائتلاف هستند. دو کشور از اعضای آن یعنی هند و چین هر کدام بیش از یک میلیارد جمعیت دارند.

● در سال ۲۰۱۵ میلادی کشورهای عضو این ائتلاف «بانک توسعه نوین» را با هدف یافتن جانشینی برای دلار در روابط بازرگانی بین کشورهای عضو تاسیس کردند که البته تا کنون موفق نبوده است.

● هدف جمهوری اسلامی از عضویت در «بریکس» و یا پیوستن به «پیمان شانگهای» و تلاش برای گسترش روابط خود با برخی از کشورهای آسیای میانه و آمریکای لاتین خروج از انزوای بین‌المللی وتوسعه سیاست «نگاه به شرق» است.

احمد رأفت - پانزدهمین اجلاس گروه موسوم به «بریکس» صبح روز سه‌شنبه ۲۲ اوت ۲۰۲۳ (۳۱ مرداد ۱۴۰۲) در ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی با تدابیر شدید امنیتی آغاز به کار کرد. این اولین اجلاس این ائتلاف پس از پاندمی کرونا است. نام این ائتلاف از حروف اول نام کشورهای عضو به زبان انگلیسی گرفته شده است.

نشست کنونی با حضور رهبران اعضای فعلی این ائتلاف یعنی برزیل، چین، هند و آفریقای جنوبی کار خود را شروع کرد. رهبر پنجمین کشور عضو، یعنی روسیه، در ژوهانسبورگ حضور نخواهد داشت. علت عدم سفر ولادیمیر پوتین حکم بازداشت از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی برای رئیس جمهور روسیه پس از حمله نظامی به اوکراین است. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، این کشور را در این نشست نمایندگی خواهد کرد.

در جریان این نشست سه روزه رهبران دست‌کم ۵۰ کشور دیگر، از جمله ابراهیم رئیسی نیز به آفریقای جنوبی سفر خواهند کرد. تا کنون ۲۰ کشور تقاضای عضویت در این گروه را ارائه دادند که جمهوری اسلامی یکی از آنها است. از دیگر کشورهایی که می‌خواهند به «بریکس» بپیوندند می‌توان به پادشاهی سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اندونزی، آرژانتین و ایتوپیا اشاره کرد.

طرح ایجاد ائتلافی بین کشورهایی که دارای اقتصادی نوظهور هستند در سال ۲۰۰۶ میلادی برای اولین بار در نشست وزرای خارجه هند، برزیل، روسیه و چین در حاشیه

اختلاف نظر در «بریکس» برای پذیرفتن اعضای جدید



کرد و گفت: «رویه تحریم‌های غیرقانونی و مسدود کردن غیرقانونی دارایی‌های دولت‌های مستقل، اساساً به معنای زیر پا گذاشتن تمام هنجارها و قوانین اساسی تجارت آزاد است.» مشخص است که هدف روسیه از گسترش «بریکس» بیش از هر چیز نشان دادن این موضوع است که با وجود تحریم‌های غرب هنوز در سطح جهانی متحدانی دارد.

چین که مهم‌ترین حامی گسترش «بریکس» است، به گفته کارشناسان می‌خواهد از این پیمان به عنوان تریبون برای فعالیت سیاسی علیه آمریکا استفاده کند و خود را به عنوان مرکز نظم جهانی نوین جا بیاندازد.

از سوی دیگر هند دیدگاهی نسبتاً انتقادی نسبت به گسترش «بریکس» دارد و نگران است که با حضور احتمالی چندین کشور طرفدار چین، نفوذ خود در این گروه را از دست بدهد و این پیمان به روابط این غول آسیائی با غرب لطمه جدی وارد کند.

آفریقای جنوبی نیز معتقد است که گسترش بریکس می‌تواند مانند دوران جنگ سرد منجر به تقسیم فزاینده جهان شود. وزیر خارجه آفریقای جنوبی می‌گوید «اگر ما سیاست مناطق نفوذ را جا بیندازیم، آنگاه توسعه و صلح بهای آن را خواهند پرداخت.»

لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل نیز گفت که «بریکس» پیمانی علیه دیگران نیست. رئیس‌جمهور برزیل تأکید کرد که هدف از گسترش این پیمان باید «سازماندهی کشورهای جنوب جهان باشد تا در موقعیتی قرار گیرند که بتوانند برابر با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا بر سر میز مذاکره بنشینند.»

ابراهیم رئیسی یکی از رؤسای دولت بیش از ۴۰ کشوری که به این اجلاس دعوت شدند، پنجشنبه ۲۴ اوت یعنی در روز سوم و آخر این نشست صحبت خواهد کرد. چهل دولت تا کنون تمایل را خود برای پیوستن به «بریکس» اعلام کرده‌اند و ۲۶ دولت از آنها از جمله جمهوری اسلامی رسماً چنین تقاضائی را ارائه داده‌اند.

گفتگوها در مورد پذیرش اعضای جدید، در دومین روز پانزدهمین اجلاس «بریکس» بر حول دو محور انجام گرفت: اقتصادی و سیاسی. وضعیت اقتصادی اعضای فعلی نیز برابر نیست. ظرفیت اقتصادی چین ۴۰ برابر آفریقای جنوبی است و ورود امثال جمهوری اسلامی که اقتصادشان در لبه پرتگاه ورشکستگی قرار دارد، می‌تواند قدرت اقتصادی کنونی این ائتلاف را که تولیدکننده ۲۵ درصد تولید اقتصادی جهان است کاهش دهد. مشکل دوم بهم خوردن تعادل سیاسی کنونی به ویژه در روابط با غرب است و ورود بدون برنامه‌ریزی اعضای جدید می‌توان این تعادل را بطور جدی بهم بریزد. چین و روسیه از گسترش «بریکس» دقیقاً به دنبال ایجاد تعادل جدیدی هستند و قصد دارند این ائتلاف را با پذیرفتن اعضای جدید به نهادی در رقابت و مخالفت با آمریکا و غرب تبدیل کنند. رئیس‌جمهور چین با وجود اینکه به آفریقای جنوبی سفر کرده ولی در اجلاس نخستین حضور پیدا نکرد و پیام او توسط وانگ و تائو وزیر اقتصاد خارجی این کشور خوانده شد. شی جین‌پینگ در این پیام گفت «کشوری وجود دارد که می‌خواهد هژمونی خود را حفظ کند و برای فلج کردن کشورهای نوظهور و در حال توسعه دست به هر کاری زده است.» در این سخنان بدون نام بردن از ایالات متحده آمریکا، رئیس‌جمهور چین افزود: «کشورهایی که به سرعت توسعه می‌یابند، توسط آنها مهار می‌شوند.»

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه برای این نشست یک پیام ویدیویی ارسال کرد. حضور او در آفریقای جنوبی به دلیل صدور حکم بازداشت از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه به جرم حمله نظامی علیه اوکراین می‌توانست به دستگیری او بیانجامد. سرگئی لاورف وزیر خارجه روسیه در این نشست حضور دارد و کشورش را نمایندگی می‌کند. در یک پیام ویدیویی ۱۷ دقیقه‌ای که از پیش ضبط شده بود و روز سه‌شنبه در این اجلاس پخش شد، ولادیمیر پوتین به تحریم‌های غرب علیه مسکو به دلیل تهاجم علیه اوکراین اشاره

● روز دوم اجلاس بریکس به شرایط و اصول پذیرفتن اعضای جدید بر حول دو محور اقتصادی و سیاسی پرداخت.

● در حالی که چین و روسیه با ورود اعضای جدید می‌خواهند این پیام را به نهادی ضد آمریکا و غرب تبدیل کنند، هند و برزیل مخالف این طرح هستند.

● پنجشنبه رؤسای دولت کشورهایی که به این اجلاس دعوت شده‌اند، از جمله ابراهیم رئیسی صحبت خواهند کرد. ۴۰ دولت خواهان پیوستن به «بریکس» هستند و جمهوری اسلامی یکی از آنهاست.

احمد رأفت - اجلاس ائتلاف «بریکس» در دومین روز برگزاری به بررسی شرایط پذیرفتن عضویت کشورهای جدید پرداخت. نالدی پاندور وزیر خارجه آفریقای جنوبی که میزبان این اجلاس است، در گفتگو با یک رادیو محلی اعلام کرد که پنج کشور عضو این ائتلاف (روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی) در رابطه با پذیرفتن اعضای جدید به توافقی دست یافته‌اند، و به زودی مصوبه‌ای که شرایط و روند پذیرفتن دیگر کشورها را مشخص می‌کند منتشر خواهند کرد. البته این مقام کشور میزبان اجلاس نخواست هیچگونه اطلاعاتی در این رابطه فاش کند.

در حالی که مخالفت با گسترش «بریکس» و ورود دیگر کشورها وجود ندارد، اما بر سر شرایط و چگونگی پذیرفتن اعضای جدید اختلافات فاحشی بین کشورهای بنیانگذار وجود دارد. چین و روسیه خواهان باز کردن درهای «بریکس» بر کشورهای هستند که دارای روابط بحرانی با آمریکا و غرب دارند. هند و برزیل ولی نگران گسترش بی‌رویه این ائتلاف هستند و حاضر نیستند که «بریکس» به نهادی رقیب گروه هفت کشور صنعتی جهان موسوم به «جی هفت» و یا حتی «گروه بیست» تبدیل شود. «گروه بیست» ۲۰ کشور برتر دنیا در زمینه اقتصاد و نه فقط کشورهای غربی را در بر می‌گیرد. کشورهای این گروه در مجموع ۸۵ درصد کل اقتصاد جهانی و دو سوم جمعیت دنیا را نمایندگی می‌کنند.

دفاع رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی از سانسور و عدم انتشار داده‌های امنیتی، تجاری و اقتصادی



قیمت‌ها در دولت ریسی را ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ در نظر گرفته است در حالی که روشن نیست چرا سال ابتدایی استقرار دولت سیزدهم از نظر مقامات این خبرگزاری واجد ارزش پرداختن نبوده است.

این گزارش افزوده که «مقامات دولت سیزدهم در حالی راهی پاستور شدند که با ساده‌انگاری عجیب و غریب معتقد بودند تنها حضور آنان در نهاد ریاست جمهوری تورم را تا ۱۵ درصد کاهش خواهد داد. این سخن به شکلی رسمی از سوی احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی کنونی، در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ اعلام شد، وقتی نماینده مجلس شورای اسلامی بود.»

در آنسو آمارهای اقتصادی از سوی مرکز آمار ایران نیز گاهی با تأخیر منتشر شده و البته بسیاری از کارشناسان نسبت به درستی آمارهای ارائه شده به ویژه در رابطه با تورم تردید دارند. روزنامه «اعتماد» تیرماه امسال با رد ادعای مقامات دولتی در مقاله‌ای نوشت: «بر اساس علم آمار، اگر نرخ تورم ماهانه ۱/۵ درصد باشد نرخ تورم در پایان سال ۲۰ درصد و اگر نرخ تورم، ماهانه ۳ درصد شود، تورم آخر سال ۴۰ درصد خواهد بود. حال با توجه به نرخ ۱۲ درصدی تورم در خرداد و در صورت تداوم این روند در پایان سال ۱۴۰۱ نرخ تورم در ایران به ۱۶۰ درصد خواهد رسید.»

کامران ندری اقتصاددان معتقد است همواره کیفیت آمار منتشر شده و نظم انتشار، مورد بحث بوده است. این اقتصاددان درباره عدم هماهنگی آمارهای تومری منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز گفته که «در حال حاضر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، دو نهادی هستند که آمار تورم را منتشر می‌کنند. ما در گذشته دیده‌ایم که سیاست‌گذار در ایران تمایل دارد آمار را منتشر کند که با اهداف سیاسی او سازگاری بیشتری داشته باشد و عملکردش را در اقتصاد مثبت‌تر نشان دهد. سابقه تصمیمات سیاسی در کشور ما نشان می‌دهد که این ملاحظات نیز در انتشار آمار وجود دارد.»

در دسترس نبودن آمار، به عنوان یک عامل بسیار مهم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای فعالان اقتصادی

آمارهای اقتصادی از جمله تورم که پیشتر از سوی بانک مرکزی هم منتشر می‌شد، دیگر منتشر نمی‌شود به دلیل منع قانون است. او افزوده عدم انتشار برخی آمارها به دلیل «ملاحظات امنیتی» است.

وی عدم انتشار برخی آمارها از سوی بانک مرکزی را «یک حکم قانونی» دانسته و توضیح داده که «ما بحث انتشار آمار را محدود نمی‌کنیم. درباره آمار تورم به دلیل اینکه قانون مقرر کرده مرکز آمار آن را منتشر کند، ما دیگر آن را منتشر نمی‌کنیم و بیشتر یک حکم قانونی است. هرچند هنوز اختلاف‌هایی بر سر منبع انتشار آن مطرح است، اما به دلیل مسئله قانونی بودن آن، از انتشار آمار مربوط به تورم جلوگیری کردیم.»

فرزین تأکید کرده هرچند هنوز اختلاف‌هایی بر سر منبع انتشار آمارها مطرح است، اما به دلیل مسئله قانونی بودن آن، از انتشار آمار مربوط به تورم جلوگیری کردیم.

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی از اظهارات خود به نگاه امنیتی در انتشار آمار و دخالت نهادهای امنیتی در انتشار آمار اشاره کرده و گفته است که «برخی از آمارهای اقتصادی هم ممکن است به دلیل محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی ضروری نباشد که به صورت عمومی منتشر شوند.»

از سال ۹۷ و با دستور مستقیم دولت روحانی بانک مرکزی انتشار عمومی آمارها و گزارش‌های مربوط به تورم، رشد اقتصادی، جزئیات درآمد مالیاتی و قیمت هفتگی اقلام را متوقف کرد. در پاییز ۹۸ نیز بانک مرکزی از انتشار گزیده آمارهای اقتصادی با دستور دولت منع شد.

گاهی هم به سود یک وزارتخانه یا مجموعه دولت، آمارها دستکاری می‌شود. برای نمونه وبسایت «خبرآنلاین» امروز سه‌شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده که خبرگزاری رسمی دولت «ایرنا» در عدس‌سازی و تلاش برای موفق نشان دادن دولت ریسی، ابداً عیبی را در دستور کار قرار داده است.

در این گزارش آمده خبرگزاری «ایرنا» با عدس‌سازی عجیب، نسبت به اعلام اعداد متفاوت برای کالاها در تیرماه ۱۴۰۰ اقدام کرده اما بعدتر برای جبران این خطا مبادا زمانی بررسی

فریدون عباسی با تأکید بر اینکه «داده‌های امنیتی، تجاری و اقتصادی نباید شفاف شود» گفته افشای این داده‌ها به ضرر کشور است و باید هم محدوده شفافیت مشخص باشد و هم محدوده انتشار داده‌ها تعیین شود.

رئیس کل بانک مرکزی نیز عدم انتشار برخی آمارها از سوی بانک مرکزی را «یک حکم قانونی» دانسته و گفته عدم انتشار برخی آمارها به دلیل «ملاحظات امنیتی» است. عدم شفافیت و سانسور کردن داده‌ها و آمارهای اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ... در جمهوری اسلامی به روالی عادی تبدیل شده است.

فریدون عباسی با دفاع از سانسور آمارهای اقتصادی و امنیتی و تجاری در ایران خواستار تشکیل یک «مرکز داده ملی» شده که در آن تصمیم‌گیری شود چه آمار منتشر و چه آمار سانسور شود! این نماینده مجلس شورای اسلامی شفافیت در انتشار داده‌ها از سوی حکومت را معادل به خطر افتادن امنیت ارزیابی کرده است.

فریدون عباسی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی و نماینده مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی عجیب از سانسور آمارهای مختلف در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و امنیتی دفاع کرده و گفته که داده‌های امنیتی و تجاری نباید شفاف شوند چرا که دشمن از آنها استفاده کرده و به کشور ضربه وارد می‌کند. عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با این ادعا که «در شرایط جنگ اقتصادی نباید اطلاعات اقتصادی کشور افشا شود» گفته که «بطور کلی در حوزه اقتصاد یکسری داده‌هایی وجود دارد که بعضاً از داده‌های امنیتی مهمتر هستند که اگر این داده‌ها افشا شود به عنوان مثال می‌تواند امنیت غذایی مردم را هدف قرار دهد.»

فریدون عباسی با تأکید بر اینکه «داده‌های امنیتی، تجاری و اقتصادی نباید شفاف شود» گفته که «باید یک مرکز داده ملی داشته باشیم که این مرکز ملی تصمیم بگیرد که چه ارقامی قابل انتشار است.»

رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران افزوده که «اکنون هر داده‌ای از جمله مسائل جغرافیایی کشور، میزان آب رودخانه‌ها، سدها و میزان برق را منتشر می‌کنند. افشای این داده‌ها به ضرر کشور است در حالی که هم باید محدوده شفافیت مشخص باشد هم باید محدوده انتشار داده‌ها تعیین شود.»

عدم شفافیت و سانسور کردن داده‌ها و آمارهای اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ... در جمهوری اسلامی به روالی عادی تبدیل شده و مقامات جمهوری اسلامی بدون در نظر گرفتن پیامدهای عدم شفافیت آماری، از ادامه این روند دفاع و حمایت می‌کنند.

برخی مقامات عدم انتشار داده‌ها و سانسور آمارها را در حالی به موضوع «تحریم» و «جنگ اقتصادی» پیوند زده و توجیه می‌کنند که از سال‌ها پیش از تحریم نیز سانسور آمارها و عدم انتشار عمومی آنها وجود داشته است. سانسورها نه تنها در داده‌های نظامی و امنیتی، بلکه حتی در موارد اجتماعی مانند اعتیاد و فقر و طلاق نیز وجود داشته و آمارها همواره متناقض و غیرشفاف بوده است.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز هفته نخست امرداد امسال گفته بود اینکه برخی

مجتبی واحدی: سناریوهای ناشیانه رژیم در توجیه مہب گذاری در شاهچراغ شیراز



حمله مسلحانه در صحن شاهچراغ شیراز

اسلامی تکذیب شد. رئیس دادگستری البته ساعاتی بعد اعلام کرد که ۱۰ تبعه خارجی در این رابطه بازداشت شده‌اند. روز بعد همین مقام قضائی شمار بازداشتی‌ها را ۲۰ نفر اعلام کرد بدون اینکه از آنها نام برد و به تابعیت آنها اشاره‌ای کند.

۴ آبان ۱۴۰۱ نیر حمله دیگری به «حرم شاهچراغ» صورت گرفته بود. در آن حمله، بنا بر آنچه رسانه‌های جمهوری اسلامی در آن روزها نوشتند، ۱۳ نفر کشته و بیش از ۲۰ نفر زخمی شدند. در آن زمان هم ابتدا از کشته شدن یکی از تروریست‌ها در پی تیراندازی مامورین و بازداشت ۱۲ تبعه جمهوری آذربایجان صحبت شد؛ ولی در دادگاهی که ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ در شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز برگزار شد پنج تبعه افغانستان در جایگاه متهم قرار گرفتند. دو تن از این افراد به نام محمد رحمانی و محمد رامز رشیدی در این دادگاه به اعدام محکوم شدند و حکم اعدام آنها در یکی از میدان‌های شیراز در ۸ ژوئیه امسال به اجرا درآمد.

در رسانه‌های جمهوری اسلامی هر دو حمله به شاهچراغ را به داعش نسبت دادند. البته داعش با انتشار بیانیه‌ای در ارگان رسمی‌اش «النبأ» مسئولیت حمله ۴ آبان ۱۴۰۱ را به عهده گرفت، ولی هنوز در رابطه با حمله ۲۲ مرداد امسال بیانیه‌ای منتشر نکرده است. ابهامات در رابطه با نقش داشتن داعش در این حملات کم نیستند. برخی معتقدند که این عملیات شاید توسط داعش انجام گرفته باشد، ولی در همکاری و با اطلاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. در ماه نوامبر سال گذشته گروه سایبری «بلاک ریوارد» با هک کردن وبسایت خبرگزاری

● **مجتبی واحدی تحلیلگر سیاسی و مدیر سابق روزنامه «آفتاب یزد»:** «ادعای حضور جمهوری اسلامی در سوریه برای مبارزه با داعش از اصل دروغ بود و غیرقابل باور.»
● **«عملیات منتسب به داعش در ایران هیچ شباهتی با سایر اقدامات نظامی و تروریستی داعش ندارد. تمام عملیات داعش به صورت انتحاری بوده و هیچکدام از عاملان حملات زنده ماندند تا دستگیر شوند و اعتراف، آنهم از نوع تلویزیونی، داشته باشند.»**

● **«به گمانم مسئولان نظام به خوبی می‌دانند که نه تنها مخالفان، بلکه موافقان منصف حکومت نیز سناریوهای مبتدی و ناشیانه حکومت را باور نمی‌کنند. الان قطعاً بسیاری از حامیان نظام، دچار این پرسش ذهنی هستند که چرا با وجود ادعاهای مربوط به توان امنیتی نظام، در فاصله زمانی کمتر از یکسال، دو حمله مشابه در یک مکان اتفاق افتاده! به خصوص بعد از انتشار فیلم لحظه دستگیری عامل حمله دوم که نشان می‌دهد تروریست مسلح در حال فرار است و یک نفر غیرمسلح، او را تعقیب می‌کند و او بدون شلیک حتی یک تیر به راحتی دستگیر می‌شود!»**

احمد رأفت (کیهان لایف) - ۲۲ مرداد امسال برای دومین بار در کمتر از یک سال، صحن شاهچراغ در شیراز مورد حمله تروریستی قرار گرفت. در جریان این حمله به روایت مقامات محلی یک نفر کشته و ۷ نفر زخمی شدند. بلافاصله پس از این حمله، مقامات دادگستری این شهر حمله‌کننده را یک جوان ۲۵ ساله افغانستانی از ایالت بدخشان اعلام کردند. البته این اطلاعات رئیس دادگستری در کمترین مدت توسط رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب

را دچار مشکل می‌کند و ریسک فعالیت و سرمایه‌گذاری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» دوازدهم اردیبهشت‌ماه به این موضوع پرداخته بود و آن را راهی برای قضاوت نشدن مدیران در حوزه عملکردی خود دانسته و نوشته بود که این مسئله می‌تواند به ایجاد رویه‌های جدید در برخورد سلیقه‌ای با انتشار آمار سازمان‌ها منجر شود.

بر اساس گزارش‌ها «قیمت مسکن تهران»، «قیمت مسکن کشور»، «اجاره‌بهای تهران»، «اجاره کشور»، «حجم معاملات»، «تیراژ ساخت مسکن» و «میزان سرمایه‌گذاری ساختمانی» عملکرد بودجه و گزارش‌های ماهانه وزارت صمت و نفت نیز از دیگر مواردی است که دیگر منتشر نمی‌شوند. خبرگزاری «ایلنا» به تازگی با انتشار گزارشی تحلیلی از «مهار تورم» با «عددسازی» نوشته و معتقد بود که دولت بر خلاف قانون از محاسبه و انتشار منظم «خط فقر» خودداری می‌کند.

روزنامه بریتانیایی «فایننشال تایمز» نیز در رابطه با عدم انتشار آمار تورمی در ایران گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را پنهان می‌کند.

در این گزارش به نقل از سعید لیلز تحلیلگر اقتصاد سیاسی آمده که مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکست رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

مرتضی عزتی اقتصاددان نیز خردادماه امسال در روزنامه «تعادل» با اشاره به اینکه «دستکاری آمارهای اقتصادی توسط دولت مطرح شده که تحلیلگران را نگران کرده» نوشت که «موضوع ارائه آمارهای شفاف در اقتصاد به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند سرنوشت کلی اقتصاد کشورها را تحت الشعاع قرار دهد.»

این اقتصاددان در ادامه تأکید کرد که «مردم و مسئولان و تحلیلگران می‌دانند که چه شرایط تورمی حاکم است؛ مردم هر روز راهی بازارها می‌شوند، گوشت و مرغ و تخم‌مرغ و پنیر و... می‌خرند و می‌دانند. اقتصاددان‌ها هم به واقعیت آماری آگاهی دارند و متوجه‌اند که نرخ تورم در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به نسبت اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ چه تغییری پیدا کرده است. دولت هم که از واقعیت با خبر است. باید از مسئولان پرسید این آمارها با چه هدفی تغییر پیدا می‌کنند؟»
لطفعلی بخشی اقتصاددان نیز در گفتگو با وبسایت «بازار» رد ادعای افزایش یک درصدی تورم نقطه به نقطه از سوی مرکز آمار ایران، گفته که «خود مردم در بطن بازار بوده و هر روز با خریدهایی که انجام می‌دهند به خوبی می‌دانند که رقم ۱ درصدی هر چند شاید از لحاظ سنجش تعریف شده شاخص نرخ تورم در مرکز آمار درست باشد اما واقعی نیست زیرا همه افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها را روزانه لمس می‌کنند آنطور که درآمدها دیگر پاسخگوی حتی نیمی از هزینه‌های زندگی آنها نیست.»

لطفعلی بخشی افزوده که «نیازی نیست که زمانی مردم از دخل و خرج خودشان به درستی آگاهند و هزینه‌های زندگی را نسبت به ماه‌های گذشته می‌سنجند آمارهایی در مورد نرخ تورم اعلام شود که مردم به آن بی‌اعتنا و موجب سلب اعتماد عمومی شود. البته باید گفت؛ مرجع آماری از میان کالاهای اساسی برای تعیین نرخ تورم سری کالاهایی را در نظر می‌گیرد که کمترین رشد قیمت را در یک بازه زمانی داشته‌اند به همین دلیل است که معمولاً رقم نرخ تورم پایین اعلام می‌شود.»

→ فارس، نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مدارکی را منتشر کرد که یکی از آنها در رابطه با نخستین حمله به شاهچراغ است که در همان زمان روی داده بود. در این مدرک اشاره شده که فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شیراز با وجود اطلاع از این حمله هیچ اقدامی برای جلوگیری از آن انجام نداده است. در روزهای بعد از اولین حمله تروریستی به شاهچراغ، مردم شیراز به خیابان آمدند و با شعارهایی چون «سپاهی، داعشی، پیوندتان مبارک» آن حمله تروریستی را به رژیم، برای سرکوب بیشتر اعتراضات مردمی که از ۲۵ شهریور با شعار «زن، زندگی، آزادی» شکل گرفته بود نسبت دادند. کم نیستند کسانی که معتقدند حمله اخیر به شاهچراغ نیز بی‌ربط با نخستین سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی در ۲۵ شهریور سال گذشته نیست.

مجتبی واحدی تحلیلگر سیاسی شکی ندارد که جمهوری اسلامی در حملات اخیر به «حرم شاهچراغ» دست داشته است. واحدی که امروز در حومه واشنگتن زندگی می‌کند به مدت ده سال از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ روزنامه «آفتاب یزد» را مدیریت می‌کرد و در انتخابات سال ۸۸ سخنگوی مهدی کروبی یکی از کاندیداهای اصلی انتخابات جنجالی آن سال بود.

آقای واحدی نظام بارها تبلیغ کرده است که ما رفتیم سوریه ۵۰ میلیارد دلار هم خرج کردیم که پای داعش به ایران باز نشود. قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس هم در پایان جنگ علیه حکومت اسلامی در عراق اعلام کرد که داعش برای همیشه متلاشی شده است. با این حال شاهدیم که در سال‌های اخیر حداقل چهار حمله تروریستی در داخل ایران به داعش نسبت داده شده: حمله همزمان به مقبره روح‌الله خمینی و مجلس شورای اسلامی در ۱۷ خرداد ۱۳۸۶ در تهران و دو حمله اخیر به صحن شاهچراغ در شیراز.

ادعای حضور جمهوری اسلامی در سوریه برای مبارزه با داعش از اصل دروغ بود و غیرقابل باور. اولاً با توجه به حضور گسترده نیروهای حامی یا وابسته جمهوری اسلامی در عراق- از جمله حشدالشعبی- نیروهای داعش که در سوریه حاضر بودند نمی‌توانستند با عبور از خاک عراق وارد ایران شوند. اگر هم قرار بود نیروهای داعش از کشورهای دیگر به ایران بیایند که حضور جمهوری اسلامی در سوریه، مشکلی را حل نمی‌کرد. ثانیاً محمود چهارباغی رئیس دایره آموزش قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا سپاه در گفتگویی که از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد با صراحت اعلام کرد که حضور نیروهای سپاه در سوریه، مدت‌ها قبل از تشکیل داعش بوده است. او گفت «خامنیه ای به حاج قاسم سلیمانی دستور داد که برای نجات بشار اسد به سوریه برود»

ضمناً قاسم سلیمانی پنج سال قبل در نامه‌ای به خامنیه‌ای، پایان حکومت داعش را اعلام کرد. حالا طرفداران جمهوری اسلامی می‌گویند سلیمانی پایان حکومت داعش را اعلام کرده نه از بین رفتن کامل داعش! نتیجه این ادعا اینست که حضور در سوریه، برای رفع خطر داعش از ایران نبوده و تنها هدف، مقابله با تشکیل یک حکومت در سوریه بوده که بشار اسد را به خطر می‌انداخته است.

-بررسی سریع عملیات داعش در خارج از سوریه و عراق نشان داده است که آنها عمدتاً از تاکتیک حملات انتحاری و مپ‌گذاری استفاده می‌کنند. چرا می‌بایست در ایران حمله نظامی کنند آنهم به محله‌هایی که تحت پوشش‌های

حفاظتی شدید قرار دارند؟!

-عملیات منتسب به داعش در ایران هیچ شباهتی با سایر اقدامات نظامی و تروریستی داعش ندارد. تمام عملیات داعش به صورت انتحاری بوده و هیچیک از عاملان حملات زنده نماندند تا دستگیر شوند و اعتراف، آنهم از نوع تلویزیونی، داشته باشند. تمام عملیات نسبت داده شده به داعش در ایران از نوع ابتدایی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدامات تروریستی و بدون هدف و اثرگذاری مشخص بوده است. از جمله در حمله به مجلس، هیچ نماینده‌ای و حتی هیچیک از ساختمان‌ها و تجهیزات اداری مجلس آسیب ندید.

-بعد از اولین حمله به شاهچراغ در آبان سال گذشته گفتند که دستگیرشدگان تابعیت جمهوری آذربایجان دارند، ولی چند هفته پیش دو شهروند افغانستانی را با همین اتهام اعدام کردند. اینبار هم گفتند که در رابطه با حمله اخیر ده یا بیست شهروند خارجی دستگیر کردند البته بدون اعلام نام و تابعیت آنها.

-خبررسانی‌ها در مورد حملات منتسب به داعش نیز بسیار ناشیانه و دارای تناقضات فراوان بود. مثلاً در مورد حمله اول به شاهچراغ، ورود آسان و بدون مانع حمله‌کننده، از عجایب بود. نکته دیگر اینکه فیلم منتشره از صحنه و لحظه دستگیری نشان می‌داد که حمله‌کننده، هیچ آسیبی ندیده. ولی به فاصله چند ساعت بعد اعلام کردند که او در اثر شدت جراحات، فوت کرده! اطلاع‌رسانی‌ها در مورد ماهیت و ملیت حمله‌کنندگان نیز تناقضات فراوانی داشت. از جمله اینکه در مقطعی اعلام کردند همه حمله‌کنندگان تبعه آذربایجان بوده‌اند ولی نهایتاً دو افغان اعدام شدند.

-کم نیستند کسانی که معتقدند که این حملات کار خود نظام بوده. آیا حمله اخیر به شاهچراغ در آستانه اولین سالگرد قتل مهسا و خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» می‌تواند با هدف ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته باشد؟ -به گمانم مسئولان نظام به خوبی می‌دانند که نه تنها مخالفان، بلکه موافقان منصف حکومت نیز سناریوهای مبتدی و ناشیانه حکومت را باور نمی‌کنند. الان قطعاً بسیاری از حامیان نظام، دچار این پرسش ذهنی هستند که چرا با وجود ادعاهای مربوط به توان امنیتی نظام، در فاصله زمانی کمتر از یکسال، دو حمله مشابه در یک مکان اتفاق افتاده! به‌خصوص بعد از انتشار فیلم لحظه دستگیری عامل حمله دوم که نشان می‌دهد تروریست مسلح در حال فرار است و یک نفر غیرمسلح، او را تعقیب می‌کند و او بدون شلیک حتی یک تیر به راحتی دستگیر می‌شود!

-آیا نظام می‌تواند با اینگونه حملات و نسبت دادن آن به داعش و غیرایرانی‌ها، بخواهد به نوعی دشمن‌سازی کند و از این طریق سرکوب داخلی را توجیه کند؟

-جمهوری اسلامی برای سرکوب نیاز به بهانه ندارد. اما معمولاً این اقدامات می‌تواند مورد بهره‌برداری‌های گوناگون قرار گیرد آنهم فقط برای اقناع بخش بسیار کوچکی از طرفداران کم‌اطلاع خودش. جریان‌سازی خبری در آستانه سالگرد انقلاب ۱۴۰۱، بیش از آنکه برای توجیه سرکوب باشد با هدف ترساندن گروهی از مردم و منصرف کردن آنها از اعتراضات خیابانی یا ایجاد وحشت در میان خانواده‌ها برای منع جوانان شجاع، از حضور در اعتراضات احتمالی است که به گمانم نتیجه مطلوب حکومت را به دنبال نخواهد داشت.

*منبع: کیهان لایف (کیهان لندن به زبان انگلیسی)

افزایش ۴۰ درصدی آمار خودکشی بر بستر بحران‌های اقتصادی و معیشتی

● آمار خودکشی در ایران طی یک دهه گذشته، بیش از ۴۰ درصد رشد کرده و از حدود ۳۵۰۰ مورد در سال، به بیش از ۵ هزار مورد افزایش یافته است.

● بطور متوسط از هر ۱۰۰ هزار ایرانی، ۱۲۵ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند که از این تعداد ۶ نفر جان خود را از دست می‌دهند.

● بررسی و تحلیل داده‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد نرخ خودکشی در استان‌های غربی کشور اختلاف بیشتری با مناطق مرکزی، شمال و جنوب و شرق ایران دارد.

جدیدترین آمار ارائه شده از خودکشی در ایران نشان می‌دهد که طی یک دهه گذشته شمار خودکشی در ایران با افزایش ۴۰ درصدی روبرو شده و بطور متوسط از هر ۱۰۰ هزار ایرانی، ۱۲۵ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند. روزنامه «اعتماد» در گزارشی به ارائه آمارهای جدیدی از افزایش خودکشی در ایران پرداخته و نوشته میزان خودکشی در ایران طی یک دهه گذشته، بیش از ۴۰ درصد رشد کرده و از حدود ۳۵۰۰ مورد در سال، به بیش از ۵ هزار مورد افزایش یافته است.

این گزارش به استناد آمارهای رسمی اعلام کرده که بطور متوسط از هر ۱۰۰ هزار ایرانی، ۱۲۵ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند که از این تعداد ۶ نفر جان خود را از دست می‌دهند.

در ادامه این گزارش آمده که تازه‌ترین گزارش «شاخص‌های عدالت اجتماعی» در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ظرف ۱۰ سال بیش از ۴۰ هزار مرگ ناشی از خودکشی توسط نیروی انتظامی ثبت و ضبط شده است. این رقم بیش از دو برابر کل آمار قتل در دهه ۱۳۹۰ است که کمتر از ۲۰ هزار نفر گزارش شده است.

در آمارهای نیروی انتظامی تعداد قابل توجهی مرگ، تحت عنوان «سایر موارد مرگ‌های مشکوک» وجود دارد که دقیقاً مشخص نیست به چه مواردی اطلاق می‌شود. آمار این مرگ‌های مشکوک در دهه ۱۳۹۰، حدود ۶ برابر آمار کل خودکشی و ۱۲ برابر آمار قتل است.

همچنین بر اساس آمار نیروی انتظامی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، هر سال به طور متوسط ۴۱۸۳ نفر در ایران به دلیل خودکشی جان‌شان را از دست داده‌اند. با این حساب نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی ۵/۱ مورد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است.



ساکن یا شاغل در استان‌های خوزستان، کرمان، فارس، سمنان، خراسان رضوی، ایلام، گیلان، کرمانشاه، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی و گلستان، به دلیل فقر، معوقات و طلب‌های مزدی یا تعدیل و اخراج از محل کار، خودکشی کرده‌اند.»

بر اساس این گزارش «صرف نظر از تاریخ تقویمی ثبت خودکشی‌ها، بطور میانگین، هر ۱۲ روز یک کارگر برای پایان دادن به زندگی خود اقدام کرده بود.»

خودکشی‌های مرتبط با مشکلات اقتصادی و ناامیدی از بهبود شرایط معیشتی فقط به اقشار کارگری خلاصه نمی‌شود و دامنه وسیعی دارد. طی یک سال گذشته ۱۳ رزیدنت پزشکی به دلیل حقوق ناچیز، نداشتن بیمه، کار سنگین و ناامیدی نسبت به آینده خودکشی کرده و جان خود را از دست داده‌اند.

علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور امرداد امسال از خودکشی یکی دیگر از رزیدنت‌های پزشکی در هفته‌های گذشته خبر داد. به گفته علی سلحشور «از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، یعنی فقط طی یک سال، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند.»

این پایگاه در گزارش خود نشان داده بود که پراکندگی نرخ خودکشی در استان‌های مختلف با شاخص فلاکت و توزیع محصول ناخالص داخلی در این استان‌ها ارتباط مستقیم دارد و هر استانی که شهروندان از فقر بیشتر رنج می‌برند، دارای آمار خودکشی بیشتر است.

این موضوع نشان می‌دهد میان نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم، به عنوان عوامل اقتصادی که تبعات اجتماعی آنها فراگیر است، ارتباط وجود دارد. اگرچه این عوامل تنها عوامل موثر بر بالا یا پایین نرخ خودکشی در یک منطقه نیستند.

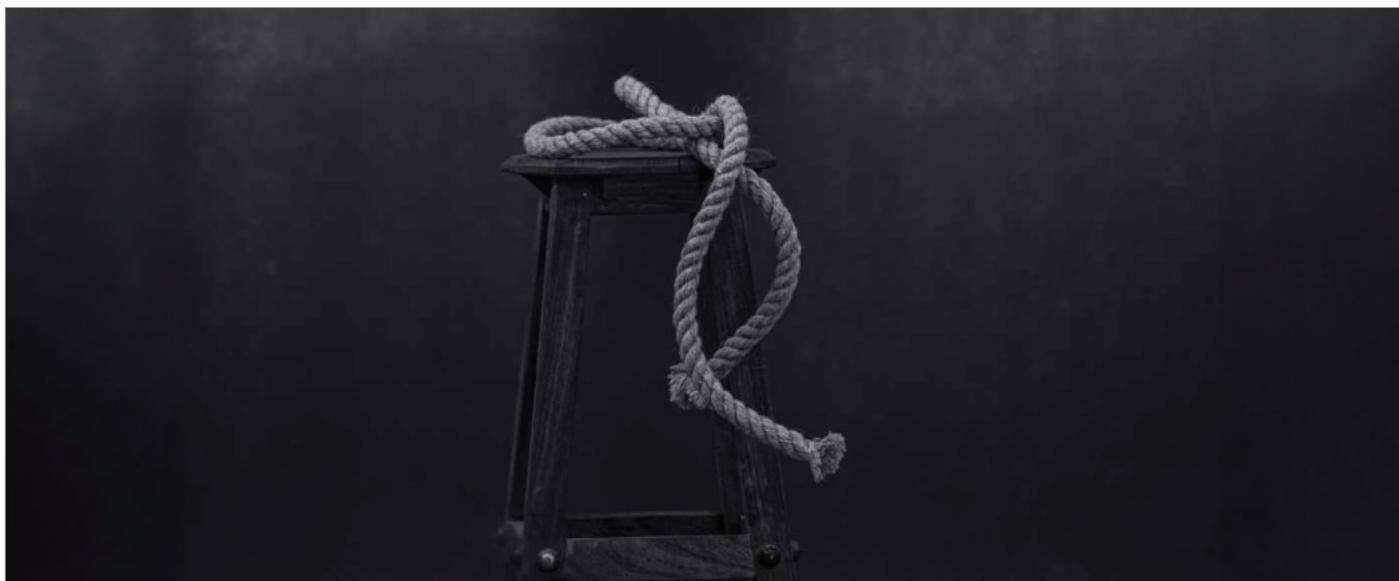
از سوی دیگر ایران با پدیده دردناک خودکشی کارگران نیز روبروست. کارگرانی که به دلیل بحران اقتصادی در واحدهای تولیدی و صنعتی، از سوی کارفرما و با هدف کاهش هزینه‌ها، اخراج می‌شوند و به دلیل استیصال و ناامیدی اقدام به خودکشی می‌کنند.

در آخرین نمونه‌ی گزارش شده از خودکشی کارگران، یک کارگر ۳۵ ساله و روزمزد در بخش اورهال (تعمیرات و نگهداری) پالایشگاه نفت آبادان روز چهارشنبه ۲۵ امرداد در حیاط خانه خود را حلق آویز کرده و جان باخته است.

از سوی دیگر پراکندگی آمار خودکشی در استان‌های مختلف نیز متفاوت است. روزنامه «اعتماد» در اینباره نوشته که بررسی و تحلیل داده‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد نرخ خودکشی در استان‌های غربی کشور اختلاف بیشتری با مناطق مرکزی، شمال و جنوب و شرق ایران دارد. بطور مشخص نرخ خودکشی در استان‌های کرمانشاه (۱۱/۸) به ازای ۱۰۰ هزار نفر، ایلام (۱۱/۵) به ازای ۱۰۰ هزار نفر) و کهگیلویه و بویراحمد (۱۰/۵) به ازای ۱۰۰ هزار نفر) است که بیش از دو برابر متوسط کشوری محاسبه می‌شود. پس از آن استان‌های لرستان، همدان و چهارمحال و بختیاری بالاترین آمار خودکشی به نسبت جمعیت را دارند.

خودکشی در میان زنان در استان‌های غربی کشور به دلیل «اختلافات خانوادگی» و «زن‌ستیزی» آمار بالایی دارد. روزنامه «اعتماد» در اردیبهشت امسال در گزارشی اعلام کرده بود که طی سال گذشته ۷۷ زن در استان کردستان خودکشی کردند. ۲۱ نفر از این زنان سن زیر ۱۸ سال داشتند. ۲۸ مورد از این خودکشی‌ها با روش حلق آویز صورت گرفته است.

این گزارش تأکید کرده بود که «اختلافات خانوادگی» در



نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور گفته که «رزیدنت‌ها با حقوق ناچیز و بدون بیمه و سنوات مجبورند کار سنگین انجام بدهند و با این وضعیت، امید چندانی به آینده ندارند.» دکتر محسن محدثی جامعه‌شناس در نشست با عنوان «پایان خودخواسته» که به تازگی در موسسه «تردید» برگزار شده گفته که «خودکشی فقط یک کنش نیست، خودکشی یک فرآیند است، یک جریانی وجود دارد که فرد را به سمت این مسیر و نهایتاً اقدام به خودکشی سوق می‌دهد. حق نداریم آن را فقط لحظه‌نهایی ببینیم.»

این جامعه‌شناس در ادامه گفته که «می‌توان بر اساس مرور این حقیقت که خودکشی یک پدیده چند متغیره است، ترکیبی از متغیرهای اجتماعی و روان‌شناختی را در آن دخیل دانست. پدیده بسیار پیچیده‌ای است. معتقدم کنش خودکشانه، محصول شکلی از زندگی و معانی اجتماعی است و فردی که این کنش را انجام می‌دهد، دارد معانی را منتقل می‌کند، درکی از جهان اجتماعی و موقعیت خودش دارد، برای اینکه کنش او را درک کنیم، توضیح علمی بدهیم، باید معانی کنش او را درک کنیم و وارد دنیای او شویم. باید بتوانیم توصیف درستی از جهانی که درگیر آن بوده و داستان زندگی‌اش را استخراج کنیم.»

این کارگر به تازگی از پالایشگاه آبادان اخراج شده بود. چهارم امرداد امسال نیز حیدر محسنی یکی از کارگران پتروشیمی چوار در استان ایلام پس از اخراج توسط حراست این شرکت اقدام خودکشی کرد و به زندگی خود پایان داد. در کمتر از دو ماه گذشته و از ابتدای تیرماه تا ۲۵ امرداد خبر خودکشی منجر به مرگ دست‌کم چهار کارگر منتشر شده است. همه این کارگران به دلیل اخراج از کار و بحران معیشت جان خود را گرفتند.

خبرگزاری «هرانا» در گزارشی که اردیبهشت پارسال به مناسبت روز جهانی کارگر منتشر کرد از ۱۱ مورد خودکشی کارگران در فاصله ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ تا ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ خبر داده بود.

روند خودکشی اما در ماه‌های بعد افزایش یافت بطوریکه خبرگزاری «ایلنا» در امرداد سال گذشته با اشاره به افزایش شمار خودکشی کارگران نوشت که «بحران معیشت، از همه سو، امنیت جان کارگران را احاطه کرده و مدام تهدید می‌کند.»

در گزارش دیگری که دی‌ماه سال گذشته از سوی روزنامه «اعتماد» منتشر شد آمده بود که «از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا روز هشتم دی همان سال و طی ۲۸۳ روز، ۲۳ کارگر

صدر عوامل خودکشی زنان در این استان است و فقر در رتبه بعدی قرار دارد.

اینهمه در حالیست که بر اساس گزارش‌های تحلیلی مختلف، افزایش آمار خودکشی با وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم در ایران رابطه‌ای مستقیم دارد. «پایگاه داده‌های باز ایران» اردیبهشت امسال در گزارشی به افزایش ۴۰ درصدی خودکشی در ایران پرداخته و با ارائه آمارهایی نشان داده این افزایش با نرخ فلاکت در ایران رابطه مستقیم داشته است.

شاخص فلاکت حاصل جمع جبری دو شاخص تورم و بیکاری و سهم استان‌ها از اقتصاد از حاصل تقسیم آمار تولید ناخالص داخلی هر استان به محصول ناخالص داخلی کل کشور است. دهه ۹۰ خورشیدی مردم ایران در معرض شدیدترین بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار داشته‌اند. طی یک دهه گذشته که گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» و روزنامه «اعتماد» افزایش نرخ خودکشی در آن را ۴۰ درصدی اعلام کرده‌اند، نرخ فقر در کشور از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است که با در نظر گرفتن جمعیت ۸۶ میلیونی بیش از ۳۰ میلیون ایرانی به زیر خط فقر مهاجرت کردند.

وزارت اطلاعات مدعی شد:

بازداشت «آخرین» مظنون حمله مسلحانه شاهچراغ



صحن شاهچراغ ساعتی پس از حمله مسلحانه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲

شیراز در مجلس شورای اسلامی گفته که «اتفاق افتاده در شیراز آهیم برای دومین بار در کمتر از یکسال نشان از عدم کنترل مرزهای شرقی کشور دارد.»

این نماینده افزوده که «همچنان در مرزهای شرقی کشور بدون حساب و کتاب اتباع بیگانه وارد شوند احتمال رخ دادن چنین اتفاقاتی در اماکن عمومی دیگر بسیار زیاد است.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز نسبت به پیامدهای امنیتی روند تصاعدی ورود بی‌ضابطه اتباع کشورهای همسایه به کشور هشدار داده و نوشته که «استفاده از عنوان «اتباع بیگانه» درباره افرادی که در حمله به حرم شاهچراغ در شیراز دست داشتند، نکته مهمی را دربردارد که لازم است مسئولان سیاسی و به تبعیت از آنها مسئولان اطلاعاتی و امنیتی به آن توجه داشته باشند.» در ادامه این مطلب آمد است: «هر چند اعلام شده عامل مباشر حمله به حرم شاهچراغ دارای تابعیت تاجیکستانی بوده، ولی سایر افراد بازداشت شده به اتهام همدستی با او دارای تابعیت‌های دیگری هستند. درست همین نکته است که باید انگیزه‌های خود برای تأمل درباره حضور اتباع بیگانه در کشورمان و عوارض منفی زیادی که گریبانگیر جامعه ما شده و به نظر می‌رسد در حال گسترش است.» همچنین سعید ایروانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با ارسال نامه‌ای رسمی به دبیرکل این سازمان درخواست کرد شورای امنیت سازمان ملل در چارچوب تعهد خود به مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت و صلح بین‌المللی، اقدام شنیع حمله تروریستی به شاهچراغ را صریح و با قوی‌ترین عبارات محکوم کند.

صحن شاهچراغ شیراز عصر روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲ برای دومین بار طی کمتر از یک سال مورد حمله تروریستی قرار گرفت. رسانه‌های جمهوری اسلامی چه درباره تعداد مهاجمان و چه درباره کشته‌شدگان و زخمی‌های این حادثه اطلاعات ضدونقیضی منتشر کردند.

برخی منابع رسمی در ساعات نخست این حمله اعلام کردند مهاجمان دو نفر بودند و برخی منابع دیگر عامل حمله را یک نفر اعلام کردند. صدواسپمای جمهوری اسلامی نیز ویدئویی از بازداشت یک فرد منتشر کرده است.

اسماعیل خطیب توضیح نداده چطور این وزارتخانه مطمئن است که «آخرین» نفر دستگیر شده و فرد یا افراد دیگری در رابطه با این پرونده وجود ندارند!

وزارت اطلاعات دو حمله مسلحانه در شاهچراغ را «معنادار» خوانده و با اعتراضات سال گذشته مرتبط دانسته است. در بیانیه وزارت اطلاعات آمده که بین دو حمله مسلحانه شاهچراغ که نخستین در آبان سال گذشته و دومین هفته گذشته رخ داده «۱۹۶ تروریست تکفیری بازداشت و یا معدوم» شدند.

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از بازداشت «آخرین» متهم حمله مسلحانه هفته گذشته به صحن شاهچراغ شیراز خبر داده است.

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ظهر امروز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲ در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضعیت دستگیری مظنونان حمله مسلحانه شاهچراغ اعلام کرد که «آخرین نفرشان در ایران دستگیر شد.»

اسماعیل خطیب توضیح نداده چطور این وزارتخانه مطمئن است که «آخرین» نفر دستگیر شده و فرد یا افراد دیگری در رابطه با این پرونده وجود ندارند!

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی همچنین گفته کشوری که کار تروریستی از آنجا هماهنگ شده، یکی از کشورهای منطقه است که به موقع در این زمینه اطلاع‌رسانی خواهد شد. او همچنین افزوده «هماهنگ شده تا به کشوری که فرد تروریست تبعه آن است، رفته و موضوع را با آنان مورد بررسی قرار دهیم.» وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز گذشته، جمعه ۲۷ مرداد با انتشار بیانیه‌ای ادعا کرد که «با همکاری تنگاتنگ وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، فرماندهی نظامی و دستگاه قضایی کشور، کلیدی‌ترین عنصر پشتیبانی عملیات تروریستی اخیر که در ایران مستقر، و مستقیماً با مسئول عملیاتی داعش در سوریه و افغانستان مرتبط بوده، شناسایی و دستگیر شد.»

این بیانیه دو حمله مسلحانه در شاهچراغ را «معنادار» خوانده و به اعتراضات سال گذشته مرتبط کرده است: «در سال گذشته، همزمان با اغتشاشات دشمن‌ساخته‌ی پاییز و در سال جاری، در آستانه‌ی سالگرد آن وقایع» تعداد «۱۹۶ تروریست تکفیری بازداشت و یا معدوم» شدند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نوشته که «در واقعه سال گذشته، تمامی اعضای تیم تروریستی، اعم از عناصر عملیاتی، پشتیبانی و هدایت صحنه از عناصر بیگانه انتخاب و تنها چند روز پیش از عملیات وارد کشور شده بودند.»

این بیانیه همچنین مدعی شده که همه عوامل «غیرایرانی و از ملیت‌های جمهوری آذربایجان، تاجیکستان و افغانستان بودند.» به ادعای وزارت اطلاعات پس از اعدام دو تبعه افغانستان به عنوان متهمان حمله تروریستی سال گذشته در شاهچراغ، داعش «در صدد انتقام برآمد و اعلام نمود که به عملیات انتقامی مبادرت خواهد ورزید» و در ماه‌های گذشته «تروریست‌های متعددی» را روانه ایران کرد که در همین رابطه ۱۹۶ نفر در «مبدأ یا در مرزهای کشور» کشته شده و یا بازداشت و وارد روند قضایی شدند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی درباره عامل اصلی حمله تروریستی هفته گذشته در شاهچراغ نیز نوشته که «تبعه‌ی کشور تاجیکستان است که از طریق سکوی [پلتفرم] خارجی

تلگرام با گروهک داعش آشنا و جذب آن شده است. وی برای ورود به ایران از کشورهای تاجیکستان، ترکیه و پاکستان عبور کرده، سپس در ولایت بدخشان افغانستان آموزش دیده و از مرزهای شرقی بطور غیرقانونی وارد کشور شده است. در ایران از طریق همان سکوی خارجی (تلگرام) با سرپل‌های هدایت‌کننده‌ی عملیات برای دریافت دستورالعمل و اسلحه در ارتباط بوده و نهایتاً در تاریخ یکشنبه ۲۲ مرداد ماه دست به عملیات تروریستی زده است.»

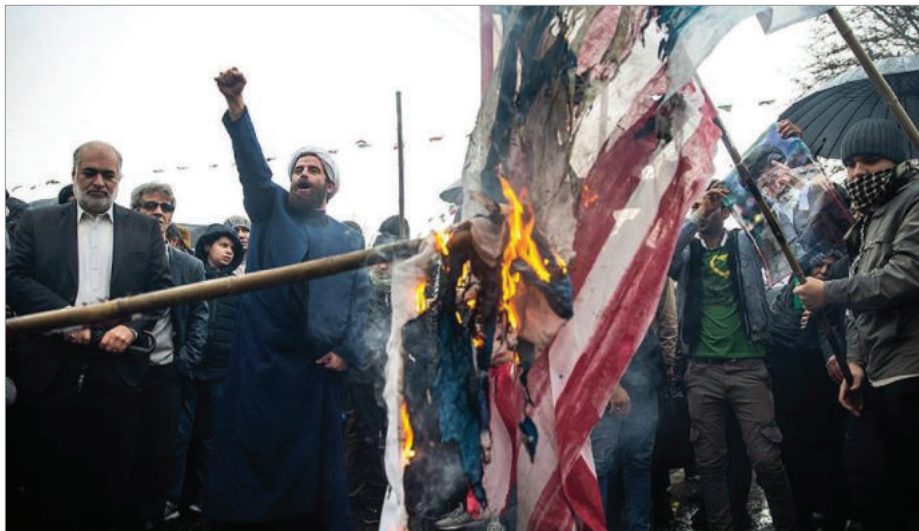
در بخش دیگری از ادعاهای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی آمده که «در روزهای اخیر، عناصر مهم دیگر اعزامی از سوی کانون‌های تروریست‌پرور، در تورها و تله‌های امنیتی گرفتار شدند که در زمان مقتضی پیرامون آن‌ها اطلاع‌رسانی خواهد شد.» کاظم موسوی رئیس کل دادگستری فارس پیشتر در روز پنجشنبه ۲۶ مرداد درباره بازداشت مظنونان حمله مسلحانه به شاهچراغ اعلام کرده بود که «در آخرین مرحله که به اتهام نیز رسیده است ۲۰ نفر دستگیر شده‌اند، درواقع هرکسی که کوچک‌ترین نقشی در استان و خارج از استان با حادثه داشته، دستگیر شده است.»

وی با اشاره به اینکه کیفرخواست متهم اصلی حادثه «هفته بعد» صادر خواهد شد گفته بود که «تروریست حادثه شاهچراغ حدود ۲۵ سال سن دارد و تاجیک است و به هیچ وجه هم از حادثه‌ای که رقم زده پشیمان نیست.»

خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از «برخی منابع» گزارش داده که «رحمت‌الله نوروزاف با اسم تشکیلاتی سلمان اسلام‌پار» ابتدا از طریق فضای مجازی با یکی از «سرپل‌های داعش» ارتباط می‌گیرد و سپس برای «همکاری عملیاتی» با داعش به ترکیه می‌رود و آنجا «عملاً» عضوی از داعش می‌شود.»

«تسنیم» به نقل از این «منابع» افزوده بود که رحمت‌الله نوروزوف «تاجیک‌تبار» است که به افغانستان رفته و آنجا «نزدیک به ۳ ماه» تحت آموزش‌های داعش برای «عملیات تروریستی مدنظر» قرار می‌گیرد و نهایتاً «وارد ایران می‌شود.» در واکنش به ادعاهای وزارت اطلاعات درباره ورود «تروریست»‌ها به درون کشور، علیرضا پاک فطرت نماینده

رسانه‌های کره جنوبی: شش میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران به سوئیس منتقل شد



به آتش کشیدن پرچم آمریکا در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» ۱۳۹۷

بلوکه شده ایران توافق کردند. سه تن از این زندانیان به نام سیامک نمازی، مراد طاهباز و عماد شرقی به اتهام جاسوسی بازداشت شدند که حداقل نیمی از دوران محکومیت خود را سپری کرده‌اند. نام دو نفر دیگر نیز مشخص نیست و حتا آمریکا نیز بدون اعلام دلیل تا کنون از افشای نام آنها خودداری کرده است.

جمهوری اسلامی و ایالات متحده اخیراً توافق کردند در ازای آزادی پنج شهروند آمریکایی- ایرانی شش میلیارد دلار از اموال ایران که در کره جنوبی بلوکه شده آزاد شود.

این پول به حسابی در قطر واریز می‌شود که جمهوری اسلامی می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد. ابراهیم رئیسی ادعا کرده بود این پول برای تقویت تولید داخلی استفاده می‌شود اما حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته پول‌های آزاد شده صرف خرید کالای غیرتحریمی خواهد شد.

محمد فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی گفته بود پول‌های آزاد شده از کره ۷ میلیارد دلار بود اما به دلیل تورم در آن کشور و افت ارزش وون، تنها ۶ میلیارد دلار عاید جمهوری اسلامی خواهد شد.

دود شدن یک میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی یکی دیگر از نشانه‌های روشن ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری اقتصادی و درک نادرست از مناسبات مالی و پولی در عرصه بین‌الملل است؛ موضوعی که سال‌هاست با توهم «دلارزدایی» از اقتصاد کشور گره خورده است.

برخی مقامات جمهوری اسلامی امیدوارند معامله پنهان با آمریکا به توافق در برجام منتهی شود اما ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید واشنگتن به هیچ‌گونه توافقی با تهران در زمینه مناقشه هسته‌ای نزدیک نیست. وی ادعا کرد «مذاکرات غیررسمی درباره آزادی زندانیان آمریکایی ارتباطی با مسائل دیگر ندارد» هرچند که باج‌دهی دولت بایدن به رژیم ایران با انتقادات گسترده‌ای روبرو شده است.

● رسانه‌های کره جنوبی گزارش دادند که دارایی‌های ایران که در کره جنوبی بلوکه شده بود، هفته گذشته برای تبدیل و انتقال به ایران به بانک مرکزی سوئیس منتقل شد. ● بانک ملی سوئیس قصد دارد شش میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران را که به صورت «وون» (واحد پول کره) اندوخته شده در بازار ارز به دلار و سپس یورو تبدیل کند.

● ابراهیم رئیسی ادعا کرده بود این پول برای تقویت تولید داخلی استفاده می‌شود اما حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته پول‌های آزاد شده صرف خرید کالای غیرتحریمی خواهد شد.

به نظر می‌رسد اخاذی جمهوری اسلامی از رهبران غرب با گروگانگیری شهروندان خارجی در ازای دریافت پول یا امتیازهای سیاسی و امنیتی یکبار دیگر نتیجه داده است.

به گزارش رویترز رسانه‌های کره جنوبی روز دوشنبه ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) گزارش دادند که دارایی‌های ایران که در کره جنوبی بلوکه شده بود، هفته گذشته برای تبدیل و انتقال به بانک مرکزی سوئیس منتقل شد.

پایگاه خبری «یونہاپ اینفومکس» به نقل از یک منبع آگاه که نام وی اعلام نشده نوشته است که بانک ملی سوئیس قصد دارد شش میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران را که به صورت «وون» (واحد پول کره) اندوخته شده در بازار ارز به دلار و سپس یورو تبدیل کند. گفته شده طی پنج هفته روزانه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون وون معادل (۲۲۳) / میلیون دلار تا ۲۳۳ / میلیون دلار) از کره به سوئیس منتقل شده است.

یکی از مقامات وزارت دارایی کره جنوبی با استناد به حساسیت حقوقی و سیاسی این موضوع از تأیید این خبر خودداری کرد.

با میانجیگری دولت‌های سوئیس، قطر و عمان، جمهوری اسلامی و دولت جو بایدن برای تبادل پنج نفر از گروگان‌های آمریکایی- ایرانی و در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار پول

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گزارش داده در جریان این حادثه «یک تروریست که اسلحه به همراه داشته دستگیر شده و تروریست دیگر» فرار کرده و نیروهای امنیتی و پلیس در تعقیب او هستند. خبرگزاری «تسنیم» نیز صبح روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ در خبری اعلام کرده که تا کنون ۱۰ مظنون در این ارتباط از سوی نیروهای امنیتی استان فارس دستگیر شده‌اند و عملیات برای شناسایی سایر عوامل دخیل در این حادثه ادامه دارد. یدالله بوعلی فرمانده سپاه «فجر» استان فارس نیز به خبرگزاری دولتی ایرنا گفته است که فرد دستگیر شده «یک اسلحه و هشت خشاب همراه داشته است.»

وی همچنین گفته که که مهاجم از سمت بازار و از «درب باب‌المهدی وارد حرم می‌شود» و «بلافاصله اقدام به شلیک با اسلحه جنگی می‌کند.»

همچنین گزارش‌های متناقضی درباره تعداد کشته‌شده‌ها و زخمی‌های این حمله منتشر شده است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که روز گذشته نخستین بار خبر این حمله را منتشر کرد از کشته شدن دو نفر از «خادمان حرم» خبر داده بود. خبرگزاری «ایرنا» ساعاتی بعد تعداد کشته‌شدگان را چهار تن عنوان کرد اما در نهایت استاندار فارس از کشته شدن یک نفر خبر داد. محمدهادی ایمانیه استاندار فارس شامگاه گذشته به صداوسیما جمهوری اسلامی گفت که «تا کنون یک نفر به شهادت رسیده و هفت نفر هم مجروح شدند.»

اسماعیل قزل سفلی معاون استاندار فارس اما ساعاتی بعد اسامی «هشت» مجروح این حادثه را اعلام کرد و گفت: «در این حادثه تروریستی غلامعباس عباسی ۶۹ ساله از ناحیه قفسه سینه مجروح و به شهادت رسید. همچنین علی کاظمی کرمعلی ۶۲ ساله مجروح [شد] و زهرا جاوید ۲۳ ساله بیهوش [شد] و سکنه کرد که به بیمارستان مسلمین شیراز منتقل شدند.» چهارم آبان ۱۴۰۱ نیز در یک حمله مسلحانه به این مکان ۱۳ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح شدند. پرونده‌ی حمله تروریستی آبان گذشته با پنج متهم بسته شد که محمد رامز رشیدی و سید نعیم هاشمی قتالی به عنوان متهمان ردیف اول به اعدام و سه متهم دیگر به زندان محکوم شدند.

به گفته رئیس کل دادگستری استان فارس محمد رحمانی به ۲۵ سال حبس، مصطفی جان‌امانی به ۱۵ سال و یک روز و حمیدالله کابلی به پنج سال حبس محکوم شدند. همچنین بر اساس ادعاهای جمهوری اسلامی، عامل اصلی این حمله در روز چهارم آبان در شاهچراغ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بیمارستان درگذشت.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی یک ماه پیش در تیرماه اعلام کرد که دو عامل حمله ۴ آبان به شاهچراغ در ۱۷ تیر ۱۴۰۲ اعدام شدند. آن حمله نیز از ابتدا با اتهامات زیادی روبرو بود و حاشیه‌ها درباره آن تا مدت‌ها ادامه داشت.

افکار عمومی از نخستین لحظاتی که حمله ۴ آبان رخ داد، جمهوری اسلامی را عامل و مجری آن معرفی کردند که با انگیزه «تروریستی» جلوه دادن اعتراضات شهروندان و پایان دادن به خیزش مردمی چنین جنایتی را مرتکب شده است.

سازمان حقوق بشر ایران روز پنجشنبه ۱۵ تیرماه و در واکنش به اظهارات رئیس کل دادگستری استان فارس که خبر از اجرای «قریب الوقوع» حکم اعدام محمد رامز رشیدی و نعیم هاشم قتالی داده بود اعلام کرد که «احکام صادرشده برای این دو متهم و جاهت قانونی ندارد» و مبنای آن «اعترافات اجباری» است. محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفته بود که «این دو تبعه افغانستانی پس از یک محاکمه به شدت ناعادلانه بدون مدارکی که دال بر مجرمیت آنها باشد، به اعدام محکوم شده‌اند.»

به خواست علی خامنه‌ای کرانه باختری، اردوگاه تروریست‌ها علیه اسرائیل شده؛ «اورشلیم پست»: وقت اقدام قاطعانه است



دیدار یازدهم نخاله دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با علی خامنه‌ای در تهران / خرداد ۱۴۰۲

تأمین مالی حملات تروریستی در کرانه باختری به گروه‌های فلسطینی کمک می‌رساند. برخی ممکن است چنین استدلال کنند که نتایج و گالانت به این دلیل تهران را متهم می‌کنند، چون فقط به دنبال یک مقصر برای عملیات تروریستی می‌گردند که دولت کنونی ثابت کرده قادر به مقابله با آن نیست. اما اصلاً لازم نیست حرف نتایج و گالانت را قبول کنیم! کافیتست به سخنان خود گروه‌های فلسطینی و مقامات جمهوری اسلامی گوش کنید! آنها بدون هیچ لاپوشانی اعلام می‌کنند که این عملیات از کجا تأمین می‌شود و سرچشمه می‌گیرد. مرکز اطلاعاتی و تروریسم «مثیر آمیت» در اسرائیل نیز مداخله رژیم ایران در مسائل فلسطین را بطور منظم رصد می‌کند.

این روزنامه سپس نمونه‌هایی در تأیید این دخالت از رسانه‌های داخلی وابسته به جمهوری اسلامی آورده و در ادامه می‌نویسد، نفتالی بنت نخست وزیر پیشین اسرائیل در سال ۲۰۱۸ زمانی که هنوز وزیر آموزش و پرورش بود، نظریه‌ای در مورد چگونگی مقابله با تجاوزات رژیم ایران ارائه کرد و آن را «دکترین اختاپوس» نامید. او گفت: «مقامات جمهوری اسلامی خودشان مردن را دوست ندارند، اما فرستادن دیگران به کام مرگ برایشان بسیار آسان است. در حالی که ما فقط با شاخک‌های این رژیم در حال جنگ هستیم، خود اختاپوس راحت لم داده و از خونخواری لذت می‌برد.» بنت نتیجه گرفته بود: «زمان آن فرا رسیده که اسرائیل سر اختاپوس را هدف بگیرد نه شاخک‌های آنرا.»

«اورشلیم پست» در پایان گزارش خود می‌نویسد، البته «تروریسم فلسطین بدون کمک‌های مالی، معنوی و مادی [رژیم] ایران ادامه خواهد داشت. اما ممکن است تروریست‌ها همان سطح از جسارتی را که در هفته‌های اخیر نشان داده‌اند، بدون سرازیر شدن حمایت‌های تهران از خود نشان ندهند. اگر نتایج و گالانت (وزیر دفاع) واقعاً از دخالت جمهوری اسلامی ایران در موج کنونی ترور جنایتکارانه آگاه هستند، وقت آن رسیده بجای تهدید، دستور عملیات قاطع برای پایان دادن به این اقدامات صادر کنند.»

شبه‌نظامیان به اسرائیلی آب رفته است- از ۵۰ عملیات در آذرماه ۱۴۰۱ به ۳۰ الی ۱۵ عملیات تا مرداد ۱۴۰۲- اما همین وضعیت نیز رضایت مقامات جمهوری اسلامی را جلب می‌کند.

تاخت و تاز رژیم ایران در کرانه باختری رو به افزایش است. زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» بدون هیچ پنهانکاری به صراحت می‌گوید پول‌هایی که جمهوری اسلامی می‌دهد صرف خانواده‌های فلسطینی و تهیه سلاح می‌شود و علی خامنه‌ای نیز تأکید می‌کند حمایت‌های جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. به خواست علی خامنه‌ای کرانه باختری به اردوگاه تروریست‌ها علیه اسرائیل تبدیل شده است.

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی با اشاره به اظهارات مقام‌های ارشد نظامی جمهوری اسلامی به رهبران اسرائیل هشدار داده رژیم ایران در کرانه باختری است و اسرائیل باید علیه آن کاری کند.

در این گزارش با اشاره به حملات مداوم هوایی به پایگاه‌های سپاه قدس و گروه‌های نیابتی آن در سوریه آمده، واضح است که ارتش اسرائیل در دهه گذشته با عزم و قدرت آتش فوق‌العاده تلاش کرده تا اجازه ندهد رژیم ایران خاک سوریه را به قلعه‌ی دفاعی خود علیه اسرائیل تبدیل کند اما، همانطور که موج اخیر تروریسم فلسطینی در «یهودیه» و «سامره» نشان می‌دهد، اسرائیل در دور نکه داشتن جمهوری اسلامی از کرانه باختری موفقیت چندانی نداشته است.

به نظر می‌رسد رهبران اسرائیل نیز این واقعیت را می‌دانند. بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل می‌گوید: «ما در میان یک حمله تروریستی هستیم که توسط [رژیم] ایران و شرکایش تشویق، هدایت و تأمین مالی می‌شود.» بخش قابل توجهی از این موج تروریسم ناشی از هدایت خارجی است. وی همچنین گفت: «اسرائیل از ابزارهای مضاعف برای حمله و دفاع علیه تروریست‌ها و کسانی که آنها را از نزدیک در دور اینجا می‌فرستند استفاده می‌کند.» «اورشلیم پست» تأکید می‌کند که رژیم ایران قطعاً برای

● ولایتی مشاور خامنه‌ای در امور بین‌الملل در تماس تلفنی با فرماندهان ارشد حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس از آنها برای عملیات علیه اسرائیل در کرانه باختری قدردانی کرده است.

● اسماعیل قآنی: اخیراً روزانه بین ۱۵ تا ۳۰ حمله در کرانه باختری علیه اسرائیل انجام می‌شود.

● «اورشلیم پست»: اگر دولت کنونی می‌خواهد خاک سوریه به قلعه‌ی دفاعی رژیم ایران علیه اسرائیل تبدیل نشود و به دخالت تهران در موج کنونی تروریسم پایان داده شود، وقت آن رسیده بجای تهدید، دستور عملیات قاطع صادر کند و به قول نفتالی بنت «سر اختاپوس» را هدف بگیرد و نه شاخک‌های آنرا.

علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل در تماس تلفنی با فرماندهان ارشد حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس از آنها برای عملیات علیه اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه قدردانی کرده است.

وی به آنها گفته «این پیروزی‌ها با اتحاد و همراهی کشورها و ملت‌های دوست و به ویژه ایران محقق شده و انشالله رژیم صهیونیستی را شکست خواهیم داد و آنچه مقاومت در کرانه باختری انجام داده ادامه خواهد یافت.» جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه برای عملیات علیه اسرائیل پشتیبانی علنی می‌کند و مقامات حکومت آن را به عنوان گزارش کار به صورت عمومی تشریح می‌کنند و به آن می‌بالند.

اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نشست «مجمع عالی فرماندهان سپاه» که اواخر مرداد در تهران برگزار شد گفت اخیراً روزانه بین ۱۵ تا ۳۰ حمله در کرانه باختری علیه اسرائیل انجام می‌شود. وی تأکید کرد «اسلام به ما آموخته است که اگر ایستادگی کنیم، پیروزیم.»

یک ماه پیش از این اواسط تیرماه قآنی ادعا کرده بود روزانه بیش از ۳۰ عملیات در کرانه باختری انجام می‌شود. وی حتی ادعا کرد «انتقال قدرت از غرب به آسیا شروع شده است.» نگاه قآنی از قرار معلوم به سوی جمهوری خلق چین است. او می‌گوید، «چین اخیراً در حوزه‌هایی قدم گذاشته که سابقه نداشته و حوزه‌های متعلق به آمریکا بوده است. در این تغییر آرایش قدرت جای خودمان را پیدا کنیم. قدم‌های خوبی برداشته شده است، اما باید بفهمیم که کجا سوار قطار انتقال قدرت شویم.»

عملیات گروه‌های تروریستی در فلسطین به ویژه حماس و جهاد اسلامی شامل موشک‌پرانی، مپ‌گذاری و حملات مسلحانه انتحاری علیه شهروندان اسرائیل می‌شود. قآنی می‌گوید، «انقلاب اسلامی پرچم‌دار حیات نورانی مقاومت در منطقه است.»

وی حتی توضیح داد، «انقلاب اسلامی ابتدا همه شیوه‌هایی را که به دیگران یاد می‌دهد، درون خودش پیاده کرده است و به همین دلیل دیگران حرف ما را قبول می‌کنند.»
اواخر آذرماه سال ۱۴۰۱ قآنی ادعا کرده بود «روزانه ۵۰ عملیات در کرانه باختری اجرا می‌شود.» او به اسرائیلی‌ها هشدار داد «زودتر خانه‌هایتان را بفروشید!»
هرچند بر اساس ادعاهای فرمانده سپاه قدس آمار حملات

همایش «مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» در جمهوری اسلامی! اعتراف به فعالیت شبکه‌هایی که زور وزارت اطلاعات هم به آنها نمی‌رسد!



علی خامنه‌ای در مراسم رژه در دانشگاه افسری «امام حسین» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● هادی خانی رئیس مرکز اطلاعات مالی (FIU) وزارت اقتصاد در همایش «مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» ادعا کرده جمهوری اسلامی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم جلوتر از کشورهای مدعی است!

● احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم نیز مدعی شده که ۲۶ مورد پرونده در تأمین مالی تروریسم به قطعیت رسیده.

در شرایطی که پس از معامله دولت بایدن با جمهوری اسلامی، در ازای آزادی پنج گروگان آمریکایی- ایرانی دست‌کم شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی آزاد شده، موضوع نحوه دسترسی و شکل خرج کردن این پول‌ها همچنان مطرح است.

روز سه‌شنبه ۳۱ مرداد اولین همایش مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در تهران برگزار شد. هادی خانی رئیس مرکز اطلاعات مالی (FIU) وزارت اقتصاد پیشتر گفته بود «در این همایش سعی داریم تا بستر مناسب برای اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و ایده‌های حوزه مبارزه با پولشویی ایجاد کنیم.» وی در همین همایش ادعا کرده است جمهوری اسلامی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم جلوتر از کشورهای مدعی است!

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی نیز در همین همایش مدعی شده از آغاز به کار دولت رئیسی ۲۶ مورد پرونده در تأمین مالی تروریسم به قطعیت رسید و همچنین ۳۸ پرونده در مبارزه با پولشویی قطعی شده است. وی اشاره نکرده برای چه کسانی در داخل ایران پرونده «تأمین مالی تروریسم» تشکیل شده است و آنها وابسته به چه ارگان‌هایی هستند!

این ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی در حالیست که بزرگ‌ترین شبکه تأمین مالی تروریسم در منطقه را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبکه‌های مخفی وابسته به رژیم ایران از هنگ‌کنگ و مالزی تادبی و ترکیه و حتا اروپا مدیریت می‌کنند. در این میان، بر کسی پوشیده نیست که بخشی از ارتباطات و معاملات شبکه پولشویی و تأمین مالی سپاه پاسداران با همکاری سازمان‌های تروریستی منطقه و عوامل آن از جمله حزب‌الله لبنان صورت می‌گیرد.

خاندوزی در اظهاراتش در مورد موانع مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم خیلی خفیف آدرس‌هایی داده که نشان می‌دهد بطور مستقیم پای جریان‌ها و تشکیلات با نفوذ در میان است.

وی اعتراف کرده که در طول دوسال گذشته تلاش برای مقابله بوده اما «در سال‌های گذشته از احکام مبارزه با پولشویی متأسفانه حمایت نشده است.» سال‌هایی که خاندوزی به آن اشاره می‌کند رئیس دستگاه قضایی به عنوان «مجری احکام» کسی نبوده بجز ابراهیم رئیسی که اکنون رئیس دولت است! خاندوزی توضیح داده «اسناد غیر رسمی»، «حساب‌های بانکی و تراکنش‌های مشکوک»، «کوتاهی‌هایی در بخش هویت اتباع غیرایرانی» و همچنین رشوه، از مشکلات مزمن و گردش‌های میلیاردی در سایه اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی از مشکلات مزمن اقتصاد است.

بجز نهادهای اطلاعاتی و نظامی در ایران کدام ارگان‌ها یا وابستگان آنها ظرفیت انجام گردش‌های مالی میلیاردی زیرزمینی دارند؟!

بقه‌سفیدها پشت فروش اسلحه و مواد مخدر

ذبیح‌الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی که از سخنرانان این همایش بود بدون نام بردن از سپاه پاسداران و نهادهای تحت امر علی خامنه‌ای گفت: «روز گذشته موضوعی را در برنامه هفتم پیشنهاد دادم مبنی بر اینکه به سازمان بازرسی، نظارت هوشمند داده شود اما با این موضوع مخالفت شد. اگر سازمان بازرسی، وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات نامحرم است پس چه کسی محرم است؟ برای مقابله با پولشویی و فساد چاره‌ای جز این نداریم که نظارت‌ها را هوشمند کنیم.» وی هشدار داد: «پولشویی مجموعه اقداماتی است برای مخفی کردن عواید نامشروع به نحوی که آن عواید مشروع جلوه داده شود. افرادی هستند که از راه جرائم متعدد مثل قاچاق انسان، اختلاس، فروش مواد مخدر، اسلحه و... عواید نامشروعی به دست می‌آورند که باید این پول را شستشو و وارد چرخه اقتصاد کنند.»

خدائیان از اینهم فراتر رفت و اعتراف کرد: «از ویژگی‌های جرم پولشویی آن است که افراد بقه‌سفید درگیر آن هستند. این افراد معمولاً باهوشند و اطلاعاتی در سیستم بانکی، حسابداری و حقوق دارند. لذا با افراد عادی مواجه نیستیم.»

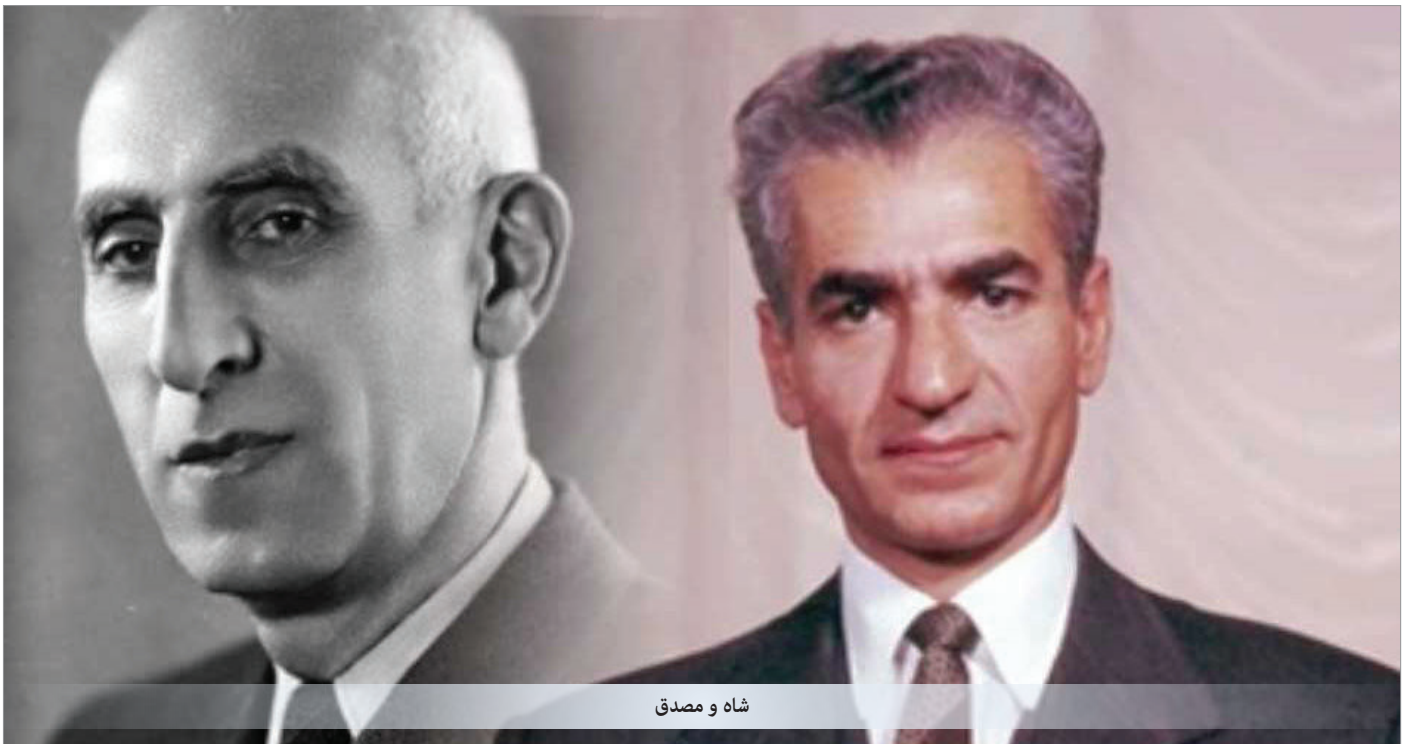
آزاد شدن پول‌های بلوکه شده و سرنوشت «اینستکس»
 موضوع شفافیت مالی در ایران و همچنین مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در حالی دوباره در سطوح بالای نظام مطرح شده که شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در یک اخاذی علنی از دولت بایدن آزاد شده است. هرچند هنوز توافق آمریکا و جمهوری اسلامی نهایی نشده اما گفته می‌شود قرار است این پول به حسابی در قطر یا عمان واریز شود و اعتباری برای خرید کالاهای غیرتحریمی شامل غذا و دارو باشد. این‌همه یکی از دلایل توقف فعالیت کانال مالی «اینستکس» عدم پیوستن جمهوری اسلامی به FATF بود. سازوکار مالی اینستکس یک کانال مالی اعتباری در سوئیس بود که بعد از خروج آمریکا از برجام اتحادیه اروپا برای ادامه تجارت با جمهوری اسلامی بر اساس بازگشایی اعتبار برای خرید کالاهای غیرتحریمی باز کرد اما به دلایل مختلف از جمله قرار داشتن رژیم در فهرست سیاست FATF و نپیوستن به

کنوانسیون‌های مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم (CFT) فعالیت آن متوقف شد. رژیم ایران به همراه کره شمالی و میانمار در فهرست سپاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) قرار دارد. این سازمان فراملی سیاست‌ها و استانداردهای مبارزه با جرائم مالی را طراحی و تعیین می‌کند.

دلیل قرار گرفتن جمهوری اسلامی در فهرست سپاه FATF نپذیرفتن کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم (CFT) است.

اصلی‌ترین مخالف پیوستن جمهوری اسلامی به FATF سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. آن‌ها می‌گویند «شفاف‌سازی بیشتر منابع مالی ارگان‌ها و نهادهای کشور می‌تواند به فعالیت‌های اقتصادی این ارگان‌ها و واحدهای وابسته به آن آسیب برساند و زمینه نفوذ و خودتحریمی را در کشور فراهم می‌کند.» شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و حزب‌اللهی‌های مخالف پیوستن جمهوری اسلامی به FATF خرداد ۱۳۹۷ هشدار داده بودند پیوستن به این کنوانسیون‌ها عملکرد سپاه را مختل و شرایط قرار گرفتن این تشکیلات در فهرست سازمان‌های تروریستی را فراهم می‌کند. احمد سالک نماینده پیشین مجلس به روزنامه «وطن امروز» گفته بود «کنوانسیون FATF برای کنترل هسته‌ای، کنترل موشکی و کنترل منابع نفتی و هدفش ضربه زدن به نظام با محدود کردن نهادهایی همچون نیروی قدس، قرارگاه خاتم و وزارت اطلاعات است.» بر همین اساس است که برخی ناظران مطرح می‌کنند با توجه به توافق اخیر جمهوری اسلامی و دولت بایدن که موارد و دامنه‌ی آن در ابهام قرار دارد و هیچکدام از طرفین اطلاعات شفاف درباره آن منتشر نمی‌کنند، احتمال دارد این همایش و چنین ادعاهایی درباره مبارزه با «پولشویی و تأمین مالی تروریسم» در ارتباط با همین توافق و مقدمه‌ای بر پذیرفتن و تصویب مقررات FATF توسط جمهوری اسلامی باشد. اقدامی که از یکسو به سخنان توجیهی برای قانع کردن حزب‌اللهی‌ها و کارگزاران خود نظام نیاز دارد و از سوی دیگر به فرض عملی شدن، گریبان شماری از گروه‌های مافیایی رژیم از جمله سپاه پاسداران را خواهد گرفت.

مصدق، اسطوره دموکراسی یا نخست‌وزیری قابل نقد؟



شاه و مصدق

پس از سال‌ها و بعد از فروکش کردن شور و احساسات، گاهی اهداف پوپولیستی کارهای بزرگ را هم برای صداقت‌سنجی در بوته نقد قرار می‌دهد.

مصدق در زمان بیداری توده‌ها ظهور کرد و به گفته خود در راستای آرمان توده‌ها بود. به هر روی این صنعت ملی شد و این اقدام کوچکی نبود، اما شاید احتیاج به بعضی از درگیری‌ها و رویارویی‌های غیرضروری در موارد دیگر هم نبود.

با توجه به این اقدام دولت مصدق، وجه ضد استعماری او قابل تصدیق است.

حال به وجه سکولار می‌رسیم، چیزی که در سال‌های بعد به مصدق افزودند. جدا کردن شخصیت مصدق از دین و دینداری و ساختن شخصیتی لیبرال سکولار از واقعیت بسی دور است. اذهان طرفداران شخصیت سکولار مصدق را راجع می‌دهم به صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در زمان تصویب استوارنامه سید ضیاء‌الدین طباطبایی در تاریخ ۱۳۲۲ که محمد مصدق در مخالفت با سید ضیاء چنین بیان می‌کند: «بابی انت وامی یا ابا عبدالله، پس منم که سگ آستان حضرتیم باید به آقا و مولای خود تأسی کنم و برای خیر این مردم هرگونه فحش و ناسزا بشنوم، مگر نبود که مدرس در همین مجلس سیلی خورد و در این جامعه مشقاتی دید و مگر نه این است که شربت شهادت چشید، منم دست کم از او ندارم.»

هم صحبت‌های اعتقادی مصدق و هم آزادی بیان در آن دوران قابل رؤیت است. بگذریم که رضا شاه تنها برخوردار فیزیکی داشت و مصدق دو نخست‌وزیر وقت را تهدید به کشتن کرده بود: «می‌دهم مثل جوجه سرت را ببرند» را به حسنعلی منصور گفته بود و «من تورا همینجا می‌کشم من خون به پا می‌کنم» را در مجلس به رزم‌آرا. البته بعد از ترور رزم‌آرا، مصدق و جناحش در مجلس ماده واحده‌ای را تصویب و قاتل رزم‌آرا را عفو کردند.

شخصیت‌ها را در ظرف تاریخ خود مورد تحلیل قرار دهیم. جامعه آن روز ایران پس از شکست در جنگ جهانی و تجربه اشغال اجنبی، به دنبال مدال افتخار برای خود می‌گشت و چه بهتر از کوتاه کردن دست کمپانی AIOC و به دنبال آن دولت انگلیس از منابع نفتی ایران. در آن روزگار شور و شوق مخالفت با بیگانگان نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای جهان سوم داغ بود. ملی شدن کانال سوئز نیز نشأت گرفته از همین شور و شوق است. این مهم به وسیله کابینه محمد مصدق به سرانجام رسید. نظر مخاطب را به دادگاه مصدق جلب می‌کنم که حتی در آن سال‌ها، شاه به علت خدمات سال اول مصدق از جمله ملی کردن صنعت نفت نامه‌ای با همین مضمون به دادگاه نوشته و با گذشت از حق خود و یادآوری خدمات مصدق موجب تخفیف در حکم نهایی از اعدام به تبعید به روستای پدری شد.

این مجال جای بحث در مورد چگونگی و عواقب و اثرات ملی کردن صنعت نفت نیست اما به اعتقاد نویسنده این عمل در آن زمان با توجه به عدم وجود تکنولوژی استخراج و بازاریابی فروش و صادرات کمی عجولانه بوده است.

در پی این اقدام درگیری سیاسی با کشورهای مختلف بالا گرفت که برخی از آن درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر و برخی بی‌فایده و بی‌ثمر بود. توجه مخاطب محترم را به دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد جلب می‌کنم که برای تطمیع افکار ضد بیگانه، چه درگیری‌هایی و چه «کاغذ پاره‌هایی» را به میان کشید و بر اساس اهداف پوپولیستی چه ضربه‌هایی به سیاست خارجی و اقتصاد کشور وارد کرد. در آن دوران احمدی‌نژاد نزد بسیاری از کشورهای همسایه و آمریکای جنوبی و آفریقایی به قهرمان ضد امپریالیسم تبدیل و ستایش می‌شد در صورتی که هزینه‌های این اقدامات را مردم ایران پرداخت کردند. البته که درگیری‌های محمد مصدق با بیگانگان قابل مقایسه با حماقت‌های احمدی‌نژاد نیست اما

● کرمیت روزولت (Kermit Roosevelt) بیش از ۲۰ سال پس از سرنگونی دولت مصدق به تهران می‌آید جهت نگارش کتابی در مورد زندگی شاه، البته گویا مخاطبین این کتاب کودکان و نوجوانان آمریکایی هستند. سپس قصدش را تغییر داده و کتابی می‌نویسد که قهرمان اصلی داستان خود اوست، قهرمان داستان در تاریخ ۱۹ ژوئیه به تهران می‌آید و طی یک ماه کودتایی بزرگ اجرا کرده و دولتی را در تهران سرنگون می‌کند و سپس راهی لندن می‌شود تا ناهار را با چرچیل صرف کند!

امیر. ر. ت. - شخصیت مصدق بعد از هفتاد سال پس از سقوط وی همچنان مورد مناقشه است و منازعه در مورد ابعاد مختلف عملکرد مصدق در جامعه سیاسی و عموم مردم جریان دارد. البته اطلاعات اندک از ۷۰ سال قبل و تبلیغات سفید و سیاه، تا حدود زیادی بر شناخت این نخست‌وزیر در افکار عمومی پرده کشیده است. از استفاده از واژه کودتا و یا سقوط گرفته تا کمک خارجی در سقوط وی، همواره دو دسته سیاسی در ایران را در میدان تاخت به یکدیگر قرار داده است. عده‌ای از او الهه‌ی دموکراسی ساخته و می‌ستایند؛ البته طبیعی است برخی عوام در جستجوی ابرقهرمان، قهرمان ملی خود را یافته و به عنوان واقعیت غیرقابل انکار وجوه و قدرت‌های فرازمینی به او منصوب کنند. از طرفی دشمنان سرسخت و متعصبی وجود دارند که به اتهام خیانت او در دادگاه استناد کرده و بزرگترین خائن کشور را در افکار خود اعدام می‌کنند. اگر منصفانه به شخصیت مصدق بنگریم، البته نه شخصیتی که طی سال‌ها دوست و دشمن تلاش برای بزرگنمایی یا نفی وی دارند، چند ویژگی قابل بحث و بررسی است.

پس از جریان ملی شدن صنعت نفت، مصدق به قهرمانی استعمارستیز تبدیل شد که تا حدود زیادی از لحاظ تاریخی صحیح است، هرچند حرکت ملی شدن صنعت نفت در آن برهه زمانی قابل نقد و بررسی است. منصفانه است که

توجه داشته باشید که نمونه‌ها از زمان‌های مختلف عمر مصدق و در شرایط مختلف انتخاب شده‌اند. در خاطرات مصدق، او بارها به اعتقادات خود اشاره کرده و در جایی می‌نویسد: «هرکس که اسلام را فراموش کرده است، جایگاه و شرافتی ندارد و باید کشته شود.» و یا در مورد خوابی می‌نویسد که در آن یک موجود آسمانی (به قولی امام دوازدهم) به خوابش آمده و از او دعوت کرده تا زنجیرهای ایران را پاره کند. پس اطلاق شخصیت سکولار به مصدق دور از واقعیت است، حتی می‌توان او را در زمره متعصبین مذهبی دانست.

حال به وجه دموکراتیک می‌رسیم؛ یاران مصدق و بعدها طرفدارانش به این وجه تأکید فراوان دارند. طرفداران مصدق او را فردی دموکرات در مقابل شاه دیکتاتور معرفی می‌کنند. در صورتی که طرفداران شاه او را به عنوان شخصیتی دموکرات ستایش نمی‌کنند بلکه به نظرشان شاه نماد تاریخی و توسعه و مصلحت عمومی ایران است. کما اینکه شاه همیشه سعی در رعایت فرم‌های قانونی داشت. همواره دو شخصیت شاه و مصدق را در حال رویارویی با هم ترسیم کردن به دور از واقعیت است زیرا اگر دشمنی دیرینه‌ای میان آنها وجود می‌داشت، شاه چگونه دشمن خود را برای پست نخست‌وزیری برمی‌گزید. می‌دانیم رویارویی اصلی مصدق در زمان نمایندگی با نخست‌وزیرهای قبل خود و در زمان نخست‌وزیری با پارلمان بود. به قولی دوره نخست‌وزیری مصدق را، که تقریباً ۲ سال و ۳ ماه طول کشید، می‌توان دوره جدال و مناقشه با پارلمان نامید. حال بنگریم که این وجه دموکراسی خواهانه چگونه پدید آمد.

کرمیت روزولت (Kermit Roosevelt) بیش از ۲۰ سال پس از سرنگونی دولت مصدق به تهران می‌آید جهت نگارش کتابی در مورد زندگی شاه، البته گویا مخاطبین این کتاب کودکان و نوجوانان آمریکایی هستند. سپس قصدش را تغییر داده و کتابی می‌نویسد که قهرمان اصلی داستان خود اوست، قهرمان داستان در تاریخ ۱۹ ژوئیه به تهران می‌آید و طی یک ماه کودتایی بزرگ اجرا کرده و دولتی را در تهران سرنگون می‌کند و سپس راهی لندن می‌شود تا ناهار را با چرچیل صرف کند! گویا ایران کشوری دورافتاده از جهان است و در زمین رقابت روس و انگلیس و آمریکا قرار ندارد. همچنین خبری از جنگ سرد و همسایگی شوروی نیست.

بعدها کریستوفر دوپلیگ (Christopher de Bellaigue) نویسنده کتاب «میهن‌پرست ایرانی»، بسیاری از مطالب خود را از روی کتاب روزولت برداشته و تفسیر خود را به آن اضافه می‌کند. دوپلیگ ایرانیان را به دو دسته تقسیم می‌کند: مخالفان و موافقان مصدق؛ مخالفان مصدق را زاغه‌نشینان و کودکان و مزدور معرفی کرده و طرفداران او را توده‌های خلق؛ طنز تلخ ماجرا این است که حتی مظفر بقایی کرمانی که دکترای فلسفه اخلاق از دانشگاه تهران دارد، زمانی که طرفدار مصدق بود جوانی ناسیونالیست است و زمانی که از مخالفان اقتدارگرایی مصدق می‌شود از او به عنوان اراذل و اوباش و فاشیست نام برده می‌شود. این تنها یار مصدق نیست که بعدها به مخالف تبدیل شده است، بسیاری از یاران مصدق چنین سرنوشتی داشتند. البته معنی و مفهومی که دوپلیگ از دموکراسی در ایران می‌گوید دور از واقعیت است، زیرا ایران کشور دموکراتی نبوده و چنین ادعایی نیز وجود نداشته؛ ایران دارای پادشاهی مشروطه با پارلمان بود که در آن دوران نخست‌وزیر را شاه انتخاب کرده به پارلمان جهت رای اعتماد معرفی می‌کرد. جدال مصدق و یارانش با پارلمان در ماه‌های منتهی به مرداد ۱۳۳۲ شدت بیشتری می‌گیرد. مصدق تمام مدت مشغول تخریب پایگاه مخالفان خود بوده و اهل هیچ مصالحه دموکراتیکی نبود. برخوردی که مجلس با مصدق داشت بسیار

ملایم‌تر از برخوردی بود که مصدق نمایندگی مجلس، با دولت داشت. مصدق و جناحش هر گونه کارشکنی بر علیه دولت رزم‌آرا داشتند؛ در زمانی که رزم‌آرا تقاضای چاپ پول داشت، او را به شدت مورد انتقاد قرار دادند، در صورتی که یکی از علل انحلال مجلس توسط مصدق، عدم موافقت مجلس با چاپ پول بی‌پشتوانه در دورانی بود که تورم با شتاب در حال رشد بود. در روز معارفه رزم‌آرا، مصدق نماینده و یارانش با اغتشاش در مجلس نیمکت‌ها را شکستند و برای جلوگیری از ادامه مراسم، مصدق غش کرد. در صورتی که مصدق نخست‌وزیر با قانون امنیت اجتماعی حق اعتراضات و اعتصابات را از هر کس و هر جا سلب کرده بود. اما مهمترین نشانه پارلمان‌ستیزی مصدق در قانون اختیارات قابل رؤیت است. زمانی که با طرح پیشنهادی اجازه قانونگذاری از مجلس را برای ۶ ماه گرفت و بعد تا یکسال آن را افزایش داد. چنین طرحی باعث می‌شود دو قوه مجریه و مقننه در دست یک نفر باشد و اساساً زیر پا گذاشتن اصل تفکیک قوا در قانون مشروطه است. در صورتی که خود مصدق در زمان نمایندگی مخالف سرسخت دادن اختیارات بسیار محدودتر به دولت بود. پس خود می‌دانست این قوانین ضد دموکراسی و مشروطه است.

مصدق با استفاده از همین اختیارات قانون امنیت اجتماعی را امضا کرد که اعتراض و اعتصابات در ادارات و کارخانجات عنوان جرم می‌گیرد و تنها با گزارش مسئولین دولتی سندیت پیدا می‌کند. به تعبیری قوه مجریه بجای مقننه قانون تصویب و حتی پا فراتر گذاشته و در حوزه قوه قضاییه نیز وارد می‌شود. حکومت نظامی که در طول دوران نخست‌وزیری مصدق به صورت منع رفت و آمد و خاموشی در شب اجرا می‌شد از عواقب همین قانون و اختیارات بود. البته این مقررات برای همه یکسان اجرا نمی‌شد؛ فراموش نکنیم دولت مصدق دست توده‌ای‌ها و احزاب چپ را باز گذاشته بود تا هر زمان قادر به تظاهرات و حتی اغتشاش باشند.

مصدق چنان به وسیله اطرافیانش ترس در جامعه سیاسیون ایجاد کرده بود که اردشیر زاهدی برای دیدار با شاه مجبور به پنهان شدن در صندوق عقب اتومبیل بود و یا ابوالحسن حائری‌زاده از نمایندگان قدیمی پارلمان به دبیر کل سازمان ملل نامه نوشته و درخواست دخالت و پایان دادن به دیکتاتوری مصدق نمود. قابل ذکر است که حائری‌زاده از یاران سابق مصدق بود که از اقتدارگرایی مصدق به تنگ آمد. مصدق شورای ملی پول را منحل و دادگاه عالی را برچیند.

مصدق در زمان مجلس هفدهم ابتدا بخشی از نمایندگان جناحش را دعوت به استعفا کرد بعد به فکر انحلال پارلمان افتاد، چون شاه راضی به امضای انحلال نشده بود و بر اساس قانون امضا شاه لازم بود، تصمیم به برگزاری فرزندوم می‌گیرد. این فرزندوم از ۳ جهت قابل نقد است:

اول در قانون مشروطه فرزندوم پیش‌بینی نشده بود، پس کاری غیرقانونی بود.

دوم در جایی که موارد قانونی وجود دارد برگزاری فرزندوم برای دور زدن قانون کاری اشتباه و فراقانونی است.

سوم مراجعه به رای مردم برای ابطال رای مردم از لحاظ منطقی ایراد دارد.

بهانه مصدق و یارانش برای این جدال‌ها نفوذ استعمار در نهاد مشروطه بود؛ در صورت درست بودن این بهانه آیا یک فرد دموکرات می‌تواند یک نهاد دموکراسی را تعطیل کند؟! مصدق می‌خواست با برگزاری فرزندوم، شاه را در فشار انحلال پارلمان قرار دهد زیرا عدم امضای شاه یعنی مقاومت

در برابر رای مردم. با وجود تحریم این فرزندوم از طرف مخالفان مصدق، نتیجه باب میل مصدق می‌شد؛ ضمناً ایراد دیگری که به این فرزندوم از لحاظ ساختاری وارد است اصل پنهان بودن رای‌گیری است؛ یک اصل ساده ولی اساسی که

هر شخص بتواند رای خود را به صورت مخفی در صندوق بیندازد؛ در صورتی که صندوق‌های آری و خیر از یکدیگر جدا گذاشته شده بودند و در هنگام انداختن رای به صندوق کاملاً مشخص می‌شد چه کسی چه رأیی داده است!

شاه با وجود برگزاری فرزندوم مناقشه‌برانگیز باز هم حکم را امضا نکرد، چون حاضر به بدعت‌گذاری نبود و مصدق با یک بیابیه بدون امضا انحلال پارلمان را اعلام کرد.

اقتدارگرایی مصدق به جایی می‌رسد که با وجود اطلاع از حق شاه در عزل او، زمانی که سنجابی به او هشدار می‌دهد، به سنجابی می‌گوید شاه جرأت عزل مرا ندارد. مصدق خود مجلس را به دوره فترت کشید و در دوره فترت، شاه بدون رای پارلمان حق عزل نخست‌وزیر را دارد. همانطور که در دوره شانزدهم مصدق در کاخ بست نشست و به شاه نامه نوشت تا شاه در زمان فترت، نخست‌وزیر جدید انتخاب کند؛ پس خود به روشنی از چنین قانونی اطلاع داشت و از آن استفاده می‌کرد. یکی از مسائلی که طرفداران مصدق به آن ایراد می‌گیرند زمان ابلاغ حکم برکناری اوست، با توجه به اینکه مصدق از اسفند ۱۳۳۱ دیگر به دربار نمی‌رفت و جلسات دولت در منزل شخصی‌اش برگزار می‌شد؛ و همچنین منزل خود را به دژ تبدیل کرده و گارد مخصوص مسلح شبانه روز از دژ او حفاظت می‌کردند، فضای امنیتی ایجاد شده ابلاغ حکم را سخت می‌نمود. می‌دانیم نصیری پس از ابلاغ حکم عزل، از طرف مصدق بازداشت شد و کاخ‌ها پس از خروج شاه مهر و موم شدند و رئیس پلیس تهران نیز دستگیر شد. فاطمی وزیر امور خارجه درخواست برگزاری شورای پادشاهی می‌دهد و در پی انحلال سلطنت محمدرضا شاه است. اینها تنها تبعات حکم عزل نخست‌وزیر از طرف شاه در زمان فترت پارلمان است که در آن تمامی فرم‌های قانونی رعایت شده بود.

پس در مورد استبدادستیزی مصدق و دولت‌اش برخلاف تصویری که سال‌ها ترسیم شده است، مصدق شخصی به شدت اقتدارگرا و در عمل و اندیشه کاملاً خودرأی بود. اگر بر توجیه این اقتدارگرایی برآییم و بهانه شرایط سخت دنیا و ملی شدن صنعت نفت و نزاع با بیگانگان را بیاوریم، دیگر نمی‌توان مصدق را حامی و نماد دموکراسی خواهی در ایران دانست.

همچنین زمانی که بحث «کودتا» یا «برکناری» رخ می‌دهد بایستی بحث حقوقی صورت پذیرد و تعریف کلمه و خصوصیات و شرایط کودتا را در نظر گرفت. در تاریخ‌نگاری بعد از سال ۵۷، تنها جناح مورد تأیید جمهوری اسلامی، کاشانی است. او هیچ اعتقادی به کودتا نداشت و در تمام مصاحبه‌های او هر نگرشی جز کودتا وجود دارد. در مقابل صحبت‌های آلبرایت و موضوع عذرخواهی آمریکا در ساقط کردن دولت مصدق که در دو دولت دموکرات آمریکا در جریان بود، اسناد و گفته‌های مقامات جمهوری خواه وجود دارد مبنی بر عدم نقش آمریکا در سرنگونی مصدق. از صحبت‌های اعضای نایاک در مورد میانجیگری آنها در آشتی بین دولت ایران و آمریکا و شرط گام نخست که طرف ایرانی خواهان بیان عذرخواهی بود بگذریم. مصدق هرگز حق شاه در عزل نخست‌وزیر را به چالش نکشید و تا جایی که نگارنده تحقیق کرده است هرگز به آمریکایی‌ها نقش پایان دهنده و یا کمک کننده به سقوط‌اش را نیز مطرح نکرده است.

با وجود این هنوز مسئله کودتا یا برکناری نیاز به مباحث حقوقی و منصفانه دارد اما اینکه برخی تردید در مفهوم کودتا را تحمل نکرده و نشانه پیروزی یک ایدئولوژی می‌دانند، قابل قبول نیست.

تهران

۲۸ مرداد ۱۴۰۲

♦ — انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

تخلیه شماری از مدارس تهران و اصفهان به دلیل «فرونشست زمین»

مجید عبداللهی معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس هفته گذشته گفت که دو هزار و ۲۱۵ مدرسه سنگی در ایران شناسایی شده است که از این تعداد، دست کم هزار و ۵۷۶ مدرسه بالای ۱۰ دانش آموز دارند. به عبارت دیگر، طبق آمار این مسئول دولتی، نزدیک به ۱۶ هزار دانش آموز در ایران در مدارس سنگی تحصیل می کنند. مجید عبداللهی با ارائه وعده برچیده شدن مدارس سنگی گفته که تمرکز بر مدرسی است که بالای ۱۰ دانش آموز دارند. او با بیان اینکه بیشتر مدارس سنگی در مناطق روستایی اند توضیح داده که این مدارس فاقد خشت و ملات نیستند و کیفیت لازم را دارند.

معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس افزوده که بیشتر مدارس سنگی در استان های کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و فارس قرار دارند و اگر این سه استان به درستی مدیریت شوند، بین ۷۰ تا ۸۰ درصد مدارس سنگی ایران ساماندهی خواهند شد.

وزارت آموزش و پرورش در دولت دوازدهم اعلام کرده بود، شهر تهران بیشترین مدارس فرسوده را در کل کشور دارد و ۲۶۴ مدرسه با قدمت ۶۰ سال در شهر تهران وجود دارد. نوسازی و بهسازی مدارس به ابزاری برای توزیع رانت میان «نیروهای جهادی» و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل شده است بطوریکه بودجه های کلانی در استان های مختلف برای بهسازی و نوسازی مدارس به آنها پرداخت می شود.

پیشتر رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور گفته در نبود سرانه، این سازمان یا ناچار بوده از پیمانکاران برای نوسازی و بهسازی کلاس های درس استفاده کند که پولی برای این موضوع در دست نبوده یا باید از داوطلبان وابسته به حکومت که به عنوان «نیروهای جهادی» شناخته می شوند استفاده شود که راهکار دوم انتخاب شده است.

محمود نقوی مدیر کل آموزش و پرورش استان همدان نهم امرداد امسال گفت «رنگ آمیزی مدارس حاشیه استان از دیگر اقدامات در دستور کار آموزش و پرورش بوده که تاکنون بیش از ۱۰۰ مدرسه در این طرح ثبت نام کرده و خوشبختانه آموزش و پرورش توانسته ۲ میلیارد تومان بودجه برای این کار دریافت کند و سهم هر مدرسه ۲۰ میلیون تومان است.»

مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان تأکید کرده بود که «این رنگ آمیزی کاملاً جهادی است و توسط نیروهای جهادی و بسیج دانش آموزی رقم می خورد، بطوری که رنگ توسط آموزش و پرورش خریداری شده و به صورت رایگان توسط جهادگران نقاشی می شود.»

وزارت آموزش و پرورش نوسازی ۱۱۵۰ مدرسه با ۳۵۰۰ کلاس درس در استان لرستان را با اعتباری حدود ۶۰۰ میلیارد تومان به قرارگاه «امام حسن مجتبی» وابسته به سپاه پاسداران سپرده است.

جدا از مدارس تالیمنی که ده ها هزار دانش آموز را در خود جای داده اند، فضای آموزشی نیز در بسیاری از استان ها و شهرها استاندارد نیست. استاندارد فضای آموزشی در کشور ۸.۴ متر مربع تعیین شده اما میانگین فضای آموزشی در ایران و در میان همه مدارس کشور به ۵.۲۲ متر مربع می رسد. همچنین بر اساس اعلام آموزش و پرورش ۳۱ شهرستان ایران با سرانه فضای آموزشی کمتر از ۳ مترمربع هستند.



۲۷ مدرسه با ۲۲۷ کلاس تا یکسال آینده قابل استفاده است. همزمان در آبان گذشته علیرضا زاکانی شهردار تهران زلزله، طوفان، سیلاب و فرونشست زمین در تهران را چهار معضل اصلی در پایتخت ایران ذکر کرده و گفته بود: «اگر فهرست ساختمان های ناپایم در تهران را اعلام کنیم، کسی در شهر نمی ماند.»

کامران عبدولی، معاون حفاظت و پیشگیری از حریق سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران نیز، فروردین سال گذشته، به همین خیرگزاری گفت که ۷۹ درصد حوادث در مدارس تهران به دلیل فرسودگی است. او ۵۰ درصد حریق در مراکز آموزشی در تهران را ناشی از ناپایمی در تاسیسات برقی و گازی توصیف کرد.

حمیدرضا خان محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور نیمه امرداد امسال نیز ضمن اعلام این موضوع گفته است که ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

او توضیح داده بود که در تهران ۸ هزار و ۸۰۰ کلاس درس نیاز به مقاوم سازی دارند. وی افزوده «مدارس تهران پر تراکم هستند و اگر اعتبارات با رویکردی که ما پیشنهاد دادیم در برنامه هفتم مصوب شود می توانیم به سرعت این مسئله را حل کنیم.» در مدرسی که پر خطر تشخیص داده شده اند دانش آموزان در شیفت های مخالف یکدیگر تحصیل می کنند. با توجه به توضیحاتی که حمیدرضا خان محمدی داده بود مدارس به دلیل نداشتن سرانه دچار مشکلات مالی هستند و خودشان نمی توانند کلاس های درس را ترمیم کنند.

بر اساس قانون آموزش و پرورش به ازای هر دانش آموز که در مدارس دولتی ثبت نام می کند باید هزینه ای را به مدرسه برای امور جاری از جمله پرداخت قبوض و تعمیرات و نگهداری پرداخت کند که به «سرانه» معروف است. آموزش و پرورش به دلیل کسری بودجه سال هاست پرداخت سرانه به مدارس دولتی را متوقف کرده یا با تأخیر زیاد و بطور ناقص انجام می دهد.

● رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران گفته که شماری از مدارس در تهران و اصفهان به دلیل «فرونشست زمین» و احتمال ریزش ساختمان پرخطر تشخیص داده شده و تخلیه شدند.

● استاندار اصفهان اردیبهشت ۱۴۰۱ از تخلیه یکصد مدرسه در این استان به دلیل نشست زمین خبر داده بود. ● ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران از تخلیه شش درصد از مدارس کشور به علت عدم استحکام و نیاز به تخریب و بازسازی خبر داده است. شماری از مدارس در اصفهان و تهران نیز به دلیل فرونشست زمین تخلیه شده اند.

حمیدرضا خان محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران به خیرگزاری «ایسنا» گفت در کشور تقریباً ۶ درصد از مدارس نیاز به تخریب و بازسازی دارند، که تخلیه شده اند. بجز این شش درصد، شمار دیگری از مدارس نیز نیاز به تخریب و بازسازی دارند اما همچنان از آنها بهره برداری می شود.

به گفته حمیدرضا خان محمدی مداری که «پر خطر» تشخیص داده می شوند، بجز عوامل بیرونی، سازه مدرسه نیز به تنهایی و به خودی خود جان دانش آموزان را تهدید می کند و به همین دلیل تخلیه شده اند.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران افزوده که شماری از مدارس در تهران و اصفهان به دلیل «فرونشست زمین» و احتمال ریزش ساختمان پرخطر تشخیص داده شده و تخلیه شدند.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی حمیدرضا خان محمدی در مجموع ۳۰ درصد از ۱۰۴ هزار کلاس درس موجود در کشور نیاز به تخریب، بازسازی، نوسازی و یا مقاوم سازی دارد.

هرچند پیشتر گزارش هایی درباره نیاز هزاران کلاس درس در کشور به بازسازی و نوسازی و مقاوم سازی منتشر شده بود اما «فرونشست زمین» در محدوده شهری علت تازه ای برای تخلیه مدارس شده است.

رضامتضوی استاندار اصفهان اردیبهشت ۱۴۰۱ از تخلیه یکصد مدرسه در این استان به دلیل فرونشست زمین خبر داده بود. خیرگزاری «ایرنا» نیز آبان ۱۴۰۱ در گزارشی به وضعیت مدارس شهر اصفهان پرداخته و نوشته بود که بنا بر آمار اداره کل نوسازی مدارس استان اصفهان حدود ۲۷ درصد از فضاهای آموزشی اصفهان قدمت بالای ۴۰ سال و ۳۷ درصد قدمت کمتر از ۴۰ سال دارند؛ با توجه به طول عمر این فضاهای آموزشی و آنچه به واسطه شرایط آبخوان اصفهان که تغذیه نمی شود و سالانه به طور میانگین یک متر افت سطح دارد، شرایط برای این سازه ها در برخی از نقاط اصفهان نگران کننده به نظر می رسد.

گزارش دیگری در دی ماه ۱۴۰۱ اعلام کرده بود که ۴۰ مدرسه با ۴۰۸ کلاس درس و ۱۸ هزار و ۲۳۰ دانش آموز در استان اصفهان بر اثر فرونشست زمین دچار آسیب دیدگی شده است. بر اساس این گزارش ۹۴ مدرسه با ۷۳۳ کلاس درس در استان جزو مدارس خطر آفرین است. از این تعداد ۴۶ مدرسه با ۳۵۳ کلاس درس دستور تخلیه فوری، ۲۱ مدرسه با ۱۵۳ کلاس درس دستور تخلیه و تخریب گرفته و

مساجد، هیأت‌های مذهبی و کفن‌پوشان؛ آخرین حلقه‌های کمکی نظام برای حفاظت از «حجاب اجباری»



راهپیمایی زنان کفن‌پوش در قم در حمایت از حجاب اجباری

حجاب کامل شده»، گفت: «در حال گرفتن جای مناسب در تهران هستیم که ظرف یکی دو ماه آینده مشخص می‌شود و احتمالاً در هفته بسیج شهر حجاب تهران به شکل دائمی راه‌اندازی خواهد شد.»

در ارتباط با چنین طرح‌هایی جهت تحمیل فرهنگ و منش اجباری حکومت بر جامعه، ابراهیم رئیسی نیز در یک سخنرانی گفته مساجد و هیأت‌ها پشتوانه امنیتی جمهوری اسلامی هستند و کارکرد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد. وی توضیح داده «در کنار مؤسسات فرهنگی و اجتماعی، مساجد و هیئت‌ها به عنوان دو کانون مردم‌محور، ظرفیت‌های بسیار زیادی دارند و به نوعی پشتوانه امنیت ملی جمهوری اسلامی هستند. مساجد و هیأت علاوه بر نقش معرفت‌افزایی، می‌توانند کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثری نیز داشته باشند.»

هرچند رئیسی از مساجد و هیأت‌های مذهبی به عنوان پشتوانه امنیتی نظام یاد می‌کند اما بعید است آنها با شرایطی که دارند، با وجود تزریق‌های میلیاردی به آنها، بتوانند این توقع را برآورده سازند. در همین ارتباط ابوالقاسم دولابی نماینده ویژه ابراهیم رئیسی در امور روحانیت اواسط خردادماه در گردهمایی طلاب شهرستان خدابنده گفته بود که از ۷۵ هزار مسجد، در ۵۰ هزار مسجد بسته است. وی این را فاجعه‌ای خوانده که باید بر آن «خون گریست».

هیأت‌های مذهبی نیز برخلاف گذشته به جدیدترین کانون اعتراض و دهان‌کجی به جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. اخیراً در ایام محرم شمار زیادی از هیأت‌ها و دسته‌های سینه‌زنی علیه نظام به نوحه و مداحی پرداختند. بعضی از این دسته‌ها به جانباختگان خیزش ملی ادای احترام کردند و در شماری از هیأت‌ها علیه ظلم و ستم نظام نوحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی شد.

اینهمه بیانگر اینست که حکومت طی ۴۴ سال گذشته در اصلی‌ترین پایگاه‌های عقیدتی و اجتماعی خود دچار ریزش شده و بر اساس گفته‌های رئیسی که مسجد و هیأت را پشتوانه امنیتی نظام می‌داند، اکنون بحران‌های امنیتی نظام به همین دو کانون نیز کشیده شده است.

مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و ترمینال‌ها، فضای مجازی سلبریتی‌ها و کف خیابان و معابر هستند.» وی توضیح داده «در این طرح مواجهه کاملاً هوشمند است و هیچ تقابلی فیزیکی وجود ندارد. جرائم مالی آن از ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیارد تومان است. ابطال گواهینامه رانندگی، ابطال پاسپورت، در سلبریتی‌ها و کسانی که کانال و وبگاه و عضو بالا دارند ممنوعیت استفاده از اینترنت دیده شده است. دولت باید یکی دو هفته آینده لایحه بیاورد و تصویب و ابلاغ شود و ضمانت اجرایی آن را بالا بردیم و انشاءالله اجرا می‌شود.»

در حالی که جامعه به سرعت تغییر یافته و حاضر نیست به امر و نهی‌های حکومت تن بدهد، اما مسئولان جمهوری اسلامی فاقد عقلانیت لازم برای درک دگرگونی‌ها هستند و با خشک‌مغزی و البته در حفظ منافع عقیدتی و اقتصادی خود که به حفظ انحصاری قدرت سیاسی وابسته است، در برابر جامعه مقاومت می‌کنند.

ریحانه کارپرور استاد «جامعه الزهرا» می‌گوید: «برجسته‌سازی حجاب زنان موفق در سریال‌ها راهکاری برای ایجاد اشتیاق نسبت به حجاب است.» او نمونه‌ای از زنان موفق را نام نبرد و به همین دلیل به داستان‌پردازی در سریال اشاره کرده است. در حالی که زنان باحجابی که نه تنها با پوشش اختیاری موافق هستند بلکه با کل نظام جمهوری اسلامی مخالفند کم نیستند!

از سوی دیگر، یکی از برنامه‌های حکومت برای مقابله با بی‌حجابی متشکل کردن گروه‌های نیابتی داخلی است. با کمک شهرداری‌ها قرار است نقش مساجد و هیأت‌های مذهبی به عنوان پایگاه برخورد با بی‌حجاب‌ها تقویت شود و به نیابت از حکومت به ایجاد مزاحمت برای مردم بپردازند!

طرح بسیج برای «شهر حجاب»

از سوی دیگر غلامرضا حسن‌پور رئیس بسیج اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی از راه‌اندازی مراکزی به عنوان «شهر حجاب» در تهران و اصفهان در آینده نزدیک خبر داد. وی در یک نشست خبری با بیان اینکه «طراحی شهر

در هفته‌های اخیر ده‌ها ماشین به علت عدم رعایت حجاب سرنشینان آنها جریمه شدند. علاوه بر این در نقاط مختلف شهرها از جمله تهران و اصفهان، زنان و مردان حزب‌اللهی حامی حکومت در نقش «مخبر» به خبرچینی و جاسوسی پرداخته و پلاک ماشین‌هایی را که سرنشین بی‌حجاب دارند یادداشت می‌کنند و از راه‌هایی که قبلاً به آنها معرفی شده در اختیار نیروی انتظامی می‌گذارند.

در تجمع زنان حزب‌اللهی در قم شعار داده شد «حسین حسین شعار ماست، حجاب افتخار ماست!» این در حالیست که مردم در اعتراضات علیه رژیم شعار می‌دهند: «حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!» و همچنین «حسین حسین شعارشون، جنایت افتخارشون!»

در شرایطی که بسیاری از زنان و دختران با وجود فشارها و تهدیدات مختلف زیر بار پوشش اجباری نمی‌روند، حکومت تمام ظرفیت‌های خود را برای حفاظت از «حجاب اجباری» به کار گرفته است.

در هفته‌های اخیر ده‌ها ماشین به علت عدم رعایت حجاب سرنشینان آنها جریمه شدند. علاوه بر این در نقاط مختلف شهرها از جمله تهران و اصفهان، زنان و مردان حزب‌اللهی حامی حکومت در نقش «مخبر» به خبرچینی و جاسوسی پرداخته و پلاک ماشین‌هایی را که سرنشین بی‌حجاب دارند یادداشت می‌کنند و از راه‌هایی که قبلاً به آنها معرفی شده در اختیار نیروی انتظامی می‌گذارند.

در بعضی شهرها برای «آمران به معروف» تحت عنوان «کنشگران عفاف و حجاب» دوره تخصصی برگزار می‌شود. همزمان شماری از زنان حزب‌اللهی در شهر قم روز یکشنبه ۲۹ مرداد در حمایت از حجاب اجباری راهپیمایی «دختران زینبی، بانوان حسینی» برگزار کردند!

بر اساس گزارش خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی شماری از این زنان «خواهران هیئت‌های مذهبی» هستند که در «مجمع هیئت بانوان استان قم متوسلین به ابوالفضل العباس»، برخی از دانشجویان دختر بسیجی نیز در تجمع آنها شرکت کردند.

شمار دیگری از افرادی که در این راهپیمایی حکومتی شرکت کرده‌اند از «طلاب جامعه الزهرا» بودند. آنها تصاویری از روح‌الله خمینی و قاسم سلیمانی در دست داشتند و شعارهایی در حمایت از حجاب به عنوان «واجب الهی» می‌دادند.

آنها همچنین شعار می‌دادند «حسین حسین شعار ماست، حجاب افتخار ماست» و «چادر حجاب برتر است، لیبیک به امر رهبر است.» این در حالیست که مردم در اعتراضات علیه رژیم شعار می‌دهند: «حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!» و همچنین «حسین حسین شعارشون، جنایت افتخارشون!»

خبرگزاری «حوزه» گزارش داده این تجمع با همکاری استانداری قم، سپاه «امام علی» این شهر و هیأت‌های مذهبی برگزار شد.

حسین جلالی نماینده عضو «جبهه پایداری» در ارتباط با سیاست‌های تحمیلی برای حجاب اجباری می‌گوید «هفت گروه هدف ما هستند؛ این گروه‌ها شامل داخل خودروها، داخل اماکن و رستوران‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی،

باج ۴۰۰ میلیون دلاری اوباما به ملاها قیمت گروگان‌ها را ۱۵ برابر کرد!



دیدار جو بایدن و باراک اوباما در کاخ سفید آوریل ۲۰۲۲ / عکس: رویترز

فوق‌العاده خطرناک ایجاد می‌کند. به گزارش فاکس نیوز، در این نامه آمده این اولین بار نیست که دولت ایالات متحده چنین معامله‌ای را انجام می‌دهد. در دولت اوباما در سال ۲۰۱۶ نیز ۴۰۰ میلیون دلار پول نقد در ازای آزادی چهار زندانی آمریکایی در تهران به ایران منتقل شد.

سناتورها گفتند که در آن زمان نیز هشدار دادند که اقدام اوباما قیمت‌گذاری برای جان آمریکایی‌ها را به دنبال خواهد داشت.

در نامه این سناتورها به بایدن آمده هفت سال بعد، دولت کنونی آمریکا به بزرگترین رژیم حامی تروریسم در جهان یک باج به ارزش حداقل ۱۵ برابر پرداخت می‌کند که این امر نقض دیگری از سیاست دیرینه «عدم امتیاز دادن» ایالات متحده است.

حسین عبدالحسین پژوهشگر عضو «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) با ترسیم یک چارت ساده در توییتری می‌نویسد: «دولت بایدن همیشه مقابل رژیم ایران موضع نرم داشته است. روسیه، چین و ایران خود را یک محور ضدغربی می‌دانند و بایدن به درستی در مقابل چین و روسیه برای حفاظت از منافع ملی آمریکا ایستادگی می‌کند. اما وقتی صحبت از ایران می‌شود، تیم بایدن طور دیگری عمل می‌کند.»

مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور مدام هشدار می‌دهند هرگونه معامله با رژیم ایران نه تنها به گسترش تروریسم در منطقه و فراتر از آن کمک می‌کند بلکه رژیم را برای سرکوب مردم ایران تقویت خواهد کرد.

در همین ارتباط شاهدان رضا پهلوی می‌گوید میلیاردها دلار که بایدن به جمهوری اسلامی پرداخت کرده برای آنها «درآمد بادآورده» است و در خدمت تأمین مالی فعالیت‌های جنایتکارانه و تشویق بیشتر گروگانگیری و اخاذی و توهین دردناک به ملت ایران قرار می‌گیرد.

که به شما اعلام کنم، چون هنوز گام‌هایی هست که الان نباید اعلام شود. فکر می‌کنم این [تفاهم] هنوز پابرجاست.» اجد الانصاری سخنگوی وزارت خارجه قطر سه‌شنبه شب گفت: «توافق مبادله زندانیان میان ایران و آمریکا که با میانجیگری کشورش در حال انجام است، وارد مرحله اجرایی شده است.» وی تأکید کرد که «هنوز برای اعلام محل مبادله زندانیان میان ایران و آمریکا زود است.»

در آمریکا انتقاد جمهوریخواهان از مامشات دولت بایدن با ملاها به اوج خود رسیده است. به گزارش پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا مایکل مک‌کال، استیو اسکالیس و الیز استفانیک سه نفر از نمایندگان ارشد مجلس در نامه‌ای به بایدن، «معامله‌ای محرمانه» با ملاها را تهدید جدی برای امنیت ملی آمریکا دانستند. در این نامه تأکید شده روند معامله به نحوی است که «سوء ظن تفاهم اتمی مخفیانه» با تهران را در بین نمایندگان مجلس برانگیخته است.

این نمایندگان هشدار دادند که رژیم ایران علاوه بر عدم همکاری کامل با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به حمایت از تروریسم، تهدید شهروندان آمریکایی، تضعیف آزادی در یانوردی، نقض حقوق بشر شهروندان خود و حمایت تسلیحاتی از روسیه در جنگ اوکراین ادامه می‌دهد.

در بخشی از این نامه آمده: «رژیم ایران به‌عنوان بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان، از گروگانگیری به عنوان راهبرد مذاکره و ساز و کار تأمین مالی خود استفاده می‌کند و اگر دولت آمریکا به پول دادن در ازای آزادی گروگان‌ها ادامه دهد، جمهوری اسلامی نیز به گروگانگیری بیشتر و تقاضا برای قیمت‌های بالاتر ادامه خواهد داد.»

پیش از این ۲۶ سناتور جمهوریخواه در نامه‌ای به کاخ سفید معامله دولت بایدن با جمهوری اسلامی را باج دادن به ملاها خواندند و هشدار دادند که این کار رویه‌ای

چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید: «کارها طبق تفاهمی که با ایران کردیم، پیش می‌رود. جدول زمان‌بندی شده دقیقی ندارم که اعلام کنم، چون هنوز گام‌هایی هست که الان نباید اعلام شود.»

اجد الانصاری سخنگوی وزارت خارجه قطر: توافق مبادله زندانیان میان ایران و آمریکا که با میانجیگری کشورش در حال انجام است، وارد مرحله اجرایی شده... هنوز برای اعلام محل مبادله زندانیان زود است.»

مایکل مک‌کال، استیو اسکالیس و الیز استفانیک سه نفر از نمایندگان ارشد مجلس در نامه‌ای به بایدن، «معامله‌ای محرمانه» با ملاها را تهدید جدی برای امنیت ملی آمریکا دانسته و نوشتند روند معامله به نحوی است که «سوء ظن تفاهم اتمی مخفیانه» با تهران را در بین نمایندگان مجلس برانگیخته است.

چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید ۲۵ تیرماه گفته بود «تلاش و تماس‌های غیرمستقیم با ایران برای آزادی دوتابعیتی‌های بازداشتی ناکام مانده‌اند و توافق واقعی با ایران دور است.» کمتر از یک ماه بعد دولت بایدن با رژیم ایران معامله کرد و در ازای آزاد شدن شش میلیارد پول بلوکه شده ایران پنج گروگان آمریکایی ایرانی از اوین منتقل و فعلاً در یک هتل در تهران مستقر شده‌اند.

بی‌اعتمادی به دولت بایدن به اوج خود رسیده است. دموکرات‌های آمریکا مشابه زمان باراک اوباما پشت پرده با رژیم ایران زد و بند کردند و با دلالتی قطر و عمان یک معامله پنهان دیگر رقم خورد. آمریکا از اعلام نام ایرانی‌هایی که در ازای آزادی پنج آمریکایی قرار است مبادله شوند خودداری می‌کند.

سالیوان روز سه‌شنبه ۳۱ مرداد در یک کنفرانس خبری توضیح داد، «فکر می‌کنم کارها طبق تفاهمی که با ایران کردیم، پیش می‌رود. جدول زمان‌بندی شده دقیقی ندارم

تأیید احکام هشت بازداشت شده پرونده معروف به «اتوبان کرج»؛ دو متهم بی‌گناه پرونده عجلانه اعدام شدند



● حمید قره‌حسنلو از متهمان این پرونده که پیش از این به اعدام محکوم شده بود، بیشترین میزان حبس را گرفته و به ۱۵ سال زندان و «نفی بلد» (حبس در تبعید) محکوم شده است. رضا آریا، حسین محمدی و مهدی محمدی نیز هر کدام به ۱۰ سال حبس در تبعید محکوم شدند. احکام رضا آریا و حسین محمدی نیز در دادگاه بدوی اعدام بود که در تجدید نظر به حبس کاهش یافت.

● محمدامین اخلاقی ساوجبلاغی، امین مهدی شکراللهی (زیر ۱۸ سال) و فرزانه قره‌حسنلو هر کدام به پنج سال «نفی بلد» و علی معظمی گودرزی به سه سال حبس و «نفی بلد» محکوم شدند.

رئیس کل دادگستری استان البرز از تأیید حکم هشت متهم پرونده معروف به «اتوبان کرج» خبر داده که آبان سال گذشته بازداشت شدند. پیشتر حکم اعدام محمدمهدی کرمی و کیان (محمد) حسینی دو متهم دیگر این پرونده در ۱۷ دی‌ماه سال گذشته اجرا شده بود.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز امروز چهارشنبه اول شهریورماه ۱۴۰۲ از تأیید و قطعی شدن احکام هشت تن از متهمان پرونده معروف به «اتوبان کرج» در رابطه با اعتراضات آبان سال گذشته خبر داد.

به گفته رئیس کل دادگستری استان البرز حمید قره‌حسنلو از متهمان این پرونده که پیش از این به اعدام محکوم شده بود، بیشترین میزان حبس را گرفته و به ۱۵ سال زندان و «نفی بلد» (حبس در تبعید) محکوم شده و باید دوره حبس خود را در شهر یزد سپری کند.

رضا آریا، حسین محمدی و مهدی محمدی نیز هر کدام به ۱۰ سال حبس در تبعید محکوم شدند. احکام رضا آریا و حسین محمدی نیز در دادگاه بدوی اعدام بود که در تجدید نظر به حبس کاهش یافت.

بر اساس این احکام همچنین محمدامین اخلاقی ساوجبلاغی، امین مهدی شکراللهی (زیر ۱۸ سال) و فرزانه قره‌حسنلو هر کدام به پنج سال «نفی بلد» و علی معظمی گودرزی به سه سال حبس و «نفی بلد» محکوم شدند.

حکم دادگاه تجدید نظر این هشت متهم که اسفندماه ۱۴۰۱ جریان داشت، اکنون «عیناً» تأیید و قطعی شده است. فروردین امسال بابک پانیا وکیل پایه یک دادگستری که وکالت چند تن از متهمان این پرونده را بر عهده دارد با انتشار رشته توییتی اعلام کرده بود که احکام صادر شده برای متهمان پرونده «اتوبان کرج» شکسته و سه حکم اعدام به «حبس» کاهش یافته است.

احکام چند متهم پرونده در حالی کاهش یافته که پیش از این محمد (کیان) حسینی و محمدمهدی کرمی دو تن دیگر از متهمان این پرونده به اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شده و به شکلی عجلانه در دی‌ماه ۱۴۰۱ به دار آویخته شدند.

رئیس کل دادگستری استان البرز فروردین امسال و همزمان با شکسته شدن احکام هشت متهم پرونده مدعی شده بود که «نقش و دخالت مؤثر آنها در شهادت سید روح‌الله عجمیان نیز محرز بوده است.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌ها حکایت از رد اتهام قتل از سوی این دو جوان در جلسات دادگاه دارد. آنها

مُرده و «جنازه‌اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمدمهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافت. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی‌اش را لمس و او را تهدید می‌کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

درباره محمد (کیان) حسینی شهروند ۳۹ ساله‌ای که همزمان با محمدمهدی به دار آویخته شد اطلاعات زیادی منتشر نشده است. پیشتر فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران در ایران اطلاع داده بودند که پدر و مادر محمد حسینی پیشتر درگذشته‌اند و این جوان کسی را ندارد تا پیگیر پرونده‌اش باشد. او کارگر یک مرغداری در حاشیه کرج و ورزشکار و مربی ورزش‌های رزمی بود. محمد (کیان) حسینی حتی کسی را نداشت که پیکر اعدام‌شده او را از زندان بگیرد و به خاک بسپارد. او در همان آرامستانی که پیکر محمدمهدی کرمی به خاک سپرده شد، توسط سازمان زندان‌ها خاکسپاری شد اما بعدها شهروندان زیادی از جمله خانواده محمدمهدی کرمی بر مزار او حاضر شدند و برایش مراسم یادبود گرفتند.

پرونده‌ای که به «اتوبان کرج» معروف شد یکی از چندین پرونده‌ای است که پس از اعتراضات جنبش ملی علیه شهروندان معترض بازداشت شده و با ستار یوسازی نهادهای امنیتی تشکیل شد. در پرونده «اتوبان کرج» ۱۶ شهروند متهم به دست داشتن در کشته شدن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان شدند. پس از برگزاری مراسم چهلم حدیث نجفی از جانب‌اختگان اعتراضات در «بهشت سکنه» کرج در ۱۲ آبان سال گذشته، مأموران لباس شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردمی که در حال دفاع مشروع از خود بودند در گرفت. در جریان این درگیری روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۶ شهروند را با اتهام سنگین محاربه و قتل این بسیجی راهی دادگاه انقلاب اسلامی کردند.

بارها از اعتراف‌گیری اجباری و زیر شکنجه خبر داده و تأکید کرده بودند که مرتکب قتل نشده‌اند.

با بازداشت بیش از ۲۰ هزار شهروند در جریان اعتراضات پاییز سال گذشته، اتاق فکر امنیتی جمهوری اسلامی صدور اتهامات و احکام سنگین برای شهروندان بازداشت‌شده را به عنوان راهکاری برای هراس‌افکنی در سطح جامعه و کاهش سرعت اعتراضات در دستور کار قرار دادند.

یکی از نکات مهم درباره محمدمهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی که توسط حکومت به قتل رسیدند، عدم دسترسی آنها به افراد و جریان‌های صاحب‌نفوذ بوده است تا برای نجات آنها از زیر حکم اعدام تلاش کنند. هر دو آنها از اقشار ضعیف جامعه بودند. محمدمهدی کرمی ورزشکار و قهرمان کاراته، فرزند یک دستفروش بود. ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی، در گفتگو با «اعتقاد» گفته بود که در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمدمهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه‌نشین است.

محمدمهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد. محمد آقاسی وکیل پایه یک دادگستری که در آخرین روزهای منتهی به اعدام او به عنوان وکیل تعیینی (اختیاری) محمدمهدی در حال تلاش برای پذیرش وکالتش بر این پرونده از سوی قوه قضاییه بود خبر داد که محمدمهدی از چهارشنبه پیش از اعدام و در اعتراض به اینکه قوه قضاییه از پذیرش وکیل او خودداری کرده، اعتصاب غذای خشک کرده بود.

جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمدمهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند. محمدمهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمدمهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده‌اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او

هشدار وحشت‌زده‌ی قوه قضاییه به شهروندان: به اعتراضات خیابانی نروید! برای بازداشت‌شدگان پارسال عفو در کار نخواهد بود



اعتراضات جنبش ملی - مهرماه ۱۴۰۱

رضا سید حسینی، محمد سلطانی، وحید سرخ گل، وحید قدیرزاده، میثم غلامی و آرشم رضایی از جمله این زندانیان پیشین هستند که در حال حاضر بازداشت شده یا تحت تعقیب قرار دارند و مخفیانه زندگی می‌کنند.

بخشی از فشارهای جمهوری اسلامی نیز متوجه خانواده دادخواهان بوده بیش از ۱۰ تن از اعضای خانواده دادخواه در روزهای گذشته بازداشت شدند.

روز گذشته مهسا یزدانی، مادر محمد جواد زاهدی از کشته‌شدگان اعتراضات در ساری بازداشت شد. محمدجواد زاهدی، جوان ۲۰ ساله اهل ساری در شامگاه ۳۰ شهریور با شلیک ماموران زخمی شد و به دلیل عدم همکاری اورژانس، بر اثر خونریزی جانش را از دست داد.

همزمان در روز چهارشنبه اول شهریورماه نسرین علیزاده خواهر شیرین علیزاده از جانب‌اختگان اصفهان نیز بازداشت شد. خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با اعلام این خبر به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «خانم علیزاده توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شده» و از دلایل بازداشت، محل نگهداری و اتهامات مطروحه علیه این شهروند اطلاعی در دست نیست.

نهادهای امنیتی همچنین در آستانه سالگرد اعتراضات خانواده‌های دادخواه را برای عدم فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و برگزار نکردن مراسم سالگرد جانب‌اختگان زیر فشار قرار داده‌اند.

هفته گذشته نیز سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی با اشاره به آزار و اذیت خانواده‌های جانب‌اختگان اعتراضات و اقداماتی چون تخریب مزار جانب‌اختگان، بازداشت خودسرانه و آزار و شکنجه روانی خانواده‌های قربانیان، خواستار اقدام جامعه جهانی برای «پاسخگو کردن» مسئولان جمهوری اسلامی شد. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیز صدور احکام قضایی علیه فعالان صنفی و سیاسی و مدنی، و معترضان سال گذشته را سرعت بخشیده است.

صدها دانشجوی نیز در روزهای گذشته از سوی

طبق روال سابق با قاطعیت و در چارچوب قانون با این افراد برخورد می‌کند و در این مرحله خبری از عفو نخواهد بود.» صادق رحیمی همچنین بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته را نیز تهدید کرده و گفته «کسانی که در جریان اغتشاشات سال گذشته، مشمول عفو رهبری قرار گرفتند، اگر مجدداً فریب خورده و اقدامات خود را تکرار کنند با قاطعیت بیشتری با آنان برخورد می‌شود؛ بدین معنا که مجازات آنان مضاعف، و ارفاق و تخفیفی نسبت به ایشان اعمال نخواهد شد؛ لذا به این اشخاص و خانواده‌های آنان توصیه می‌شود مراقب شیطنتهای دشمن باشند چراکه بدخواهان این کشور دلسوز آنان نیستند.»

این مقام قوه قضاییه جمهوری اسلامی بدون اشاره به صدها هزار نفر شهروند ایران که سال گذشته در سراسر کشور به خیابان آمدند و خواستار تغییر جمهوری اسلامی شدند، توهم دیگر مقامات نظام درباره «دشمن» را تکرار کرده و گفته که «دشمن مترصد است تا مجدداً شیطنتهایی در فضای داخلی کشور ایجاد کند، اظهار کرد: آنان قصد دارند به بهانه‌هایی مشابه سال قبل، عده‌ای را تحریک کرده و مشکلاتی را برای نظام و مردم ایجاد کنند و در نتیجه مردم را نسبت به آینده کشور و نظام دلسرد کنند.»

جمهوری اسلامی آمار رسمی از بازداشت‌شدگان، مجروحان و جانب‌اختگان اعتراضات سال گذشته ارائه نکرده است. گزارش‌های منابع حقوقی بشری حکایت از آن دارد که در فاصله هفته آخر شهریور تا آخر دی‌ماه بیش از ۲۰ هزار نفر در ایران بازداشت شدند. تعدادی از افراد بازداشت شده اواخر سال گذشته و در نمایش «عفو» از زندان آزاد شدند.

این در حالیست که بسیاری از زندانیانی که در این نمایش تا نوروز از زندان آزاد شدند، در سال جدید خورشیدی بار دیگر بازداشت شدند. برای برخی از آنها پرونده‌هایی با اتهامات جدید تشکیل شده تا به این بهانه دستکم ماه‌ها آنها را در زندان نگه دارند.

علی اصغر حسینی‌راد، کاظم علینژاد، سمانه نوروز مردادی،

● در ادامه تلاش‌های همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری هرگونه تجمعی در سالگرد اعتراضات سال گذشته، معاون قضایی قوه قضاییه برای شهروندان خط و نشان کشید.

● معاون قوه قضاییه گفته دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی «عده‌ای قلیل» را که بخواهند به هر بهانه‌ای در روزهای آتی ساختارشکنی کرده و به خیابان‌ها بریزند شناسایی کرده و تحویل دستگاه قضایی می‌دهند.

● او گفته کسانی که در جریان اغتشاشات سال گذشته، مشمول عفو رهبری قرار گرفتند، اگر مجدداً فریب خورده و اقدامات خود را تکرار کنند با قاطعیت بیشتری با آنان برخورد می‌شود.

معاون قضایی قوه قضاییه جمهوری اسلامی با هشدارهایی به شهروندان تلاش کرده با هراس‌افکنی مردم را قانع کند که در اعتراضات خیابانی شرکت نکنند.

در ادامه تلاش‌های همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری هرگونه تجمعی در سالگرد اعتراضات سال گذشته، معاون قضایی قوه قضاییه برای شهروندان خط و نشان کشید.

صادق رحیمی معاون قضایی قوه قضاییه جمهوری اسلامی امروز پنجشنبه دوم شهریور ۱۴۰۲ و سه هفته مانده به سالگرد اعتراضات سال گذشته در سخنانی گفته شهروندانی که برای اعتراضات به خیابان بروند شناسایی و بازداشت خواهند شد.

معاون قضایی قوه قضاییه جمهوری اسلامی گفته که «دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در صورت مشاهده عده‌ای قلیل که بخواهند به هر بهانه‌ای، در روزهای آتی ساختارشکنی کرده و به خیابان‌ها بریزند و مشکلاتی را برای کشور و مردم فهمیم ایجاد کنند، آنان را شناسایی کرده و تحویل دستگاه قضایی خواهند داد.»

او همچنین تهدید کرده که «قطعاً دستگاه قضایی نیز

پدرش مدیر روزنامه «گلستان» در شیراز بود. او در سال ۱۳۲۰ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در دوره دانشجویی به عضویت حزب توده درآمد و تحصیل را نیمه‌کاره رها کرد.

او پس از مدتی از حزب توده جدا شد و برای چند سال در اداره انتشارات شرکت نفت آبادان به عنوان «پیمانکار دایره تهیه عکس و خبر کنسرسیوم بین‌المللی نفت» به کار پرداخت. ابراهیم گلستان در سال ۱۳۳۶ از آبادان به تهران بازگشت و «استودیو گلستان» را به عنوان استودیوی سینمایی خود تأسیس کرد.

نخستین اثر ساخته شده در «استودیو گلستان» مجموعه مستندی برای کنسرسیوم نفت به نام «چشم‌اندازها» بود که ساخت آن از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۱ طول کشید. نخستین بخش این مجموعه که فروغ فرخزاد تدوین آن را به عهده داشت با نام «یک آتش» درباره مهار چاه‌های نفتی بود که خاموش کردن آنها ۶۵ روز طول کشیده بود. این فیلم در سال ۱۳۴۰ برنده جایزه مرکور طلایی بخش فیلم‌های مستند جشنواره فیلم ونیز شد و پس از آن جایزه شیر سن مارکو را برد. این نخستین اثر سینمای ایران بود که جایزه بین‌المللی می‌برد.

گلستان طی حدود دو دهه فعالیت فیلمسازی فیلم‌هایی چون «موج و مرجان و خارا»، «از قطره تا دریا»، «خواستگاری»، «ته‌های مارلیک»، «خشت و آینه» و «اسرار گنج دره‌ی جنی» را ساخت. او همچنین تهیه‌کننده فیلم «خانه سیاه است» به کارگردانی فروغ فرخزاد بود.

«خشت و آینه» نخستین فیلم داستانی بلند ابراهیم گلستان بود که در سال ۱۳۴۴ ساخته شد. به عقیده بسیاری این فیلم از نخستین فیلم‌های روشنفکری و غیرمتعارف سینمای ایران بود. منتقدان سینما معتقدند ابراهیم گلستان در کنار فرخ غفاری و فریدون رهنما، سه کارگردان برجسته و پیشگام سینمای روشنفکر بودند که جریان «موج نو» در سینمای ایران را شکل و جهت دادند.

فعالیت گلستان در زمینه ادبیات با نگارش داستان «دزدی رفته‌ها» در سال ۱۳۲۶ آغاز شد. این اثر در ابتدا در ماهنامه «مردم» ارگان رسانه‌ای حزب توده منتشر و بعد از دو سال در سال ۱۳۲۸ در مجموعه‌ای با عنوان «آذر، ماه آخر پاییز» منتشر شد. او همزمان با داستان‌نویسی، ترجمه آثاری از ارنست همینگوی و ویلیام فاکنر را نیز آغاز کرد. «آذر، ماه آخر پاییز»، «شکار سایه»، «جوی و دیوار و تشنه»، «اسرار گنج دره‌ی جنی»، «مد و مه» و «خروس» از آثار داستانی ترجمه ابراهیم گلستان هستند.

او داستان‌نویسی را با انتشار مجموعه داستان «شکار سایه» در ۱۳۳۶ ادامه داد. این مجموعه داستان که شکست و سرخوردگی و ناامیدی انسان‌ها را بازتاب می‌داد و روایت می‌کرد مورد توجه قرار گرفت.

یکی از نقاط شاخص داستان‌نویسی ابراهیم گلستان استفاده از نثر آهنگین به سبک نوین بود و به همین دلیل او را از جمله افراد موثر بر سیر داستان‌نویسی معاصر ایران ارزیابی می‌کنند.

آخرین اثر داستانی ابراهیم گلستان، رمان «خروس» بود که در سال ۱۳۷۴ در آمریکا منتشر شد.

کانون کارگردانان سینمای ایران به مناسبت درگذشت ابراهیم گلستان، بیانیه‌ای صادر کرد و این فیلمساز و نویسنده شناخته‌شده را روشنفکری معرفی کرد که «قبل از موج نو به سینمای ایران روحی تازه داد».

در این بیانیه آمده که وی «ادیب و داستان‌نویسی بود که در نوشتار و گفتار بی‌مانند بود، مستندسازی که از آب و آتش و باد و آهن شعر می‌سرود، و همه اینها در این صد سال، کوتاه، همچون پلک‌زدنی بود».

ابراهیم گلستان نویسنده و فیلمساز ایرانی درگذشت



● سید ابراهیم تقوی شیرازی معروف به ابراهیم گلستان داستان‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، مترجم و فیلمساز روز سه‌شنبه ۲۲ اوت ۲۰۲۳ برابر با ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در خانه‌اش در بریتانیا درگذشت.

● منتقدان معتقدند ابراهیم گلستان در کنار فرخ غفاری و فریدون رهنما، سه کارگردان برجسته و پیشگام سینمای روشنفکر بودند که جریان «موج نو» در سینمای ایران را شکل و جهت دادند.

ابراهیم گلستان نویسنده و فیلمساز مشهور ایرانی روز گذشته در سن ۱۰۱ سالگی در خانه‌اش در بریتانیا درگذشت. سید ابراهیم تقوی شیرازی معروف به ابراهیم گلستان داستان‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، مترجم و فیلمساز روز سه‌شنبه ۲۲ اوت ۲۰۲۳ برابر با ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در خانه‌ی خود در بریتانیا درگذشت.

او در حالی درگذشت که اعضای خانواده کنارش بودند و به خواست خودش قرار است مراسم خاکسپاری‌اش به صورت خصوصی برگزار شود.

ابراهیم گلستان از پیشگامان موج نو در سینمای ایران بود. او از سال ۱۳۵۲ فیلمی نساخت و از سال ۱۳۷۴ به بعد هم داستانی منتشر نکرد اما به دلیل نگاه انتقادی و زبان بی‌پرده‌اش به ویژه درباره هنر در ایران همواره از چهره‌های مورد بحث و مناقشه‌ی فرهنگ و هنر ایران بود.

یکی از جنبه‌های مورد توجه زندگی ابراهیم گلستان روابط عاشقانه هشت ساله‌ی او با فروغ فرخزاد شاعر پیشگام معاصر بوده است. ابراهیم گلستان پیشتر در ۲۱ سالگی با دخترعمویش فخری گلستان ازدواج کرده بود و صاحب دو فرزند به نام کاوه و لیلی بود. کاوه گلستان عکاس خبری بود و در سال ۲۰۰۳ در عراق بر اثر انفجار مین کشته شد. لیلی گلستان، مترجم، نویسنده و مسئول گالری گلستان در تهران است. ابراهیم گلستان ۲۶ مهر سال ۱۳۰۱ در شیراز متولد شد.

→ نهادهای امنیتی یا کمیته انضباطی دانشگاه‌ها احضار و تهدید شده‌اند که در سالگرد اعتراضات در دانشگاه‌های فعالیتی نداشته باشند. همچنین ده‌ها دانشجو نیز با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی تعلیق و اخراج شده‌اند. شماری از اساتید دانشگاه نیز اخراج یا با بازنشستگی اجباری روبرو شدند. از سوی دیگر شهرداری تهران پیشتر اعلام کرده بود که طرحی برای آنلاین شدن کلاسهای دانشجویان و تعطیلی دانشگاه‌ها در تهران در ۱۰ روز نخست مهرماه را در دست بررسی دارد. این اقدام به بهانه «ترافیک» در روزهای اول سال تحصیلی ارائه شده است.

شواری صنفی دانشجویان نیز امروز پنجشنبه دوم شهریورماه اعلام کرده که کلاس‌های درس در اکثر دانشگاه‌های بزرگ به تعویق افتاده است. این شورا در بیانیه‌ای نوشته است که بر اساس اطلاعیه مندرج در سایت دانشگاه فردوسی، کلاس‌های این دانشگاه در تمامی مقاطع تحصیلی در دو هفته اول مهرماه بصورت مجازی برگزار خواهد شد و هیچ توضیحی درباره این تغییر ناگهانی داده نشده است.

این بیانیه یادآور شده که «چندی پیش سخنگوی وزارت علوم عنوان کرده بود که کلاس‌ها به محض شروع سال تحصیلی جدید حضوری خواهد بود» و افزوده است که علیرغم اعلام قبلی در مورد شروع ترم در ۲۵ شهریور، تاریخ آغاز کلاس‌ها در اکثر دانشگاه‌های بزرگ ایران دست‌کم یک هفته به تعویق افتاده و در دانشگاه شریف، ترم جدید از سوم مهر آغاز خواهد شد.

بر اساس بیانیه این نهاد دانشجویی، «گزارش‌های متعدد حاکی از افزایش تماس‌های نهادهای امنیتی با دانشجویان در نزدیکی سالگرد مهسا امینی است».

این بیانیه افزوده است که در شماری از دانشگاه‌ها «دانشجویان در جلسات بازجویی تهدید شده‌اند و از آنان تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات احتمالی دانشجویی و عدم فعالیت همسو در فضای مجازی اخذ شده است».

مقامات جمهوری اسلامی نیز نگران شکل‌گیری اعتراضات مردمی در سالگرد اعتراضات سال گذشته هستند. حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی دهم مرداد درباره احتمال آغاز موج جدیدی از اعتراضات در سالگرد اعتراضات سال گذشته هشدار داد و گفت: «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیش‌گیری است».

او ادعای دست داشتن دیگر کشورها در اعتراضات مردمی سال گذشته را تکرار کرد و آمریکا و غرب را عامل اعتراضات ضدحکومتی در ایران دانست و گفت که اعتراضات سال گذشته، «قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین» بود.

مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها روز جمعه ۳۰ تیرماه در جمع معاونین بسیج اساتید کشور هشدار داده بود که آغاز مجدد اعتراضات مردمی می‌تواند از دانشگاه‌ها باشد.

مصطفی رستمی گفته بود که «دشمن منصرف نشده و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر نتوانند در سالگرد اغتشاشات گذشته کاری کنند بطور کامل شکست می‌خورند، آنها اعلام کرده‌اند دانشگاه اولین جایی است که باید اغتشاشات جدید راه‌اندازی شود».

او افزوده بود که «طراحی‌های زیادی برای حوادث سال گذشته اتفاق افتاده بود و این حجم از هماهنگی بین دشمنان خارجی و داخلی بی‌سابقه بود، ولی آنچه را که روی آن حساب نمی‌کردند باطل‌السحر نقشه‌هایشان شد».

مهرداد فرید آهنگساز و رهبر ارکستر: تعهد سیاسی و اجتماعی هنرمند بسیار مهم است



مهرداد فرید

ارکستر ما گذاشت.

● کمی در مورد کارها و کنسرت‌هایی که داشتید بگویید و اینکه کدام آهنگساز ایرانی و یا غربی را بیشتر دوست دارید؟

من بسیار علاقمند به موسیقی فیلم‌های ایرانی قبل و بعد از انقلاب هستم. چند سالی هم هست که به دنبال این هستم تا شرایط عملی برای یک کنسرت شامل آثار برتر موسیقی فیلم‌های ایرانی را فراهم کنم. این کنسرت هم برای شنوندگان ایرانی و هم غیرایرانی روی صحنه خواهد رفت. دوست دارم که این کنسرت شامل آثار موسیقی فیلم از جمله آثار مجید انتظامی باشد. این پروژه‌ی بزرگی است و به بودجه بالا و پشتیبان مالی نیاز دارد. در صورت تحقق، این برنامه دو نیمه خواهد داشت. نیمه‌ی اول شامل موسیقی قبل از انقلاب و نیمه دوم در برگیرنده‌ی موسیقی فیلم بعد از انقلاب خواهد بود. کنار هم گذاشتن این دو دوره‌ی موسیقی فیلم ایرانی، امکان مقایسه بین آنها و در نتیجه کسب شناخت بیشتر از روند تکاملی موسیقی فیلم ایرانی را به دست می‌دهد. یکی از مشکلات این پروژه یافتن ثن‌های این آثار است. پشتیبان مالی چنین پروژه‌ای هم خیلی نباید به دنبال نفع مالی این کنسرت باشد بلکه بیشتر بخواهد خدمت فرهنگی کرده باشد.

از نظر آهنگساز مورد علاقه هم باید بگویم که چند آهنگساز را بطور خاص در نظر ندارم. در کنسرت‌هایی که تا حال داشته‌ام از آثار موسیقی بسیاری از آهنگسازان که در خورشوندگان و افتخارکننده باشد اجرا کرده‌ام. در کنسرت‌هایی که داشتیم هم آثار موسیقی کلاسیک را اجرا کردیم و هم از موسیقی فیلم و موسیقی راک که تنظیم ارکسترال آنها را خودم انجام داده‌ام. هر اثری را که با ارکستر نوای زیبا و تاثیرگذاری داشته باشد در کنسرت‌ها استفاده کرده‌ایم.

● در کدام شهرها و تالارها کنسرت داشته‌اید؟

اکثراً در لندن و در تالارهای مختلف و نیز در کلیساها بوده است. بیشتر کنسرت‌های ما در تالار معروف «سن جان اسمیت سکور» St John Smith Square بوده. در این تالار

● «از زمانی که موسیقی را شروع کردم همیشه می‌خواستم موزیسینی باشم که تا آخر عمر کارم همین موسیقی باشد.»
● «من بسیار علاقمند به موسیقی فیلم‌های ایرانی قبل و بعد از انقلاب هستم. چند سالی هم هست که به دنبال این هستم تا شرایط عملی برای یک کنسرت شامل آثار برتر موسیقی فیلم‌های ایرانی را فراهم کنم.»
● «انقلاب مهسا انگیزه‌ای شد که قطعه‌ای برای آن درست کردم که چند متخصص حرفه‌ای هم با من در این زمینه همکاری کرده‌اند. یک کار جدید هم برای چشم‌هایی که کور شدند تنظیم کردم که به زودی اجرا و ضبط خواهد شد.»

مهرداد فرید موزیسین، رهبر ارکستر و آهنگساز تحصیلات موسیقی خود را از کنسرواتوار تهران در رشته آهنگسازی شروع کرده و پس از گرفتن مدرک، موسیقی را در رشته نوازندگی ساز ابوا در دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی و تحت نظر مجید انتظامی و فرشید حفطی‌فرد دنبال کرد. رشته‌ی موسیقی در این دانشگاه صرفاً برای یک دوره محدود بوده و خیلی زود تعطیل شد. فرید حدود ۱۴ سال پیش برای ادامه تحصیلات به بریتانیا آمد و تحصیلات خود را در زمینه‌ی آهنگسازی و رسانه در مقطع فوق لیسانس تمام کرد و به فعالیت مشغول شد.

● آقای فرید، از کی متوجه شدید که می‌خواهید موسیقی را به عنوان حرفه خود انتخاب کنید؟

از زمانی که موسیقی را شروع کردم همیشه می‌خواستم موزیسینی باشم که تا آخر عمر کارم همین موسیقی باشد. از ۱۰ و ۱۱ سالگی نواختن سنتور را شروع کردم، زیرا مادرم این ساز را بسیار دوست داشت، ولی آموختن این ساز را ادامه ندادم. در ۱۵ سالگی با تصمیم و انتخاب خودم گیتار کلاسیک را به عنوان ساز اصلی خودم برگزیدم. از همان زمان با چشم‌انداز موزیسین حرفه‌ای شدن در آینده، آموختن موسیقی را ادامه دادم. در واقع در این زمینه علاقه دیگری در خودم نمی‌شناسم. آموختن گیتار را پیش سهیل نفیسی که در ایران سرشناس است شروع کرده و ادامه دادم. او برای خودش یک خنیاگر است.

● آیا موسیقی ایرانی در آثار شما تاثیر و نشانی دارد؟

جواب سؤال شما دو بخش دارد. من موسیقی ایرانی را خوب نمی‌شناسم زیرا تحصیلات آکادمیک من در زمینه‌ی موسیقی غربی بوده، اما روح موسیقی ایرانی و کشش نسبت به آن همیشه در آثار من وجود دارد. در اکثر کارهای من یک ساز ایرانی حضور دارد و در برخی کارهایم از قواعد موسیقی ایرانی بهره برده‌ام. به هر حال در وجود موسیقی ایرانی موج می‌زند ولی خودم تخصص بالایی در زمینه موسیقی ایرانی ندارم.

● بعد از اتمام تحصیلات موسیقی چه کردید؟

رشته‌ای که من تمام کردم آهنگسازی فیلم و مדיاست. در محافل ایرانی هم برای تعدادی پروژه از جمله یک فیلم مستند با عنوان «پهمن» که از تلویزیون «ایران اینترنشنال» پخش شد موسیقی ساخته‌ام.

بعد از اتمام تحصیلاتم در دانشگاه هردفورشایر (Hertfordshire) شروع به کار کردم و ارکستر سمفونیک تشکیل دادم. از سال ۲۰۱۱ تا پاندمی کرونا چندین کنسرت با همین ارکستر داشتیم که متأسفانه کرونا نقطه پایانی بر قصه‌ی

ما یکبار با گیتاریست معروف ایرانی، خانم لیلی افشار، که از آمریکا آمده بود، کنسرتی گیتار معروف رودریگو، آهنگساز سرشناس اسپانیولی را که «کنسرتو آرانخوز» نیز نامیده می‌شود اجرا کردیم.

● آیا رویدادهای کنونی ایران در کارهای شما تاثیر دارد؟ و یا در ارتباط با این رویدادها نیز کار کرده‌اید؟

با اینکه ۱۴ سال است ایران را ترک کرده‌ام ولی نسبت به وضعیت ایران بسیار حساس هستم و نمی‌توانم نسبت به سرنوشت آن بی‌تفاوت باشم و هیچوقت احساس نمی‌کنم که پیوندم با ایران قطع شده. فریادها و فغان‌هایی که از ایران به گوش می‌رسد برایم بسیار دردناک هستند. با ایران درگیر هستم و مسائل آنرا به شدت دنبال می‌کنم و کاری که از دستم بر می‌آید برایش انجام می‌دهم. حرف‌های لازم را می‌زنم و سعی می‌کنم که نقش کوچک مثبتی در این میان ایفا کنم. دو سال تمام وقت گذاشتم و کتابی در زمینه رهبری ارکستر را ترجمه و تنظیم کردم در حالی که برای من انتشار آن درآمد ناچیزی داشت یعنی فقط برای اینکه کمکی به آموزش موسیقی در ایران کرده باشم این کتاب را ترجمه کردم. انقلاب مهسا هم انگیزه‌ای شد که قطعه‌ای برای آن درست کردم که چند متخصص حرفه‌ای هم با من در این زمینه همکاری کرده‌اند.

یک کار جدید هم برای چشم‌هایی که کور شدند تنظیم کردم که به زودی اجرا و ضبط خواهد شد. تعهد سیاسی و اجتماعی هنرمند برای من بسیار اهمیت دارد. هنرمندان بخشی از جامعه هستند و همه‌ی ما سوار یک کشتی هستیم یعنی هنرمندان مستثنا نیستند. تازه هنرمندان به عنوان انسان‌های حساس بیشتر از این مسائل و رویدادها متأثر می‌شوند. شما نگاه کنید به وضعیت جاری در ایران که پیشرفت هنر و هنرمند برای این رژیم آخرین اهمیت را دارد. یعنی شما در یک فضای سالم و پویا و راحت نمی‌توانید در ایران کار کنید تا هنر پیشرفت کند و متعالی شود. در نتیجه هنرمندان جز گروه‌هایی هستند که بیشترین تاثیر را از وضعیت موجود می‌پذیرند.

۷۷۵ میلیون یورو هزینه لیگ فوتبال عربستان؛ در تهران مسئولان لنگ تعمیرات توالت و سکوهای استادیوم اند



دیدار محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ / عکس: رویترز

گرفت. دارایی صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان در حال حاضر ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. پدرو گونزالس تحلیلگر ورزشی می‌گوید رقم‌هایی که در لیگ فوتبال عربستان جابجا می‌شود گیج‌کننده است اما با اینکه فوتبال پرطرفدارترین ورزش جهان است، تنها ورزشی نیست که محمد بن سلمان مشغول آن شده و برای برگزاری مسابقات اتومبیلرانی فرمول یک، تنیس و گلف نیز سرمایه‌گذاری شده است.

وی معتقد است روندی که عربستان در پیش گرفته فقط یک موضوع ورزشی نیست بلکه یک استراتژی سیاسی است که توسط شاهزاده محمد بن سلمان طراحی شده و می‌خواهد بر اساس «سند چشم‌انداز توسعه عربستان ۲۰۳۰» کشورش تبدیل به یک قدرت بین‌المللی شود.

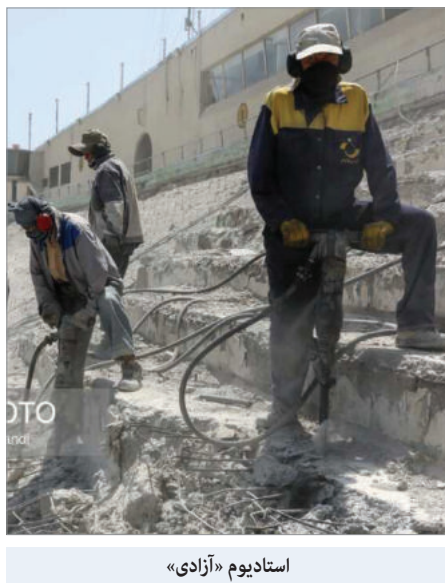
بهره‌گرفت از «ورزش» به عنوان راهبردی برای توسعه اقتصادی و مراودات مؤثر سیاسی الگویی است که ایران در دوران شاهنشاهی به کار گرفته بود. بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ هفتمین دوره بازی‌های آسیایی بود که در آن سال در تهران برگزار شد. این برای نخستین بار بود که بازی‌های آسیایی در خاورمیانه برگزار می‌شد. مجموعه ورزشی «آریامهر» و استادیوم «فرح» (تختی) نیز میزبان این رقابت‌ها بودند.

اکنون نیز پس از نزدیک به نیم قرن، تنها استادیوم تهران که ظرفیت میزبانی از رقابت‌های بین‌المللی و لیگ فوتبال را دارد استادیوم «آریامهر» است اما مسئولان لنگ تعمیرات توالت و سکوهای آن هستند و بازسازی کامل آن ۱۴۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌خواهد. استادیومی که چهار دهه به حال خود رها شد.

لیگ فوتبال ایران سراسر مشکل است. اغلب تیم‌ها با بحران مالی و سوء مدیریت روبرو هستند و فراتر از آن، فوتبال برای حکومت به یک تهدید امنیتی تبدیل شده است: استادیوم‌ها سال‌هاست پیش از مسابقات و حین مسابقات و پس از آن کانون اعتراض علیه نظام هستند.

در تاریخ فوتبال جهان، یک لیگ غیراروپایی در فهرست پُر هزینه‌ترین لیگ‌های دنیا قرار گرفته است. ستاره‌هایی که به فوتبال عربستان آمده‌اند در تیم‌های النصر، الهلال، الاهلی و الاتحاد بازی می‌کنند.

کریستیانو رونالدو، نیمار و بنزما سرشناس‌ترین خریدهای



استادیوم «آزادی»

تابستانی عربستان به شمار می‌روند. اما فقط این نیست و سعودی‌ها در دو ماه گذشته بیش از ۳۰ فوتبالیست سرشناس دنیا را با هزینه‌های نجومی به این کشور منتقل کرده‌اند.

۷۵ درصد از سهم چهار باشگاه عربستان به صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) واگذار شده است. این صندوق که ریاست آن با محمد بن سلمان است دو سال پیش کنترل باشگاه انگلیسی نیوکاسل یونایتد را بر عهده

● شیوا قاسمی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی ۳۰ مرداد به خبرنگاری ایرنا گفت «سعودی‌ها که قصد کسب میزبانی جام جهانی را دارند، از ایران تقاضا کرده‌اند که در اینبار به ریاض کمک کند و در نشست‌های بین‌المللی به نفع عربستان رأی دهد».

● عربستان سرمایه‌گذاری‌های عظیم عمرانی کرده و قصد دارد میزبان مسابقات جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۳۴ باشد و بعید است با پولی که در فوتبال خرج می‌کند برای گرفتن میزبانی نیازمند حمایت‌های جمهوری اسلامی باشد مگر در مورد مسائل امنیتی و تهدیدات احتمالی از سوی تهران!

● پدرو گونزالس تحلیلگر ورزشی می‌گوید رقم‌هایی که در لیگ فوتبال عربستان جابجا می‌شود گیج‌کننده است اما با اینکه فوتبال پرطرفدارترین ورزش جهان است، تنها ورزشی نیست که محمد بن سلمان مشغول آن شده و برای برگزاری مسابقات اتومبیلرانی فرمول یک، تنیس و گلف نیز سرمایه‌گذاری شده است.

یکی از اعضای هیئت رژیم که هفته گذشته به عربستان سعودی سفر کرده بود، گفت عربستان ظاهراً به جمهوری اسلامی برای گرفتن حمایت از نامزدی سعودی‌ها در جام جهانی نزدیک شده است.

شیوا قاسمی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی ۳۰ مرداد به خبرنگاری ایرنا گفت «سعودی‌ها که قصد کسب میزبانی جام جهانی را دارند، از ایران تقاضا کرده‌اند که در اینبار به ریاض کمک کند و در نشست‌های بین‌المللی به نفع عربستان رأی دهد».

عربستان سرمایه‌گذاری‌های عظیم عمرانی کرده و قصد دارد میزبان مسابقات جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۳۴ باشد و بعید است با پولی که در فوتبال خرج می‌کند برای گرفتن میزبانی نیازمند حمایت‌های جمهوری اسلامی باشد مگر در مورد مسائل امنیتی و تهدیدات احتمالی از سوی تهران!

خبرگزاری ایرنا نوشته در این مورد عربستان و جمهوری اسلامی به «تفاهم» رسیده‌اند. این ادعا هنوز توسط منابع سعودی تأیید نشده است. بر اساس گزارش‌ها، عربستان برای میزبانی مسابقات جام جهانی ۲۰۳۰ ابتدا پیشنهاد برگزاری مسابقات به صورت مشترک با مصر و یونان را مطرح کرد اما این پیشنهاد در در ژوئن پس گرفته شد. حتا مطرح شده بود بن سلمان ولیعهد عربستان پذیرفته که تمام هزینه‌های برگزاری مسابقات در یونان و مصر را به عهده بگیرد.

برگزاری مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر انگیزه سعودی‌ها را برای میزبانی مسابقات جام جهانی فوتبال بیشتر کرده است.

طی دهه‌های اخیر همیشه لیگ‌های برتر دنیا یعنی انگلیس، لالیگا، بوندس لیگا، سری آ و لیگ فرانسه پُرخرج‌ترین لیگ‌های دنیا بودند و گران‌ترین بازیکنان جذب تیم‌های حاضر در این پنج لیگ می‌شدند اما عربستان سعودی با ۷۷۵ میلیون یورو (تقریباً ۴۰ هزار میلیارد تومان) بعد از لیگ برتر انگلیس پُرخرج‌ترین لیگ دنیا شده است.

لیگ برتر انگلیس با هزینه بیش از دو میلیارد یورو همچنان گران‌ترین لیگ فوتبال دنیاست اما برای اولین بار

«بمب در جعبه شراب هواپیمای حامل پریگوژین؟!» مزدوران واگنر تهدید به انتقام کردند



آخرین ویدیو از پریگوژین که دو روز پیش از سقوط هواپیما در رسانه‌های خبری از وی منتشر شد

● جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید از شنیدن خبر مرگ یوگنی پریگوژین فرمانده گروه «واگنر» غافلگیر نشده است.

● ویدئوهایی از فرماندهان و نیروهای واگنر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد سوگوار رهبرشان هستند. برخی دیگر از آنها اعلام کرده‌اند که آماده انتقام می‌شوند.

● گفته می‌شود دولت بلاروس اینترنت مناطق را که اعضای گروه واگنر در آنجا مستقرند قطع کرده است.

● افسر سابق اطلاعاتی بریتانیا می‌گوید احتمالاً در هواپیمایی که پریگوژین سرنشین آن بود بمبی در یک جعبه شراب جاسازی شده بود.

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید از شنیدن خبر مرگ یوگنی پریگوژین فرمانده گروه «واگنر» غافلگیر نشده است.

او با بیان اینکه «اطلاعات کافی هنوز درباره سقوط هواپیمای پریگوژین در روسیه ندارد» تأکید کرد کمتر اتفاقی در روسیه می‌افتد، بدون آنکه ولادیمیر پوتین پشت آن باشد. مقامات دولتی روسیه هرگونه دخالت در سقوط هواپیمایی را که گفته می‌شود رئیس مزدوران واگنر سرنشین آن بود رد می‌کنند اما در یک اقدام مشکوک سرگئی سوروویکین ملقب به «ژنرال آرماگدون» از سمت فرماندهی نیروی هوایی روسیه برکنار شد.

برخی منابع غیررسمی مدعی شدند اوکراین پشت این سقوط قرار دارد اما ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین گفته ما هیچ ارتباطی با مرگ مشکوک پریگوژین نداریم. کارشناسان نظامی بر اساس شواهد احتمال داده‌اند هواپیما پیش از سقوط توسط پدافند هدف قرار گرفته است.

مزدوران «واگنر» مستقر در بلاروس ساعاتی بعد از خبر کشته شدن یوگنی پریگوژین در سانحه هوایی تهدید به انتقام کردند.

ویدئوهایی از فرماندهان و نیروهای واگنر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد سوگوار رهبرشان هستند. برخی دیگر از آنها اعلام کرده‌اند که آماده انتقام می‌شوند.

نظرسنجی دیگری از «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی»: مدافع چه هستیم؟!

● این مؤسسه علمی مستقر در آمریکا از همه ایرانیان بدون استثناء و صرف نظر از اینکه طرفدار کدام نظام و چه جریانی هستند، دعوت کرده در این نظرسنجی شرکت کنند تا شاید بتوانند دست‌کم برآوردی از نیروی خود داشته باشند.

● این نظرسنجی که از روز ۱۸ اوت آغاز شده، در پایان روز ۲۵ اوت بسته خواهد شد.

● «ما می‌خواهیم مردم ایران را برای بیان دیدگاه‌های خود در طیف گسترده‌ای که هستند توانمند کنیم و بتوانیم دیدگاه‌های همه را به همگان نشان دهیم. به همین دلیل مشارکت حداکثری را تشویق می‌کنیم تا بتوانیم تصویری واقعی از اوضاع امروز ایران داشته باشیم.»

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) از روز ۱۸ اوت (۲۷ ارداد) نظرسنجی دیگری را در دسترس همه قرار داده است. ایرانیان از هر فکر و عقیده‌ای که هستند در داخل و خارج می‌توانند در آن شرکت کنند تا تصویری نسبی از آنچه به دست بیاورند که جامعه ایران به دنبال آن است. از همین رو این مؤسسه علمی مستقر در آمریکا از همه ایرانیان بدون استثناء و صرف نظر از اینکه طرفدار کدام نظام و چه جریانی هستند، دعوت کرده در این نظرسنجی شرکت کنند تا شاید بتوانند دست‌کم برآوردی از نیروی خود داشته باشند.

«ارفی» در اینستاگرام نیز به «همه حامیان مشروع و مشروطه» فراخوان داده و به آنها تأکید کرده: «صدای شما مهم است و ما می‌خواهیم آن را با صدای بلند و واضح بشنویم.» پس «در نظرسنجی ما شرکت کنید تا به ما در درک بهتر دیدگاه‌های متنوعی که ملت ما را شکل می‌دهند کمک کنید. بینش شما در ساختن تصویری کامل از جامعه ما بسیار مهم است.»

تنظیم‌کنندگان این نظرسنجی همچنین با نام بردن از چندین شخصیت و چهره و افراد سیاسی و مدنی که ممکن است مخاطبان هواداران آنها باشند نوشته‌اند:

«آیا می‌خواهید «تمدن بزرگ» محمدرضا شاه پهلوی را درک کنید؟

آیا از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنید؟

آیا شما از پیروان وفادار علی خامنه‌ای هستید؟

آیا از مریم رجوی حمایت می‌کنید؟

آیا شما اصلاح‌طلب یا اصولگرایید هستید؟

جانان فدای رهبر انقلاب و خاندانش؟

آیا اولویت شما اتحاد ملی است؟

آیا براندازید؟

آیا خواستار بازگشت نظام پادشاهی مشروطه هستید؟

آیا شما ایران را دوست دارید؟...»

پس «برای آزادی و علیه تبعیض زنان ایرانزمین، برای برابری، برای خنده، برای زن زندگی آزادی در نظرسنجی ما شرکت کنید!»

این مؤسسه همچنین از نهادهای نظامی و

گفته می‌شود دولت بلاروس اینترنت مناطق را که اعضای گروه واگنر در آنجا مستقرند قطع کرده است.

هواپیمایی که نام رهبر گروه واگنر در فهرست سرنشینان آن بود چهارشنبه اول شهریور در حوالی مسکو سقوط کرد و ۱۰ سرنشین آن که سه نفرشان خدمه بودند کشته شدند. علت این حادثه هنوز مشخص نیست اما گفته می‌شود پدافند ارتش روسیه این هواپیما را هدف قرار داده است.

هرچند سازمان هوانوردی روسیه تأیید کرده پریگوژین در لیست سرنشینان این هواپیما بوده اما منابع رسمی از تأیید نهایی اینکه وی کشته شده است تا کنون خودداری کرده‌اند. همچنین گفته شد دیمیتری اوتکین یکی از نیروهای ویژه اطلاعات نظامی سابق روسیه و از فرماندهان ارشد «واگنر» نیز در این پرواز بود.

افسر سابق اطلاعاتی بریتانیا می‌گوید احتمالاً در هواپیمایی که پریگوژین سرنشین آن بود بمبی در یک جعبه شراب جاسازی شده بود.

کریستوفر استیل افسر سابق اطلاعات بریتانیا به «اسکای نیوز» گفت: «یقیناً ترور وی اقدامی داخلی بود؛ به نظر می‌رسد بمبی در جعبه شراب کار گذاشته باشند. این یک نوع پایان پرکنایه برای آشپز سابق پوتین است.»

چند روز قبل از سقوط هواپیما که گفته می‌شود پریگوژین در آن کشته شد، رئیس واگنر سفری فوری به کشور مالی داشته است، جایی که گروه وی در حمایت از نیروهای دولتی علیه گروه‌های جهادی فعالیت می‌کند.

در یک سال گذشته شمار زیادی از منتقدان سرشناس پوتین از جمله راولی ماگانوف مدیرعامل غول نفتی «لوک اویل»، پاول آنتوف نماینده مجلس و دن راپوپورت که یک تاجر بود در گوشه و کنار دنیا سر به نیست شدند.

یوگنی پریگوژین دو ماه پیش به دنبال آن بود که سرگئی شویگو وزیر دفاع و والری گراسیموف رئیس ستاد کل ارتش روسیه را از سمت‌های‌شان برکنار کند. وی با نیروهایش دست به شورش زد و به سمت مسکو لشکر کشید که یک روز بیشتر به طول نیاچامید. با وساطت الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس به ظاهر اوضاع آرام شد اما همان موقع پوتین گفت که پریگوژین خیانت کرده است.

وعده فرمانده نیروی زمینی ارتش روسیه برای ارتقاء همکاری با ارتش جمهوری اسلامی!



فرماندهان نیروی زمینی روسیه و جمهوری اسلامی در مسکو

گرفتند به تقویت همکاری بین نیروهای زمینی دو کشور در زمینه‌های مختلف ادامه دهند» هرچند هیچکدام از آنها تصمیم‌گیرنده نیستند و علی‌خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین برای هر دو تعیین تکلیف می‌کنند.

تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش همکاری‌های نظامی با روسیه در حالیست که روس‌ها بجز مواردی که خودشان نیاز داشته باشند تقریباً هیچ همکاری با تهران ندارند. آخرین نمونه آن عدم ارائه جنگنده‌های سوخو-۳۵ به جمهوری اسلامی است اما صدها پهپاد انتحاری برای جنگ علیه اوکراین تحویل گرفت.

کلاشینکف، آرپی‌جی و تانک‌های «تی-۷۲» سلاح‌هایی هستند ساخت شوروی که در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی استفاده می‌شوند اما به خریدهای قبل از انقلاب ۵۷ تعلق دارند. با وجود اینکه مقامات جمهوری اسلامی روسیه را شریک استراتژیک خود می‌دانند اما آنها در اغلب موارد حتی از ارائه لوازم یدکی استوک نیز به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی خودداری می‌کنند.

منابع غیررسمی می‌گویند سفر حیدری به روسیه در داخل نیروی زمینی ارتش واکنش‌های مختلفی در پی داشته است. در سطح فرماندهی نیروی زمینی ارتش بعد از انقلاب اسلامی کمتر کسی به اندازه کیومرث حیدری روی شیعه‌گری و «ولایت‌مداری» اصرار داشت. وی معتقد بود جمهوری اسلامی با شعار «نه شرقی نه غربی» دنیا را به چالش کشید ولی حالا با لبخند کنار همتای روسی خود جلوی دیواری عکس انداخت که بر آن تصویر «داس و چکش» کمونیست‌ها نقش بسته است.

وی تنها فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی است که اعتراف کرد یگان‌های تحت امر خود را برای سرکوب اعتراضات مردمی فرستاد.

● تهران تایمز می‌نویسد «حیدری و سالیوکوف تصمیم گرفتند به تقویت همکاری بین نیروهای زمینی دو کشور در زمینه‌های مختلف ادامه دهند» هرچند هیچکدام از آنها تصمیم‌گیرنده نیستند و علی‌خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین برای هر دو تعیین تکلیف می‌کنند.

● تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش همکاری‌های نظامی با روسیه در حالیست که روس‌ها بجز مواردی که خودشان نیاز داشته باشند تقریباً هیچ همکاری با تهران ندارند. آخرین نمونه آن عدم ارائه جنگنده‌های سوخو-۳۵ به جمهوری اسلامی است اما صدها پهپاد انتحاری برای جنگ علیه اوکراین تحویل گرفت.

کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده است روز چهارشنبه اول شهریور با اولگ سالیوکوف فرمانده نیروی زمینی ارتش روسیه دیدار کرد.

به گزارش «تهران تایمز» حیدری در این دیدار اعلام کرد که نیروی زمینی ارتش برای افزایش همکاری‌های نظامی با روسیه آمادگی دارد.

ژنرال روسی نیز به نوبه خود اظهار داشت که ایران یکی از کشورهای اصلی غرب آسیا و متحد «استراتژیک» مسکو است.

سالیوکوف خاطرنشان کرد: «روسیه و ایران اکنون درگیر مذاکرات سیاسی گسترده با هدف تقویت روابط بهتر هستند»

دو فرمانده در مورد همکاری نظامی با هدف اجرای طرح‌هایی برای تقویت آمادگی رزمی نیروهای مسلح روسیه و ایران گفتگو کردند.

تهران تایمز می‌نویسد «حیدری و سالیوکوف تصمیم

انتظامی و پرسنل ارتش نیز خواسته تا بدون هراس از ردگیری‌های امنیتی با شرکت در این نظرسنجی از آنچه اعتقاد دارند بگویند.

«ارفی» با تأکید بر اینکه یک مؤسسه مستقل و متشکل از «اساتید دانشگاه، پژوهشگران اقتصادی و کارشناسان اجتماعی مستقل» است و به هیچ نهاد دولتی یا غیردولتی وابسته نیست می‌گوید که شرکت‌کنندگان در نهایت با اعلام «بینش» خود در این نظرسنجی، «وفاداری خود را به مشروعه یا مشروطه» ثابت می‌کنند.

این مؤسسه پژوهشی همچنین با تأکید بر اینکه «بینش شما در ساختن تصویری کامل از جامعه ما بسیار مهم است» به مخاطبان توصیه می‌کند: «بباید دور هم جمع شویم و مطمئن شویم که هر دیدگاهی [در این نظرسنجی] نشان داده شده است. به گفتگو بپیوندید و بخشی از تغییر باشید!»

نظرسنجی جدید شامل ۲۱ پرسش است و حداکثر ۵ دقیقه از وقت شرکت‌کنندگان را برای پاسخ دادن می‌گیرد. نوشتن هیچگونه اطلاعات شخصی لازم نیست و نظرسنجی کاملاً ناشناس صورت می‌گیرد و اطلاعات آن قابل ردیابی نیست. چهار پرسش رایج در همه نظرسنجی‌ها شامل جنسیت و سن و میزان تحصیلات و محل کلی سکونت (داخل/ خارج یا شهری/ روستایی) جهت ارزیابی‌های کلی همواره مطرح می‌شود. پرسش‌های این نظرسنجی در ارتباط با مقبولیت جمهوری اسلامی و اصلاح آن، شکل حکومت آینده، تمایلات سیاسی، فعالان سیاسی و مدنی، اولویت‌های شرکت‌کنندگان، گروه‌های مخالف رژیم، رسانه‌های همگانی و پشتیبانی از اعتراضات و انگیزه برای شرکت در آن و... تنظیم شده است.

در اطلاعیه مطبوعاتی که «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» منتشر کرده است از قول دکتر تقی آل رضا مدیر این مؤسسه آمده است: «این نظرسنجی پیشگامانه بینش بی‌سابقه‌ای را در مورد افکار عمومی در سراسر مناطق ایران ارائه می‌کند. با درگیر کردن مستقیم مردم از همه اقشار، ما یک فشارسنج واقعی از نگرش‌های سیاسی و اجتماعی به دست خواهیم آورد که چه بسا پیشتر وجود نداشته است.» دکتر هوشنگ لاهوتی دانشمند ارشد «ارفی» نیز توضیح می‌دهد: «درک مردم ایران بسیار مهم اما پیچیده است. نظرسنجی ما با هدف پر کردن شکاف‌های کلیدی دانش و روشن کردن تنوع دیدگاه‌ها است. این تحقیق یک معیار اساسی برای ردیابی چگونگی تحول احساسات ایرانیان در مورد موضوعات کلیدی در طول زمان ایجاد می‌کند.»

در این اطلاعیه بار دیگر از شهروندان خواسته شده تا برای اینکه صدای خود را به گوش دیگران برسانند، در این نظرسنجی شرکت کنند. دکتر آل رضا تأکید می‌کند: «ما می‌خواهیم مردم ایران را برای بیان دیدگاه‌های خود در طیف گسترده‌ای که هستند توانمند کنیم و بتوانیم دیدگاه‌های همه را به همگان نشان دهیم. به همین دلیل مشارکت حداکثری را تشویق می‌کنیم تا بتوانیم تصویری واقعی از اوضاع امروز ایران داشته باشیم.»

«ارفی» در همین اطلاعیه اعلام کرده است که «نتایج نظرسنجی سراسری پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت عمومی منتشر خواهد شد. ما امیدواریم که یافته‌ها به اطلاع‌رسانی جهت گفتمان عمومی و تصمیمات سیاسی برای خدمت بهتر به مردم ایران کمک کند.» برای شرکت در نظرسنجی «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» لطفاً به این لینک مراجعه کنید. این نظرسنجی در پایان روز ۲۵ اوت ۲۰۲۳ بسته خواهد شد.

<https://erfi.questionpro.com/a/Take-Survey?tt=GgIKE4B3NPAEChrPeI->



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | در آستانه‌ی نخستین سالگرد جنبش ملی ایرانیان، ماشالله کرمی پدر محمدمهدی کرمی نیز مانند ده‌ها تن از اعضای خانواده‌های جانبختگان میهن دستگیر شد. جرم: فرزندش توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده است!